



محمد حسين فلاح زاده

السيد الخليل

تقدیم بہ:

پیشگاہ مقدس حضرت بقیۃ اللہ الأعظم عندک اللہ تعالیٰ  
ورحمة الشرف

الحمد لله رب العالمین والصلوة والسلام علی محمد وآل محمد الطیبین الطاهرین  
الطاهرین الطیبین الطاهرین

یوسف آیہ ۸۸



# ترجم احکام



دفتر مطالعات پژوهشی  
و ارتباطات حوزوی

آدرس: قم، ۴۵ متری آیت الله صدوقی رحمته الله علیه،  
۲۰ متری حضرت ابوالفضل علیه السلام، پلاک ۱۰۳  
تلفن: ۰۲۵-۳۲۹۲۳۸۳۶  
دورنگار: ۰۲۵-۳۲۹۲۳۸۳۷  
نشانی اینترنتی: [masjedpajoh.ir](http://masjedpajoh.ir)  
[masjed.ir](http://masjed.ir)

## عنوان کتاب: ترجم احکام

(ویژه امام جماعت مسجد)

تهیه: دفتر مطالعات، پژوهش‌ها و ارتباطات حوزوی

مرکز رسیدگی به امور مساجد

نویسنده: محمدحسین فلاح زاده

طرح جلد: حسن مهدی پور

ناشر: دفتر مطالعات، پژوهش‌ها و ارتباطات حوزوی

مرکز رسیدگی به امور مساجد

نوبت چاپ: اول، اسفند ماه ۱۳۹۸

شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه

چاپ: زلال کوثر

۱۹	دیباچه
۲۳	سخن مؤلف
	<b>بخش اول: احکام شرعی</b>
	<b>تقلید</b>
۲۹	بقاء بر تقلید میّت
۳۰	اعمال بدون تقلید
۳۰	تفاوت احتیاط واجب و مستحب
۳۱	
	<b>وضو</b>
۳۲	شرایط وضو
۳۲	شرایط آب وضو
۳۲	شرایط وضو گیرنده
۳۳	شرایط اعضای وضو
۳۳	شرایط کیفیت وضو
۳۵	وضوی ترتیبی
۳۵	شستن
۳۶	مسح

۳۸	وضوی ارتماسی
۳۹	وضوی جبیره
۴۰	هدف از وضو
۴۰	شرط صحت عمل
۴۱	شرط کمال عمل
۴۱	شرط رفع کراهت
۴۱	شرط جواز عمل
۴۲	لمس قرآن و اسماء مقدسه
۴۴	روش محواسماء مقدسه
۴۴	شکلیات وضو
۴۵	مُبطلات وضو
۴۶	احکام وضو
۴۶	آداب وضو

## غسل

۴۷	غسل ترتیبی
۴۷	غسل ارتماسی
۴۸	شرایط غسل
۴۸	غسل جبیره
۴۹	احکام غسل
۴۹	غسل جنابت
۵۰	غسل مَسِّ مِیْت
۵۱	

## تیمم

۵۲	کیفیت تیمم
۵۲	احکام تیمم
۵۴	

## نجاسات

۵۵	خون
۵۵	اجزای مردار
۵۶	اشیاء چرمی
۵۷	نجس شدن شیء پاک
۵۸	شک در نجس شدن
۵۸	

۶۰ فرآورده‌های لبنی

۶۰ شراب و الکل

۶۱ **مُطَهَّرَات**

۶۱ آب

۶۱ آب مضاف

۶۱ آب مطلق

۶۲ آب قلیل

۶۳ آب باران

۶۴ شک در طهارت آب

۶۴ کیفیت تطهیر با آب

۶۶ زمین

۶۷ آفتاب

۶۸ برطرف شدن عین نجس

۶۹ **نماز**

۶۹ اوقات نماز

۷۰ وقت فضیلت نمازهای یومیّه

۷۱ لباس نمازگزار

۷۳ قبله

۷۵ مکان نمازگزار

۷۵ نماز در مکان غضبی

۷۶ نماز در مکان متحرک

۷۷ احکام مکان نمازگزار

۷۸ مکان‌های مکروه برای خواندن نماز

۷۹ مسجد

۸۱ اذان و اقامه

۸۲ واجبات نماز

۸۳ نیت نماز

۸۴ عدم صحت عدول از نیت

۸۵ تکبیرة الإحرام

۸۶ قیام

۸۷ وظیفه عاجز از قیام



۸۸	قرائت نماز
۸۹	جهرو اخفات
۹۰	اشتباه در قرائت
۹۱	مستحبات قرائت
۹۲	رکوع
۹۴	فراموش کردن رکوع
۹۴	سجده
۹۵	واجبات سجده
۹۸	مساوی بودن مواضع سجده
۹۸	وظیفه عاجز از سجده
۹۹	سجده تلاوت
۱۰۰	تشهد
۱۰۱	سلام
۱۰۱	ترتیب
۱۰۲	موالات
۱۰۲	قنوت
۱۰۴	شک در نماز
۱۰۴	شک در اجزاء
۱۰۵	شک در رکعات
۱۱۰	کثیر الشک
۱۱۱	شک در اصل نماز
۱۱۱	شک امام و مأوم
۱۱۱	سجده سهو
۱۱۳	فراموشی اجزای نماز
۱۱۴	مُبطلات نماز
۱۱۴	سخن گفتن
۱۱۵	خندیدن و گریستن
۱۱۵	رو از قبله برگرداندن
۱۱۶	برهم زدن صورت نماز
۱۱۷	مکروهات نماز
۱۱۷	نماز مسافر
۱۲۰	قضای نماز

۱۲۲	قضای نماز و روزه پدر و مادر
۱۲۴	نماز جماعت
۱۲۴	اهمیت نماز جماعت
۱۲۵	شرایط نماز جماعت
۱۲۵	قرائت حمد و سوره مأموم
۱۲۶	تبعیت از امام جماعت
۱۲۶	اقتدا به هنگام رکوع امام جماعت
۱۲۷	احکام نماز جماعت
۱۲۸	آداب نماز جماعت
۱۲۸	نماز جمعه
۱۲۹	نماز آیات
۱۳۲	نوافل یومیته

## روزه

۱۳۳	روزه‌های واجب
۱۳۴	روزه‌های حرام
۱۳۴	روزه‌های مکروه
۱۳۵	نیت روزه
۱۳۵	زمان نیت روزه
۱۳۶	عدم صحت روزه مستحبی با وجود روزه واجب
۱۳۷	مُبطلات روزه
۱۳۷	خوردن و آشامیدن
۱۳۸	رساندن غبار غلیظ به حلق
۱۳۹	روزه قضا و کفاره
۱۴۰	موارد پرداخت یک مُد طعام
۱۴۱	احکام قضا و کفاره روزه
۱۴۲	روزه مسافر
۱۴۲	روزه مسافر در هنگام شروع سفر
۱۴۳	روزه مسافر در هنگام بازگشت از سفر
۱۴۳	راه‌های ثابت شدن اول ماه

## اعتکاف

۱۴۵	نیت اعتکاف
-----	------------

۱۴۶	مدّت اعتکاف
۱۴۷	زمان و مکان اعتکاف
۱۴۸	موارد جواز خروج مُعْتَكِف از مسجد
۱۴۸	وظیفه معتکف هنگام خروج از مسجد
۱۴۹	روزه اعتکاف
۱۵۰	محرمات اعتکاف
۱۵۰	مبطلات اعتکاف

## زکات

۱۵۱	زکات اموال
۱۵۳	زکات فطره
۱۵۶	مصارف زکات

## خمس

۱۵۷	سال خمسی
۱۵۸	احکام خمس
۱۶۰	پیامدهای خمس ندادن
۱۶۱	مصارف خمس

## حج

۱۶۳	امر به معروف و نهی از منکر
۱۶۴	شرایط امر به معروف و نهی از منکر
۱۶۵	مراتب امر به معروف و نهی از منکر

## دفاع

۱۶۸	خرید و فروش
۱۶۸	خرید و فروش حرام
۱۷۰	شرایط خریدار و فروشنده
۱۷۰	شرایط عوض و معوض
۱۷۱	معاملهٔ نسیه
۱۷۲	معاملهٔ سَلَف
۱۷۲	معاملهٔ ربوی

۱۷۳	خيارات
۱۷۶	بيع شرط
۱۷۶	آداب خريد و فروش
۱۷۷	مكروهات خريد و فروش
۱۷۷	اجاره
۱۸۰	قرض
۱۸۱	قرض ربوي
۱۸۲	رهن
۱۸۲	امانت
۱۸۳	عاريه
۱۸۴	شركت
۱۸۵	مضاربه
۱۸۷	نذر
۱۸۹	قسَم
۱۹۰	صدقه
۱۹۱	هيئه (بخشش)
۱۹۲	اشياء پيدا شده
۱۹۴	خوردني‌ها و آشاميدني‌ها
۱۹۵	پرندگان
۱۹۶	آبزيان
۱۹۶	احكام خوردن و آشاميدن
۱۹۷	غذا خوردن بدون اجازه صاحب خانه
۱۹۸	محرم و نامحرم
۱۹۹	محارم نسبي

۲۰۰	محارم سببی
۲۰۱	محارم رضاعی
۲۰۲	احکام لمس و نظر
۲۰۳	پوشش
۲۰۴	<b>غیبت</b>
۲۰۴	<b>رشوه</b>
۲۰۵	<b>قمار</b>
۲۰۵	<b>ضمان</b>
۲۰۶	پارک = پنجری
۲۰۷	<b>غصب</b>
۲۰۸	<b>فحش، لعن و ناسزا</b>
۲۰۸	<b>عبادات تمرینی کودکان</b>
۲۰۹	<b>حقوق</b>
۲۰۹	حقوق والدین
۲۱۰	صله ارحام
۲۱۱	حقوق همسایه
۲۱۲	سدّ معبر
۲۱۲	حق المازه
۲۱۳	حق اولویت
۲۱۳	راه ادای حق الناس مالی
۲۱۴	<b>نظام اسلامی</b>
۲۱۴	حفظ نظام اسلامی
۲۱۵	رعایت مقررات نظام اسلامی
۲۱۶	<b>محیط زیست</b>
۲۱۹	کشاورزی و درختکاری در اسلام
۲۱۹	<b>توبه</b>

## وصیّت

۲۲۰

## آداب

۲۲۲

آداب لباس

۲۲۲

آداب انگشتری

۲۲۳

آداب مسکن

۲۲۳

آداب خانه‌داری

۲۲۴

آداب خواب

۲۲۴

آداب نظافت

۲۲۵

آداب دعا

۲۲۶

آداب معاشرت

۲۲۷

سلام کردن

۲۲۸

آداب مُجالست

۲۲۹

آداب ولادت فرزند

۲۲۹

نامگذاری

۲۳۰

ولیمه

۲۳۰

عقیقه

۲۳۱

مصرف عقیقه

۲۳۱

آداب سفر

۲۳۲

آداب مجالس شادی

۲۳۳

پذیرایی از خانواده داغ‌دیده

۲۳۳

آداب خوردن و آشامیدن

۲۳۵

## احکام حسینی - ویژه ماه محرم

۲۳۵

احترام به نام امام حسین علیه السلام

۲۳۶

احترام به تصاویر منتسب به امام حسین علیه السلام

۲۳۶

حرم امام حسین علیه السلام

۲۳۶

نماز در حرم امام حسین علیه السلام

۲۳۸

احکام حرم امام حسین علیه السلام

۲۳۹

زیارت

۲۳۹

آداب زیارت

۲۴۰

ایام مخصوص زیارتی امام حسین علیه السلام

۲۴۱

احکام عزاداری امام حسین علیه السلام

۲۴۱	سفارش‌ها
۲۴۲	استفاده از ابزار موسیقی در عزاداری
۲۴۳	قمه زنی
۲۴۴	روزه در ایام ماه محرم
۲۴۴	نذر برای امام حسین <small>علیه السلام</small>
۲۴۵	وقف برای امام حسین <small>علیه السلام</small>

## بخش دوم: استفتائات حضرت آیت الله العظمی خامنه ای دامت برکاته

۲۴۹	طهارت و نجاست
۲۴۹	تطهیر موکت
۲۴۹	فضله پرنندگان
۲۴۹	فضله موش در برنج
۲۵۰	سرکه حرارت دیده
۲۵۰	الکل

۲۵۱	وضو
۲۵۱	استفاده از آب و برق بدون کنتور
۲۵۲	وضو و غسل با لاک
۲۵۲	وضو و غسل با ناخن مصنوعی
۲۵۳	کاشت ناخن مصنوعی
۲۵۳	جیبیره

۲۵۳	احکام مسجد
۲۵۳	پرهیز از کارهای خلاف شأن و حرمت مسجد
۲۵۴	خراب کردن مسجد
۲۵۴	پرهیز از عمل نکردن به کیفیت وقف مسجد
۲۵۵	احکام وقف مسجد
۲۵۶	اموال مسجد
۲۵۷	متعلقات مسجد
۲۵۷	خرافه کوبیدن درب مسجد

۲۵۸	نماز
۲۵۸	اعراض از وطن

۲۵۸	تیره شدن مُهر
۲۵۸	نماز خواندن معذور
۲۵۹	نماز بر روی صندلی
۲۵۹	سجده در نماز بر روی صندلی
۲۵۹	قضای نماز در مدت بیهوشی
۲۶۰	ازدواج با بی نماز
۲۶۰	نماز با دستکش

### خمس

۲۶۰	خمس ندادن
۲۶۰	خمس قرض الحسنه مستأجر
۲۶۱	خمس وام
۲۶۱	خمس پاداش پایان خدمت
۲۶۱	خمس سهام عدالت
۲۶۱	خمس ودیعه حج
۲۶۲	خمس بیمه بیکاری

### احکام آرایش

۲۶۲	کاشت ناخن مصنوعی
۲۶۲	برداشتن ابرو
۲۶۲	استفاده بانوان از عطر
۲۶۳	کرم ضد آفتاب

### پوشش و عفاف

۲۶۳	پوشش در مقابل نامحرم
۲۶۳	پوشیدن لباس ضد فرهنگ اسلامی
۲۶۴	تحریک شهوت
۲۶۴	لمس و نظر

### وام و امور بانکی

۲۶۵	مصرف وام بانکی در غیر جهت تعیین شده
۲۶۵	فروش وام مسکن
۲۶۶	اعطای وام به شرط افتتاح حساب



۲۶۶	صندوق‌های قرض الحسنه خانگی
۲۶۶	حق عضویت و کارمزد صندوق قرض الحسنه
۲۶۷	سود سپرده بانکی
۲۶۸	فروش چک
۲۶۸	تورم و کاهش ارزش در قرض
۲۶۸	جبران افت ارزش پول
۲۶۹	پرداخت تورم توسط بدهکار

### تصرفات

۲۶۹	استفاده از پُلمپ آب
۲۶۹	استفاده از اینترنت دیگران بدون اجازه
۲۷۰	عدم تخلیه ملک پس از پایان اجاره
۲۷۰	اموال اعراض شده
۲۷۰	تصرفات جزئی
۲۷۱	استفاده از دفترچه بیمه دیگران
۲۷۱	حق چاپ و تألیف
۲۷۱	ضمان افت قیمت ماشین در صورت تصادف

### احکام خانواده

۲۷۲	هزینه نگهداری والدین
۲۷۲	نفقۀ تحصیل فرزندان
۲۷۲	إذن پدر در ازدواج دختر
۲۷۳	برگزاری مجالس عزاداری در منزل
۲۷۳	مصرف یارانه

### پزشکی

۲۷۳	وجوب کفایی درمان بیماران مُسری
۲۷۴	تشریح میت مسلمان و دفن اجزاء
۲۷۴	تشریح جسد برای تشخیص جرم
۲۷۵	اهداء اعضا بیمار مرگ مغزی
۲۷۶	اهداء اعضا بعد از مرگ و وصیت به آن
۲۷۶	تسریع در مرگ بیمار (اتانازی یا قتل از روی ترحم)
۲۷۷	سقط جنین (کورتاژ)

۲۷۷ سقط جنین

### چند مساله

۲۷۷ اعتکاف در منزل

۲۷۸ خواندن زیارت اربعین خارج از حرم

۲۷۸ غسل و کفن میت بیمار مُسری

۲۷۸ پودر ژلاتین

۲۷۹ دف زدن در جشن‌ها

۲۷۹ خرید کالای ایرانی

۲۸۰ جایزه مسابقه پیامکی

۲۸۰ خرید کالای اسرائیلی

۲۸۰ تهمت زدن به دیگران

۲۸۱ الزام آور بودن قرعه

۲۸۱ شبکه‌های اجتماعی

۲۸۱ چهارشنبه سوری

۲۸۱ استخاره

۲۸۲ احتکار

۲۸۳ برد و باخت در بازی

۲۸۳ ساخت و خرید و فروش طلا برای مردان

۲۸۳ انگشتر طلا برای مردان

۲۸۴ بازاریابی شبکه‌ای (هرمی)

۲۸۴ مشارکت کارگران در تولید جنس تقلبی

۲۸۵ پرداخت مالیات

۲۸۵ ثبت نام حج در صورت نگرانی از بیماری

۲۸۵ روزه ماه رمضان در هنگام شیوع بیماری

### ضمیمه

۲۸۹ شیوه‌ها و مهارت‌های بیان احکام

۲۹۰ الف: مقدمات بیان احکام

۲۹۴ ب: اصول و نکات مهم در بیان احکام

۲۹۹ ج: موارد ممنوع در بیان احکام

### قَالَ الْإِمَامُ الْحَسَنُ الْعَسْكَرِيُّ عليه السلام:

وَ حَضَرَتْ امْرَأَةً عِنْدَ الصِّدِّيقَةِ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ فَقَالَتْ: إِنَّ لِي  
وَالِدَةً ضَعِيفَةً وَقَدْ التَّبَسَّ عَلَيْهَا فِي أَمْرِ صَلَاتِهَا شَيْءٌ وَقَدْ بَعَثْتَنِي  
إِلَيْكَ أَسْأَلُكَ فَسَأَلْتُ فَأَجَابْتَهَا عَنْ ذَلِكَ، ثُمَّ ثَنَّنْتُ فَأَجَابْتَنِي ثُمَّ  
ثَلَّثْتُ إِلَيَّ أَنْ عَشَّرْتَنِي فَأَجَابْتَنِي، ثُمَّ خَجَلْتِ مِنَ الْكُفْرَةِ وَقَالَتْ: لَا  
أَشُقُّ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ، قَالَتْ فَاطِمَةُ: هَاتِي سَلِي عَمَّا بَدَأَ  
لَكَ، أَرَأَيْتِ مِنَ الَّذِي يَضَعُ يَوْمًا إِلَى سَطْحٍ يَحْمِلُ ثَقِيلًا وَكَرَاهًا مِائَةَ  
أَلْفِ دِينَارٍ أَيْثَقُلُ عَلَيْهِ؟ فَقَالَتْ: لَا، فَقَالَتْ: أَكْرَيْتُ أَنَا الْكُلَّ مِسْأَلَةً  
يَا كُفْرًا مَا بَيْنَ الثَّرَى إِلَى الْعَرْشِ لَوْلَوْأَ فَأَحْرَى أَنْ لَا يَثْقُلَ عَلَيَّ... .

زنی خدمت فاطمه زهرا عليها السلام رسید و عرض کرد: مادر ناتوانی دارم که درباره نمازش به مشکلی برخورد کرده است، از این رو مرا به سوی شما فرستاده است تا سوال او را پرسش نمایم.

فاطمه عليها السلام جواب سوال او را داد، مسئله دومی را سوال کرد و حضرت جواب او را داد، مسئله سوم، چهارم تا دهم را پرسید و حضرت جواب همه پرسش‌های او را داد. آنگاه آن زن از کثرت سوال‌ها، خجالت زده شد و عرض کرد بیش از این مزاحم نمی شوم ای دختر رسول خدا.

فاطمه عليها السلام فرمود: بیا و هر سوالی که داشتی پرس و من جواب خواهم داد، زیرا اگر کسی خود را مزد بگیر کسی کند که بار سنگینی را بر پشت بام حمل نماید و در برابر مبلغ هزار دینار اجرت گیرد آیا از حمل بار خسته می شود؟ زن گفت: نه خسته نمی شود (زیرا اجرت بسیار زیادی دریافت می کند).

فاطمه عليها السلام فرمود: من در برابر هر مسئله‌ای که پاسخ می‌دهم بیشتر از بین زمین و آسمان که پر از مروارید باشد پاداش می‌گیرم پس سزاوار است که هیچ در برابر جواب به سوال شما خسته نشوم.



## دیباچه

همه مکاتب مادی یا الهی، قوانین و مقرراتی دارند که به مجموع آن باید و نبایدها، در ادیان الهی، احکام یا شریعت می گویند. احکام اسلام، مجموعه‌ی دستورهایی است که از جانب خداوند متعال برای سعادت بشر در تمام ابعاد زندگی صادر شده است و انسان برای پیمودن راه سعادت، ناگزیر از عمل به این احکام آسمانی می‌باشد. قرآن کریم و حضرات معصومین علیهم‌السلام مومنین را به آموختن احکام دین ترغیب نموده‌اند و عدم آشنایی با احکام الهی را موجب بروز ضرر و خسران غیر قابل جبران دانسته‌اند. بر این اساس فراگیری احکام یکی از مهمترین واجبات دین مبین اسلام است.

ائمّه علیهم‌السلام در دوران حضور و امامتشان عهده‌دار بیان احکام الهی بودند، و به شاگردان خاص خویش اجازه و توصیه می‌فرمودند که پاسخگوی سؤالات مردم باشند<sup>۱</sup> و از سوی دیگر مردم را به ایشان ارجاع می‌دادند<sup>۲</sup>. با آغاز دوران غیبت صغری، این مهم بر عهده نواب اربعه

---

۱. معجم رجال الحدیث، ج ۱، ص ۱۴۴، حرف الف، مورد ۲۸، ابان بن تغلب: الإمام الباقر علیه‌السلام - لأبان

بن تغلب-: إجلس في مجلس المدینة و أفت الناس؛ فإني أجب أن یری في شیعتي مثلک .

۲. وسائل الشیعه، ج ۲۷، ص ۱۴۸، ح ۳۴، ابواب صفات القاضی، باب ۱۱، وجوب الرجوع فی القضاء و الفتوی: عبدالعزیز بن المهتدی می‌گوید: از امام رضا علیه‌السلام پرسیدم در هر زمانی ملاقات با شما برایم میسر نیست پس معالم دینم را از چه کسی فرا بگیرم؟ حضرت فرمودند: «از یونس بن عبد الرحمن پیاموز».

قرار گرفت و آنها در همه امور، از سوی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نیابت خاص داشتند. در شروع غیبت کبری، دستگاه نیابت خاص برچیده شد و مطابق توقیعی که در زمان جناب محمد بن عثمان رحمتهما الله در پاسخ به سوال اسحاق بن یعقوب صادر شده است مردم باید در دوره غیبت کبری به علما مراجعه نمایند<sup>۱</sup>. این توسط روایات دیگر نیز تقویت می‌گردد<sup>۲</sup>.

بر این اساس تکلیف مهم بیان احکام در این عصر برعهده شاگردان عام حضرات معصومین علیهم السلام می باشد، که مطابق آیه نذر<sup>۳</sup> زندگی خود را وقف آموختن علوم و معارف دین نموده و راویان احادیث اهل بیت علیهم السلام در میان مردم هستند؛ بخصوص کسانی که به عنوان امام جماعت در مراکز اصلی نشر فرهنگ و معارف اسلامی یعنی مساجد حضور دارند و از تربیون اسلام با مردم مخاطبه می کنند.

مسجد در سبک زندگی اسلامی محور و هسته فعالیت‌های فردی و اجتماعی است و به شهادت تاریخ، پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام مدیریت اغلب شئون جامعه، اعم از فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، نظامی و سیاسی و... را در مسجد سامان می‌دادند؛ امروز نیز در مسیر نیل به قله رفیع تمدن نوین اسلامی، مهم‌ترین تکیه‌گاه و نقطه عزیمت مسجد است، آن هم نه هر مسجدی بلکه مسجد تراز اسلامی که بتواند از عهده این وظیفه مهم برآید و پرچم دار ترویج و تبیین سبک زندگی اسلامی و چراغ راه حرکت به سمت تحقق تمدن با شکوه اسلامی در عصر حاضر باشد؛ «هیچ یک از ما نباید و نمی‌توانیم خطری را که از کمبود مسجد یا ضعف و نارسایی مساجد، جامعه و جوانان و خانواده‌ها و نسل‌های آینده را تهدید می کند، غافل بمانیم و خود را از برکات عظیمی که مسجد تراز اسلامی به کشور، نظام و مردم

۱- کشف الغمه، جلد ۳، ص ۲۲۱؛ و اما الحوادث الواقعة فارجعوا فیها الی رواة حدیثنا، فانهم حجّتی علیکم و انا حجة الله علیهم.

۲- وسائل الشیعه، ج ۲۷، ص ۱۴۸، ح ۲۴، ابواب صفات القاضی، باب ۱۱، وجوب الرجوع فی القضاء و الفتوی.

۳- توبه، ۱۲۲.

هدیه می کند، محروم سازیم»<sup>۱</sup>.

حال که مسجد چنین جایگاه رفیعی دارد و آشنایی و عمل به احکام، لازمه زیست اسلامی می باشد، بایسته است که متصدی اصلی آن، (مرکز رسیدگی به امور مساجد) که به فرمایش رهبر عظیم الشان به عنوان: «مرکز و مرجع مقبول، آگاه و نافذالکلمه ای در امر مساجد» محسوب می شود، تمام اهتمام خود را جهت ترویج احکام و بیان آن بکار گیرد.

با عنایت به تغییر ذائقه و ارتقاء سطح معلومات مخاطبین، ضرورت تدوین و گردآوری احکام و مسائل شرعی در قالبی نوین احساس گردید. لذا بر اساس تاکید حجت الاسلام والمسلمین نوری زاده (دامت توفیقاته)، ریاست محترم مرکز، کتاب ترنم احکام با مجموعه ای از احکام و مسائل کاربردی، ویژه بیان امامان محترم جماعت بصورت شماره گذاری روزانه در دستور کار قرار گرفت.

از ویژگی های این کتاب که بر جذابیت و غنای آن افزوده است استفاده از محتوای چند رسانه ای با بهره گیری از قابلیت QR Code جهت توضیح و تفصیل برخی از احکام می باشد تا امامان محترم جماعت با استفاده از امکانات سمعی- بصری مساجد، ابعاد مختلف احکام را برای مخاطبین ارائه فرمایند.

از زحمات خالصانه و ارزشمند استاد و نویسنده گرانقدر حجت الاسلام والمسلمین فلاح زاده (دامت توفیقاته) و همکاران عزیز نهایت تقدیر و تشکر را می نمایم. مشتاقانه در انتظار راهنمایی ها و پیشنهادات سازنده شما امام جماعت محترم و خوانندگان گرامی هستیم.

مرکز رسیدگی به امور مساجد

دفتر مطالعات، پژوهش ها و ارتباطات حوزوی

۱- پیام مقام معظم رهبری به اجلاس نماز، مهر ۱۳۸۹.





## سخن مؤلف

مسائلی را که انسان غالباً به آنها نیاز دارد، واجب است یاد بگیرد.<sup>۱</sup> اگر یادگیری احکام شرعی به مقداری که غالباً مورد نیاز است یک فریضه شرعی است، یاد دادن آنها توسط عالمان دینی به مردم نیز یک تکلیف واجب است.

از دیرباز روحانیان معظم و مبلغان محترم، خصوصاً ائمه محترم جماعت، بیان احکام شرعی را جزء وظایف اصلی و اولیه خود می‌دانستند و به شیوه‌های مختلف به این وظیفه عمل می‌کردند.

الف: پیش از سخنرانی

ب: در اثناء سخنرانی

ج: در ابتدای سخنرانی

د: مابین دو نماز

و گاهی برخی از واعظان و سخنرانان، اقدام به ابداع سخنرانی فقهی کرده‌اند که موضوع اصلی و عمده مطالب آن احکام فقهی و مسائل شرعی بوده است؛ ضمن اینکه از خطبه، روضه، آیه، حدیث و اشعار حکمی بی‌بهره نبوده است.

به هر حال یکی از فرصت‌های مغتنم برای بیان احکام، نماز

۱ - رساله مراجع، مسأله ۱۱.



جماعت است، که می‌توان گفت: افزون بر عمل به وظیفه، ثواب تعقیب نماز را دارد، و فقیه بزرگوار آیت الله العظمی سید محمد کاظم طباطبایی یزدی رحمته الله علیه در بیان محتوای تعقیب نماز، چنین آورده است:

« فصل فی التعقیب: و هو الاشتغال عقیب الصلاة بالدعاء او الذکراو الصلاة او غيرها من الافعال الحسنه:... »

یکی از اصول مهم موفقیت در تبلیغ- که بیان احکام بخشی از آن است- انتخاب شایسته‌ی مطالب و مسائل است. در انتخاب مسائل، ملاک‌های ذیل باید مراعات شود:

نیاز مخاطبان، سطح فهم آنان، موقعیت جلسه و مدت زمان در اختیار؛

بی‌شک در مناطق مرکزی و شمالی کشور، مسائل مربوط به زکات خرما و برای اغلب ساکنان تهران، مسائل مربوط به مزارعه و مسابقات و برای عامه مردم، مسائل مربوط به قضا و شهادت و جزئیات مسائل ارث مورد نیاز و ابتلای آنان نیست؛ همچنین برای دانش آموزان و نوجوانان مسائل پیچیده احکام که در جای جای کتب فقهی به چشم می‌خورد، قابل فهم نیست. افزون بر اینکه در مناسبت‌های مختلف شمسی و قمری مانند ماه رمضان، محرم، ایام اعتکاف و نوروز و امثال اینها باید به فراخور آن ایام، مسائل ویژه‌ای را انتخاب کرد.

به‌علاوه برای مدیریت زمان و استفاده درست از آن، باید انتخاب مطالب و مسائل درحد همان مقدار از زمان باشد. به‌عنوان مثال حجم مسائل انتخابی برای بین الصلاتین با جلسات طولانی ماه رمضان کاملاً متفاوت است و این امر نیز باید مورد توجه تام باشد.

بر این اساس، نوشتار حاضر که برگرفته از متن کتاب آموزش فقه است سال‌ها به‌عنوان یکی از کتابهای درسی حوزه‌های علمیه تدریس

شده و مورد نقد و بررسی، حذف و اضافات و اصلاحات قرار گرفته و به کمال رسیده است، تهیه و تنظیم گردید.

مسائل مطرح شده در این کتاب برای جلسات چند دقیقه‌ای بین الصلاتین است که توسط پنج تن از اساتید حوزه علمیه قم و کارشناسان بیان احکام، انتخاب شده است، اما از آنجا که این مطالب بر اساس ابواب فقهی تنظیم شده، نکات ذیل باید مورد توجه قرار گیرد:

۱) از آنجا که برخی مسائل مطرح شده در این کتاب، ممکن است در بعضی از استان‌ها و شهرها و حتی محله‌ها مورد نیاز نباشد، تعداد دروس تدوین شده، بیش از تعداد روزهای سال است. در انتخاب مسائل (به جز مسائل عمومی) شغل غالب مخاطبان (نمازگزاران) و موقعیت اجتماعی آنان مدنظر باشد؛ مثلاً برای کشاورزان و باغداران، مسائل زکات و برای بازاریان، مسائل بیع و خیارات بیع و مضاربه، مورد توجه باشد.

۲) چنانچه آیه یا حدیثی کوتاه مناسب با زمان و مسائل انتخاب شده، خوانده شود بهتر است.

۳) در مناسبت‌های مختلف، باید احکام مربوط به آن‌ها بیان شود. مثلاً احکام نماز جمعه در شب و روز جمعه، احکام روزه در ماه رمضان، احکام اعتکاف در ایام البیض یا نزدیک به آن، احکام حج (در حد نیاز عموم) نزدیک ایام حج، احکام حسینی را در ایام محرم و احکام نماز آیات هنگام وقوع حادثه یا در زمان متصل به آن.

۴) متن نوشتار حاضر بر اساس فتوای بنیانگذار جمهوری اسلامی، مرجع عالیقدر، آیت الله العظمی امام خمینی رحمته الله علیه تدوین شده و موارد تفاوت فتوای مراجع نیز در پاورقی همان صفحه آورده شده است که امامان جماعت محترم باید پس از شناسایی مراجع تقلید مخاطبان،

موارد تفاوت فتاوا را در حد ضرورت اشاره فرمایند و در بخش دوم این کتاب برخی از استفتائات رهبر معظم انقلاب اسلامی آورده شده است. (۵) مدت زمان بیان احکام در فرصت کوتاه بین الصلاتین، دو تا سه دقیقه و براساس شماره‌گذاری است و بیش از آن موجب خستگی مخاطبان خواهد شد ولی در صورت نیاز و به حسب پیوستگی برخی مسائل و ضرورت بیان آن‌ها، تطویل نیم تا یک دقیقه جایز است. (۶) برای احکام مناسبت‌های ویژه- مثل اعیاد، وفيات، روز ۲۲ بهمن، روز قدس، دحو الارض، مباحله، عید قربان و عید غدیر- باید به صورت جداگانه مسائلی تدوین و ضمیمه گردد که امیدواریم در آینده نزدیک به‌عنوان ملحقات این رساله آماده و ارائه شود. ان شاء الله. (۷) بی‌شک نظرات تخصصی و راهگشای شما و اصلاحات و اضافات، موجب کمال این نوشته خواهد شد که همه آن‌ها را بر دیده منت می‌نهییم و حتی‌المقدور در چاپ‌های بعدی از آن‌ها بهره می‌گیریم. (۸) در پایان از تمام عزیزانی که در تکمیل و سامان‌دهی نهایی این کتاب و نشر آن تلاش کرده‌اند به‌ویژه حجج اسلام آقایان عبدالله توانا و علی نیکبخت سپاسگزاری می‌شود.

رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ

محمدحسین فلاحزاده

اسفند ۱۳۹۸

بخش اول

# احکام شرعی



جدول تفاوت فتاوا مطابق با نظر  
۱۳ نفر از مراجع معظم تقلید

## راهنمای فتاوا

برخی از تفاوت های فتاواي

بنیانگذار جمهوری اسلامی آیت الله امام خمینی رهبر

و رهبر معظم انقلاب آیت الله خامنه ای مدظله العالی





## تقلید

- ۱- فراگرفتن مسایل شک و سهو و غیر اینها که غالباً مورد احتیاج مکلف است، واجب می باشد، مگر در مواردی که اطمینان دارد مسأله ای برایش پیش نمی آید.<sup>۱</sup>
- ۲- بر هر مکلفی که مجتهد نباشد، واجب است در احکام دین، از مجتهد تقلید کند؛ یعنی اعمال خود را بر اساس فتوای مجتهد انجام دهد.<sup>۲</sup>
- ۳- تقلید از مجتهد، اختصاص به واجبات و محرمات ندارد، بلکه در مستحبات و مکروهات و حتی مباحات (اعمالی که انجام دادن یا ترک آن ها جایز است) نیز واجب است.<sup>۳</sup>



- ۴ - مرجع تقلید باید عادل، اعلم و زنده باشد.<sup>۴</sup>
- ۵- اگر دو نفر برخلاف یکدیگر فتوای مجتهد را نقل کنند، گفته هیچکدام پذیرفته نیست.<sup>۵</sup>
- ۶ - تقلید ابتدایی از مجتهدی که از دنیا رفته است جایز نیست؛



۱ - تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۹، م ۲۳.

۲ - همان، المقدمات، ص ۵.

۳ - همان.

۴ - توضیح المسائل، م ۲.

۵ - استفتائات، ج ۱، ص ۱۸، س ۴۲ و العروة الوثقی، ج ۱، فی التقلید، ص ۲۰، م ۵۹.

یعنی کسی که اکنون مکلف شده یا تاکنون تقلید نکرده، نمی‌تواند از مجتهدی که از دنیا رفته است تقلید کند. بلکه باید از مجتهد زنده تقلید کند.<sup>۱</sup>



### بقاء بر تقلید میّت

۱- بقاء بر تقلید میّت اشکال ندارد، یعنی کسی که در زمان حیات آن مجتهد در بخشی از احکام دینی مطابق فتوای او عمل کرده باشد، می‌تواند بر تقلید او باقی بماند.<sup>۲</sup>



۲- بقاء بر تقلید میّت باید با اجازه مجتهد زنده باشد؛ یعنی چنانچه به فتوای مجتهد زنده بقاء بر تقلید میت جایز باشد، می‌تواند همچنان از او تقلید کند.<sup>۳</sup>

۳- کسی که بر تقلید مجتهدی که از دنیا رفته باقی مانده است، باید در مسائلی که میّت فتوا نداده و همچنین در مسایل جدید، از مجتهد زنده تقلید کند.<sup>۴</sup>



### اعمال بدون تقلید

۱- اگر مکلف مدتی از کسی تقلید کرده است که جامع شرایط نیست، مانند کسی است که بدون تقلید عمل کرده است.<sup>۵</sup>

۱- تحریر الوسیله، ج ۱، فی فروغ التقلید، ص ۷، م ۱۳ به فتوای برخی از فقها، تقلید ابتدایی از میّت جایز است.

۲- همان. در این مسأله سه نظر دیگر وجود دارد:

الف: در صورتی که مجتهد از دنیا رفته اعلم باشد، بقای بر تقلید او واجب است.

ب: تنها در مسائلی که در زمان حیات آن مجتهد به آنها عمل کرده، می‌تواند بر تقلید او باقی بماند.

ج: در مسائلی که عمل کرده یا برای عمل یاد گرفته، می‌تواند باقی بماند.

۳- تحریر الوسیله، ج ۱، فی فروغ التقلید، ص ۷، م ۱۳.

۴- استفتائات، ج ۱، ص ۱۲، س ۱۷.

۵- العروه الوثقی، ج ۱، فی التقلید، ص ۱۰، م ۲۵.

- ۲- اگر بدون اجازه مجتهد زنده، بر تقلید میّت باقی مانده باشد، مانند کسی است که بدون تقلید عمل می‌کند.<sup>۱</sup>
- ۳- کسی که مدتی اعمال خود را بدون تقلید انجام داده است، تنها در سه صورت اعمال گذشته او صحیح است:<sup>۲</sup>
- الف:** به وظیفه واقعی خود عمل کرده است مثلاً بعداً مجتهد شود و وظیفه واقعی خود را بفهمد؛
- ب:** با فتوای مجتهدی که وظیفه‌اش تقلید از او بوده مطابق بوده است؛
- ج:** یا با فتوای مجتهدی که هم اکنون باید از او تقلید کند مطابق است.



### تفاوت احتیاط واجب و مستحب

- ۱- اگر مجتهد در مسأله‌ای هم فتوا و هم احتیاط داشته باشد، آن احتیاط را «احتیاط مستحب» می‌خوانند. و اگر مجتهد در مسأله‌ای فتوا نداده و از ابتدا احتیاط کرده باشد، به این احتیاط، «احتیاط واجب» یا «احتیاط مطلق» گفته می‌شود.<sup>۳</sup>
- ۲- در احتیاط مستحب، مقلّد باید یا به احتیاط و یا به فتوای همراه آن عمل کند و نمی‌تواند در آن مسأله به مجتهد دیگر رجوع کند.<sup>۴</sup>
- ۳- در احتیاط واجب، مقلّد یا باید به همان احتیاط عمل کند و یا باید به فتوای مجتهد دیگری که پس از آن مجتهد، از دیگران اعلم است مراجعه کند.<sup>۵</sup>

۱ - العروه الوثقی، ج ۱، فی التقلید، ص ۱۷، م ۵۲.

۲ - توضیح المسائل، م ۱۴.

۳ - العروه الوثقی، ج ۱، فی التقلید، ص ۲۳، م ۶۴.

۴ - همان.

۵ - توضیح المسائل، م ۷.



## وضو



نمازگزار باید برای نماز «وضو» بگیرد و در برخی از موارد باید «غُسل» کند؛ یعنی تمام بدن را بشوید و هرگاه نتواند وضو بگیرد یا غسل کند، باید به جای آن، عمل دیگری به نام «تیمم» انجام دهد.

## شرایط وضو

### شرایط آب وضو

- آب وضو باید مباح باشد، بنابراین در موارد زیر وضو باطل است:<sup>۱</sup>
- وضوگرفتن با آبی که صاحب آن راضی نیست؛ (راضی نبودن او معلوم است)
- وضوگرفتن با آبی که معلوم نیست صاحب آن راضی است یا نه مانند وضوخانه بعضی از هتل‌ها و مسافرخانه‌ها؛
- آبی که وقف افراد خاصی است؛ مانند حوض برخی از مدارس و...
- وضوگرفتن از آب سردکن که مخصوص نوشیدن است.



### شرایط وضو گیرنده

- ۱- کسی که می‌داند یا می‌ترسد که اگر وضو بگیرد مریض شود، باید تیمم کند و اگر وضو بگیرد باطل است.<sup>۲</sup>
- ۲- اگر کسی نداند که آب برای او ضرر دارد و وضو بگیرد اما بعد بفهمد که ضرر داشته است، وضویش صحیح خواهد بود.<sup>۳</sup>

۱ - العروه الوثقی، ج ۱، فصل فی شرایط الوضو، ص ۲۱۹ - ۲۲۵، م ۶، ۷، ۸؛ توضیح المسائل، ۲۶۵.

۲ - العروه الوثقی، ج ۱، فی شرایط الوضو، السایح، ص ۲۳۲؛ توضیح المسائل، م ۲۸۸ و ۶۷۲.

۳ - همان.



۳- اگر وقت نماز به قدری تنگ است که اگر وضو بگیرد، تمام یا قسمتی از نماز، بعد از وقت خوانده می‌شود، باید تیمم کند.<sup>۱</sup>



### شرایط اعضای وضو

- ۱- اعضای وضو در موقع شستن و مسح باید پاک باشد.<sup>۲</sup>
- ۲- اگر در بین وضو، جایی که شسته یا مسح کرده، نجس شود، وضو صحیح است؛ مثلاً هنگامی که مشغول شستن دست‌ها است، صورت وی نجس شود.<sup>۳</sup>
- ۳- اگر غیر اعضای وضو، جایی از بدن نجس باشد، وضو صحیح است ولی اگر مخرج بول یا غایط را تطهیر نکرده، بهتر آن است که اول آن را تطهیر کند، بعد وضو بگیرد.<sup>۴</sup>
- ۴- خطوط قلم خودکار، لکه‌های رنگ، چربی و کرم، در صورتی که بدون جرم باشد، مانع وضو نیست، ولی اگر جرم داشته باشد (روی پوست را گرفته باشد) باید بر طرف شود.<sup>۵</sup>



### شرایط کیفیت وضو

#### موالات

اگر بین کارهای وضو به قدری فاصله شود که وقتی می‌خواهد جایی را بشوید یا مسح کند، رطوبت جاهایی که پیش از آن شسته یا

۱- توضیح المسائل، م ۲۸۰.

۲- همان، شرایط وضو، ص ۳۵، شرط ششم و مسأله ۲۷۶ و ۲۷۷.

۳- همان.

۴- همان.

۵- استفتانات، ج ۱، ص ۳۶ و ۳۷، س ۴۰ تا ۴۵.



مسح کرده، خشک شده باشد، وضو باطل است ولی اگر فقط رطوبت جایی که جلوتر از محلی است که می‌خواهد بشوید یا مسح کند خشک شده باشد، وضویش صحیح است.<sup>۱</sup>

**کمک نگرفتن از دیگران در اعمال وضو**

کسی که می‌تواند اعمال وضو را خودش انجام دهد، نباید از دیگری کمک بگیرد، پس اگر دیگری صورت و دست او را بشوید یا مسح او را انجام دهد، وضوی او باطل است. ولی اگر شخص دیگری آب را در دست وی بریزد و وضو گیرنده خودش آن را بر اعضای خود می‌ریزد و می‌شوید وضو باطل نیست هرچند این‌گونه کمک گرفتن نیز مکروه است.<sup>۲</sup>

کمک گرفتن از دیگران در اعمال وضو؛ وضو را باطل می‌کند؛  
مقدمات قریبه؛ مثل آب ریختن در دست که خودش بشوید، مکروه است؛  
مقدمات بعیده؛ مثلاً آب بیاورد، اشکال ندارد.

۱ - کسی که نمی‌تواند وضو بگیرد، باید نایب بگیرد تا او را وضو دهد و چنانچه مزد هم بخواهد، در صورتی که بتواند باید بدهد، ولی خود او باید نیت وضو کند؛<sup>۳</sup>

۲ - کسی که در وضو از دیگری کمک می‌گیرد، هر کدام از کارهای وضو را که می‌تواند به تنهایی انجام دهد، نباید در آن عمل، کمک بگیرد؛<sup>۴</sup>

۱ - تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۲۸، م ۱۵؛ توضیح المسائل، م ۲۸۳.

۲ - العروه الوثقی، ج ۱، فی شرایط الوضو، التاسع، ص ۲۳۴.

۳ - توضیح المسائل، م ۲۸۶. به نظر برخی از مراجع، نایب نیز باید نیت وضو کند.

۴ - همان، م ۲۸۷.

۳- کسی که دیگری را وضو می‌دهد، در مسح باید دست او را بر سر و پاهایش بکشد، مگر آنکه ممکن نباشد در این صورت باید از دست او رطوبت بگیرد و با دست خود، مسح او را انجام دهد و بنابر احتیاط واجب تیمم هم بنماید. (چنانچه ممکن باشد)<sup>۱</sup>



### وضوی ترتیبی

#### شستن

۱- در وضو بنابر احتیاط واجب، باید صورت و دست‌ها را از بالا به پایین شست و اگر از پایین به بالا بشوید وضو باطل است.<sup>۲</sup>

۲- مقصود از شستن، آب ریختن نیست، بلکه شستن کامل است؛ یعنی اگر یک بار به طور کامل به نیت وضو تمام صورت یا دست را بشوید و بار دیگر هم به طور کامل بشوید، شستن بار سوم حرام خواهد بود. بنابراین اگر چندین مرتبه هم آب بریزد ولی به تمام جاهای عضو نرسد، یکبار محسوب نمی‌شود. و اگر با یک بار ریختن، یا یک بار فرو بردن در آب، تمام عضو را فرا گیرد. یک بار شستن به حساب می‌آید.<sup>۳</sup>



۳- اگر پوست صورت از لای موها (ریش-ابرو) پیدا باشد، باید آب را به پوست برساند و اگر پیدا نباشد، شستن مو کافی است و رساندن آب به زیر مو لازم نیست.<sup>۴</sup>

۴- شستن داخل بینی و دهان و مقداری از لب و چشم که هنگام بستن دیده نمی‌شود، واجب نیست. ولی برای آنکه یقین کند از جاهایی که باید شسته شود چیزی باقی نمانده، واجب است مقداری

۱- توضیح المسائل، م ۲۸۶.

۲- همان، م ۲۴۳.

۳- استفتائات، ج ۱، ص ۳۴، س ۳۵.

۴- توضیح المسائل، م ۲۴۰.

از آن‌ها را هم بشوید.<sup>۱</sup>

۵- سه بار شستن اعضای وضو گاهی اوقات موجب بطلان وضو می‌شود و آن در صورتی است که آب مسح، از آب شستن سوم باشد، چون مسح باید با آب وضو انجام شود.<sup>۲</sup>

شستن اعضای وضو }  
 بار اول: واجب  
 بار دوم: جایز  
 بار سوم: حرام



مسح

مسح سر<sup>۳</sup>

۱- در وضو برای مسح سر، باید یک قسمت از چهار قسمت سر، که بالای پیشانی است، مسح شود.

۲- مقدار واجب: مسح هر مقدار از سر کافی است اما باید حداقل به مقداری باشد که اگر کسی ببیند بگوید مسح کرد.

۳- بنا بر احتیاط مستحب به پهنای سه انگشت بسته و طول یک انگشت مسح شود.



۴- مسح سر باید با دست راست باشد هر چند به نظر برخی از فقهاء با دست چپ نیز صحیح است.

۵- لازم نیست مسح بر پوست سر باشد، بلکه بر موی جلو سر هم صحیح است، مگر موی سر انسان به قدری بلند باشد که هنگام شانه

۱- توضیح المسائل، م ۲۴۲.

۲- همان، م ۲۴۸ و استفتائات، ج ۱، ص ۳۴، س ۳۵.

۳- توضیح المسائل، م ۲۴۹، ۲۵۰ و ۲۵۱؛ تحریر الوسیله، ج ۱، فصل فی الوضوء، ص ۲۳، م ۱۲ تا ۱۴.

زدن، به صورتش بریزد، که باید پوست سر یا قسمت پایین (بیخ) مو را مسح کند.

۶- مسح بر موی جاهای دیگر سر صحیح نیست، هر چند بر محل مسح جمع شده باشد.



### مسح پا<sup>۱</sup>

۱- مقدار واجب مسح پا: از سرانگشت تا برآمدگی روی پا است.<sup>۲</sup> ولی از نظر پهنا و عرض، هر اندازه باشد کافی است هر چند به قدر یک انگشت باشد.

۲- مسح همه روی پا احتیاط مستحب است.

۳- پای راست را باید پیش از پای چپ مسح کند، ولی لازم نیست پای راست را با دست راست و پای چپ را با دست چپ مسح کند هر چند برخی از فقهاء مسح همزمان هر دو پا را صحیح می‌دانند.



### کیفیت مسح

۱- در مسح باید دست بر سر و پاها کشیده شود. پس اگر دست را نگه دارد و سر یا پا را به آن بکشد وضو باطل است. ولی اگر موقعی که دست را می‌کشد سر یا پا مختصری حرکت کند اشکال ندارد.<sup>۲</sup>

۲- رطوبت دست باید به قدری باشد که بر سر و پا اثر بگذارد.<sup>۳</sup>

۳- اگر برای مسح، رطوبتی در کف دست نمانده باشد، باید از

۱ - العروه الوثقی، ج ۱، فصل فی افعال الوضو، ص ۲۱۰. به فتوای برخی از فقهاء، مسح همزمان پاها نیز صحیح است و لازم است پای راست با دست راست و پای چپ با دست چپ مسح شود.

۲ - به نظر عده‌ای از فقهاء، مسح پا باید تا آخر روی پا، تا مفصل کشیده شود.

۳ - توضیح المسائل، م ۲۵۵.

۴ - العروه الوثقی، ج ۱، فصل فی افعال الوضو، ص ۲۱۲، م ۲۶.

اعضای دیگر وضو رطوبت بگیرد و با آن مسح کند و نمی‌تواند دست را با آب غیر وضو خیس کند و با آن مسح را انجام دهد.<sup>۱</sup>



- ۴- محل مسح (سر و روی پاها) باید خشک باشد، بنابراین اگر جای مسح، تر باشد، باید آن را خشک کرد ولی اگر رطوبت آن به قدری کم باشد که مانع از تأثیر رطوبت دست، بر آن نباشد مانع ندارد.<sup>۲</sup>
- ۵- بین دست و محل مسح (سریا پاها) نباید چیزی مانند چادر، کلاه، جوراب و کفش فاصله باشد. هرچند بسیار رقیق و نازک باشد و رطوبت به پوست برسد. (مگر در حال ناچاری)<sup>۳</sup>
- ۶- محل مسح باید پاک باشد، پس اگر نجس است و نمی‌تواند آن را آب بکشد باید تیمم کند.<sup>۴</sup>



### وضوی ارتماسی

- ۱- وضوی ارتماسی آن است که انسان صورت و دست‌ها را به قصد وضو در آب فرو برد و بیرون آورد، یا آن‌ها را در آب فرو برد و به قصد وضو بیرون آورد.<sup>۵</sup>
- ۲- در وضوی ارتماسی نیز، باید ترتیب مراعات شود و دست و صورت از بالا به پایین شسته شود، بنابراین وضوی ارتماسی به روشهای زیر انجام می‌شود:

- به قصد وضو صورت را از پیشانی، و دست را از آرنج در آب فرو برد و تا موقعی که آن‌ها را از آب بیرون می‌آورد و ریزش آب تمام می‌شود

۱- توضیح المسائل، م ۲۵۷. به فتوای برخی از فقها، باید از صورت و ریش خود آب بگیرد.

۲- العروه الوثقی، ج ۱، فصل فی افعال الوضو، ص ۲۱۲، م ۲۶.

۳- همان، م ۲۷.

۴- توضیح المسائل، م ۲۶۰.

۵- همان، م ۲۶۱.

- به نیت وضو باشد؛ [چون آبی که بردست می ماند و در مسح به کار می رود، باید آب وضو باشد].
- بدون قصد وضو، صورت و دست را در آب فرو برد و به قصد وضو بیرون آورد، که صورت را باید ابتدا از پیشانی و دست ها را از آرنج بیرون آورد.<sup>۱</sup>
- ۳- اگر بعضی از اعضای وضو را ارتماسی و بعضی را غیر ارتماسی انجام دهد اشکال ندارد.<sup>۲</sup>



### وضوی جبیره

- به دوایی که بر زخم می گذارند و چیزی که با آن، زخم یا عضو شکسته را می بندند، «جبیره» می گویند.
- ۱- شخصی که بر اعضای وضویش زخم یا شکستگی است، اگر بتواند به طور معمول وضو بگیرد، باید چنین کند.<sup>۳</sup>
- مثلاً:
- روی زخم باز است و آب برای آن ضرر ندارد؛
  - روی زخم بسته است، ولی باز کردن آن امکان دارد و آب ضرر ندارد؛
- ولی اگر نتواند به طور معمول وضو بگیرد، باید بر همان جبیره دست بکشد و این را وضوی جبیره می گویند.



- ۲- اگر زخم یا شکستگی، باندپیچی شده یا گچ گرفته یا چسب زده باشد، می تواند روی همان دست بکشد و در این صورت گذاشتن پارچه لازم نیست.

۱- توضیح المسائل، م ۲۶۱ و ۲۶۲.

۲- همان، م ۲۶۳.

۳- همان، م ۳۲۴.

- ۳- کسی که در کف دست و انگشت‌ها جیبره دارد و در موقع وضو، دست تر روی آن کشیده است، می‌تواند سر و پا را با همان رطوبت مسح کند، یا از جاهای دیگر وضو رطوبت بگیرد<sup>۱</sup>.
- ۴- اگر جیبره بیش از حد معمول اطراف زخم را پوشانده باشد و برداشتن آن ممکن نباشد، باید وضوی جیبره بگیرد و بنابر احتیاط واجب، تیمم هم بنماید<sup>۲</sup>.



### هدف از وضو

#### شرط صحت عمل

- گاهی وضو شرط صحّت عمل است یعنی اگر آن عمل بدون وضو انجام شود، صحیح نیست.
- ۱- تمام نمازهای واجب و مستحب باید با وضو بجا آورده شود و بدون وضو باطل است؛ به جز نماز میت که بدون وضو نیز صحیح است. لکن با وضو خواندن آن بهتر است<sup>۳</sup>.
- ۲- اگر نمازگزار، تشهّد یا یک سجده از دو سجده نماز را فراموش کند، باید پس از نماز، قضای آن را بجا آورد و در حال قضای سجده و تشهّد، باید با وضو باشد<sup>۴</sup>.
- ۳- طواف کعبه که جزئی از اعمال حج و عمره است، باید با وضو بجا آورده شود.<sup>۵</sup> بنابراین طواف واجب خانه خدا، بدون وضو باطل است؛ ولی طواف مستحب صحیح است. هرچند مستحب است با وضو باشد.

۱- توضیح المسائل، م ۳۲۲. برخی حکم بالا را مختص فرض عدم کفایت رطوبت می‌دانند و برخی معتقد به لزوم مسح با همان رطوبت هستند و برخی دیگر گرفتن رطوبت را مختص به ذراع می‌دانند.

۲- همان، م ۳۳۰، ۳۳۱ و ۳۳۵. در فرض دوم به فتوای برخی از فقها، تیمم نیز لازم است.

۳- تحریر الوسیله، ج ۱، فصل فی غایات الوضو، ص ۳۱.

۴- همان.

۵- همان.





### شرط کمال عمل

گاهی وضو شرط کمال عمل است یعنی انجام برخی از اعمال، با وضو مستحب بوده و موجب می‌شود که انجام آن عمل، دارای ثواب یا ثواب بیشتری شود. مثل این موارد:<sup>۱</sup>

- نماز میّت؛
- رفتن به مسجد و حرم امامان علیهم‌السلام؛
- خواندن قرآن؛
- همراه داشتن قرآن؛
- خوابیدن؛
- رساندن جایی از بدن به جلد یا حاشیه قرآن؛
- زیارت اهل قبور.



### شرط رفع کراهت

گاهی وضو برای رفع کراهت عمل است مانند غذا خوردن در حال جنابت، که با وضو کراهت آن رفع می‌شود.<sup>۲</sup>

### شرط جواز عمل

گاهی وضو، شرط جواز عمل است یعنی انجام آن عمل، بدون وضو حرام است.

۱- کسی که وضو ندارد، نباید جایی از بدن خود را به خطوط زیر

برساند:<sup>۳</sup>

۱ - توضیح المسائل، م ۳۲۲.

۲ - تحریر الوسیله، ج ۱، فصل فی غایات الوضو، ص ۳۱.

۳ - همان.

- آیات قرآن؛ ولی ترجمه آن اشکال ندارد؛
- اسم خداوند و صفات خاص او؛ به هر زبانی نوشته شده باشد، مانند: «الله»، «خدا»، «God»؛
- بنابراین احتیاط واجب اسم پیامبران و امامان علیهم السلام و حضرت زهرا علیها السلام و فرشتگان.



۲- خوردن غذایی که روی آن آیه قرآن، اسم خدا، یا اسامی معصومان علیهم السلام نوشته شده، اشکال ندارد، ولی هنگام خوردن این گونه از غذاها بدون وضو، باید مواظب بود تا اجزاء بدن با آن نوشته‌ها تماس پیدا نکند. ولی اگر غذا را هم بزنند، به نحوی که آیه یا اسم، محو شود، مانعی ندارد.

۳- به گردن آویختن گردن‌بندی که نقش آن اسماء جلاله یا اسامی معصومین علیهم السلام است، برای فردی که طهارت ندارد، در صورتی که با بدن او تماس داشته باشد، اشکال دارد.



#### لمس قرآن و اسماء مقدسه

در حرام بودن لمس قرآن و اسماء مقدسه بدون طهارت و وضو، بین موارد زیر تفاوتی نیست:

- با دست باشد یا سایر اجزای بدن (به جز مو)؛
- ابتدای به لمس باشد یا ادامه آن، بنابراین اگر دست او بر خط قرآن بود و متوجه شد ولی دست را برنداشت مرتکب حرام شده است؛
- خط قرآن معمول و متعارف باشد و یا متعارف نباشد، مثل خط کوفی؛

- نوشته، با قلم باشد یا چاپ یا گچ یا غیر آن؛
- نوشته برجسته باشد یا گود، مانند سنگ قبر؛
- حرفی که خوانده می‌شود یا خوانده نمی‌شود، مانند الف در «قالوا»؛<sup>۱</sup>



- نوشته قرآنی در قرآن باشد یا در غیر قرآن، مثلاً آیه یا کلمه‌ای از قرآن که در کتاب داستانی نوشته شده باشد؛
- نوشته قرآنی بر روی کاغذ یا چوب یا سنگ یا لباس یا دیوار و مانند آن باشد؛
  - به طور عادی نوشته شده باشد یا برعکس؛
  - با حروف عربی نوشته شده باشد یا با زبان دیگری، مثلاً "ALLAH" یا "MOHAMMAD"؛
  - معنای کلمه قرآنی نیکو باشد، مانند مؤمن و صبر، یا از کلمات ناپسندی مانند ابلیس، شیطان و کافر باشد.<sup>۲</sup>



- لمس خطوط قرآن و اسماء مقدسه در موارد زیر بدون وضو حرام نیست:
- لمس خطوط قرآن با موی بدن، گرچه احتیاط مستحب ترک آن است؛
  - لمس از پشت شیشه یا پلاستیک، صفحه تلویزیون، صفحه کامپیوتر یا موبایل، که در واقع مس خطوط نیست؛
  - لمس مابین حروف و فضای خالی درون حروف، مانند فضای «ح»<sup>۳</sup>؛

۱ - العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی موجبات الوضوء و نواقضه، م ۳ تا ۷.

۲ - همان، فصل فی غایات الوضوء، ص ۱۸۹ تا ۱۹۱، م ۳ تا ۱۲ و استفتائات، ج ۱، ص ۴۷، ۴۸.

- لمس ورق قرآن و حواشی و بین سطور و جلد آن، گرچه مکروه است؛
- ترجمه قرآن به هر لغتی باشد. بجز اسم خداوند.<sup>۱</sup>



### روش محو اسماء مقدسه

برای محو اسماء مقدسه، باید روشی را بکار برد که در نزد عرف اهانت تلقی نشود مثل به دریا انداختن، تغییر هیئت آن (با خط زدن، پاره کردن و ...) و تنها اینکه شخص نیت اهانت ندارد کافی نیست بنابراین از نجس کردن، سوزاندن، انداختن آن در سطل زباله، گذاشتن در مکان‌های نجس یا آلوده و هر جایی که عرفاً اهانت محسوب می‌شود، باید پرهیز کرد.<sup>۲</sup>



### شکیت وضو

- ۱- کسی که نمی‌داند وضو گرفته یا نه، باید وضو بگیرد.<sup>۳</sup>
- ۲- کسی که نمی‌داند وضویش باطل شده یا نه، لازم نیست دوباره وضو بگیرد.<sup>۴</sup>
- ۳- اگر انسان در بین نماز شک کند وضو گرفته یا نه، نمازش باطل است.<sup>۵</sup>
- ۴- اگر پس از خواندن نماز، شک کند با وضو بوده یا نه، نماز



۱ - العروه الوثقی، ج ۱، ص ۱۸۹ تا ۱۹۲، م ۱۱ تا ۱۷.

۲ - استفتانات ج ۱، س ۳۰۵ تا س ۳۱۲.

۳ - توضیح المسائل، م ۳۰۱.

۴ - همان، م ۳۰۰.

۵ - توضیح المسائل، م ۳۰۴.

خوانده شده صحیح است، ولی برای نمازهای بعدی باید وضو بگیرد.<sup>۱</sup>



۵- اگر می‌داند چیزی بر اعضای وضو چسبیده است ولی شک دارد که از رسیدن آب جلوگیری می‌کند یا نه، باید آن را برطرف کند یا آب را زیر آن برساند.<sup>۲</sup>

۶- اگر پس از وضو، چیزی که مانع رسیدن آب است در اعضای وضو ببیند و نداند هنگام وضو بوده یا بعد پیدا شده است، وضو او صحیح است، ولی اگر بداند که در وقت وضو گرفتن ملتفت آن مانع نبوده، بنا بر احتیاط واجب باید دوباره وضو بگیرد.<sup>۳</sup>

۷- کسی که در کارهای وضو و شرایط آن، مثل وجود مانع بر اعضا، زیاد شک می‌کند، نباید به شک خود اعتنا کند.<sup>۴</sup>



### مُبْطَلَاتِ وَضُو

برخی از اسباب بطلان وضو عبارتند از:<sup>۵</sup>

۱- خواب؛ به حدّی که گوش نشنود و چشم نبیند. اما اگر چرت زدن او در این حدّ نباشد وضو را باطل نمی‌کند.

۲- چیزهایی که عقل را از بین می‌برد؛ مانند دیوانگی، مستی، بیهوشی کامل، اما بیهوشی ناقص و بی‌حس کردن عضوی از اعضای بدن وضو را باطل نمی‌کند.

۳- آنچه سبب غسل شود؛ مانند جنابت و مَسِّ مِیْتِ.

۱- توضیح المسائل، م ۳۰۳.

۲- همان، م ۲۹۰.

۳- همان، م ۲۹۷.

۴- همان، م ۲۹۹.

۵- همان، م ۳۲۳.





## احکام وضو

۱- اگر شخص برای غرضی، مثلاً خواندن قرآن، وضو بگیرد و پس از وضو، از آن قصد باز گردد، وضویش باطل نیست. پس می‌تواند با همان وضو نماز بخواند.<sup>۱</sup>

۲- وضو گرفتن به نیت طهارت و با وضو بودن صحیح است و می‌توان با همان وضو نماز خواند یا هر کاری که نیاز به طهارت دارد انجام داد.<sup>۲</sup>

۳- می‌توان با وضوی صحیح، خواه برای عمل واجب یا عمل مستحب گرفته شده باشد، هرگونه عمل واجب یا مستحب دیگری که مشروط به طهارت بوده را انجام داد.<sup>۳</sup>



## آداب وضو

برخی از آداب و مستحبات وضو عبارتند از:<sup>۴</sup>

- خواندن دعای وضو؛
- شستن دست‌ها قبل از شروع وضو؛
- مسواک کردن دندان‌ها، هرچند با انگشت؛
- خواندن سوره قدر؛
- کشیدن دست بر اعضای وضو، هرچند بدون دست کشیدن، شسته شده باشد؛

۱ - استفتائات، ج ۱، ص ۴۵ و ۴۶، ص ۷۳.

۲ - همان، ص ۴۶، ص ۷۴ و ۷۸.

۳ - همان.

۴ - العروة الوثقی، ج ۱، ص ۲۰۰ تا ۲۰۲.

- انجام دادن تمام اعمال وضو با حضور قلب؛
- مصرف کم‌تر از یک مُدّ آب (یک مُدّ حدود ۷۵۰ گرم است).



## غسل

در غسل باید سر و گردن و تمام بدن شسته شود، خواه غسل واجب باشد، مانند غسل جنابت. یا مستحب، مانند غسل جمعه. به عبارت دیگر، تمام غسل‌ها در انجام با هم فرقی ندارند مگر در نیت.

### انواع غسل

- ترتیبی؛
- ارتماسی.

### غسل ترتیبی

در غسل ترتیبی باید ابتدا سر و گردن، سپس نیمه راست بدن و بعد از آن نیمه چپ بدن به طور کامل شسته شود؛<sup>۱</sup> رساندن آب به تمام بدن به نیت کافی است و لازم نیست بر روی بدن دست بکشد.<sup>۲</sup>

کیفیت غسل ترتیبی } اول: سر و گردن؛  
دوم: نیمه راست بدن؛  
سوم: نیمه چپ بدن را بشوید.

۱ - توضیح المسائل، م ۳۶۱.

۲ - استفتانات، ج ۱، ص ۵۶، س ۱۱۷.



### غسل ارتماسی

برای غسل ارتماسی باید به نیت غسل، تمام بدن درون آب قرار گیرد.

غسل ارتماسی را می‌توان به یکی از سه روش زیر انجام داد:<sup>۱</sup>

- با نیت غسل، یک‌باره داخل آب برود، به طوری که تمام بدن در آب قرار گیرد؛
  - یا به تدریج داخل آب برود، که در نهایت تمام بدن در آب قرار گیرد؛
  - یا داخل آب رفته و در آب به نیت غسل بدن را حرکت بدهد.
- کیفیت غسل ارتماسی



### شرایط غسل

۱- تمام شرط‌هایی که برای صحت وضو مثل پاک بودن و مباح بودن آب گفته شد، در صحت غسل هم شرط است، به جز موالات و از بالا به پایین شستن بدن.<sup>۲</sup>

۲- در غسل ارتماسی باید تمام بدن پاک باشد، ولی در غسل ترتیبی پاک بودن تمام بدن لازم نیست، و اگر هر قسمتی را پیش از غسل دادن همان قسمت تطهیر کند کافی است.<sup>۳</sup>

۱ - توضیح المسائل، م ۳۶۷ و ۳۶۸.

۲ - همان، م ۳۸۰.

۳ - همان، م ۳۷۲. به فتوای برخی از فقها، پاک بودن بدن قبل از غسل لازم نیست، بلکه اگر با فرو رفتن در آب یا آب ریختن بر بدن به قصد غسل، بدن پاک شود، غسل صحیح است.





### غسل جبیره

- ۱- اگر جایی از بدن شکسته باشد که نتوان آن را در غسل شست، باید غسل جبیره‌ای انجام شود.
- ۲- غسل جبیره‌ای مثل وضوی جبیره‌ای است، ولی بنابر احتیاط واجب باید آن را ترتیبی بجا آورد. یعنی قسمت‌هایی که باز است شسته شود و بر قسمت‌هایی که جبیره پوشانده، دست تَر کشیده شود.<sup>۱</sup>



### احکام غسل

- ۱- لازم نیست در وقت غسل نیت کند که غسل واجب یا مستحب می‌کنم و اگر فقط به قصد قربت یعنی برای انجام فرمان خداوند عالم غسل کند، کافی است.<sup>۲</sup>
- ۲- کسی که چند غسل بر او واجب است، می‌تواند به نیت همه آن‌ها، یک غسل بجا آورد.<sup>۳</sup>
- ۳- اگر در بین غسل، یکی از مبطلات وضو پیش آید، غسل باطل نمی‌شود؛ ولی باید برای نماز وضو بگیرد، هر چند غسل جنابت باشد.<sup>۴</sup>



- ۶- اگر انسان پس از غسل متوجه شسته نشدن قسمتی از بدن بشود، در این صورت:

**الف: در غسل ارتماسی** باید دوباره غسل کند، چه جای آن را بداند

و چه نداند؛

۱ - توضیح المسائل، م ۳۳۹. به فتوای برخی از فقها، غسل جبیره‌ای ارتماسی نیز صحیح است.

۲ - همان، م ۳۵۸.

۳ - همان، م ۳۸۹.

۴ - همان، م ۳۸۶. به فتوای برخی از فقها، باید غسل را از سر بگیرد.



**ب: در غسل ترتیبی:**

- اگر جای آن را نمی‌داند: باید دوباره غسل کند؛
- اگر جای آن را می‌داند:
- در طرف چپ است: شستن همان مقدار شسته نشده کافی است؛
- در طرف راست است: باید ابتدا آن مقدار را شسته و سپس طرف چپ را بشوید؛
- در سروگردن است: باید ابتدا آن مقدار را شسته و سپس طرف راست و بعد طرف چپ بدن را بشوید.<sup>۱</sup>

**غسل جنابت**

- ۱- غسل جنابت (برای جنب) به خودی خود مستحب است، و برای خواندن نماز واجب و مانند آن واجب می‌شود. ولی برای نماز میت و سجده شکر و سجده‌های واجب قرآن غسل جنابت لازم نیست.<sup>۲</sup>
- ۲- کسی که غسل جنابت کرده، نباید برای نماز وضو بگیرد، ولی با غسل‌های دیگر نمی‌تواند نماز بخواند و باید وضو هم بگیرد.<sup>۳</sup>
- ۳- کارهایی که بر جنب حرام است عبارتند از:<sup>۴</sup>
  - رساندن جایی از بدن به خط قرآن، اسم خداوند و بنا بر احتیاط واجب، اسامی پیامبران و ائمه علیهم‌السلام و صدیقه طاهره علیها‌السلام؛
  - رفتن به مسجد الحرام و مسجد النبی هر چند از یک در وارد و از در دیگر خارج شود؛



۱ - توضیح المسائل، م ۳۶۹ و ۳۶۴ و ۳۶۵.

۲ - توضیح المسائل مراجع، م ۲۵۷.

۳ - همان، م ۳۹۱. به فتوای برخی از مراجع تقلید، با سایر غسل‌های واجب، بلکه برخی از غسل‌های مستحب نیز می‌توان بدون وضو نماز خواند.

۴ - تحریر الوسیله، ج ۱، فصل فی الاغسال، القول فی احکام الجنب، ص ۳۸ - ۳۹.

## ۴۱

- توقف در مساجد؛
- گذاشتن چیزی در مسجد، هرچند از بیرون مسجد باشد؛
- خواندن سوره‌هایی از قرآن که سجده واجب دارد، حتی یک حرف از آن؛<sup>۱</sup>
- توقف در حرم امامان علیهم‌السلام (بنابر احتیاط واجب).

## ۴۲

## غسل مَسِّ مِیّت

- ۱- اگر کسی جایی از بدن خود را به بدن انسان مرده‌ای که سرد شده و غسلش نداده‌اند برساند، باید غسل مَسِّ مِیّت کند.<sup>۲</sup>
- ۲- در این موارد مَسِّ بدن مرده سبب غسل نمی‌شود:<sup>۳</sup>
  - رزمنده‌ای که در میدان نبرد به شهادت رسیده است و در همان میدان نبرد جان داده باشد؛
  - مرده‌ای که بدنش گرم بوده و هنوز سرد نشده است؛
  - مرده‌ای که غسلش داده‌اند.

## ۴۳

- ۳- اگر چند مِیّت را مَسِّ کند یا یک مِیّت را چند بار مَسِّ کند، یک غسل کافی است.<sup>۴</sup>
- ۴- قبل از انجام غسل مَسِّ مِیّت، توقف در مسجد و خواندن سوره‌های سجده دار، مانعی ندارد ولی برای نماز و مانند آن باید غسل کند و وضو بگیرد.<sup>۵</sup>

۱- به فتوای برخی از فقها، فقط خواندن آیه سجده حرام است.

۲- توضیح المسائل، م ۵۲۱.

۳- تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۶۳؛ توضیح المسائل، م ۵۲۲ و ۵۲۶ و استفتائات، ص ۱۷۹.

۴- توضیح المسائل، م ۵۳۱.

۵- همان، م ۵۳۲. به فتوای برخی از فقها، با غسل مَسِّ مِیّت بدون وضو می‌توان نماز خواند.

## تیمم



۱- اگر وضو یا غسل ممکن نباشد، باید به جای آن تیمم کرد. یعنی با شرایط و کیفیتی خاص، دست‌ها را بر زمین بزند و بر پیشانی و دست‌ها بکشد.



۲- تا زمانی که انجام وضو یا غسل به طرز معمول و متعارف ممکن است، نباید به صورت جبیره‌ای انجام شود؛ و تا وقتی که انجام هر یک به صورت جبیره‌ای ممکن است، نباید تیمم نمود.

۳- در موارد ذیل به جای وضو یا غسل باید تیمم کرد:

- آب نباشد و یا به آن دسترسی نداشته باشد؛
- آب برای انسان ضرر داشته باشد. مثلاً به سبب استفاده از آب، مرضی در او پیدا می‌شود؛
- وقت برای گرفتن وضو یا غسل ندارد، به طوری که با انجام وضو یا غسل، تمام یا مقداری از نماز بعد از وقت خوانده می‌شود.<sup>۱</sup>



## کیفیت تیمم

۱- برای تیمم، باید کارهای زیر به ترتیب انجام شود:<sup>۲</sup>

- زدن کف دو دست با هم، بر چیزی که تیمم بر آن صحیح است؛
- کشیدن کف هر دو دست بر تمام پیشانی و دو طرف آن، از جایی که موی سرمی‌روید تا ابروها و بالای بینی و بنا بر احتیاط واجب باید دست‌ها روی ابروها هم کشیده شود؛
- کشیدن کف دست چپ بر تمام پشت دست راست؛
- کشیدن کف دست راست بر تمام پشت دست چپ.



۱ - توضیح المسائل، تیمم.

۲ - توضیح المسائل ۷۰۱.



۲- اعمال تیمم باید با قصد تیمم و برای اطاعت از دستور الهی انجام شود و همچنین باید معلوم کند که تیمم بجای وضو است یا غسل.<sup>۱</sup>



۳- چیزهایی که تیمم بر آنها صحیح است:

- خاک؛
- ریگ؛
- اقسام سنگ‌ها مانند سنگ سیاه، سنگ مرمر، سنگ گچ و سنگ آهک (پیش از پخته شدن)؛
- گل پخته؛ مانند آجر و کوزه.<sup>۲</sup>

۴- تیمم بر جواهر، مانند عقیق و فیروزه باطل است.<sup>۳</sup>



### تیمم در تنگی وقت

۱- اگر عمداً نماز را به قدری تأخیر بیندازد که وقت وضو یا غسل نداشته باشد، معصیت کرده ولی نماز او با تیمم صحیح است، گرچه احتیاط مستحب است قضای آن نماز را بخواند.<sup>۴</sup>

۲- اگر انسان برای انجام وضو و غسل و خواندن نماز، بدون اعمال مستحبی مثل اقامه و یا قنوت وقت دارد باید غسل کند یا وضو بگیرد و نماز را بدون کارهای مستحبی آن بجا آورد، بلکه اگر به اندازه سوره هم وقت ندارد، باید غسل کند یا وضو بگیرد و نماز را بدون سوره بخواند.<sup>۵</sup>

۱- توضیح المسائل، م ۷۰۰.

۲- همان، م ۶۸۴ و ۶۸۵؛ العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی بیان ما یصح التیمم به، ص ۴۸۵. به فتوای برخی از فقها، تیمم بر سنگ گچ و سنگ آهک و گل پخته صحیح نیست و بعضی دیگر تیمم بر گچ و آهک را نیز صحیح می‌دانند.

۳- توضیح المسائل، م ۶۸۴ و ۶۸۵؛ العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی بیان ما یصح التیمم به، ص ۴۸۵.

۴- همان، م ۶۷۹.

۵- همان، م ۶۸۳.



### احکام تیمم

۱- تیمم بدل از وضو با تیمم بدل از غسل، فقط در نیت تفاوت دارد.<sup>۱</sup>

۲- تیمم در صورتی صحیح است که انسان نتواند وضو بگیرد، یا غسل کند، بنابراین انجام تیمم بدون عذر صحیح نیست.<sup>۲</sup>

۳- اگر به جای غسل جنابت تیمم کند، لازم نیست برای نماز وضو بگیرد، ولی اگر به جای غسل‌های دیگر تیمم کند، با آن تیمم نمی‌تواند نماز بخواند و باید برای نماز وضو بگیرد و اگر نتواند وضو بگیرد، باید تیمم دیگری به جای وضو انجام دهد.<sup>۳</sup>



۴- با برطرف شدن عذر، تیمم او باطل می‌شود، مثلاً آب نداشته و حالا آب پیدا کرده است.<sup>۴</sup>

۵- اگر یکی از مبطلات وضو از کسی که تیمم بدل از وضو انجام داده، سر بزنند، تیممش باطل می‌شود.<sup>۵</sup>

۶- هرگاه یکی از موجبات غسل، مثل جنابت یا مسّ میت برای کسی که تیمم بدل از غسل انجام داده، پیش آید، تیممش باطل می‌شود.<sup>۶</sup>

۱- توضیح المسائل، م ۷۰۱. به نظر بعضی از مراجع تقلید، در تیمم بدل از غسل، باید دو بار دست بر زمین زده شود، یک بار برای کشیدن برپیشانی و یک بار دیگر برای دست‌ها.

۲- همان، ۷۲۲.

۳- همان، م ۷۲۳. به نظر برخی از فقها، تیمم بدل از وضو در این صورت، واجب نیست بلکه احتیاط مستحب است.

۴- همان، م ۷۲۲.

۵- همان، م ۷۲۰.

۶- همان، م ۷۲۰.

۷ - اگر یکی از مبطلات وضو در تیمم بدل از غسل، پیش بیاید و نتواند برای نمازهای بعد غسل کند؛ باید وضو بگیرد و اگر نمی‌تواند وضو بگیرد، باید بدل از وضو، تیمم نماید.<sup>۱</sup>



## نجاسات

### خون<sup>۲</sup>

- ۱ - خون انسان و هر حیوانی که خون جهنده دارد، نجس است. مانند مرغ و گوسفند.
- ۲ - خون حیوانی که خون جهنده ندارد، پاک است. مانند ماهی و پشه.
- ۳ - خونی که گاهی در تخم مرغ دیده می‌شود نجس نیست<sup>۳</sup>، ولی بنا بر احتیاط واجب باید از خوردن آن اجتناب کرد و اگر خون را با زرده تخم مرغ به هم بزنند که از بین برود، خوردن زرده هم جایز است.



- ۴ - خون لثه، اگر با آب دهان مخلوط شده و از بین برود پاک است و در آن صورت فرو بردن آب دهان هم اشکال ندارد.
- ۵ - خونی که به واسطه کوبیده شدن، زیر ناخن یا زیر پوست می‌میرد، اگر به‌گونه‌ای عوض شود که به آن خون نگویند (استحاله شود) پاک است و اگر هنوز به آن خون گفته می‌شود، نجس است. تا

۱ - توضیح المسائل، م ۷۲۴. به فتوای برخی از فقها، اگر برای نمازهای بعد نتواند غسل کند باید بدل از غسل تیمم کند و احتیاط مستحب است وضو هم بگیرد.

۲ - همان، م ۹۶ و ۹۸ تا ۱۰۱.

۳ - به نظر برخی از مراجع تقلید، خون در تخم مرغ نجس است.

زمانی که زیر ناخن یا پوست است و راهی به بیرون ندارد، بیرون آوردن آن لازم نیست و برای وضو و غسل هم اشکال ندارد.



### شک در خون

- ۱- شیء قرمز رنگی که خون بودن آن معلوم نباشد محکوم به طهارت و پاکی است.<sup>۱</sup>
- ۲- خونی که معلوم نباشد از حیوان دارای خون جهنده است یا نه، پاک است. مثل اینکه نمی‌داند خون بر لباسش، خون پشه بوده یا خون بدن خودش است.<sup>۲</sup>
- ۳- زردآبه‌ای که در حال بهبودی زخم، در اطراف آن پیدا می‌شود، اگر معلوم نباشد که با خون مخلوط است، پاک می‌باشد.<sup>۳</sup>



### اجزای مردار

- اشیایی که از اجزای بی‌روح حیوان - غیر از سگ و خوک - تهیه شده پاک است، هرچند ذبح شرعی نشده باشد، بنابراین لباس‌های پشمی، کرکی، موئی، پاک است، هرچند غیرمسلمان آن را ساخته باشد، یا در بازار غیر مسلمین به فروش می‌رسد.<sup>۴</sup>
- اشیاء تهیه شده از اجزای روح‌دار مردار حیوان دارای خون جهنده، نجس است، مانند چیزهایی که از چرم تهیه می‌شود. مثل کفش، کیف، کلاه، کمربند، کاپشن، دستکش و بند ساعت.<sup>۵</sup>

۱ - العروه الوثقی، ج ۱، فی النجاسات، ص ۶۴، م ۷.

۲ - همان، ج ۱، فی النجاسات، ص ۶۴، م ۷.

۳ - توضیح المسائل، م ۱۰۴.

۴ - العروه الوثقی، ج ۱، ص ۵۸.

۵ - همان.



## اشیاء چرمی

۱- اگر چرم بودن برخی از وسائل مثل کیف و کفش معلوم نباشد محکوم به طهارت است.<sup>۱</sup>

۲- چیزی که چرم بودن آن معلوم است، ولی از حیوان دارای خون جهنده بودن آن معلوم نیست، محکوم به طهارت است. مانند کمربندی که معلوم نیست از پوست مار است یا غیر آن.<sup>۲</sup>

۳- اشیائی که از چرم حیوان دارای خون جهنده تهیه شده است (مانند کفشی که چرم گاو بودن آن قطعی است) اما ذبح شرعی بودن آن معلوم نیست، چنانچه آن را از مسلمان خریداری کرده است احکام آن به شرح زیر است:<sup>۳</sup>

- اگر ساخت کشور اسلامی باشد، پاک است؛
- اگر ساخت کشور غیر اسلامی باشد، مثلاً در بازار کویت کفشی می‌خرد که ساخت ایتالیا است: نجس است، مگر آنکه معلوم شود ذبح شرعی شده و واردکننده مسلمان، با احراز این که ذبح شرعی شده، وارد کرده است؛
- اگر معلوم نیست از چه کشوری است، پاک می‌باشد.

۴- کفش، کیف یا وسیله دیگری که از چرم حیوان خون جهنده دار (مثل چرم گوسفند) تهیه شده و ذبح شرعی آن حیوان مشخص نیست، چنانچه از غیرمسلمان (مثلاً در کشور چین یا ایتالیا) خریداری شود،

۱- العروه الوثقی، ج ۱، ص ۶۲.

۲- همان.

۳- همان، کتاب الصلاة، فی شرائط لباس المصلی، ص ۵۵۸، م ۹، و ص ۵۵۹، م ۱۰، و فی النجاسات ص ۶۰، م ۶۰ و ۷۰.

حکم مسأله سه صورت دارد: <sup>۱</sup>

- اگر ساخت کشور اسلامی باشد، مثلاً در لندن کفشی می‌خرد که ساخت سوریه است، پاک است؛
- اگر ساخت کشور غیر اسلامی باشد، نجس است؛
- اگر معلوم نیست از چه کشوری است، نجس می‌باشد.



### نجس شدن شیء پاک

اگر شیء پاک با نجس برخورد کند و یکی یا هر دو، رطوبت داشته باشد (مثلاً خیس است) و آن رطوبت به دیگری سرایت کند، آن شیء پاک هم نجس می‌شود: <sup>۲</sup>

در موارد زیر حکم به نجاست شیء پاک نخواهد شد و کماکان پاک محسوب می‌شود: <sup>۳</sup>

- معلوم نباشد پاک و نجس به هم برخورد کرده‌اند یا نه؛
- یا معلوم نباشد چیز پاک و نجس مرطوب بوده‌اند یا نه؛
- یا معلوم نباشد رطوبت یکی به دیگری سرایت کرده است یا نه.



### شک در نجس شدن

اگر انسان نداند چیز پاک نجس شده یا نه، پاک است و جستجو و واریسی هم لازم نیست، هرچند بتواند نجس بودن یا پاک بودن آن را بفهمد، بنابراین در مثال‌های زیر حکم به طهارت می‌شود و نیاز به

۱ - العروه الوثقی، ج ۱، کتاب الصلاة، فی شرائط لباس المصلی، ص ۵۵۸، م ۹، و ص ۵۵۹، م ۱۰، و فی النجاسات ص ۶۰، م ۶ و ۷.

۲ - توضیح المسائل، م ۱۲۵.

۳ - همان، م ۱۲۶ و عروه الوثقی، احکام النجاسات، ج ۱ ص ۷۹ م ۱.

سؤال کردن و تحقیق و پرهیز نیست:<sup>۱</sup>

- وسایل منزل کسانی که مقتید به طهارت و نجاست نیستند - حتی اگر مسلمان نباشند - در صورتی که یقین به نجس شدن آن‌ها نباشد، پاک است؛
- وسایل و لوازمی مثل ظروف غذا، حوله حمام، صابون، رختخواب، تخت، فرش و دیگر چیزها که در هتل‌ها یا خانه‌ها - حتی در کشورهای غیر اسلامی - وجود دارد، پاک است. چنانچه یقین به تماس با بدن کافرو سرایت رطوبت به آن و یا یقین به نجس شدن آن از راه دیگر وجود نداشته باشد؛
- قاشق، چنگال، بشقاب، لیوان و سایر امکانات در رستوران‌ها، حتی رستوران‌های غیر مسلمانان در صورتی که یقین به نجس شدن آن‌ها نباشد، پاک است؛



خوراکی‌هایی از قبیل قند، شکر، بیسکویت، شکلات، آدامس و غیره، که توسط غیر مسلمان ساخته شده است چنانچه یقین به تماس با بدن وی و نجس شدن آن به‌گونه‌ای دیگر وجود نداشته باشد پاک است؛

- روغن؛ اعم از حیوانی و غیر آن، که یقین به نجاست آن نباشد پاک است؛
- وسایلی که برای کار به غیر مسلمان داده می‌شود مانند پارچه برای دوخت لباس و ماشین برای تعمیر، اگر پس از تحویل گرفتن آن، یقین به نجس شدن آن نباشد، پاک است؛<sup>۲</sup>
- لباسی که برای شستن یا اتو کردن به خشک‌شویی داده می‌شود

۱ - توضیح المسائل، م ۱۲۳؛ العروه الوثقی، ج ۱، احکام النجاسات، ص ۷۹، م ۱.

۲ - توضیح المسائل، م ۱۲۳.

در صورتی که یقین به نجس شدن آن نباشد، پاک است. حتی در کشورهای غیر اسلامی باشد.<sup>۱</sup>



### فرآورده‌های لبنی

فرآورده‌های لبنی مانند شیر، ماست، پنیر، کشک، کره و خامه که از حیوانات حلال گوشت زنده تهیه می‌شود، پاک و خوردن آن‌ها حلال است، هرچند غیر مسلمان آن را تهیه کرده باشد، یا در بازار غیر اسلامی به فروش برسد و یا از کشورهای غیر اسلامی آورده باشند، مگر آنکه انسان یقین کند نجس شده است. شک و احتمال نجاست تأثیر ندارد و نیاز به تحقیق و جستجو نیست.<sup>۲</sup>

### شراب و الکل

۱- شراب و هر مایع مست‌کننده (مثل برخی از اقسام الکل‌ها) نجس است.<sup>۳</sup>

۲- الکل طبی و صنعتی و سایر اقسام الکل‌ها، اگر انسان نداند که از مایع مست‌کننده درست کرده‌اند، پاک است.<sup>۴</sup> و تحقیق و جستجو در این زمینه، لازم نیست.

۱- استفتانات، ج ۱، ص ۱۰۰ تا ۱۰۴، ص ۲۵۹ تا ۲۶۳ و ۲۶۹ تا ۲۷۵ و ص ۱۰۶ و ۱۰۷، س ۲۸۳، ۲۸۵، ۲۸۶ و ۲۸۷. احکام مورد نیاز کسانی که به کشورهای غیر اسلامی سفر می‌کنند یا در آنجا سکونت دارند، تدوین و به نام «احکام فقهی در سفرهای خارجی» چاپ و منتشر شده است.

۲- استفتانات ج ۲، ص ۵۰۷ تا ۵۰۸.

۳- توضیح المسائل، م ۱۱۱.

۴- توضیح المسائل، م ۱۱۲.



## مُطَهَّرَات

### آب

آب، بسیاری از چیزهای نجس را پاک می‌کند و اقسام مختلفی دارد. شناخت اقسام آب ما را در یاد گرفتنِ بهترِ مسائل آن کمک می‌کند.

#### آب مضاف

آبی است که از چیزی گرفته شده باشد؛ مانند آب سیب و هندوانه، یا با چیزی مخلوط شده باشد، به قدری که دیگر به آن آب نگویند؛ مانند شربت.

۱- آب مضاف هرگز متنجس را پاک نمی‌کند<sup>۱</sup> هرچند می‌تواند چیز کثیفی را تمیز کند. (از مُطَهَّرَات نیست)

۲- آب مضاف با برخورد به نجاست نجس می‌شود، هرچند نجاست کم باشد و بویا رنگ یا مزه آب عوض نشود.<sup>۲</sup>



#### آب مطلق

آبی است که مضاف نباشد.<sup>۳</sup>

فقط آب مطلق، شیء نجس را پاک می‌کند.

آبی که مطلق بوده و معلوم نیست مضاف شده است یا نه: حکم آب مطلق را دارد.

۱- توضیح المسائل، م ۴۷.

۲- همان، م ۴۸.

۳- تحریر الوسیله، ج ۱، کتاب الطهارة، فصل فی المیاه.



## آب کُر

اگر آب راکد به مقدار مشخصی برسد «کُر» تلقی می‌شود.

مقدار: ظرفی که درازا و پهنا و گودی آن هر یک حداقل ۳/۵  
و جب باشد پر از آب کنند به مقدار کُر است؛  
کُر: حجم: حدود ۴۳ و جب؛  
وزن: حدود ۳۷۷/۵ کیلوگرم.



- ۱- تمام اقسام آب‌های مطلق - به جز آب قلیل - تا زمانی که بو یا رنگ یا مزه نجاست نگرفته باشند پاک است و هرگاه بر اثر برخورد با نجاست، بو یا رنگ یا مزه نجاست بگیرند نجس می‌شوند. بنابراین آب‌های جاری، چاه، کُر و حتی باران در این حکم مشترکند.<sup>۱</sup>
- ۲- آب متصل به کُر، در حکم آب کُر است؛ بنابراین، آب لوله‌های ساختمان‌ها که متصل به منبع بزرگ شهر است، حکم آب کُر را دارد.<sup>۲</sup>
- ۳- مقدار آبی که معلوم نیست کُر است یا نه؛ با برخورد نجاست نجس نمی‌شود، اما سایر احکام آب کُر را ندارد.<sup>۳</sup>
- ۴- مقدار آبی که بیشتر کُر بوده و معلوم نیست قلیل شده یا نه؛ حکم آب کُر را دارد.<sup>۴</sup>



## آب قلیل

آبی که از زمین نمی‌جوشد، اگر از کُر کمتر باشد قلیل است.<sup>۵</sup>

۱ - تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۱۳، م ۴.

۲ - توضیح المسائل، م ۳۵.

۳ - تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۱۵، م ۱۵.

۴ - همان.

۵ - همان، ج ۱، کتاب الطهارة، فصل فی المیاء، ص ۱۴، م ۱۴؛ توضیح المسائل، م ۱۶. برخی از مراجع تقلید، مقدار کُر را کمی بیشتر یا کمتر دانسته‌اند.

- ۱- آب قلیل با برخورد به نجاست، نجس می‌شود، خواه روی چیز نجس ریخته شود یا چیز نجس به آن برسد.<sup>۱</sup>
- ۲- اگر آب قلیل بر زمین شیب‌دار جاری شود و قسمت پایین آن به نجاست برخورد کند، قسمت بالای آن نجس نمی‌شود.<sup>۲</sup>



- ۳- آب قلیلی که برای برطرف کردن عین نجاست روی چیز نجس ریخته می‌شود و از آن جدا می‌گردد نجس است.
- ۴- از آب قلیلی که پس از برطرف شدن عین نجاست برای تطهیر چیز نجس روی آن ریخته شده و از آن جدا می‌شود باید اجتناب کرد.<sup>۳</sup>
- ۵- آبی که قلیل بوده و مقداری آب به آن اضافه شده و معلوم نیست به حد گرسیده یا نه: حکم آب قلیل را دارد.



### آب باران

- برخی از خصوصیات آب باران عبارت است از:<sup>۴</sup>
- اگر باران بر چیز نجسی که عین نجس در آن نیست یک بار ببارد، پاک می‌شود؛
  - اگر باران برف‌ش و لباس نجس ببارد و خیس شود پاک می‌شود و فشار لازم ندارد؛
  - اگر باران بر زمین نجس ببارد پاک می‌شود؛
  - هرگاه باران در جایی جمع شود، اگر چه کمتر از گُرباشد، تا موقعی

۱- توضیح المسائل، م ۲۶.

۲- همان، م ۲۶.

۳- همان، م ۲۷.

۴- همان، م ۴۰، ۳۷، ۴۱، ۴۲.

که باران می‌بارد حکم آب کُر را دارد و چنانچه با نجس برخورد کند، مثلاً چیز نجسی را در آن بشویند، تا زمانی که بوی رنگ یا مزه نجاست نگرفته است، پاک است.



### شک در طهارت آب<sup>۱</sup>

- ۱- آبی که پاکی یا نجاست آن معلوم نبوده، پاک است.
- ۲- آبی که پاک بوده و شک در آن است که نجس شده یا نه: حکم آب پاک را دارد.
- ۳- آبی که نجس بوده ولی معلوم نیست پاک شده یا نه: حکم آب نجس را دارد.



### کیفیت تطهیر با آب

#### تطهیر ظرف با آب

ظرف نجس را می‌توان این‌گونه آب کشید:<sup>۲</sup>

- با آب کُر: ظرف را یک بار در آب کُر فرو برده، بیرون آورند یا با آب متصل به کُر مثلاً با آب شیر منازل، به قسمت‌های نجس بگیرند و یا ظرف را پر از آب کنند و خالی کنند.
- با آب قلیل: آن را سه مرتبه از آب پر و خالی کنند، یا سه مرتبه قدری آب در آن بریزند و در هر مرتبه آب را طوری در آن بگردانند که به همه جاهای نجس برسد و سپس بیرون بریزند.

۱- توضیح المسائل، م ۵۵.

۲- همان، م ۱۵۰ و ۱۵۵.



## ۶۸

## تطهیر لباس با ماشین لباسشویی

آیا لباس شستن با هر نوع ماشین لباسشویی خانگی، پاک کننده می باشد یا خیر؟ اگر پاک می کند، شرایط آن به چه صورت است؟

اگر بعد از زوال عین نجاست، یک مرتبه با آب لوله کشی یا دو مرتبه با آب قلیل می شوید، پاک می کند.<sup>۱</sup>

در رابطه با لباسشویی های عمومی، با توجه به اینکه در هر منطقه و محله، افرادی که طهارت اسلامی را رعایت نمی کنند کم و بیش وجود دارند، (هرچند این امر یقینی نیست لیکن احتمال آن زیاد است) آیا لباس هایی که در این لباسشویی ها شسته می شوند پاکند یا خیر؟

اگر لباس را پاک تحویل داده اند و شک داشته باشند که نجس شده، پاک است و همچنین اگر لباس نجس بوده و متصدی شستن بگوید تطهیر نموده است، محکوم به طهارت است.<sup>۲</sup>

## ۶۹

## تطهیر زمین با آب

در تطهیر زمین با آب ابتدا باید نجاست را برطرف کرد و سپس باید

به شیوه زیر عمل کرد:

- |  |   |                                     |   |                         |
|--|---|-------------------------------------|---|-------------------------|
| <p>آب کریا جاری بر آن گرفته می شود به مقداری که تمام جاهای نجس را فراگیرد.</p> <p>۱. اگر زمین به گونه ای است که آب بر آن جاری نمی شود (به اصطلاح آب را به خود گرفته و می خورد)، با آب قلیل پاک نمی شود؛</p> <p>۲. اگر آب بر زمین جاری می شود، جایی که آب جاری شده، پاک می شود و جایی که آب جمع شده، نجس است.</p> | } | <p>۱ - آب کر</p> <p>۲ - آب قلیل</p> | } | <p>تطهیر زمین با آب</p> |
|--|---|-------------------------------------|---|-------------------------|

۱ - استفتائات، ج ۱، ص ۱۱۹، س ۳۲۷.

۲ - همان، ص ۱۲۰، س ۳۲۹.



هنگام تطهیر زمین، اگر آب‌ها جاری شده و به داخل چاه می‌رود، یا از آن محل بیرون می‌رود، تمام جاهایی که آب جاری شده، پاک می‌شود.<sup>۱</sup>



## زمین

زمین یکی دیگر از مُطَهَّرَات است.

۱- اگر کف پا یا کف کفش، هنگام راه رفتن نجس شود و به سبب تماس با زمین، نجاست برطرف گردد، پاک می‌شود. پس زمین، فقط پاک کننده کف پا و کف کفش است.

۲- شرایط تطهیر کف پا یا کفش با زمین عبارت است از:

- زمین پاک باشد؛
- زمین خشک باشد؛ (تر نباشد)
- زمینی پاک کننده است که خاک، شن، سنگ، آجر فرش و مانند اینها باشد.<sup>۲</sup>



۳- اگر بر اثر تماس ته کفش یا کف پا با زمین، نجاست برطرف

شود پاک می‌گردد، ولی بهتر است حداقل پانزده قدم راه برود؛<sup>۳</sup>

۴- اشیاء زیر پاک کننده کف پا و کف کفش نیستند:

موزائیک، آسفالت، فرش، زمینی که با چوب فرش شده است، حصیر، سبزه و گیاه، مگر به قدری کم باشد که چیزی به حساب نیاید

۱ - توضیح المسائل، م ۱۷۹ و ۱۸۰.

۲ - همان، م ۱۸۳، ۱۹۲.

۳ - العروه الوثقی، ج ۱، فصل فی المپهّرات، ص ۱۲۴.

و عرفاً بگویند بر زمین راه می‌رود.<sup>۱</sup>

۵- بنابراین احتیاط واجب، زمین اشیاء ذیل را پاک نمی‌کند:<sup>۲</sup>

- دست و زانوی معلولانی که با دست یا زانوراه می‌روند؛
- نوک عصا؛
- جوراب؛ (مگر جورابی که کف آن از پوست باشد)
- ته پای مصنوعی؛
- چرخ اتومبیل.<sup>۳</sup>



## آفتاب

آفتاب یکی از مَطَهَّرَات است و با شرایطی، این موارد را پاک می‌کند:

- زمین؛
- ساختمان و چیزهایی که در آن به‌کار رفته و جزو آن است؛ مانند درب و پنجره؛
- درخت و گیاه تا وقتی که گیاه از زمین بیرون آورده نشده و درخت قطع نشده باشد.<sup>۴</sup>

### شرایط مَطَهَّرِ بُوْدِنِ آفْتَاب

آفتاب، با شرایط زیر، زمین، ساختمان، درخت و گیاه را پاک می‌کند:

- چیز نجس، تر باشد؛ به قدری که اگر چیزی به آن برسد، تر شود؛
- با تابش آفتاب خشک شود؛ اگر مرطوب بماند پاک نشده است؛

۱ - العروه الوثقی، ج ۱، فصل فی المَطَهَّرَات، ص ۱۲۵. به فتوای برخی از فقها، موزائیک و آسفالت نیز پاک‌کننده است.

۲ - همان، ص ۱۲۶؛ توضیح المسائل، م ۱۸۸.

۳ - به فتوای برخی از فقها، زمین، پاک‌کننده چیزهایی مثل چرخ اتومبیل نیز هست.

۴ - العروه الوثقی، ج ۱، ص ۱۲۹، الثالث من المَطَهَّرَات؛ تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۱۳۰، ثالثها و م ۱۰.





- چیزی مانند ابر یا پرده، مانع تابش آفتاب نباشد؛ مگر آنکه رقیق و نازک باشد و از تابش آفتاب جلوگیری نکند؛
- آفتاب به تنهایی آن را خشک کند؛ مثلاً با کمک باد خشک نشود؛
- هنگام تابش آفتاب، عین نجاست<sup>۱</sup> در آن نباشد؛ پس اگر عین نجاست هست، پیش از تابش آفتاب برطرف شود؛<sup>۲</sup>
- قسمت بیرونی و درونی دیوار یا زمین به یکباره خشک شود پس اگر روی آن امروز و درون آن فردا، خشک شود تنها روی آن پاک می‌شود.



### برطرف شدن عین نجس

- برطرف شدن عین نجاست یکی از مطهرات است و در دو مورد برطرف شدن عین نجس، نیازی به آب کشیدن وجود ندارد:
- ۱- بدن حیوان: مثلاً مرغی که نجاست خورده، با برطرف شدن نجاست، منقارش پاک است.
  - ۲- باطن بدن انسان: مانند داخل دهان، بینی و گوش.



اگر هنگام مسواک کردن از لثه‌ها خون بیاید، یا شخصی غذای نجس بخورد، زمانی که در دهان غذای نجس و خون نباشد، یا به قدری کم باشد که با آب دهان مخلوط شده و از بین برود، پاک است و آب کشیدن داخل دهان لازم نیست.<sup>۳</sup>

۱ - آنچه خود به خود نجس است مانند خون «عین نجاست» است.

۲ - توضیح المسائل، م ۱۹۱.

۳ - همان، م ۲۱۶-۲۱۷.

اگر دهان خونی شود و دندان مصنوعی طوری باشد که به دندان طبیعی چسبیده باشد و نشود آن را برای آب کشیدن به بیرون از دهان آورد، آیا نحوه تطهیرش مانند دندان طبیعی است؟

بنابرا احتیاط واجب، حکم دندان طبیعی را ندارد و باید تطهیر شود.<sup>۱</sup>



## نماز

### اوقات نماز

- ۱- اگر انسان تمام نماز را قبل از وقت بخواند، یا عمداً نماز را قبل از وقت شروع کند، باطل است.<sup>۲</sup>
- ۲- اگر انسان یقین کند، یا دو مرد عادل بگویند وقت نماز شده و نماز را شروع کند، اما:

  - در بین نماز متوجه شود هنوز وقت داخل نشده، نمازش باطل است؛
  - در بین نماز متوجه شود اکنون وقت نماز شده، نمازش صحیح است؛
  - پس از نماز بفهمد تمام نماز قبل از وقت بوده، نمازش باطل است؛
  - پس از نماز متوجه شود، بخشی از نماز قبل از وقت خوانده شده، نمازش صحیح است.<sup>۳</sup>



- ۳- اگر وقت نماز تنگ باشد، که با خواندن مستحبات بخشی از نماز بعد از وقت خوانده می‌شود، باید مستحبات را بجا نیاورد؛ مثلاً اگر بخواند قنوت بخواند، وقت می‌گذرد، نباید قنوت بخواند.<sup>۴</sup>

۱- استفتائات، ج ۱، ص ۹۹، س ۲۵۸.

۲- تحریر الوسیله، ج ۱، م ۷۴۴.

۳- العروه الوثقی، ج ۱، ص ۵۳۰، فصل فی احکام الاوقات، م ۳؛ توضیح المسائل، م ۷۴۴.

۴- توضیح المسائل، م ۷۴۷.



بیدار کردن افراد خانواده برای نماز صبح، با چه کیفیتی مجاز است؟

اگر بیدار نکردن آن‌ها موجب سهل‌انگاری و استخفاف به امر نماز باشد، باید آن‌ها را بیدار نماید.<sup>۱</sup>



### وقت فضیلت نمازهای یومیّه

مستحب است انسان نماز را اول وقت بخواند و در روایات بر این مطلب سفارش بسیاری شده است و هر چه به اول وقت نزدیک‌تر باشد بهتر است، مگر آنکه تأخیر آن از جهتی بهتر باشد؛ مثلاً صبر کند که نماز را به جماعت بخواند.<sup>۲</sup>

وقت فضیلت، زمانی است که اگر نماز در آن وقت خوانده شود، ثواب بیشتری دارد.

وقت فضیلت نماز ظهر: از اول ظهر است تا زمانی که سایه پدید آمده شاخص<sup>۲</sup> به اندازه طول شاخص افزوده شود؛ مثلاً اگر طول شاخص یک متر باشد و هنگام ظهر ۲۰ سانتی‌متر سایه داشته باشد. پایان وقت فضیلت نماز ظهر وقتی است که سایه شاخص به ۱۲۰ سانتی‌متر برسد.



وقت فضیلت نماز عصر: پس از وقت مخصوص نماز ظهر است تا زمانی که سایه شاخص دو برابر طول آن اضافه شود.

وقت فضیلت نماز مغرب: از اول مغرب است تا زمانی که سرخی طرف مغرب از بین برود.

۱ - استفتائات، ج ۱، ص ۱۳۳، س ۲۵.

۲ - توضیح المسائل، م ۷۵۱.

۳ - شاخص، جسم میله‌مانندی را گویند که به طور قائم بر سطح افقی نصب شده باشد، مثلاً چوبی که عمود بر زمین باشد.



وقت فضیلت نماز عشا: شروع آن از پایان وقت فضیلت نماز مغرب و پایان آن ثلث شب است؛ به عبارت دیگر از هنگام برطرف شدن سرخی طرف مغرب تا گذشتن ثلث  $\frac{1}{3}$  از شب. وقت فضیلت نماز صبح: وقت فضیلت نماز صبح از اذان صبح است تا زمانی که هوا روشن شود.<sup>۱</sup>



### لباس نمازگزار

۱- بر زنان پوشاندن دست‌ها و پاها تا مچ واجب است و پوشاندن صورت<sup>۲</sup> به مقداری که در وضو باید شسته شود، در نماز واجب نیست؛ گرچه پوشاندن آن هم مانع ندارد.<sup>۳</sup>

۲- لباس نمازگزار باید دارای این ویژگی‌ها باشد:<sup>۴</sup>

- پاک باشد؛ (نجس نباشد)
- مباح باشد؛ (غصبی نباشد)
- از اجزای مردار نباشد؛ مثلاً از پوست حیوانی که مطابق دستور اسلام ذبح نشده، تهیه نشده باشد، حتی کمربند و کلاه؛
- از حیوان حرام گوشت نباشد؛ مثلاً از پوست پلنگ یا خوک تهیه نشده باشد؛
- نمازگزاران مرد نباید لباس طلا یا از ابریشم خالص بپوشند.



۱- تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۱۳۷. به فتوای برخی از فقها، وقت فضیلت نماز عصر پس از اتمام وقت فضیلت نماز ظهر آغاز می‌شود.

۲- برای بانوان پوشاندن پاها در نماز واجب نیست ولی از نگاه نامحرم باید بپوشانند.

۳- توضیح المسائل، م ۷۸۹.

۴- همان، م ۷۹۸.



- ۳- نماز خواندن با لباسی که از اجزای حیوان حرام گوشت تهیه شده باشد باطل است؛ هرچند از اجزای بی‌روح آن، مانند پشم یا مو باشد.<sup>۱</sup>
- ۴- هیچ جزئی از حیوان حرام گوشت نباید همراه نمازگزار باشد؛ هرچند لباس نباشد، بنابراین اگر بند ساعت یا کمر بند از حیوان حرام گوشت باشد، نماز باطل است.<sup>۲</sup>
- ۵- نماز خواندن با لباسی که از پشم و کرک و موی حیوان حلال گوشت تهیه شده، صحیح است، چون نه نجس است و نه از اجزای روح‌دار مردار و نه از اجزای حیوان حرام گوشت.<sup>۳</sup>



- ۶- در این موارد، خواندن نماز با بدن یا لباس نجس صحیح است:
- نداند بدن یا لباسش نجس است و پس از نماز متوجه شود؛<sup>۴</sup>
  - بدن یا لباس نمازگزار بر اثر زخم بدن نجس شده و آب کشیدن یا عوض کردن آن هم دشوار است؛
  - لباس یا بدن نمازگزار به خون نجس شده ولی مقدار آلودگی کمتر از یک درّه<sup>۵</sup> است؛
  - ناچار باشد که با بدن یا لباس نجس نماز بخواند؛ مثلاً آب برای تطهیر ندارد.<sup>۶</sup>

۱ - توضیح المسائل، م ۸۲۴.

۲ - همان.

۳ - همان، م ۸۲۳.

۴ - همان، م ۸۰۲.

۵ - قَطْر یک درهم، تقریباً ۲۳ میلی‌متر می‌باشد.

۶ - توضیح المسائل، م ۸۴۸.





- ۷- اگر لباس‌های کوچک نمازگزار، مانند دستکش و جوراب، نجس باشد، اشکال ندارد.<sup>۱</sup>
- ۸- وجود دستمال کوچک نجس در جیب در هنگام نماز، اشکال ندارد؛ به شرطی که از اجزای روح‌دار مردار یا از اجزای حیوان حرام گوشت نباشد.<sup>۲</sup>
- ۹- پوشیدن عبا و لباس سفید و پاکیزه‌ترین لباس‌ها و استعمال بوی خوش و به دست کردن انگشتر عقیق در نماز مستحب است.<sup>۳</sup>
- ۱۰- پوشیدن لباس سیاه و چرک و تنگ و لباسی که نقش صورت دارد و باز بودن دکمه‌های لباس در نماز مکروه است.<sup>۴</sup>



### قبله

- ۱- خانه کعبه، «قبله» مسلمانان است و نمازگزار باید رو به آن نماز بخواند. دفن میت و ذبح حیوان نیز باید رو به قبله باشد.<sup>۵</sup>
- ۲- کسی که بیرون شهر مکه و دور از آن است، اگر طوری بایستد که بگویند رو به قبله نماز می‌خواند، کافی است.<sup>۶</sup>
- ۳- کسی که نماز واجب را ایستاده می‌خواند، باید طوری بایستد که بگویند رو به قبله ایستاده است و لازم نیست زانو‌ها و نوک پای او هم رو به قبله باشد.<sup>۷</sup>

۱- توضیح المسائل، م ۸۶۱.

۲- همان، م ۸۶۱.

۳- همان، م ۸۶۴.

۴- همان، م ۸۶۵.

۵- همان، م ۷۷۶.

۶- همان.

۷- همان، م ۷۷۷.



### تابش خورشید و تعیین قبله

در دو روز از سال؛ یعنی روزهای ۶ خرداد و ۲۴ تیر، هنگام ظهر، خورشید کاملاً عمود بر کعبه می‌تابد و در سایر مناطق جهان می‌توان به کمک خورشید جهت قبله را مشخص کرد؛ یعنی اگر هنگام ظهر شرعی به وقت مکه رو به خورشید بایستیم، به سمت قبله قرار می‌گیریم و دقیق‌تر آنکه اگر در آن دو روز، هنگام ظهر به وقت مکه در هر جای کره زمین شاخصی نصب کنیم، سایه آن از نوک سایه به سمت پایه شاخص، جهت قبله خواهد بود.<sup>۱</sup>



شاخص

جهت قبله



### انحراف از قبله در نماز

- در صورتی که نمازگزار در بین نماز متوجه شود رو به قبله نیست، اگر:
- انحراف به حدّ سمت راست یا چپ قبله یا پشت به قبله نباشد، باید به سمت قبله بگردد و نماز را ادامه دهد و صحیح است؛
  - در صورتی که انحراف به حدّ سمت راست یا چپ قبله یا پشت به آن باشد، اگر:
  - الف: وقت نماز وسعت دارد، باید این نماز را رها کند و دوباره شروع کند؛
  - ب: وقت نماز تنگ است، باید به سمت قبله برگردد و نماز را ادامه دهد و بنا بر احتیاط مستحب قضای آن را نیز بجا آورد.<sup>۲</sup>

۱ - مجله نور علم، ش ۸، ص ۹.

۲ - تحریر الوسیله، ج ۱، فی القبلة، ص ۱۴۱، م ۴.



### مکان نمازگزار

مکان نمازگزار باید دارای شرایط زیر باشد:<sup>۱</sup>

- مباح باشد؛
- بی حرکت باشد؛
- جای آن تنگ و سقف آن کوتاه نباشد تا بتواند قیام و رکوع و سجود را صحیح انجام دهد؛
- جایی که پیشانی را می‌گذارد پاک باشد؛
- اگر مکان نمازگزار نجس است، به اندازه‌ای رطوبت نداشته باشد که به بدن یا لباس نمازگزار سرایت کند؛
- جایی که پیشانی را می‌گذارد از جای زانوها و بنا بر احتیاط واجب از جای انگشتان پا، بیش از چهار انگشت بسته پست‌تر یا بلندتر نباشد.



### نماز در مکان غصبی

کسی که در مسجد نشسته، اگر دیگری جای او را غصب کند و در آنجا نماز بخواند، بنا بر احتیاط واجب باید دوباره نمازش را در محل دیگری بخواند؛<sup>۲</sup>

نماز خواندن در جاهایی که غصبی بودن آن معلوم نیست اشکال ندارد؛<sup>۳</sup>

اگر در جایی که نمی‌داند غصبی است نماز بخواند و بعد از نماز بفهمد غصبی بوده، نمازش صحیح است.<sup>۴</sup>

۱ - توضیح المسائل، مکان نمازگزار، م ۸۶۶ تا ۸۷۷.

۲ - همان، م ۸۶۸.

۳ - همان، م ۸۶۹؛ تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۱۴۷، م ۱.

۴ - توضیح المسائل، م ۸۷۰.





سؤال نماز خواندن در بانک‌ها و ادارات و مدارس و امثال آن که اغلب وضعیت ملکی آن‌ها مشخص نیست چه صورتی دارد؟  
 اگر علم به غصبی بودن محل ندارند اشکال ندارد.<sup>۱</sup>

### نماز در مکان متحرک

۱- یکی از شرایط مکان نمازگزار بی حرکت بودن آن است. بنابراین، نماز خواندن در هواپیما، کشتی، قطار و اتومبیل در حال حرکت اگر سبب تکان خوردن بدن و لرزش زیاد آن بشود، صحیح نیست؛ ولی اگر انسان ناچار به خواندن نماز در آن حال باشد (مثلاً اگر بخواهد صبر کند تا در هنگام توقف نماز بخواند، وقت می‌گذرد و نماز قضا می‌شود) باید نماز را در همان حال بخواند.



۲- هر چند در حال ناچاری می‌توان در هواپیما و قطار نماز خواند ولی باید سایر شرایط نماز را در حد امکان مراعات کند؛ یعنی این‌گونه عمل کند:

- برای نماز وضو بگیرد و اگر نتواند وضو بگیرد، باید تیمم کند، و چنانچه تیمم هم ممکن نباشد، احتیاط مستحب آن است که نماز را بخواند و بعد قضای آن را بجا آورد؛
- اگر می‌تواند باید نماز را ایستاده بخواند در غیر این صورت آن را در حال نشسته بجا آورد؛
- جهت قبله را مراعات کند؛ پس اگر وسیله نقلیه به طرف دیگر بگردد، نمازگزار نیز باید به سمت قبله بگردد و در هنگام چرخیدن باید از قرائت و خواندن اذکار سکوت کند؛

• اگر برخی از شرایط نماز را نتواند مراعات کند، باید به هر نحو که می‌تواند نماز را بخواند.<sup>۱</sup>

نماز خواندن و تشخیص قبله مسافر در داخل هواپیما و قطار چگونه است؟ لطفاً نظر خود را بفرمائید.

باید تحقیق کند و رو به قبله نماز بخواند و اگر نمی‌تواند علم پیدا کند، به طرفی که مظنه دارد بایستد.<sup>۲</sup>



### احکام مکان نمازگزار

۱- در حال ناچاری، خواندن نماز در مکان غصبی یا در جایی با سقف کوتاه، یا در جای تنگ مانند سنگریا در مکان ناهموار اشکال ندارد.<sup>۳</sup>

۲- انسان باید رعایت ادب را بکند و جلوتر از قبر پیغمبر صلی الله علیه و آله و امام نماز نخواند؛ ولی نماز باطل نیست.<sup>۴</sup>

۳- بودن مرد و زن نامحرم در جای خلوت جایز نیست و احتیاط آن است که در آنجا نماز نخوانند؛ لیکن اگر بخواند نمازش باطل نیست.<sup>۵</sup>



۴- بنا بر احتیاط مستحب، زن باید عقب‌تر از مرد بایستد و جای سجده او از جای ایستادن مرد کمی عقب‌تر باشد.<sup>۶</sup>

۵- اگر در نماز، زن برابر مرد یا جلوتر باشد و پرده یا دیوار و مانند

۱- تحریر الوسیله، ج ۱، المقدمة الرابعة فی المكان، ص ۱۵۱، م ۱۵.

۲- استفتانات، ج ۱، ص ۱۳۵.

۳- تحریر الوسیله، ج ۱، المقدمة الرابعة فی المكان، ص ۱۴۷، م ۳؛ توضیح المسائل، م ۸۸۳.

۴- توضیح المسائل، م ۸۸۴. به فتوای برخی از فقها، نماز باطل است.

۵- همان، م ۸۸۹. به فتوای برخی از فقها، در این فرض و فرض قبلی باید نماز را دوباره بخواند.

۶- همان، م ۸۸۶. برخی از مراجع تقلید عقب‌تر ایستادن زن از مرد را در نماز لازم می‌دانند.

آن بین آن‌ها فاصله نشود، و با هم وارد نماز شوند، بهتر است نماز را دوباره بخوانند.<sup>۱</sup>

۶- کسی که در محل عبور مردم نماز می‌خواند، یا کسی روبروی اوست، مستحب است جلوی (سجده گاه) خود چیزی بگذارد، و اگر چوب یا ریسمان یا تسبیح هم باشد کافی است.<sup>۲</sup>



### مکان‌های مکروه برای خواندن نماز

جاهایی که نماز خواندن در آنجا مکروه است:<sup>۳</sup>

- حمام؛
- مقابل درب باز؛
- در جاده و خیابان و کوچه، اگر برای کسانی که عبور می‌کنند زحمت نباشد؛ و اگر زحمت باشد حرام است ولی نماز باطل نیست؛
- مقابل آتش و چراغ؛
- در آشپزخانه و هر جا که کوره آتش باشد؛
- روبروی عکس و مجسمه انسان یا حیوان، مگر آن‌که روی آن پرده بکشند؛
- در جایی که عکس باشد هر چند روبروی نمازگزار نباشد؛
- مقابل قبر و روی آن و بین دو قبر؛
- در قبرستان.

۱ - توضیح المسائل، م ۸۸۷.

۲ - همان، م ۸۹۹.

۳ - همان، م ۸۹۸.



## مسجد

مستحب است، انسان نماز را در مسجد بخواند و در اسلام بر این مسأله بسیار سفارش شده است.<sup>۱</sup>  
برخی از احکام مسجد عبارت است از:

## مُحَرَّمَات

- زینت کردن مسجد با طلا؛ (بنابر احتیاط واجب)<sup>۲</sup>
- فروش مسجد؛ هرچند خراب شده باشد و حتی فروختن زمین آن؛<sup>۳</sup>
- نجس کردن زمین و سقف و دیوار و بام مسجد؛ و چنانچه نجس شود باید فوراً تطهیر کنند؛<sup>۴</sup>
- بردن خاک و ریگ از مسجد؛ مگر خاک‌های اضافی؛<sup>۵</sup>
- بیرون بردن قرآن، مهر، فرش و سایر لوازم مسجد که شرط شده از مسجد بیرون نرود؛
- انجام کارهای خلاف شأن و حرمت مسجد؛<sup>۶</sup>
- داخل شدن کفار به مسجد و حرم امامان علیهم‌السلام اگر موجب هتک حرمت مسجد شود.<sup>۷</sup>

۱ - توضیح المسائل، م ۸۹۳.

۲ - همان، م ۹۰۸. زینت کردن مساجد را برخی از فقها حرام نمیدانند و برخی دیگر حرمت آن را در فرض اسراف می‌دانند.

۳ - همان، م ۹۰۹.

۴ - همان، م ۹۰۰.

۵ - العروه الوثقی، ج ۱، کتاب الصلاة، فصل ۱۵ فی بعض احکام المسجد، الرابع.

۶ - استفتانات، ج ۲، ص ۹۲۷، س ۱۵.

۷ - برخی از فقها مثل رهبری آن را مطلقاً حرام می‌دانند.





### مستحبات<sup>۱</sup>

- زودتر از همه به مسجد رفتن و دیرتر از همه از مسجد بیرون آمدن؛
- گذاردن پای راست هنگام ورود به مسجد؛
- گذاردن پای چپ هنگام بیرون آمدن از مسجد؛
- خواندن دو رکعت نماز به قصد تحیت و احترام مسجد؛ (خواندن هر نماز واجب یا مستحبی نیز کفایت می‌کند)
- خوشبو کردن خود و پوشیدن بهترین لباس‌ها برای رفتن به مسجد؛<sup>۲</sup>
- تمیز و آباد کردن مسجد؛
- روشن کردن چراغ‌های مسجد؛
- مراقبت کردن کفش یا پا از آلودگی به نجاست یا کثافت؛
- داشتن قلب خاشع و زبان ذاکر هنگام ورود به مسجد و خروج از آن؛
- مستحب است، انسان با کسی که در مسجد حاضر نمی‌شود، غذا نخورد، در کارها با او مشورت نکند، همسایه او نشود، از او زن نگیرد و به او زن ندهد.<sup>۳</sup>



### مکروهات<sup>۴</sup>

- عبور از مسجد به عنوان محل عبور، بدون آن‌که در آنجا نماز بخواند؛
- خوابیدن در مسجد، مگر در حال ناچاری؛
- فریاد زدن یا بلند کردن صدا در مسجد، مگر برای اذان؛
- خرید و فروش در مسجد؛

۱ - توضیح المسائل، م ۸۹۴.

۲ - همان، م ۹۱۲ و ۹۱۳.

۳ - همان، م ۸۹۶ و ۸۹۷.

۴ - همان، م ۸۹۵.





- سخن گفتن از امور دنیا؛
- نماز خواندن همسایه مسجد در غیر مسجد بدون عذر؛
- جستجوی گمشده در آن؛
- راه دادن بچه و دیوانه به آن؛
- حضور در مسجد در حالی که سیریا پیاز و مانند این‌ها خورده و بوی دهان او مردم را اذیت می‌کند.



### اذان و اقامه

- ۱- بر نمازگزار مستحب است قبل از نمازهای یومیه، ابتدا اذان و بعد از آن اقامه بگوید.<sup>۱</sup>
- ۲- هیچ یک از نمازهای واجب و مستحب - به جز نمازهای یومیه و قضای آن‌ها - اذان و اقامه ندارد.<sup>۲</sup>
- ۳- اذان و اقامه باید در وقت نماز گفته شود و اگر قبل از وقت بگوید باطل است.<sup>۳</sup>
- ۴- اقامه باید بعد از اذان گفته شود و اگر قبل از اذان بگوید، صحیح نیست.<sup>۴</sup>



- ۵- بین جمله‌های اذان و اقامه نباید زیاد فاصله شود و اگر بین آن‌ها بیشتر از معمول فاصله بیندازد، باید دوباره آن را از سر بگیرد.<sup>۵</sup>

۱- توضیح المسائل، م ۹۱۸.

۲- العروه الوثقی، فصل فی الاذان و الاقامة، ج ۱، ص ۶۰۱.

۳- توضیح المسائل، م ۹۳۵.

۴- همان، م ۹۳۱.

۵- همان، م ۹۲۰.

- ۶- اگر برای نماز جماعتی اذان و اقامه گفته باشند، کسی که با آن جماعت نماز می‌خواند، نباید برای نماز خود اذان و اقامه بگوید.<sup>۱</sup>
- ۷- مستحب است در روزی که بچه به دنیا می‌آید، در گوش راست او اذان و در گوش چپش اقامه بگویند.<sup>۲</sup>



### واجبات نماز



- ۱- نماز، با گفتن «تکبیر» آغاز می‌شود و با «تسلیم» به پایان می‌رسد.
- ۲- آنچه در نماز انجام می‌شود یا واجب است یا مستحب.
- ۳- واجبات نماز، یازده چیز است که برخی رکن و برخی غیر رکن است.

۱- نیت؛  
 ۲- قیام؛  
 ۳- تکبیرة الإحرام؛  
 ۴- رکوع؛  
 ۵- سجود.

رکن

۱- قرائت؛  
 ۲- ذکر؛  
 ۳- تشهد؛  
 ۴- سلام؛  
 ۵- ترتیب؛  
 ۶- مَوالات.

غیر رکن

واجبات نماز

۱- توضیح المسائل، م ۹۲۳.

۲- همان، م ۹۱۷.



### فرق بین رکن و غیر رکن

۱- ارکان نماز از اجزای اساسی آن به شمار می‌آید و چنانچه یکی از آن‌ها بجا آورده نشود، یا اضافه شود، نماز باطل است؛ هرچند بر اثر فراموشی هم باشد. بنابراین اگر کسی رکوع را فراموش کند یا بدون تکبیرة الإحرام نماز را شروع کند، نمازش باطل است.

۲- گرچه انجام دادن واجبات غیررکنی، لازم است ولی چنانچه از روی فراموشی، کم یا زیاد شوند، نماز باطل نیست؛ پس اگر بعد از خواندن حمد، سوره را فراموش کند و به رکوع برود نمازش باطل نیست.<sup>۱</sup>



### نیت نماز

۱- نمازگزار از آغاز تا پایان نماز، باید بداند چه نمازی می‌خواند و آن را برای انجام فرمان خداوند عالم بجا آورد.<sup>۲</sup>

۲- به زبان آوردن نیت لازم نیست، ولی چنانچه به زبان هم بگوید اشکال ندارد.<sup>۳</sup>

۳- نماز باید از هرگونه ریا و خودنمایی به دور باشد؛ یعنی نماز را تنها برای ادای دستور خداوند و به قصد قربت بجا آورد و چنانچه تمام یا قسمتی از نماز برای غیر خدا باشد، باطل است.<sup>۴</sup>



۴- اگر نمازگزار، غیر از اطاعت امر الهی، قصد دیگری هم در نماز خواندن داشته باشد، با سه شرط اشکال ندارد:

۱- توضیح المسائل، م ۹۴۲.

۲- همان، م ۹۴۲ و ۹۴۴.

۳- همان، م ۹۴۳.

۴- همان، م ۹۴۶-۹۴۷.

**الف:** قصد ریا و خودنمایی نداشته باشد؛  
**ب:** قصد قربت و اطاعت الهی اصل باشد و نیت دیگر فرع و ضمیمه؛  
**ج:** ضمیمه هم امری مباح یا مطلوب باشد. بنابراین اگر برای اطاعت الهی نماز بخواند و در ضمن به دیگری هم نماز خواندن یاد دهد اشکال ندارد.<sup>۱</sup>



### عدول از نیت

و جوب عدول از نیت



برگرداندن نیت از نمازی به نماز دیگر، در موارد زیر واجب است:

- از نماز عصر به نماز ظهر، در صورتی که بین نماز عصر متوجه شود نماز ظهر را نخوانده یا باطل بوده است؛
- از نماز عشا به مغرب، در صورتی که بین نماز عشا پیش از رکوع رکعت چهارم متوجه شود نماز مغرب را نخوانده یا باطل بوده؛ و اگر وارد رکوع رکعت چهارم شده باشد، نماز عشا صحیح است و پس از آن نماز مغرب را بخواند.<sup>۲</sup>



### عدم صحت عدول از نیت

برگرداندن نیت در موارد زیر صحیح نیست:<sup>۳</sup>

- از نماز ظهر به نماز عصر؛
- از مغرب به عشا؛
- از قضا به اداء؛

۱ - تحریر الوسیله، ج ۱، کتاب الصلاة، فصل فی افعال الصلاة، ص ۱۵۷، م ۳.

۲ - همان، ص ۱۵۹، م ۱۲.

۳ - همان، ص ۱۵۹، م ۱۲ و ۱۳.

- از فرادا به جماعت؛ (بنابر احتیاط واجب)
- از مستحب به واجب؛
- عدول از نماز مستحب به نماز مستحب دیگر.



از نماز واجب به مستحب جایز نیست، مگر در دو مورد:

- الف: کسی که خواندن سوره جمعه را در نماز ظهر روز جمعه فراموش کرده است و قرائت سوره دیگری به نصف یا بیشتر از آن رسیده باشد؛
- ب: مشغول نماز واجب بوده و داخل در رکوع رکعت سوم نشده باشد و نماز جماعت برپا شود و خوف آن دارد که از جماعت عقب بماند.<sup>۱</sup>

جواز عدول از نیت

برگرداندن نیت در موارد زیر اشکال ندارد:<sup>۲</sup>

- از قضای عصر به قضای ظهر؛
- از قضای عشا به قضای مغرب؛
- از اداء به قضا؛
- از جماعت به فرادا.



### تکبیرة الإحرام

تکبیر اول نماز را «تکبیرة الإحرام» می‌گویند. چون با این تکبیر برخی از کارها که قبل از نماز جایز بوده بر نمازگزار حرام می‌شود؛ مانند خوردن، آشامیدن، خندیدن و گریستن.

۱- تحریرالوسیله، ج ۱، کتاب الصلاة، فصل فی صلاة الجماعة، ص ۲۶۶، م ۶ و ۷.

۲- همان.

مستحب است نمازگزار موقع گفتن تکبیره الإحرام و تکبیرهای بین نماز، دست‌ها را تا مقابل گوش‌ها بالا ببرد.<sup>۱</sup>

واجبات تکبیره الإحرام:

- ۱- به عربی صحیح گفته شود.
- ۲- هنگام گفتن «اللَّهُ أَكْبَرُ» بدن آرام باشد.
- ۳- تکبیره الإحرام را طوری بگویند که اگر مانعی در کار نباشد خودش بشنود؛ یعنی بسیار آهسته نگویند.
- ۴- بنا بر احتیاط واجب آن را به چیزی که پیش از آن می‌خواند وصل نکنند.<sup>۲</sup>

۱۰۷

## قیام

قیام به معنای ایستادن است و یکی از واجبات نماز است. در بعضی موارد از ارکان نماز است و ترک آن، چه عمدی و چه سهوی، نماز را باطل می‌کند؛ ولی کسانی که نمی‌توانند ایستاده نماز بخوانند، وظیفه‌ای دارند که در مسائل آینده خواهد آمد.

- |  |   |        |
|--|---|--------|
| <p>۱- قیام هنگام تکبیره الإحرام؛<br/>۲- قیام پیش از رکوع. (متصل به رکوع)</p> | } | رکن    |
| <p>۱- قیام هنگام قرائت؛<br/>۲- قیام بعد از رکوع.<sup>۳</sup></p>             | } | غیررکن |
- اقسام قیام

۱- واجب است پیش از گفتن تکبیره الإحرام و بعد از آن، مقداری بایستد تا یقین کند که تکبیر را در حال قیام گفته است.<sup>۴</sup>

۱- توضیح المسائل، م ۹۵۵.

۲- همان، م ۹۴۸ و ۹۴۹ و ۹۵۱ و ۹۵۲.

۳- همان، م ۹۵۸.

۴- همان، م ۹۵۹.

## ۱۰۸

۲ - قیام متصل به رکوع بدان معنا است که در حالت ایستاده به رکوع برود، بنابراین اگر رکوع را فراموش کند و بعد از قرائت به سجده برود و قبل از وارد شدن به سجده یادش بیاید، باید کاملاً بایستد، سپس به رکوع برود، و نباید از همان حالت به حد رکوع برگردد؛ زیرا بطلان نماز را به دنبال خواهد داشت.<sup>۱</sup>

۳ - بر نمازگزار واجب است که پس از رکوع به طور کامل بایستد و سپس به سجده برود و چنانچه این قیام عمداً ترک شود نماز باطل است.<sup>۲</sup>

۴ - نمازگزار باید هنگام ایستادن، هر دو پا را بر زمین بگذارد؛ ولی لازم نیست سنگینی بدن روی هر دو پا باشد و اگر روی یک پا هم باشد اشکال ندارد.<sup>۳</sup>

## ۱۰۹

## وظیفه عاجز از قیام

۱ - کسی که به هیچ وجه - حتی با تکیه به چیزی - نتواند ایستاده نماز بخواند، باید نشسته و رو به قبله نماز بخواند و اگر نشسته هم نتواند، باید خوابیده بخواند.<sup>۴</sup>

۲ - کسی که خوابیده نماز می‌خواند باید به پهلو راست، رو به قبله بخوابد و اگر نمی‌تواند، باید به پهلو چپ رو به قبله بخوابد و اگر آن هم ممکن نیست به پشت بخوابد به طوری که کف پاهای او،

۱ - توضیح المسائل، م ۹۶۰.

۲ - تحریر الوسیله، ج ۱، القول فی القیام، ص ۱۶۲، م ۱؛ و العروة الوثقی، ج ۱، ص ۶۶۵، الرابع.

۳ - توضیح المسائل، م ۹۶۳.

۴ - همان، م ۹۷۰ و ۹۷۱.

رو به قبله باشد.<sup>۱</sup>

**سوال** برای شخص مریض که نشسته نماز می خواند قیام متصل به رکوع چه وضعی دارد؟

**جواب** باید از حالت نشسته به رکوع رود.<sup>۲</sup>

**سوال** آیا تکان های مختصر، هنگام خواندن اذکار نماز، چنانچه سهواً انجام شود و نمازگزار نتواند مانع آن شود، باعث اشکال در نماز می شود؟

**جواب** اشکال ندارد.<sup>۳</sup>



### قرائت نماز

- ۱- در رکعت اول و دوم نمازهای واجب یومیّه، انسان باید اول سوره حمد و پس از آن یک سوره کامل دیگر از قرآن بخواند.<sup>۴</sup>
- ۲- در رکعت سوم و چهارم نماز، باید سوره حمد، -بدون سوره ای دیگر- یا سه مرتبه تسبیحات اربعه خوانده شود و اگر یک مرتبه هم بخواند کافی است.<sup>۵</sup>
- ۳- حرکت دادن دست و انگشتان در موقع خواندن حمد اشکال ندارد، گرچه احتیاط مستحب است آن ها را هم حرکت ندهد.<sup>۶</sup>
- ۴- اگر هنگام خواندن حمد و سوره یا تسبیحات، بی اختیار به قدری حرکت کند که از حال آرام بودن خارج شود، احتیاط واجب آن است که بعد از آرام گرفتن بدن، آنچه را در حال حرکت خوانده دوباره بخواند.<sup>۷</sup>



۱ - توضیح المسائل، م ۹۷۱.

۲ - استفتائات، ج ۱، ص ۱۵۳، س ۹۲.

۳ - همان، ص ۱۵۴، س ۹۳.

۴ - توضیح المسائل، م ۹۷۸.

۵ - همان، م ۱۰۰۵. به فتوای برخی از فقها، سه بار باید تسبیحات اربعه را بخواند.

۶ - همان، م ۹۶۷.

۷ - همان، م ۹۶۸.





- ۵- اگر نمازگزار، پس از حمد، یکی از چهار سوره‌ای را که آیه سجده دارد<sup>۱</sup> عمداً بخواند، نمازش باطل است.<sup>۲</sup>
- ۶- خواندن بیش از یک سوره پس از حمد، در نماز واجب مکروه است ولی در نماز مستحب اشکال ندارد.<sup>۳</sup>
- ۷- سوره‌های «فیل» و «ایلاف» برای نماز یک سوره به حساب می‌آید و نیز سوره «ضحی» و «انشراح» و خواندن یکی از این‌ها پس از حمد، در نماز کفایت نمی‌کند بلکه باید دو سوره با بسم‌الله در وسط خوانده شود.<sup>۴</sup>



### جهرو اخفات

- ۱- حکم حمد و سوره در رکعت اول و دوم نماز به این شرح است:<sup>۵</sup>

نماز	نمازگزار	حکم
ظهر و عصر	مرد و زن <sup>۱</sup>	باید آهسته بخوانند.
مغرب عشاء صبح	مرد	باید بلند بخوانند.
	زن	اگر نامحرم صدای او را نمی‌شنود می‌تواند بلند بخواند و اگر می‌شنود، بنابر احتیاط واجب باید آهسته بخواند.

۱- سوره‌های فصلت، سجده، نجم و علق.

۲- توضیح المسائل، م ۹۸۳. برخی حکم بطلان را مختص به نمازهای واجب می‌دانند و برخی دیگر آن را مختص به قرائت آیه سجده‌دار می‌دانند و برخی آن را مختص به فرض به‌جا آوردن عمدی سجده آن آیه می‌دانند.

۳- تحریر الوسیله، ج ۱، القول فی القراءة، ص ۱۶۵، م ۳.

۴- همان.

۵- توضیح المسائل، م ۹۹۲ تا ۹۹۴ و ۱۰۰۷ و ۱۰۰۸.

۲- در رکعت سوم و چهارم نماز، سوره حمد یا تسبیحات باید آهسته خوانده شود و چنانچه سوره حمد بخواند، بنابر احتیاط واجب، بسم الله آن را نیز باید آهسته بگوید.



۳- در مواردی که باید حمد و سوره نماز بلند خوانده شود، اگر مکلف عمداً تمام یا بخشی از آن را آهسته بخواند، یا در جایی که باید آهسته خوانده شود، عمداً بلند بخواند، نمازش باطل است؛ ولی اگر از روی فراموشی یا ندانستن مسأله باشد، نماز خوانده شده صحیح است.<sup>۱</sup>  
 ۴- اگر نمازگزار در بین خواندن حمد و سوره بفهمد اشتباه کرده است، (مثلاً می‌بایست بلند بخواند ولی آهسته خوانده است) لازم نیست مقداری را که خوانده، دوباره بخواند.<sup>۲</sup>



#### اشتباه در قرائت

۱- انسان باید نماز را یاد بگیرد که غلط نخواند و کسی که اصلاً نمی‌تواند صحیح آن را یاد بگیرد، باید هر طور که می‌تواند، بخواند و احتیاط مستحب است که نماز را به جماعت بجا آورد.<sup>۳</sup>  
 ۲- اگر نمازگزار در دو رکعت اول، به خیال این‌که در دو رکعت آخر است تسبیحات بگوید:<sup>۴</sup>

**الف:** اگر پیش از رکوع بفهمد، باید حمد و سوره را بخواند و نماز صحیح است.

۱ - توضیح المسائل، م ۹۹۵.

۲ - همان.

۳ - توضیح المسائل، م ۹۹۷. به فتوای برخی از فقها، شرکت در نماز جماعت در این فرض واجب است.

۴ - همان، م ۱۰۱۱ تا ۱۰۱۳.

ب: اگر در رکوع یا پس از آن بفهمد، نماز را ادامه می‌دهد و صحیح است.



۳- اگر نمازگزار در دو رکعت آخر<sup>۱</sup>:

**الف:** به خیال این که رکعت اول است حمد بخواند، نمازش صحیح است؛

**ب:** می‌خواست حمد بخواند، تسییحات به زبانش آمد، یا می‌خواست تسییحات بخواند، حمد به زبانش آمد، باید رها کند و دوباره حمد یا تسییحات بخواند. ولی اگر عادتش خواندن چیزی بوده که به زبانش آمده و در خزانه قلبش آن را قصد داشته، می‌تواند همان را تمام کند و نمازش صحیح است؛

**ج:** عادت دارد تسییحات بخواند ولی بدون قصد مشغول خواندن حمد می‌شود و بالعکس، باید آن را رها کند و دوباره مشغول خواندن حمد یا تسییحات شود.



مستحبات قرائت

بعضی از مستحبات قرائت به شرح زیر است:<sup>۲</sup>

۱- در رکعت اول پیش از حمد آهسته بگوید: «أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ».

۲- در رکعت اول و دوم نماز ظهر و عصر «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» را بلند بگوید.

۳- حمد و سوره را شمرده بخواند و در آخر هر آیه وقف کند؛ یعنی

۱- توضیح المسائل، م ۱۰۱۱ تا ۱۰۱۳.

۲- همان، م ۱۰۱۷ و ۱۰۱۸ و عروة الوثقی، کتاب الصلاة، فصل فی مستحبات القرائة، الأول.

آن را به آیه بعد نچسباند.

۴- در حال خواندن حمد و سوره، به معنای آن توجه داشته باشد.

۵- در تمام نمازها، در رکعت اول، سوره «قدر» و در رکعت دوم،

سوره «توحید» را بخواند.

۶- اگر نماز را به جماعت می خواند، بعد از تمام شدن حمد امام و

اگر فرادا می خواند، بعد از تمام شدن حمد خودش، بگوید: «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ».

۷- بعد از خواندن سوره «توحید»، یک یا دو یا سه مرتبه بگوید:

«كَذَلِكَ اللَّهُ رَبِّي» یا سه مرتبه بگوید: «كَذَلِكَ اللَّهُ رَبُّنَا».



## رکوع



نمازگزار در هر رکعت بعد از قرائت باید به اندازه ای خم شود که

بتواند دست را به زانو بگذارد. به این عمل رکوع گفته می شود.<sup>۱</sup>

واجبات رکوع<sup>۲</sup>

- ۱- گفتن ذکر؛
- ۲- آرامش بدن در حال گفتن ذکر؛
- ۳- ایستادن بعد از رکوع؛
- ۴- آرامش بدن بعد از رکوع؛

در رکوع، هر ذکری گفته شود کافی است، ولی احتیاط واجب آن

است که به قدر سه مرتبه «سُبْحَانَ اللَّهِ» یا یک مرتبه «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ» کمتر نباشد.<sup>۳</sup>

۱ - برخی دست گذاشتن بر روی زانو را لازم می دانند.

۲ - العروه الوثقی، فصل فی الركوع، ج ۱، ص ۶۶۴.

۳ - توضیح المسائل، م ۱۰۲۸.



### آرامش بدن در رکوع

- ۱- در رکوع باید به مقدار ذکر واجب، بدن آرام باشد.<sup>۱</sup>
- ۲- اگر نمازگزار پیش از آن که به مقدار رکوع خم شود و بدن آرام گیرد، عمداً ذکر رکوع را بگوید، نمازش باطل است.<sup>۲</sup>
- ۳- اگر پیش از تمام شدن ذکر واجب، عمداً سر از رکوع بردارد نمازش باطل است.<sup>۳</sup>



### ایستادن و آرامش بدن بعد از رکوع

- بعد از تمام شدن ذکر رکوع، نمازگزار باید بایستد و پس از آرام گرفتن بدن، به سجده برود و اگر عمداً پیش از ایستادن، یا پیش از آرام گرفتن بدن به سجده برود، نمازش باطل است.<sup>۴</sup>

### وظیفه عاجز از رکوع

- ۱- کسی که نمی‌تواند به مقدار رکوع خم شود، باید به هر اندازه که می‌تواند خم شود.
- ۲- کسی که در حالت ایستاده اصلاً نتواند خم شود، باید نشسته رکوع کند.
- ۳- کسی که نشسته رکوع می‌کند، باید به قدری خم شود که صورتش مقابل زانوها برسد و بهتر است به قدری خم شود که صورتش نزدیک جای سجده برسد.

۱- توضیح المسائل، م ۱۰۲۰.

۲- همان، م ۱۰۳۲.

۳- همان، م ۱۰۳۳.

۴- همان، م ۱۰۴۰.



### فراموش کردن رکوع

۱- اگر رکوع را فراموش کند و به سجده برود، پیش از آن که پیشانی را بر زمین بگذارد یادش بیاید، باید اول بایستد بعد به رکوع رود و چنانچه نایستد و از همان حال به رکوع برگردد نمازش باطل است، چون قیام متصل به رکوع ترک شده است.<sup>۱</sup>

۲- اگر پس از رسیدن پیشانی به زمین، یادش بیاید که رکوع نکرده، بنابر احتیاط واجب باید بایستد و رکوع را بجا آورد و نماز را تمام کند و دوباره بخواند.<sup>۲</sup>

### مستحبات رکوع

- ذکر رکوع را سه یا پنج یا هفت مرتبه بلکه بیشتر بگوید؛
- پیش از رفتن به رکوع در حالی که راست ایستاده تکبیر بگوید؛
- در حال رکوع بین دو قدم (روی زمین) را نگاه کند؛
- پیش از ذکر رکوع یا بعد از آن صلوات بفرستد؛
- بعد از رکوع، هنگامی که ایستاد و بدن آرام گرفت بگوید: **اَسْمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ**.<sup>۳</sup>



### سجده

۱- نمازگزار باید در هر رکعت از نمازهای واجب و مستحب، پس از رکوع دو سجده بجا آورد.<sup>۴</sup>

۲- سجده آن است که پیشانی و کف دو دست و سر زانوها و سر دو

۱- توضیح المسائل، م ۱۰۴۱.

۲- همان، م ۱۰۴۲.

۳- همان، م ۱۰۲۹ و ۱۰۴۳.

۴- همان، م ۱۰۴۵.

انگشت بزرگ پاها (شست) را بر زمین بگذارد؛ افزون بر این، واجباتی دارد که خواهد آمد.

۳- سجده کردن برای غیر خداوند حرام است؛ پس سجده در مقابل هر چیزی و هر کس حتی در مقابل قبور معصومین علیهم السلام جایز نیست؛ مگر آنکه سجده برای خداوند و جهت شکر توفیق زیارت باشد.<sup>۱</sup>



### واجبات سجده

- گذاشتن پیشانی بر چیزی که سجده بر آن صحیح است؛
- گفتن ذکر؛
- آرامش بدن در حال ذکر سجده؛
- بر زمین بودن هفت عضو در هنگام ذکر؛
- مساوی بودن جاهای سجده؛ (پست و بلند نبودن)
- پاک بودن جایی که پیشانی را می‌گذارد؛
- سر برداشتن و نشستن و آرامش بین دو سجده؛
- موالات بین دو سجده.<sup>۲</sup>



### بر زمین بودن هفت عضو

۱- اگر موقعی که ذکر سجده را می‌گویید، یکی از هفت عضو را عمداً از زمین بردارد، نماز باطل می‌شود، ولی موقعی که مشغول گفتن ذکر نیست اگر غیر از پیشانی، جاهای دیگر را از زمین بردارد و دوباره

۱- توضیح المسائل، م ۱۰۹۰.

۲- العروه الوثقی، فصل فی السجود، ج ۱، ص ۶۷۳؛ تحریر الوسیله، ج ۱، القول فی السجود،

بگذارد، اشکال ندارد.<sup>۱</sup>

۲- اگر همراه با انگشتان شست پا، انگشتان دیگر هم بر زمین باشد

مانع ندارد.<sup>۲</sup>



### شرایط سجده‌گاه

۱- در سجده باید پیشانی را بر زمین، یا آنچه از زمین می‌روید ولی خوراکی و پوشاکی نیست قرار دهد؛ پس سجده بر روئیدنی‌هایی که انسان آن را می‌خورد؛ مثل سبزی‌های خوراکی و میوه‌ها، یا در پوشاک از آن‌ها استفاده می‌کند مثل پنبه، صحیح نیست.<sup>۳</sup>

۲- سجده بر چیزهای معدنی، مانند طلا و نقره و عقیق و فیروزه، صحیح نیست.<sup>۴</sup>

۳- سجده بر چیزهایی که از زمین می‌روید و خوراک حیوان است؛ مثل علف و گاه، صحیح است.<sup>۵</sup>

۴- سجده بر کاغذ، اگر چه از پنبه و مانند آن ساخته شده باشد صحیح است.<sup>۶</sup>



### سجده بر تربت

• برای سجده، بهتر از هر چیز، تربت حضرت سیدالشهداء علیه السلام است و بعد از آن: خاک، سنگ و گیاه<sup>۷</sup> به ترتیب بهترین هستند.

۱- توضیح المسائل، م ۱۰۵۴. به فتوای برخی از فقها، باید مجدداً ذکر را بگوید و نماز را تمام و اعاده کند.

۲- تحریرالوسیله، ج ۱، القول فی السجود، ص ۱۷۳، م ۲؛ و العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی السجود، ص ۶۷۶، م ۷.

۳- توضیح المسائل، م ۱۰۷۶.

۴- همان، م ۱۰۷۶.

۵- همان، م ۱۰۷۸.

۶- همان، م ۱۰۸۲. به فتوای برخی از فقها، سجده بر کاغذی که از غیر چیزهایی که سجده بر آنها صحیح است ساخته شده کفایت نمی‌کند.

۷- همان، م ۱۰۸۳.





- اگر در سجده اول، مَهر به پیشانی بچسبد و بدون اینکه مَهر را بردارد دوباره به سجده رود نماز باطل است.<sup>۱</sup>
- نماز خواندن بر مَهر شکسته صحیح می باشد یا نه؟
- اشکال ندارد.<sup>۲</sup>

### ذکر سجده

- در سجده هر ذکری بگوید کافی است ولی احتیاط واجب آن است که مقدار ذکر از سه مرتبه «سُبْحَانَ اللَّهِ» یا یک مرتبه «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى وَبِحَمْدِهِ» کمتر نباشد.<sup>۳</sup>



### آرامش در حال ذکر

- ۱- در سجده باید به مقدار ذکر واجب، بدن آرام باشد و موقع گفتن ذکر مستحب نیز اگر آن را به قصد ذکری که برای سجده دستور داده اند بگوید، آرام بودن بدن لازم است.<sup>۴</sup>
- ۲- اگر پیش از آنکه پیشانی به زمین برسد و آرام گیرد، عمداً ذکر را بگوید، نماز باطل است و چنانچه از روی فراموشی باشد، باید دوباره در حال آرام بودن، ذکر را بگوید.<sup>۵</sup>
- ۳- اگر نمازگزار پیش از تمام شدن ذکر، عمداً سر از سجده بردارد، نماز باطل است.<sup>۶</sup>

۱ - توضیح المسائل، م ۱۰۸۶. به فتوای برخی از فقها، نماز باطل نیست.

۲ - استفتائات، ج ۱، ص ۱۶۵، س ۱۳۸.

۳ - توضیح المسائل، م ۱۰۴۹.

۴ - همان، م ۱۰۵۰.

۵ - همان، م ۱۰۵۱ و ۱۰۵۲. به فتوای برخی از فقها، باید دوباره ذکر را بگوید و نماز را تمام و اعاده کند.

۶ - توضیح المسائل، م ۱۰۵۱.



### مساوی بودن مواضع سجده

جای پیشانی نمازگزار نباید از جای زانوهایش پست‌تر یا بلندتر از چهار انگشت بسته باشد؛<sup>۱</sup>

احتیاط واجب آن است که جای پیشانی نمازگزار از جای انگشتان پایش هم پست‌تر یا بلندتر از چهار انگشت بسته نباشد.<sup>۲</sup>

### سر برداشتن از سجده

نمازگزار باید بعد از تمام شدن ذکر سجده اول، بنشیند تا بدن آرام گیرد و دوباره به سجده رود.<sup>۳</sup>

اگر پیشانی بی‌اختیار از جای سجده بلند شود، چنانچه ممکن باشد باید نگذارد دوباره به جای سجده برسد، و این یک سجده حساب می‌شود، چه ذکر سجده را گفته باشد یا نه و اگر نتواند سر را نگه دارد و بی‌اختیار دوباره به جای سجده برسد، با هم یک سجده حساب می‌شود و اگر ذکر نگفته باشد، باید بگوید.<sup>۴</sup>



### وظیفه عاجز از سجده

۱- کسی که نمی‌تواند پیشانی را به زمین برساند، باید به قدری که می‌تواند خم شود و مهر را برجای بلندی، مثل بالش بگذارد و پیشانی را طوری بر آن بگذارد که بگویند سجده کرده است؛ ولی باید کف

۱ - توضیح المسائل، م ۱۰۵۷.

۲ - همان، م ۱۰۵۷.

۳ - همان، م ۱۰۵۶.

۴ - همان، م ۱۰۷۱. به فتوای برخی از فقها، اگر ذکر را نگفته باشد باید دوباره به سجده برود و هر دو، یک سجده به حساب می‌آید.

دست‌ها و زانوها و انگشتان پا را به طور معمول بر زمین بگذارد.<sup>۱</sup>  
 ۲- اگر نمی‌تواند خم شود، باید برای سجده بنشیند و با سر اشاره کند، ولی احتیاط واجب آن است که مهر را بالا بیاورد و پیشانی را بر آن بگذارد.<sup>۲</sup>



### سجده تلاوت

۱- در چهار سوره قرآن، آیه سجده‌دار وجود دارد<sup>۳</sup> که اگر انسان آن را بخواند یا وقتی که شخص دیگری آن را می‌خواند به آن گوش دهد، بعد از تمام شدن آن آیه، باید فوری سجده کند.<sup>۴</sup>  
 ۲- چنانچه سجده را فراموش کند، هر وقت یادش آمد باید سجده کند.<sup>۵</sup>  
 ۳- اگر انسان آیه سجده‌دار را از ضبط صوت بشنود، لازم نیست سجده کند.<sup>۶</sup>



۴- اگر آیه سجده از بلندگو یا رادیو یا تلویزیون شنیده شود، چنانچه صدای انسان به صورت زنده پخش می‌شود، سجده واجب است.<sup>۷</sup>  
 ۵- برای سجده تلاوت، نمی‌توان بر چیزهای خوراکی و پوشاکی

۱- توضیح المسائل، م ۱۰۶۸.

۲- همان، م ۱۰۶۹.

۳- سوره‌های فصلت، سجده، نجم و علق.

۴- توضیح المسائل، م ۱۰۹۳.

۵- همان، م ۱۰۹۳.

۶- همان، م ۱۰۹۶.

۷- همان، م ۱۰۹۶. به فتوای برخی از فقها، اگر آیه سجده را از ضبط صوت یا رادیو یا تلویزیون (چه مستقیم و چه غیر مستقیم) بشنود، سجده واجب می‌شود.



سجده کرد؛ ولی مراعات سایر شرایط سجده، مثل با وضو یا رو به قبله بودن لازم نیست.<sup>۱</sup>

۶- گفتن ذکر در این سجده واجب نیست، بلکه مستحب و بهتر است بگوید:

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حَقًّا حَقًّا، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ إيمَانًا وَتَصَدِيقًا، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ  
عُبُودِيَّةً وَرِقًّا، سَجَدْتُ لَكَ يَا رَبِّ تَعَبُّدًا وَرِقًّا، لَا مُسْتَنْكَفًا وَلَا مُسْتَكْبِرًا،  
بَلْ أَنَا عَبْدٌ ذَلِيلٌ خَائِفٌ مُسْتَجِيرٌ.<sup>۲</sup>

۱۳۱

تشهد

۱- نمازگزار در رکعت دوم و رکعت آخر نماز، باید بعد از سجده دوم بنشیند و در حال آرام بودن بدن، تشهد بخواند، یعنی بگوید:

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ  
رَسُولُهُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ.<sup>۳</sup>

۲- اگر نمازگزار تشهد را فراموش کند و بایستد و پیش از رکوع یادش بیاید که تشهد را نخوانده، باید بنشیند و تشهد را بخواند و دوباره بایستد و آنچه باید در آن رکعت خوانده شود، بخواند و نماز را تمام کند و اگر در رکوع یا بعد از آن یادش بیاید، باید نماز را تمام کند و بعد از سلام نماز، تشهد را قضا کند و بنابر احتیاط واجب دو سجده سهو بجا آورد.<sup>۴</sup>



۱- توضیح المسائل، م ۱۰۹۷. به فتوا برخی باید بر چیزی که سجده نماز بر آن صحیح بوده، سجده کرد و همین طور در شرطیت ستر عورت، غصبی نبودن مکان و لباس و مساوی بودن مواضع سجده اختلاف است.

۲- تحریر الوسیله، ج ۱، القول فی سجدتی التلاوة و الشکر، ص ۱۷۸، م ۷؛ توضیح المسائل، م ۱۰۹۹.

۳- توضیح المسائل، م ۱۱۰۰.

۴- همان، م ۱۱۰۲. به فتوای برخی از فقها، در فرض اول نیز باید پس از نماز دو سجده سهو بجا آورد.

سلام<sup>۱</sup>

در رکعت آخر هر نماز پس از تشهد باید سلام دهد و نماز را به پایان ببرد؛

خروج از نماز و حلال شدن تمامی منافیات نماز متوقف بر آن است؛<sup>۲</sup> [لذا نیازی به گرداندن صورت به سمت چپ و راست نیست] مقدار واجب سلام یکی از این دو جمله است:<sup>۳</sup>

«السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَىٰ عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ»

«السَّلَامُ عَلَيْكُمْ» و بنا بر احتیاط مستحب «وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ» را نیز

بگوید؛

مستحب است قبل از این دو سلام بگوید:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ»

یعنی هر سه را بگوید.



ترتیب

نماز پس از نیت باید بدین ترتیب خوانده شود: تکبیرة الاحرام، قرائت، رکوع، سجود و در رکعت دوم پس از سجود، تشهد بخواند و در رکعت آخر، پس از تشهد، سلام دهد.

اگر رکنی از نماز را فراموش کند و رکن بعد از آن را بجا آورد؛ مثلاً

پیش از آن که رکوع کند، دو سجده نماید، نماز باطل است.<sup>۴</sup>

۱ - توضیح المسائل، م ۱۱۰۵.

۲ - تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۱۸۱، م ۱.

۳ - برخی معتقدند گفتن «السلام علينا وعلى عباد الله الصالحين» به تنهایی کافی نمی‌باشد و باید با «السلام عليكم ورحمة الله وبركاته» همراه شود.

۴ - توضیح المسائل، م ۱۱۰۹.



اگر رکنی را فراموش کند و چیزی را که بعد از آن بوده و رکن نیست بجا آورد، مثلاً پیش از آن که دو سجده کند تشهد بخواند، باید رکن را به جا آورد و آنچه را که به اشتباه پیش از آن خوانده دوباره بخواند.<sup>۱</sup>



اگر چیزی را که رکن نیست فراموش کند و رکن بعد از آن را بجا آورد؛ مثلاً حمد را فراموش کند و مشغول رکوع شود، نمازش صحیح است.<sup>۲</sup>

### موالات

موالات یکی از واجبات غیر رکنی نماز است. موالات یعنی پشت سرهم بودن اجزای نماز و فاصله نینداختن بین آنها.

اگر به قدری بین اجزای نماز فاصله بیندازد که نگویند نماز می خواند، نمازش باطل است.<sup>۳</sup>

طول دادن رکوع و سجود و خواندن سوره های بزرگ، موالات را به هم نمی زند.<sup>۴</sup>



### قنوت

۱- در موارد زیر خواندن قنوت مستحب است:

- در رکعت دوم نمازهای یومیّه، بعد از حمد و سوره؛
- در نماز جمعه، در هر رکعت یک قنوت (در رکعت اول قبل از رکوع و رکعت دوم بعد از رکوع)؛
- در نماز آیات، پنج قنوت؛



۱ - توضیح المسائل، م ۱۱۱۰.

۲ - همان، م ۱۱۱۱.

۳ - همان، م ۱۱۱۴.

۴ - همان، م ۱۱۱۶.

- در نماز عید فطر و قربان، در رکعت اول پنج قنوت و در رکعت دوم چهار قنوت؛
- در نماز یک رکعتی وتر، خواندن قنوت پیش از رکوع<sup>۱</sup>.



۲- در قنوت، هر دعا یا ذکر را می‌تواند بگوید، اگر چه یک «سُبْحَانَ اللَّهِ» باشد و می‌تواند این دعا را بخواند: «رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ»<sup>۲</sup>.

۳- هنگام قنوت، بنا بر احتیاط واجب باید دست‌ها را بلند کند و مستحب است دست‌ها را تا مقابل صورت بالا آورد و کف دست‌ها رو به آسمان باشد<sup>۳</sup>.



### تعقیب نماز

مستحب است انسان پس از نماز مشغول تعقیب شود؛ یعنی ذکر و دعا و قرآن بخواند.

- ۱- بهتر است در حال تعقیب رو به قبله باشد.
- ۲- لازم نیست تعقیب به عربی باشد، ولی بهتر است آنچه را که در کتاب‌های دعا دستور داده‌اند بخواند.

۳- گفتن تسبیح حضرت زهرا علیها السلام یعنی ۳۴ مرتبه «اللَّهُ أَكْبَرُ» و ۳۳ مرتبه «الْحَمْدُ لِلَّهِ» و ۳۳ مرتبه «سُبْحَانَ اللَّهِ» مستحب است<sup>۴</sup>.



۱- توضیح المسائل، م ۱۱۱۷ و م ۱۵۱۲.

۲- همان، م ۱۱۱۹.

۳- همان، م ۱۱۱۸.

۴- همان، م ۱۱۲۲.



## شک در نماز

### شک در اجزاء

#### الف: شک در انجام جزء

- ۱- اگر نمازگزار در بجا آوردن جزئی از نماز خود (چه نماز واجب و چه نماز مستحب) شک کند:
- جزء بعدی را شروع نکرده است (هنوز از محل آن جزء نگذشته است) پس باید آن را بجا آورد؛
  - جزء بعدی را شروع کرده است (محل آن گذشته است) پس نباید به چنین شکی اعتنا شود و باید نماز را ادامه داد.



- ۲- اگر پس از سجده و قبل از شروع به تشهد، شک کند که یک سجده بجا آورده است یا دو سجده، باید یک سجده دیگر بجا آورد ولی اگر تشهد را شروع کرده باشد، لازم نیست سجده دیگری انجام دهد و نماز صحیح است.<sup>۱</sup>
- ۳- اگر هنگام رفتن به سجده شک کند که رکوع کرده یا نه، به شک خود اعتنا نکند.<sup>۲</sup>
- ۴- اگر در حال برخاستن شک کند که سجده را بجا آورده یا نه، باید برگردد و بجا آورد؛ ولی اگر شک کند تشهد بجا آورده یا نه، به شک خود اعتنا نکند.<sup>۳</sup>

۱ - تحریر الوسیله، ج ۱ ص ۱۸۷ تا ۱۹۵؛ توضیح المسائل، م ۱۱۶۸.

۲ - توضیح المسائل، م ۱۱۷۱.

۳ - همان، م ۱۱۷۲.





### ب: شک در صحت جزء

- ۱- اگر نمازگزار در صحت جزئی از نماز شک کند، یعنی نمی‌داند جزئی که بجا آورده، صحیح انجام شده یا نه، بنا می‌گذارد بر صحیح بودن آن و نماز را ادامه می‌دهد و صحیح است.
- ۲- اگر در صحت کلمه یا آیه‌ای که خوانده است شک کند، به شک خود اعتنا نمی‌کند.<sup>۱</sup>

### شک در رکعات

- ۱- اگر نمازگزار در رکعات نماز مستحب شک کند، مانند وظیفه‌ای که برای کثیرالشک گفته می‌شود عمل می‌کند.<sup>۲</sup>



- ۲- نمازگزار هنگام شک در رکعات نماز واجب خود باید مطابق دستورهایی که در ذیل گفته می‌شود عمل کند.

### شک مُبطل

- ۱- در برخی موارد، اگر انسان در تعداد رکعت‌های نماز شک کند، نمازش باطل است و از جمله آن‌ها:

- شک در تعداد رکعات نمازهای دو رکعتی؛ مثل نماز صبح و نماز مسافر؛
- شک در تعداد رکعات نماز مغرب؛
- شک بین یک و بیشتر از یک.



۱ - توضیح المسائل، م ۱۱۷۲.

۲ - همان، م ۱۱۹۳ و ۱۱۹۵.



شک بین دو و بیشتر از آن، پیش از تمام شدن دو سجده.

• نداند چند رکعت خوانده است؛

• شک بین ۲ و ۵، ۳ و ۶، ۴ و ۱.

۲- اگر یکی از شک‌های باطل‌کننده برای نمازگزار پیش آید، نمی‌تواند نماز را به هم بزند ولی اگر قدری فکر کند و چیزی یادش نیاید و شک از بین نرود، به هم زدن نماز مانعی ندارد.<sup>۲</sup>



### شک غیرمبطل

۱- در برخی موارد، اگر نمازگزار در تعداد رکعت‌های نماز شک کند، نمازش باطل نیست و نباید نماز را بشکند، بلکه باید مطابق وظیفه‌اش عمل کند و اگر نماز را به هم بزند، معصیت کرده است.<sup>۳</sup> و از جمله آن‌ها:<sup>۴</sup>

• شک بین ۲ و ۳ بعد از سجده دوم؛

• شک بین ۲ و ۴ بعد از سجده دوم؛

• شک بین ۳ و ۴ در هر حال.

اگر یکی از این شک‌ها برای نمازگزار پیش آید، باید طبق توضیح جدول صفحه بعد عمل کند و نماز صحیح است.



۱- توضیح‌المسائل، م ۱۱۶۵. چنانچه شک بین ۴ و ۶ پیش آید، به فتوای برخی از فقها، بنا بر احتیاط باید نماز را تمام کند و مجددا بخواند.

۲- همان، م ۱۱۶۶.

۳- همان، م ۲۰۰۰.

۴- همان، م ۱۱۹۹.

وظیفه نمازگزار	شک
<p>بنا را بر سه گذاشته و یک رکعت دیگر می‌خواند و پس از سلام یک رکعت نماز احتیاط ایستاده یا دو رکعت نشسته می‌خواند.</p>	<p><b>بین دو و سه</b></p>
<p>بنا را بر چهار می‌گذارد و نماز را تمام می‌کند و بعد از نماز، دو رکعت نماز احتیاط ایستاده می‌خواند.</p>	<p><b>بین دو و چهار</b></p>
<p>بنا را بر چهار می‌گذارد و نماز را تمام می‌کند و بعد از نماز یک رکعت نماز احتیاط ایستاده یا دو رکعت نشسته می‌خواند.</p>	<p><b>بین سه و چهار</b></p>

## ۱۴۴

۲- اگر یکی از شک‌های غیرمبطل پیش آید، باید مقداری فکر کند، پس اگر یقین یا گمان به یک طرف پیدا کرد همان طرف را می‌گیرد و نماز را تمام می‌کند؛ وگرنه به دستورهایی که گفته شد عمل می‌کند.<sup>۱</sup>

۳- در شک‌های غیرمبطل، باید بنا را بر بیشتر گذاشت، مگر آنکه یکی از اطراف شک، از چهار گذشته باشد؛ مثلاً در شک بین ۴ و ۵ بنابر بیشتر گذاشته نمی‌شود.<sup>۲</sup>

## ۱۴۵

## نماز احتیاط

۱- نماز احتیاط، برای جبران کمبود احتمالی نماز است، بنابراین در شک بین ۳ و ۴، که احتمال کمبود، یک رکعت است، یک رکعت نماز احتیاط لازم است ولی در شک بین ۲ و ۴، دو رکعت نماز احتیاط لازم است.<sup>۲</sup>

۲- تفاوت نماز احتیاط با نمازهای دیگر:

- نیت آن را نباید به زبان آورد؛
  - سوره و قنوت ندارد؛ (هرچند دو رکعتی باشد)
  - سوره حمد باید آهسته خوانده شود حتی بسم الله الرحمن الرحيم.
- (بنابر احتیاط واجب)<sup>۴</sup>

## ۱۴۶

۳- در مواردی که نماز احتیاط واجب می‌شود، مثل شک بین ۳ و ۴، نمازگزار باید بعد از سلام نماز، پیش از به هم خوردن صورت نماز یا انجام

۱ - توضیح المسائل، م ۱۲۰۱.

۲ - همان، م ۱۱۹۲.

۳ - همان، م ۱۱۹۹.

۴ - همان، م ۱۲۱۵.

دادن مُبطلی، برخیزد و بدون اذان و اقامه، تکبیر بگوید و نماز احتیاط را بخواند.<sup>۱</sup>

۴- اگر یک رکعت نماز احتیاط، واجب باشد، پس از سجده‌ها، تشهد می‌خواند و سلام می‌دهد و اگر دو رکعت واجب شده باشد، نباید در رکعت اول تشهد و سلام بخواند، بلکه باید یک رکعت دیگر هم (بدون تکبیرة الإحرام) بخواند و در پایان رکعت دوم، تشهد خوانده، سلام دهد.<sup>۲</sup>

۵- در مواردی که یک رکعت نماز احتیاط واجب است، می‌توان به جای آن، دو رکعت نشسته خواند.<sup>۳</sup>

۶- در مواردی که دو رکعت نماز احتیاط واجب است، نمی‌توان به جای آن، چهار رکعت نشسته خواند.<sup>۴</sup>



### شک پس از سلام نماز

۱- اگر پس از سلام نماز شک کند که نمازش صحیح بوده یا نه؛ مثلاً شک کند در رکعت دوم یک سجده بجا آورده یا دو سجده، یا پس از سلام نماز چهار رکعتی شک کند چهار رکعت خوانده یا پنج رکعت، به شک خود اعتنا نمی‌کند و لازم نیست نماز را دوباره بخواند.<sup>۵</sup>

۲- اگر پس از سلام شک کند و دو طرف شک باطل باشد؛ مثل آنکه شک کند نماز چهار رکعتی را سه رکعت خوانده یا پنج رکعت، نمازش باطل است.<sup>۶</sup>

۱- تحریرالوسیله، القول فی رکعات الاحتیاط، ص ۲۱۰، م ۱ و ۲.

۲- توضیح المسائل، م ۱۲۱۵ و ۱۲۱۶.

۳- همان، م ۱۱۹۹.

۴- همان، م ۱۱۹۹.

۵- همان، م ۱۱۷۹.

۶- همان، م ۱۱۷۹.



### کثیر الشک

کثیر الشک کسی است که در یک نماز، سه مرتبه شک کند، یا در سه نماز پشت سرهم، مثلاً در نماز صبح، ظهر و عصر، شک کند.

#### کثیر الشک در رکعات

وظیفه کثیر الشک در رکعات نماز، بدین شرح است:<sup>۱</sup>

- اگر طرف بیشتر شک، نماز را باطل نمی‌کند؛ بنا را بر بیشتری می‌گذارد مثل شک بین سه و چهار در نمازهای چهار رکعتی، برایش پیش می‌آید؛ بنا را بر بیشتری می‌گذارد؛
- اگر طرف بیشتر شک، نماز را باطل می‌کند، بنا را بر کمتری می‌گذارد؛ مثلاً در شک بین چهار و پنج، بنا را بر چهار می‌گذارد.



#### کثیر الشک در اجزاء

وظیفه کثیر الشک در اجزاء نماز، بدین شرح است:

- اگر انجام دادن آن جزء، نماز را باطل نمی‌کند، باید بنا را بر بجا آوردن آن بگذارد؛ مثلاً در بجا آوردن یک سجده یا دو سجده، شک کند بنا را بر انجام دادن دو سجده می‌گذارد؛
- اگر انجام دادن آن جزء، نماز را باطل می‌کند، باید بنا را بر بجا نیاوردن آن بگذارد؛ مثلاً در بجا آوردن یک رکوع یا دو رکوع شک کند باید بنا را بر انجام یک رکوع بگذارد.<sup>۲</sup>

۱ - توضیح المسائل، م ۱۱۸۴.

۲ - تحریر الوسیله، ج ۱، القول فی الشکوک التي لا اعتبار بها، ص ۲۰۷؛ توضیح المسائل، م ۱۱۸۵.



### شک در اصل نماز

- ۱- اگر نمازگزار پیش از گذشتن وقت، شک کند نماز خوانده یا نه باید نماز را بخواند.
- ۲- اگر پس از گذشتن وقت شک کند، لازم نیست آن نماز را بخواند.
- ۳- اگر نمازگزار در صحت نماز خوانده شده شک کند، اعتنا نمی‌کند و خواندن دوباره نماز لازم نیست، چه پیش از گذشتن وقت نماز باشد یا پس از آن.



### شک امام و مأموم

در نماز جماعت اگر امام جماعت شک کند (خواه در اجزاء یا در رکعات) ولی مأموم شک نداشته باشد و مثلاً با بلند گفتن ذکر امام را مطلع کند، امام جماعت به شک خود اعتنا نمی‌کند و همچنین اگر مأموم شک کند ولی امام جماعت شک نداشته باشد، همانند امام جماعت، عمل می‌کند و صحیح است.<sup>۲</sup>



### سجده سهو

۱- در مواردی که سجده سهو واجب می‌شود، باید بعد از سلام نماز، به سجده رود و بگوید: «بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ» و بهتر است بگوید: «بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ» و بعد بنشینند و دوباره به سجده رود و یکی از ذکرهای بالا را بگوید، سپس بنشینند و تشهد و سلام را بجا آورد.<sup>۳</sup>

۱- تحریرالوسیله، ج ۱ کتاب الصلوة القول فی الشک، ص ۱۹۸ تا ۲۰۶.

۲- همان، م، ۱۱۸۵.

۳- همان، م، ۱۲۵۰.

۲- برای سجده سهو، گفتن تکبیرة الإحرام واجب نیست، ولی بنا بر احتیاط مستحب تکبیرة الإحرام را بگوید.<sup>۱</sup>



### موارد سجده سهو



- واجب
- ۱- در بین نماز سهواً حرف بزند.
  - ۲- یک سجده را فراموش کند و در رکوع رکعت بعد، یا پس از آن یادش بیاید.
  - ۳- در نماز چهار رکعتی، شک بین ۴ و ۵ در حالت نشسته یا ۵ و ۶ در حالت ایستاده پیش آید.<sup>۲</sup>

- احتیاط واجب
- ۱- سلام بی جا؛ مثلاً در رکعت سوم نماز چهار رکعتی سهواً سلام بدهد.
  - ۲- تشهد را فراموش کند.

احتیاط مستحب: ← مقداری از سلام واجب نماز، بی جا گفته

شود.<sup>۳</sup>



### احکام سجده سهو

۱- اگر چیزی را که غلط خوانده دوباره صحیح بخواند، سجده سهو واجب نیست.<sup>۴</sup>

۲- اگر در نماز سهواً مدتی حرف بزند و تمام آن یک مرتبه حساب

۱ - تحریرالوسیله، ج ۱، القول فی سجود السهو، ص ۲۱۴، م ۵.  
 ۲ - یادآوری می شود اگر در حالت ایستاده، شک بین ۵ و ۶ پیش آید، نمازگزار باید بدون رکوع بنشیند که در این صورت به شک بین ۴ و ۵ در حالت نشسته برگشت می کند.  
 ۳ - توضیح المسائل، م ۱۲۳۶ و ۱۲۴۲. برخی از فقها، موارد سجده سهو را بیشتر از این می دانند؛ مثلاً برای قیام بی جا سجده سهو را واجب می دانند.  
 ۴ - همان، م ۱۲۳۹.



شود، دو سجده سهو کافی است.<sup>۱</sup>

۳- بطور کلی سجده سهو، برای مواردی است که احتمال دارد، سهواً چیزی در نماز زیاد شده باشد. مثل شک بین ۴ و ۵ بعد از سجده دوم.



### فراموشی اجزای نماز

۱- اگر یکی از اجزای واجب نماز را عمداً ترک کند، نماز باطل است و اگر واجبات غیررکنی سهواً ترک شود، نماز باطل نمی‌شود و قضا کردن آن لازم نیست، به جز تشهد و یک سجده که سهواً ترک شده باشد.<sup>۲</sup>

۲- اگر نمازگزار، سجده یا تشهد را فراموش کند، بنابر احتیاط واجب، پس از سلام نماز و پیش از به هم خوردن صورت نماز، باید قضای آن را بجا آورد و سپس سجده سهو را انجام دهد.<sup>۳</sup>



۳- اگر بین نماز و قضای تشهد یا سجده، کاری کند که عمدی و سهوی آن، نماز را باطل می‌کند؛ مثلاً پشت به قبله کند، باید قضای سجده را بجا آورد و نمازش صحیح است.<sup>۴</sup>

۴- کسی که باید سجده یا تشهد را قضا کند، اگر برای کار دیگری هم سجده سهو بر او واجب شده باشد، باید بعد از نماز، سجده یا تشهد را قضا کند، بعد سجده سهو را بجا آورد.<sup>۵</sup>

۱- توضیح المسائل، م ۱۲۴۰.

۲- تحریر الوسیله، ج ۱، القول فی الاجزاء المنسیة، ص ۲۱۲، م ۱.

۳- همان.

۴- توضیح المسائل، م ۱۲۵۵.

۵- همان، م ۱۲۶۱.



### مُبطّلات نماز



- ۱- اگر در بین نماز، یکی از شرایط صحیح بودن آن از بین برود، نماز باطل می‌شود؛ مثلاً در بین نماز بفهمد مکانش غصبی است.<sup>۱</sup>
- ۲- اگر در بین نماز، وضو باطل شود یا یکی از موجبات غسل پیش آید، نماز باطل است.<sup>۲</sup>



### سخن گفتن

- ۱- اگر نمازگزار عمداً کلمه‌ای بگوید و بخواهد مطلبی را بفهماند، نمازش باطل است، اگرچه آن کلمه معنایی نداشته باشد یا یک حرف باشد.<sup>۳</sup>
- ۲- سرفه و آروغ و آه کشیدن نماز را باطل نمی‌کند ولی گفتن «آخ» و «آه» و مانند این‌ها که دو حرف دارد، اگر عمدی باشد نماز را باطل می‌کند.<sup>۴</sup>



### وجوب جواب سلام در نماز

- ۱- در نماز نباید به کسی سلام کرد، ولی اگر کسی به نمازگزار سلام کند، جواب او واجب است و باید «سلام» را مقدم بدارد؛ مثلاً بگوید:

۱ - توضیح المسائل، م ۱۱۲۶.

۲ - همان.

۳ - همان، ص ۱۵۴. به فتوای برخی از فقها، اگر کلمه معنادار باشد، هرچند نخواهد مطلبی را بفهماند، نماز باطل است.

۴ - همان، م ۱۱۳۳.

«سَلَامٌ عَلَيْكَ» یا «سَلَامٌ عَلَيْكُمْ» و نباید «عَلَيْكُمْ السَّلَام» بگوید.<sup>۱</sup>

۲- اگر کلمه‌ای را به قصد ذکر بگوید؛ مثلاً بگوید: «اللَّهُ أَكْبَرُ» و در موقع گفتن آن، صدا را بلند کند که چیزی را به دیگری بفهماند اشکال ندارد ولی اگر به قصد اینکه چیزی به کسی بفهماند بگوید، اگرچه قصد ذکر هم داشته باشد، نماز باطل می‌شود، چون قصد اصلی غیر ذکر است و قصد ذکر فرع بر آن می‌باشد.<sup>۲</sup>



### خندیدن و گریستن

- ۱- خنده عمدی و باصدا نماز را باطل می‌کند.
- ۲- لبخند زدن نماز را باطل نمی‌کند.
- ۳- اگر نمازگزار برای کار دنیا عمداً با صدا گریه کند نمازش باطل می‌شود.
- ۴- گریه بی‌صدا و گریه از ترس خدا یا برای آخرت - هرچند با صدا باشد - نماز را باطل نمی‌کند.<sup>۲</sup>



### رو از قبله برگرداندن

- ۱- اگر نمازگزار عمداً روی خود را از قبله برگرداند، به طوری که نگویند رو به قبله است، نمازش باطل می‌شود.
- ۲- اگر سهواً تمام صورت را به طرف راست یا چپ قبله برگرداند،

۱- توضیح المسائل، م ۱۱۳۷. به فتوای برخی از فقها، در پاسخ سلام باید همان طور که سلام کرده جواب بدهد.

۲- همان، م ۱۱۳۴.

۳- همان، ص ۱۵۶ هفتم و هشتم از مبطلات نماز. به فتوای برخی از فقها، گریه برای کار دنیا هرچند بی‌صدا باشد، نماز را باطل می‌کند.

به احتیاط واجب نماز را دوباره بخواند. ولی اگر به طرف راست یا چپ قبله نرسیده است، نماز صحیح است.<sup>۱</sup>



### برهم زدن صورت نماز

- ۱- اگر در بین نماز، کاری کند که صورت نماز را برهم زند؛ مثل دست زدن، به هوا پریدن و مانند اینها، هرچند از روی فراموشی باشد، نماز باطل می‌شود.<sup>۲</sup>
- ۲- اگر نمازگزار به قدری ساکت بماند که نگویند نماز می‌خواند، نمازش باطل می‌شود.<sup>۳</sup>
- ۳- رها کردن نماز واجب (شکستن نماز) حرام است مگر در حال ناچاری؛ مثل اینکه اگر نماز را رها نکند مال و جانش در خطر باشد.<sup>۴</sup>



### شکستن نماز برای ادای بدهی

- شکستن نماز واجب، یعنی برهم زدن و رها کردن نماز، برای پرداخت بدهی با این شرایط اشکال ندارد:<sup>۵</sup>
- طلبکار، طلب خود را بخواهد؛
  - وقت نماز تنگ نباشد؛ یعنی بتواند پس از پرداخت بدهی، نماز را در وقت آن بخواند؛
  - در بین نماز نتواند بدهی را بپردازد.

۱- توضیح المسائل، م ۱۱۳۱.

۲- همان، ص ۱۵۶، نهم از مبطلات نماز.

۳- همان، م ۱۱۵۲.

۴- همان، م ۱۱۵۹.

۵- همان، م ۱۱۶۱.



### مکروهات نماز

- برهم گذاشتن چشم‌ها؛
- بازی کردن با انگشتان و دست‌ها؛
- سکوت هنگام خواندن حمد یا سوره یا ذکر، برای شنیدن حرف کسی؛
- هرکاری که خضوع و خشوع را از بین ببرد؛
- گردانیدن صورت به طرف راست یا چپ به مقدار کم. (اگر زیاد باشد نماز باطل می‌شود)<sup>۱</sup>



### نماز مسافر

- انسان باید در سفر، با شرایطی که خواهد آمد، نمازهای چهار رکعتی را دو رکعت (یعنی شکسته) بجا آورد:<sup>۲</sup>
- ۱- سفر او کمتر از هشت فرسخ شرعی<sup>۳</sup> نباشد.
  - ۲- از اول مسافرت، قصد پیمودن هشت فرسخ را داشته باشد.
  - ۳- به حدّ ترخص برسد.
  - ۴- در بین راه، پیش از رسیدن به چهار فرسخ از قصد خود برنگردد.
  - ۵- نخواهد پیش از رسیدن به هشت فرسخ از وطن خود بگذرد یا ده روز یا بیشتر در جایی بماند.
  - ۶- برای کار حرام سفر نکند و خود سفر هم حرام نباشد.
  - ۷- بیابانگرد نباشد.
  - ۸- شغل او مسافرت نباشد.



۱- توضیح المسائل، م ۱۱۵۷.

۲- همان، نماز مسافر.

۳- هشت فرسخ شرعی تقریباً ۴۵ کیلومتر است و برخی از فقها، کمتر از این مقدار دانسته‌اند.



### پیمودن هشت فرسخ

اگر به جایی می‌رود که دو راه دارد، یک راه کمتر از هشت فرسخ است و راه دیگر هشت فرسخ یا بیشتر، اگر از راهی که هشت فرسخ است برود، باید نماز را شکسته بخواند و اگر از راهی که هشت فرسخ نیست برود، باید نماز را چهار رکعتی بخواند.<sup>۱</sup>

#### قصد سفر

۱- اگر انسان از ابتدا قصد مسافرت هشت فرسخ نداشته باشد و به جایی مسافرت کند که کمتر از هشت فرسخ است و بعد از رسیدن به آنجا، تصمیم بگیرد که سفر را ادامه دهد، پس اگر بخواهد:

- هشت فرسخ دیگر برود یا چهار فرسخ برود و برگردد، و مجموع رفت و برگشت، کمتر از هشت فرسخ نباشد، باید نماز را شکسته بخواند؛
- به جایی برود که با مقدار راه آمده، هشت فرسخ می‌شود و خود به تنهایی هشت فرسخ نیست، چون از اول قصد هشت فرسخ را نداشته، نمازش تمام است.<sup>۲</sup>



۲- کسی که در سفر، به اختیار دیگری است، مانند فرزند که همراه پدر و مادر به سفر می‌رود یا سربازی که با فرمانده است، چنانچه بدانند سفر او هشت فرسخ است، باید نماز را شکسته بخواند.<sup>۳</sup>

#### حَدَّ تَرَحُّصٍ

مسافر با رسیدن به حَدَّ تَرَحُّصٍ باید نماز را شکسته بخواند؛ حَدَّ تَرَحُّصٍ فاصله‌ای است که دیوارهای محل شروع سفر دیده نمی‌شود و



۱ - توضیح المسائل، م ۱۲۷۹.

۲ - همان، نماز مسافر، شرط دوم.

۳ - همان، م ۱۲۸۴.

اذان آنجا هم شنیده نمی‌شود؛<sup>۱</sup> بنابراین اگر پیش از رسیدن به این حدّ  
بخواهد نماز بخواند، شکسته نیست.<sup>۲</sup>



### قواطع سفر

اگر مسافر پیش از رسیدن به هشت فرسخ، از وطن خود می‌گذرد،  
یا ده روز یا بیشتر در جایی بماند، باید نماز را کامل بخواند؛ مثلاً از  
وطن خود به شهر یا روستایی در ۳۰ کیلومتری می‌رود و تصمیم دارد ده  
روز یا بیشتر در آنجا بماند.<sup>۳</sup>

### سفر حرام

۱- اگر سفر، به خودی خود حرام باشد؛ مثل فرار از جبههٔ جهاد، یا  
برای کار حرام باشد؛ مانند سفر برای ستم به دیگران، در چنین سفری  
نماز تمام است.<sup>۴</sup>  
۲- کسی که سفر او حرام نیست و برای کار حرام هم سفر نمی‌کند،  
اگرچه در سفر، معصیتی انجام دهد؛ مثلاً غیبت کند، باید نماز را  
شکسته بخواند.<sup>۵</sup>



### سفر شغلی

۱- کسی که شغل او مسافرت است، مانند خلبان، ملوان و راننده  
برون شهری، یا شغل او در سفر است، مثل میهماندار هواپیما و قطار،

۱- حدود ۱۳۵۰ متر است.

۲- توضیح المسائل، نماز مسافر، شرط هشتم. در تعیین حدّ ترخص نظرات فقها، متفاوت است؛  
برخی ندیدن دیوارها را کافی می‌دانند و برخی دیگر دیدن یا ندیدن دیوارها را مؤثر نمی‌دانند،  
بلکه ندیدن کسی که به مسافرت می‌رود ملاک است.

۳- همان، نماز مسافر، شرط چهارم.

۴- همان، نماز مسافر، شرط پنجم.

۵- همان، م ۱۲۹۶.

در سفرهایی که شغل اوست باید در غیر سفر اول نماز را تمام بخواند، ولی در سفر اول، هرچند طول بکشد، نمازش شکسته است.<sup>۱</sup>

۲- کسی که شغلش مسافرت است، اگر برای کار دیگری؛ مثلاً برای زیارت یا حج مسافرت کند، باید نماز را شکسته بخواند ولی اگر مثلاً راننده، مسافران را می‌برد و کرایه می‌گیرد و خودش نیز زیارت می‌کند، باید نمازش را تمام بخواند.<sup>۲</sup>

۳- کسی که شغلش مسافرت است، اگر ده روز یا بیشتر در وطن یا غیر وطن بماند، باید در سفر اولی که بعد از ده روز می‌رود، نماز را شکسته بخواند.<sup>۳</sup>



## قضای نماز

انسان باید نمازهای واجب را در وقت خود بخواند و چنانچه در آن وقت، نماز خوانده نشود، باید آن نماز را به نیت قضا بجا آورد.

۱- در دو مورد بجا آوردن قضای نماز واجب است:

• نماز واجب را در وقت آن نخوانده باشد؛

• بعد از وقت متوجه شود نمازی که خوانده، باطل بوده است.<sup>۴</sup>

۲- کسی که نماز قضا دارد، نباید در خواندن آن کوتاهی کند، ولی

واجب نیست فوری آن را بجا آورد.<sup>۵</sup>

۱- توضیح المسائل، نماز مسافر، شرط هفتم. به فتوای برخی از فقها، افرادی که برای شغلشان مسافرت می‌روند، -هرچند شغلشان سفر نباشد- مانند کسی که محل کارش در فاصله چهار فرسخ یا بیشتر است و هر روز برای کار به آنجا می‌رود و برمی‌گردد، نمازش در این سفرها تمام است. و برخی دیگر نماز کسی را که زیاد به سفر می‌رود، هرچند برای کار نباشد تمام می‌دانند.

۲- همان، م ۱۳۰۷.

۳- همان، م ۱۳۱۲ و ۱۳۱۳.

۴- توضیح المسائل، م ۱۳۷۰، ۱۳۷۱.

۵- توضیح المسائل، م ۱۳۷۲. به فتوای برخی از فقها، اگر یک یا دو نماز پیش از نماز همان روز باشد احتیاط آن است که اول نماز قضا را بجا آورد.



## ۱۲۱

۳- قضای نمازهای یومیّه لازم نیست به ترتیب خوانده شود؛ مثلاً کسی که یک روز نماز عصر و روز بعد نماز ظهر را نخوانده، لازم نیست اوّل نماز عصر و بعد از آن نماز ظهر را قضا کند. ولی در نمازهایی که ادای آن‌ها باید به ترتیب خوانده شود؛ مثل نماز ظهر و عصر یک روز، باید قضای آن را نیز به ترتیب بجا آورد.<sup>۱</sup>

۴- نماز قضا را با جماعت می‌توان خواند؛ چه نماز امام جماعت اداء باشد و چه قضا، و لازم نیست هر دو، یک نماز را بخوانند؛ مثلاً اگر نماز قضا صبح را با نماز ظهر یا عصر امام بخواند اشکال ندارد.<sup>۲</sup>

## ۱۲۲

۵- اگر مسافری که باید نماز را شکسته بخواند، نماز ظهر یا عصر یا عشا از او قضا شود، باید آن را دو رکعتی بجا آورد، اگر چه در غیر سفر بخواهد قضای آن را بجا آورد.<sup>۳</sup>

۶- در سفر نمی‌توان روزه گرفت، حتی روزه قضا،<sup>۴</sup> ولی نماز قضا می‌توان بجا آورد و تفصیل این مسأله در بحث روزه مسافر خواهد آمد.<sup>۵</sup>

## ۱۲۳

۷- اگر در سفر بخواهد نمازهایی را که در غیر سفر قضا شده، بجا

۱- تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۲۲۵، م ۸؛ توضیح المسائل، م ۱۳۷۵. به فتوای برخی از فقها، در صورتی که ترتیب قضا شدن آنها را بدانند باید به ترتیب بجا آورد.

۲- توضیح المسائل، م ۱۳۸۸.

۳- همان، م ۱۳۶۸.

۴- روزه گرفتن در سفر در چند مورد استثنا شده و صحیح است که از جمله آنها روزه نذری است به شرط آن‌که نذر کرده باشد در سفر بگیرد یا روز معینی را نذر کرده روزه بگیرد و آن روز مسافر است.

۵- تحریرالوسیله، ج ۱، القول فی صلاة القضاء، ص ۲۲۴، م ۵؛ العروه الوثقی، ج ۱، فصل فی صلاة القضاء، ص ۷۳۴، م ۱۰.

آورد، باید نمازهای ظهر و عصر و عشاء را چهار رکعتی قضا کند.<sup>۱</sup>  
 ۸- نماز قضا را در هر وقت می‌توان بجا آورد؛ یعنی قضای نماز  
 صبح را می‌توان ظهر یا شب و قضای نماز مغرب و عشاء را در روز  
 خواند.<sup>۲</sup>



### قضای نماز و روزه پدر و مادر

۱- تا انسان زنده است اگرچه از خواندن نماز و روزه خود عاجز  
 باشد، شخص دیگر نمی‌تواند نماز او را بخواند یا برای او روزه بگیرد.<sup>۳</sup>  
 ۲- پس از فوت پدر، قضای نماز و روزه‌هایی که بجا نیاورده، بر  
 پسر بزرگتر واجب است و بنابر احتیاط مستحب نماز و روزه‌هایی را که  
 از مادرش قضا شده، بجا آورد.<sup>۴</sup>  
 ۳- قضای نمازها و روزه‌هایی که بر خود میّت واجب بوده، بر پسر  
 بزرگ او واجب است، و نمازها و روزه‌هایی که به واسطه استیجار یا از  
 جانب پدر میّت بر او واجب شده بر پسر میّت واجب نیست.<sup>۵</sup>



### ۴- اگر پسر بزرگ میت:

**الف:** می‌داند پدرش نماز و روزه قضا داشته است و:

- تعداد آن را هم می‌داند: باید آن‌ها را قضا کند؛
- تعداد آن را نمی‌داند: اگر مقدار کمتر را بجا آورد کافی است؛

۱- توضیح المسائل، م ۱۳۶۸.

۲- تحریرالوسیله، ج ۱، القول فی صلاة القضاء، ص ۲۲۴، م ۵: العروة الوثقی، ج ۱، ص ۷۳۴، م ۱۰.

۳- همان، م ۱۳۸۷.

۴- همان، م ۱۳۹۰. به فتوای برخی از فقها، نماز قضای مادر نیز بر پسر بزرگ وی واجب است.

۵- تحریرالوسیله، ج ۱، فی صلاة القضاء، ص ۲۲۷، م ۱۶.

- شک دارد که خودش بجا آورده است یا نه: بنابراین احتیاط واجب باید قضا کند.<sup>۱</sup>
- ب: شک دارد که پدر، نماز قضا داشته است یا نه: چیزی بر او واجب نیست.<sup>۲</sup>



- ۵- اگر پسر بخواهد نماز پدر یا مادر را بخواند، باید به تکلیف خود عمل کند؛ مثلاً نماز قضای صبح و مغرب و عشا را باید بلند بخواند.<sup>۳</sup>
- ۶- اگر پس از مرگ پدر، پسر بزرگ‌تر، پیش از آنکه نماز و روزه پدر را قضا کند، از دنیا برود، بر پسر دوم چیزی واجب نیست.<sup>۴</sup>
- پرسش** پدر و مادر من پسری بزرگ‌تر از من داشتند که در سنین کودکی (دوسالگی) مرده است و بعد از مرگ او، اولاد ارشد پدر و مادر، من هستم، آیا بعد از مرگ پدر و مادرم طبق مسائل موجود در توضیح المسائل، نماز و روزه قضای پدرم بر من (که پسر دومی هستم) واجب است یا نه؟

**پاسخ** در فرض مرقوم، شما پسر بزرگ‌تر هستید.<sup>۵</sup>



### نماز و روزه استیجاری

- پرسش** کسی که خودش نماز و روزه قضا دارد، آیا می‌تواند نماز و روزه استیجاری به عهده بگیرد؟ و در صورت توانستن، آیا از دو نفر هم می‌تواند قبول کند؟

**پاسخ** مانع ندارد.<sup>۶</sup>

۱- توضیح المسائل، م ۱۳۹۰- ۳۹۲.

۲- همان، م ۱۳۹۱.

۳- همان، م ۱۳۹۵.

۴- همان، م ۱۳۹۸.

۵- همان، ج ۱، ص ۱۸۷، س ۲۱۸.

۶- استفتانات، ج ۱، ص ۱۹۲، س ۲۳۲.

## نماز جماعت

### اهمیت نماز جماعت

در روایات، برای نماز جماعت أجر و پاداش بسیاری وارد شده است. علاوه براین، با دقت در برخی از مسائل فقهی، می‌توان به اهمیت این عبادت پی بُرد. در اینجا به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:<sup>۱</sup>

۱- مستحب است نمازهای واجب، به خصوص نمازهای یومیّه را به جماعت بخوانند.

۲- شرکت در نماز جماعت برای هر کس مستحب است، به‌ویژه برای همسایه مسجد.

۳- سزاوار نیست انسان بدون عذر نماز جماعت را ترک کند.

۴- حاضر نشدن در نماز جماعت از روی بی‌اعتنایی، جایز نیست.



۵- مستحب است، انسان صبر کند که نماز را به جماعت بخواند.

۶- نماز جماعت، هرچند اوّل وقت خوانده نشود، از نماز فردای اوّل وقت بهتر است.

۷- نماز جماعتی که مختصر خوانده می‌شود، از نماز فردای طولانی بهتر است.

۸- وقتی که جماعت برپا می‌شود، مستحب است کسی که نمازش را فردا خوانده دوباره به جماعت بخواند.

۹- امام یا مأموم می‌تواند نمازی را که به جماعت خوانده، دوباره به جماعت بخواند، در صورتی که جماعت دوّم و اشخاص آن غیر از اوّل باشند.<sup>۲</sup>

۱ - توضیح المسائل، م ۱۳۹۹ تا ۱۴۰۴.

۲ - به فتوای برخی از فقها، امام جماعت نمی‌تواند یک نماز را دو بار امامت کند ولی اگر یک بار فردا خوانده، بار دیگر می‌تواند همان نماز را امامت کند.

اگر کسی در نماز جماعت توجه کافی نداشته باشد ولی در منزل و به طور فرادا نمازش از توجه بیشتری برخوردار باشد، می‌تواند به جای جماعت در منزل نماز بخواند؟  
 مانع ندارد و جماعت بهتر است.<sup>۱</sup>



### شرایط نماز جماعت

در نماز جماعت، شرایط زیر باید مراعات شود:

- مأموم از امام جلوتر نایستد و بنا بر احتیاط واجب باید کمی عقب‌تر بایستد؛
- جایگاه امام جماعت از جایگاه مأمومین بالاتر نباشد؛
- فاصله امام و مأموم و فاصله صف‌ها، زیاد نباشد؛
- بین امام و مأموم و همچنین بین صف‌ها چیزی مانند دیوار یا پرده مانع نباشد، ولی نصب پرده بین صف‌ مردها و زن‌ها اشکال ندارد.<sup>۲</sup>



### قرائت حمد و سوره مأموم

- ۱- وظیفه مأموم برای قرائت حمد و سوره در رکعت اول و دوم نماز جماعت به شرح زیر است:
- الف:** در نماز ظهر و عصر ← نباید حمد و سوره بخواند و مستحب است به جای آن ذکر بگوید؛<sup>۳</sup>

۱- استفتائات، ج ۱، ص ۲۷۷، س ۴۷۶.

۲- العروه الوثقی، ج ۱، ص ۷۷۷ و ۷۷۸، فصل ۴۶: توضیح المسائل، م ۱۴۱۵، م ۱۴۲۲ و ۱۴۳۳.

۳- توضیح المسائل، م ۱۴۶۲ تا ۱۴۶۴.



۱- صدای امام را می‌شنود، هرچند کلمات را

تشخیص ندهد ← نباید چیزی بخواند.

ب: در نماز صبح، مغرب و عشا

۲- صدای امام را نمی‌شنود ← مستحب است

حمد و سوره را آهسته بخواند.

۲- اگر امام ایستاده باشد و مأوم نداند که در کدام رکعت است، می‌تواند اقتدا کند، ولی باید حمد و سوره را به قصد قربت بخواند و اگر چه بعد بفهمد که امام در رکعت اول یا دوم بوده، نمازش صحیح است.<sup>۱</sup>

### ۱۸۱

#### تبعیت از امام جماعت

۱ - در اذکار؛ مانند ذکر رکوع یا سجده یا تسبیحات اربعه یا تشهد، جلو افتادن از امام یا عقب افتادن از او اشکال ندارد، مگر در تکبیرة الإحرام.

۲ - در اعمال؛ مانند رکوع، سر برداشتن از رکوع و سجده، پیش افتادن جایز نیست، پس اگر عمداً قبل از امام به رکوع برود یا از رکوع برخیزد، یا به سجده برود معصیت کرده، اگرچه نمازش صحیح است، ولی عقب افتادن از امام جماعت اگر زیاد نباشد اشکال ندارد.<sup>۲</sup>

### ۱۸۲

#### اقتدا به هنگام رکوع امام جماعت

یکی از موارد جواز اقتداء به امام جماعت، در هنگام رکوع است.

۱ - توضیح المسائل، م ۱۴۴۶.

۲ - همان، م ۱۴۶۷، ۱۴۶۹ و ۱۴۷۰، العروه الوثقی، ج ۱، ص ۷۸۵، م ۷. به فتوای برخی از فقها، سلام را جلوتر از امام نباید بگویند و در اعمال نماز نیز اگر عمداً از امام جماعت جلو بیفتند نمازش باطل است.

زمانی که امام جماعت در رکوع است، یکی از حالات زیر برای مأموم در هنگام اقتداء اتفاق می‌افتد:

**الف:** مأموم به حد رکوع می‌رسد!

- اگر رکوع امام را درک کند: نمازش به جماعت صحیح است خواه به ذکر رکوع امام برسد یا نه؛
- اگر موفق به درک رکوع امام نشود: نمازش به طور فرادا صحیح است و باید آن را تمام کند.



**ب:** مأموم به حد رکوع نمی‌رسد؛ (قبل از آن امام سر از رکوع برداشته است) در این صورت باید یکی از دو کار زیر را انجام دهد:<sup>۲</sup>

- یا باید نماز را به صورت فرادی ادامه دهد؛
- یا باید صبر کند تا امام جماعت برای رکعت بعد برخیزد و آن را رکعت اول نماز جماعت خود به حساب آورد. ولی اگر نماز امام زیاد طول بکشد که نگویند این شخص نماز جماعت می‌خواند باید نیت فرادا کند.



### احکام نماز جماعت

۱- بعد از تکبیر امام جماعت، اگر صف جلوی نمازگزاران آماده نماز و تکبیر گفتن آنان نزدیک باشد، کسی که در صف بعد ایستاده، می‌تواند تکبیر بگوید.<sup>۳</sup>

۲- اگر نماز همه کسانی که در صف جلو هستند تمام شود یا همه آن‌ها نیت فرادا نمایند، اگر فاصله به اندازه یک قدم بزرگ نباشد، نماز صف بعد به طور جماعت صحیح است و اگر بیشتر از این مقدار باشد،

۱- توضیح المسائل، م ۱۴۲۷.

۲- همان، م ۱۴۲۹. به فتوای برخی از فقها، در این صورت نماز باطل است.

۳- همان، م ۱۴۱۸.



- فردا می‌شود و صحیح است.<sup>۱</sup>
- ۳- کسی که نماز میّت را به جماعت می‌خواند باید تکبیرها و دعاهای آن را هم بخواند.<sup>۲</sup>



### آداب نماز جماعت

رعایت آداب زیر در نماز جماعت مستحب است:

- ۱- مستحب است صف‌های جماعت منظم باشد و بین کسانی که در یک صف ایستاده‌اند، فاصله نباشد.
- ۲- مستحب است بعد از گفتن «قَدْ قَامَتِ الصَّلَاةُ» مأمومین برخیزند.
- ۳- مستحب است امام جماعت حال ضعیف‌ترین مأموم را رعایت کند و عجله نکند، تا افراد ضعیف برسند و قنوت و رکوع و سجود را طول ندهد، مگر آنکه بداند همه مأمومین به طولانی شدن مایلند.
- ۴- اگر در صف‌های جماعت جا باشد، مکروه است مأموم تنها بایستد.
- ۵- مکروه است مأموم ذکرهای نماز را طوری بگوید که امام بشنود.<sup>۲</sup>



### نماز جمعه

- ۱- واجب است نمازگزاران به خطبه‌ها گوش دهند.
- ۲- احتیاط مستحب است از سخن گفتن پرهیزند و چنانچه سخن گفتن، سبب از بین رفتن فایده خطبه‌ها یا گوش ندادن به آن‌ها شود، ترک آن واجب است.

۱- توضیح المسائل، م ۱۴۳۸.

۲- همان، ۶۱۰م.

۳- همان، ص ۱۹۷-۱۹۸.



۳- احتیاط مستحب است، شنوندگان هنگام ایراد خطبه‌ها، رو به امام جمعه بنشینند و بیش از مقداری که در نماز اجازه داده شده، به اطراف نگاه نکنند.<sup>۱</sup>



## نماز آیات

یکی از نمازهای واجب، نماز آیات است که به سبب برخی حوادث آسمانی یا زمینی واجب می‌شود؛ مانند:<sup>۲</sup>

- زلزله؛
- خسوف (ماه گرفتگی)؛
- کسوف (خورشید گرفتگی)؛
- رعد و برق و بادهای زرد و سرخ و سیاه و مانند آن، اگر بیشتر مردم بترسند.

## وقت نماز آیات

- ۱- نماز آیات در زلزله و رعد و برق، وقت معین ندارد و همیشه آداء است ولی باید هر چه زودتر خوانده شود.<sup>۳</sup>
- ۲- وقت نماز آیات در خورشید یا ماه گرفتگی، از شروع گرفتگی تا شروع به باز شدن آن است.<sup>۴</sup>
- ۳- بنا بر احتیاط واجب از زمان باز شدن کسوف و خسوف تا انتهای آن نیت ادا و قضا نشود.<sup>۵</sup>

۱- تحریر الوسیله، ج ۱، القول فی شرایط صلاة الجمعة، ص ۲۳۵، م ۱۴.

۲- توضیح المسائل، م ۱۴۹۱؛ تحریر الوسیله، ج ۱، القول فی صلاة الآیات، م ۱.

۳- همان، ۱۴۹۵ و ۱۴۹۸.

۴- همان، م ۱۴۹۵.

۵- همان، م ۱۴۹۶ برخی نیت ادا را صحیح می‌دانند.





### چگونگی نماز آیات

۱- نماز آیات دو رکعت است و هر رکعت پنج رکوع دارد.

۲- در نماز آیات، قبل از هر رکوع، سوره حمد و سوره دیگری از قرآن خوانده می‌شود، که در این صورت، در دو رکعت، ده حمد و ده سوره خوانده می‌شود، ولی می‌توان یک سوره را پنج قسمت کرده و قبل از هر رکوع یک قسمت از آن را خواند، که در این صورت، در دو رکعت دو حمد و دو سوره خوانده می‌شود.<sup>۱</sup>

در اینجا به عنوان نمونه با تقسیم سوره «اخلاص» چگونگی خواندن نماز آیات بیان می‌گردد:

رکعت اول:

رکوع	سوره حمد و «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»
رکوع	«قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ»
رکوع	«اللَّهُ الصَّمَدُ»
رکوع	«لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ»
رکوع	«وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ»

و سپس سجده‌ها را بجا آورده، برای رکعت دوم برمی‌خیزد.

### رکعت دوم:

رکعت دوم را نیز مانند رکعت اول بجا می‌آورد و سپس با تشهد و سلام، نماز را به پایان می‌برد.<sup>۲</sup>

۱- توضیح المسائل، م ۱۵۰۷ و ۱۵۰۸.

۲- همان، م ۱۵۰۸. به فتوای برخی از فقها، گفتن «بسم الله الرحمن الرحيم» به تنهایی کافی نیست، بلکه باید بخشی از سوره را نیز بخواند. لذا می‌تواند سوره دیگری را بخواند و چنانچه سوره توحید را می‌خواند، آیه «قل هو الله احد» را همراه بسم الله بخواند و آیه «لم یلد و لم یولد» را به دو جمله «لم یلد» پیش از رکوع سوم و جمله «و لم یولد» را پیش از رکوع چهارم بخواند.



### احکام نماز آیات

- ۱- اگر سبب وجوب نماز آیات تکرار شود، باید به تعداد همه آنها نماز آیات خوانده شود؛ مثلاً چندین بار زلزله شود.<sup>۱</sup>
- ۲- اگر یکی از سبب‌های وجوب نماز آیات در شهری اتفاق بیفتد، فقط مردم همان شهر باید نماز آیات بخوانند و بر مردم جاهای دیگر واجب نیست.<sup>۲</sup>
- ۳- اگر در یک رکعت از نماز آیات، پنج مرتبه حمد و سوره خوانده شود و در رکعت دیگر یک حمد بخواند و سوره را تقسیم کند صحیح است.<sup>۳</sup>



- ۴- مستحب است پیش از رکوع دؤم و چهارم و ششم و هشتم و دهم قنوت بخواند و اگر فقط یک قنوت پیش از رکوع دهم بخواند کافی است.<sup>۴</sup>
- ۵- هر یک از رکوع‌های نماز آیات رکن است، که اگر عمدتاً یا سهواً کم یا زیاد شود، نماز باطل است.<sup>۵</sup>
- ۶- نماز آیات را می‌توان به جماعت خواند، که در این صورت حمد و سوره‌ها را تنها امام جماعت می‌خواند.<sup>۶</sup>
- ۷- مأموم در هر رکعت از نماز آیات، وقتی که امام جماعت در رکوع اول است می‌تواند اقتدا کند، و پس از آن، اقتدا صحیح نیست.<sup>۷</sup>

۱- العروه الوثقی، ج ۱، ص ۷۳۱، م ۲۱.

۲- توضیح المسائل، م ۱۴۹۴.

۳- همان، م ۱۵۰۹.

۴- توضیح المسائل، م ۱۵۱۲.

۵- همان، م ۱۵۱۵.

۶- العروه الوثقی، فصل فی صلاة الآیات، ج ۱، ص ۷۳۰، م ۱۳.

۷- تحریر الوسیله، ج ۱، القول فی صلاة الآیات، ص ۱۹۵، م ۱۲.



### نوافل یومیّه

به نماز مستحب "نافله" نیز گفته می‌شود. هریک از نمازهای واجب یومیّه نوافلی نیز دارد. بدین ترتیب:

نام نماز	تعداد رکعات نافله	وقت نافله
نماز صبح	۲ رکعت	قبل از نماز صبح
نماز ظهر	۴ نماز ۲ رکعتی (۸ رکعت)	قبل از نماز ظهر
نماز عصر	۴ نماز ۲ رکعتی (۸ رکعت)	قبل از نماز عصر
نماز مغرب	۲ نماز ۲ رکعتی (۴ رکعت)	پس از نماز مغرب
نماز عشاء	۲ رکعت نشسته <sup>۲</sup>	پس از نماز عشاء <sup>۳</sup>



### احکام نوافل یومیّه

۱ - نافله‌های نمازهای یومیّه (در غیر سفر و روز جمعه)، ۲۳ رکعت است که به علاوه ۱۱ رکعت نماز شب، جمعا ۳۴ رکعت می‌شود؛ یعنی دو برابر تعداد رکعت‌های نماز واجب.

۲ - در روز جمعه بر شانزده رکعت نافله ظهر و عصر، چهار رکعت اضافه می‌شود.<sup>۱</sup>

۳ - نافله ظهر و عصر را در سفر نباید خواند ولی نافله عشا را به نیت این‌که شاید مطلوب باشد (به قصد رجاء) می‌توان خواند.<sup>۲</sup>

۱ - توضیح المسائل، م ۷۶۴.

۲ - همان، م ۷۶۷.



### نماز شب

نماز شب ۱۱ رکعت است که بدین ترتیب خوانده می‌شود:

چهار نماز دو رکعتی ← به نیت نافله شب؛

دو رکعت ← به نیت نافله شفع؛

یک رکعت ← به نیت نافله وتر.<sup>۱</sup>

در تمام نمازهای نافله شب، خواندن قنوت مستحب است و در قنوت نماز وتر دعای خاصی وارد شده که هر مقدار از آن‌ها را بتواند بخواند، بر ثواب نماز افزوده می‌شود.

### وقت نماز شب

۱- وقت نماز شب از نصف شب است تا اذان صبح و بهتر است

نزدیک اذان صبح خوانده شود.<sup>۲</sup>

۲- مسافر و کسی که برای او سخت است نافله شب را بعد از نصف

شب بخواند، می‌تواند در اول شب بجا آورد.<sup>۳</sup>



### روزه

روزه‌داری در اسلام، اعتصاب غذا برای رسیدن به هدف‌های مادی

نیست؛ بلکه این عمل، پیوندی با پروردگار جهان دارد و عبادت خدا

محسوب می‌شود و باید با قصد قربت و اطاعت دستور الهی و نیت

خالص و به دور از هرگونه ریا و خودنمایی بجا آورده شود.<sup>۴</sup>

۱ - توضیح المسائل، م ۷۶۵.

۲ - همان، م ۷۷۲.

۳ - همان، م ۷۷۴.

۴ - همان، م ۱۵۵۰.

## روزه‌های واجب

- روزه ماه مبارک رمضان؛
- روزه قضا؛
- روزه کفاره؛
- روزه استیجاری؛
- روزه روز سوم ایام اعتکاف؛
- روزه بدل قربانی حج؛<sup>۱</sup>
- روزه‌ای که به سبب نذر و عهد و قسم واجب شود؛
- روزه قضای پدر که بر پسر بزرگ‌تر واجب است.<sup>۲</sup>

۱۹۵

## روزه‌های حرام

- برخی از روزه‌های حرام عبارت است از:<sup>۳</sup>
- روزه عید فطر؛ (روز اول شوال)
  - روزه عید قربان؛ (روز دهم ماه ذی حجه)
  - روزه مستحب فرزند که سبب اذیت و آزار پدر و مادر شود؛
  - روزه مستحب فرزند که پدر یا مادر، او را از آن نهی کرده باشند؛ (به احتیاط واجب)
  - روزه مستحب زن که شوهرش او را از آن نهی کرده باشد. (به احتیاط واجب)<sup>۴</sup>

۱ - اگر حج‌گزار نتواند قربانی کند، باید به جای آن، سه روز در حج و هفت روز پس از مراجعت از حج روزه بگیرد.

۲ - العروه الوثقی، ج ۲، ص ۲۴۰ و ۲۴۱؛ توضیح المسائل، م ۱۳۹۰.

۳ - العروه الوثقی، ج ۲، کتاب الصوم، فصل ۱۵، ص ۲۴۳ و ۲۴۴.

۴ - توضیح المسائل، م ۱۷۳۹ تا ۱۷۴۲.



## روزه‌های مکروه

- برخی از روزه‌های مکروه عبارت است از:<sup>۱</sup>
- روزه مستحب میهمان بدون اجازه میزبان؛
  - روزه مستحب میهمان با نهی میزبان؛
  - روزه مستحب فرزند بدون اجازه پدر؛
  - روزه در روز عاشورا؛
  - روزه در روز عرفه اگر سبب بازماندن از دعاهای آن روز بشود؛
  - روزه در روزی که نمی‌داند عرفه است یا عید قربان.



## نیت روزه

- ۱- لازم نیست نیت روزه را به زبان بگویید؛ بلکه همین قدر که برای انجام دستور خداوند، از اذان صبح تا اذان مغرب، کاری که روزه را باطل می‌کند، انجام ندهد کافی است.<sup>۲</sup>
- ۲- انسان می‌تواند در هر شب ماه رمضان برای روزه فردای آن، نیت کند و بهتر است که در شب اول ماه نیت روزه همه ماه را کند.<sup>۳</sup>
- ۳- اگر روزی را که شک دارد آخر شعبان است یا اول ماه رمضان، به نیت روزه قضا و مانند آن روزه بگیرد و در بین روز بفهمد که ماه رمضان است، باید نیت روزه رمضان کند و اگر بعد معلوم شود رمضان بوده، از ماه رمضان حساب می‌شود.<sup>۴</sup>

۱- استفتائات، ص ۲۴۲؛ توضیح المسائل، م ۱۷۴۷.

۲- توضیح المسائل، م ۱۵۵۰.

۳- همان، م ۱۵۵۱.

۴- همان، م ۱۵۶۸ و ۱۵۶۹.

## زمان نیت روزه

- ۱- در روزه واجب، اگر به سبب عذری، مانند فراموشی یا سفر، نیت روزه نکرده، اگر کاری که روزه را باطل می‌کند انجام نداده باشد، تا ظهر می‌تواند نیت روزه کند و پس از آن صحیح نیست.<sup>۱</sup>
- ۲- وقت نیت روزه مستحب، از اول شب است تا موقعی که به اندازه نیت کردن به مغرب مانده باشد، که اگر تا این وقت، کاری که روزه را باطل می‌کند انجام نداده باشد و نیت روزه مستحب کند، صحیح است.<sup>۲</sup>

## عدم صحت روزه مستحبی با وجود روزه واجب

- ۱- کسی که روزه قضا یا روزه واجب دیگری دارد، نمی‌تواند روزه مستحبی بگیرد و چنانچه فراموش کرده باشد و قبل از ظهر یادش بیاید، می‌تواند نیت خود را به روزه واجب برگرداند و اگر بعد از ظهر یادش بیاید، روزه اش باطل است.<sup>۲</sup>
- ۲- کسی که برای بجا آوردن روزه میّت آجیر شده، اگر روزه مستحب بگیرد اشکال ندارد.<sup>۴</sup>

**سوال** آیا کسی که قضای روزه ماه رمضان بدهکار است، می‌تواند نذر کند و روزه نذر به جا آورد؟

**جواب** نمی‌تواند.<sup>۵</sup>

۱- توضیح المسائل، م ۱۵۵۴-۱۵۶۱.

۲- همان، م ۱۵۵۳.

۳- همان، م ۱۵۶۳. برخی معتقدند با وجود روزه کفاره می‌توان روزه مستحبی گرفت.

۴- همان، م ۱۵۶۳.

۵- استفتانات، ج ۱، ص ۳۳۶، س ۹۷.





## مُبطّلات روزه

### خوردن و آشامیدن

- ۱- اگر روزه‌دار عمداً چیزی بخورد یا بیاشامد، روزه‌اش باطل می‌شود هرچند خوردن و آشامیدن آن معمول نباشد؛ مانند خاک و برگ درخت.<sup>۱</sup>
- ۲- اگر کسی عمداً چیزی را که لای دندانش مانده است فرو ببرد، روزه‌اش باطل می‌شود.<sup>۲</sup>
- ۳- فرو بردن آب دهان، روزه را باطل نمی‌کند، هرچند زیاد باشد.<sup>۳</sup>
- ۴- اگر روزه‌دار به سبب فراموشی (نمی‌داند روزه است) چیزی بخورد یا بیاشامد، روزه‌اش باطل نمی‌شود و فرقی بین روزه واجب، قضا و مستحب نیست.<sup>۴</sup>



- ۵- انسان نمی‌تواند به خاطر ضعف، روزه را بخورد؛ ولی اگر ضعف او به قدری است که معمولاً نمی‌توان آن را تحمل کرد، خوردن روزه اشکال ندارد.<sup>۵</sup>
- ۶- فرو بردن اخلاط سر و سینه، تا به فضای دهان نرسیده روزه را باطل نمی‌کند، ولی اگر داخل فضای دهان شود، بنا بر احتیاط واجب آن را فرو نبرد.<sup>۶</sup>

۱- توضیح المسائل، م ۱۵۷۳.

۲- همان، م ۱۵۷۷.

۳- همان، م ۱۵۷۹.

۴- همان، م ۱۵۷۵.

۵- همان، م ۱۵۸۳.

۶- همان، م ۱۵۸۰.

۷- تزریق آمپولی که به جای غذا نباشد، روزه را باطل نمی‌کند، هرچند عضو را بی‌حس کند ولی احتیاط واجب آن است از آمپولی که به جای غذا به کار می‌رود پرهیز کند.<sup>۱</sup>



### رساندن غبار غلیظ به حلق

۱- اگر روزه‌دار غبار غلیظی به حلق برساند، روزه‌اش باطل می‌شود؛ چه غبار خوراکی‌ها باشد مانند آرد، یا غیر خوراکی مانند خاک.

۲- در موارد زیر روزه باطل نمی‌شود:

- به حلق نرسد؛ (فقط به داخل دهان برسد)
- بی‌اختیار به حلق برسد و بیرون آوردن آن ممکن نباشد؛
- شک کند غبار غلیظ به حلق رسیده است یا نه.<sup>۲</sup>

**نوار** مبتلا به تنگی نفس هستم، یک وسیلهٔ طبی برای چارهٔ آن درست شده که با فشار دادن سوزن آن، مقداری داروی مایع درون مخزن به صورت پودر گاز از راه دهان به ریه‌ها پاشیده می‌شود و باعث تسکین می‌گردد و روزانه چند بار به آن احتیاج می‌شود، آیا می‌توانم با وجود استفاده از آن وسیلهٔ طبی، روزه‌دار باشم؟ و بدون آن غیر قابل تحمل یا بسیار سخت و بامشقت می‌باشد.

**چرا** داروی مذکور در فرض سؤال که براستعمال آن، اکل و شرب (خوردن و آشامیدن) صدق نمی‌کند مضرّ به روزه نیست.<sup>۳</sup>

۱ - توضیح المسائل، م ۱۵۷۶. به فتوای برخی از فقها، آمپول‌هایی که در رگ تزریق می‌شود و انواع سرم‌ها نیز روزه را باطل می‌کند و به فتوای برخی دیگر تزریق آمپول روزه را باطل نمی‌کند.  
 ۲ - تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۲۸۵ و ۲۸۶، الثامن؛ توضیح المسائل، م ۱۶۰۳ تا ۱۶۰۷. به فتوای برخی از فقها، غبار غیرغلیظ هم اگر به حلق برسد روزه را باطل می‌کند و به فتوای برخی دیگر هرگاه در حلق تبدیل به گل شود و فرو رود روزه باطل می‌شود و در غیر این صورت روزه باطل نیست.

۳ - استفتانات، ج ۱، ص ۳۰۵، س ۶.



### فرو بردن تمام سردر آب

۱- اگر روزه‌دار عمداً تمام سر را در آب مطلق فرو برد، روزه اش بنا بر احتیاط واجب باطل می‌شود.<sup>۱</sup>

۲- در این موارد روزه باطل نیست:

- سهواً سر را زیر آب ببرد؛
- قسمتی از سر را زیر آب ببرد؛
- نصف سر را یکبار و نصف دیگر را بار دیگر در آب فرو برد؛
- بی‌اختیار در آب بیفتد؛
- شخصی دیگری به زور سر او را در آب فرو برد؛
- شک کند تمام سر زیر آب رفته است یا نه.<sup>۲</sup>



۳- اگر در حال روزه ماه رمضان، برای غسل سر را در آب فرو برد، غسل و روزه او باطل است، مگر آنکه زیر آب توبه کند و در حال خارج شدن از آب نیت غسل کند که در این صورت، غسل او صحیح و روزه باطل است.<sup>۳</sup>

### روزه قضا و کفاره

۱- اگر کسی روزه را در وقت آن نگیرد، باید روز دیگری، به جای آن، روزه بگیرد؛ پس روزه‌ای که بعد از وقت، بجا آورده می‌شود، «روزه قضا» گفته می‌شود.

۱- توضیح المسائل، م ۱۶۰۸ به فتوای برخی از فقها، فرو بردن سر در آب روزه را باطل نمی‌کند ولی مکروه است.

۲- همان، م ۱۶۱۰- ۱۹۱۳- ۱۹۱۳- ۱۶۱۵؛ العروه الوثقی، القول فیما یجب الامساک منه، ج ۲، ص ۱۸۷، م ۳۶.

۳- همان، م ۱۶۱۷.



۲- اگر کسی عمداً روزه رمضان را نگیرد، یا عمداً آن را باطل کند، قضا و کفاره واجب می‌شود.<sup>۱</sup>



۳- کفاره، همان جریمه‌ای است که برای باطل کردن روزه، معین شده است و عبارت است از:

- آزاد کردن یک برده؛
- دو ماه روزه گرفتن؛ که سی و یک روز آن باید پی در پی باشد؛
- طعام دادن به شصت فقیر؛ به مقداری که یک وعده غذا بخورند و سیر شوند، یا دادن یک مُد طعام به هریک از آن‌ها.

۴- کسی که کفاره بر او واجب می‌شود، باید یکی از این سه مورد بالا را انجام دهد و چون امروزه، برده به معنای فقهی آن یافت نمی‌شود، مورد دوم یا سوم را باید انجام دهد. اگر هیچ یک از اینها برایش مقدور نیست، هر مقدار که می‌تواند باید به فقیر طعام بدهد و اگر اصلاً نتواند طعام بدهد، باید استغفار کند.<sup>۲</sup>



#### موارد پرداخت یک مُد طعام

۱- به سبب بیماری نتواند روزه بگیرد و تا سال بعد طول بکشد و اگر چنانچه بیماری او تا چندین سال طول بکشد، قضای سال آخر را باید بجا آورد و سال‌های گذشته را برای هر یک روز، یک مد طعام به فقیر بدهد.<sup>۳</sup>

۲- به سبب پیروی، روزه گرفتن برایش مشقت دارد و بعد از ماه

۱- توضیح المسائل، م ۱۶۵۸ و ۱۷۱۰.

۲- همان، م ۱۶۶۰-۱۶۶۱.

۳- همان، م ۱۷۰۳ و ۱۷۰۷.

رمضان هم نمی‌تواند قضای آن را بجا آورد.<sup>۱</sup>  
 ۳- به سبب بیماری، زیاد تشنه می‌شود و روزه گرفتن برایش مشقت دارد و بعد از ماه رمضان هم نمی‌تواند قضای آن را بجا آورد.<sup>۲</sup>



### احکام قضا و کفاره روزه

۱- لازم نیست قضای روزه را فوری بجا آورد، ولی بنابر احتیاط واجب باید تا ماه رمضان سال بعد انجام دهد.<sup>۳</sup>  
 ۲- اگر از چند ماه رمضان روزه قضا دارد، هر کدام را اول بگیرد اشکال ندارد، ولی اگر وقت قضای روزه آخرین ماه رمضان تنگ است. مثلاً ده روز از رمضان آخر، قضا دارد و ده روز به ماه رمضان بعد مانده است، باید اول قضای آن را بگیرد.<sup>۴</sup>  
 ۳- انسان نباید در آدای کفاره کوتاهی کند، ولی لازم نیست فوری آن را انجام دهد.<sup>۵</sup>  
 ۴- اگر کفاره بر انسان واجب شود و بجا نیآورد و چند سال بر آن بگذرد، چیزی بر آن اضافه نمی‌شود.<sup>۶</sup>



۵- اگر روزه خود را با کار حرامی باطل کند، بنابر احتیاط واجب، کفاره جمع لازم می‌شود؛ یعنی باید یک برده آزاد کند، دو ماه روزه

۱- توضیح المسائل، م ۱۷۲۶.

۲- همان، م ۱۷۲۷.

۳- تحریرالوسیله، ج ۱، القول فی قضاء شهر رمضان، ص ۲۹۸، م ۴.

۴- توضیح المسائل، م ۱۶۹۸. به فتوای برخی از فقها، در فرض دوم نیز احتیاط مستحب است اول قضای ماه رمضان آخر را بجا آورد.

۵- همان، م ۱۶۸۴.

۶- همان، م ۱۶۸۵.

بگیرد و به شصت فقیر طعام بدهد. اگر هر سه برایش ممکن نیست، هر کدام از آن‌ها را که می‌تواند باید انجام دهد.<sup>۱</sup>

۶- کسی که قضاى روزه ماه رمضان را گرفته، اگر بعد از ظهر عمداً آن را باطل کند، باید به ده فقیر، هر کدام یک مد طعام بدهد و اگر نمی‌تواند طعام بدهد، بنابر احتیاط واجب باید سه روز پی‌در پی روزه بگیرد.<sup>۲</sup>

۷- کسی که به سبب پیری نمی‌تواند روزه بگیرد و بعد از ماه رمضان هم نمی‌تواند قضاى آن را انجام دهد؛ قضا و كفاره واجب نیست. ولی اگر روزه گرفتن برایش دشوار است، باید برای هر روز، یک مد طعام به فقیر بدهد.<sup>۳</sup>

## ۲۰۹

## روزه مسافر

۱- مسافری که باید نمازهای چهار رکعتی را در سفر، دو رکعت بخواند، نباید در آن سفر روزه بگیرد، ولی باید قضاى آن را بجا آورد؛ و مسافری که نمازش را تمام می‌خواند، مثل کسی که شغل او سفر است، باید در سفر روزه بگیرد.<sup>۴</sup>

۲- مسافرت در ماه رمضان اشکال ندارد، ولی اگر برای فرار از روزه باشد، مکروه است.<sup>۵</sup>

## روزه مسافر در هنگام شروع سفر

**الف:** اگر انسان، قبل از ظهر به مسافرت می‌رود، وقتی به حد ترخص رسید، روزه اش باطل می‌شود و اگر قبل از آن روزه را باطل کند،

۱- توضیح المسائل، م ۱۶۶۵. به فتوای برخی از فقها، كفاره جمع واجب نیست لکن احتیاط مستحب است.

۲- همان، م ۱۶۸۷.

۳- همان، م ۱۷۲۵-۱۷۲۶.

۴- همان، م ۱۷۱۴.

۵- همان، م ۱۷۱۵.

بنابر احتیاط واجب باید كفاره بدهد؛<sup>۱</sup>

ب: اگر بعد از ظهر به مسافرت می‌رود، روزه‌اش صحیح است و نباید آن را باطل کند.<sup>۲</sup>



روزه مسافر در هنگام بازگشت از سفر<sup>۳</sup>

- الف: اگر قبل از ظهر به وطن یا جایی که بنا دارد ده روز بماند برسد
- ۱ - اگر کاری که روزه را باطل می‌کند انجام نداده است، باید نیت روزه کرده و روزه آن روز را تمام کند و صحیح است؛
- ۲ - اگر کاری که روزه را باطل می‌کند انجام داده است، روزه آن روز براو واجب نیست و باید قضای آن را بجا آورد.

ب: اگر بعد از ظهر برسد، روزه‌اش باطل است و باید قضای آن را بجا آورد.

در برگشت از سفر، رسیدن به حدّ ترخّص، برای روزه اثری ندارد؛ بنابراین اگر پیش از ظهر به حدّ ترخّص برسد ولی هنوز به وطن یا جایی که می‌خواهد ده روز بماند، نرسیده باشد، نمی‌تواند نیت روزه کند.



راه‌های ثابت شدن اوّل ماه

- ۱ - خود انسان ماه را ببیند.
- ۲ - عده‌ای که از گفته آنان یقین پیدا می‌شود، بگویند ماه را دیده‌ایم و همچنین است هر چیزی که به واسطه آن یقین پیدا شود.

۱ - توضیح المسائل، م ۱۷۲۱.

۲ - همان، م ۱۷۲۱.

۳ - همان، م ۱۷۱۴- ۱۷۲۱ تا ۱۷۲۳.

- ۳- دو مرد عادل بگویند که در شب ماه را دیده‌ایم.
- ۴- سی روز از اول شعبان بگذرد، اول ماه رمضان ثابت می‌شود و سی روز از اول رمضان بگذرد اول شوال ثابت می‌شود.
- ۵- حاکم شرع حکم کند که اول ماه است.<sup>۱</sup>



### چند مسأله

- ۱- اول ماه با پیشگویی منجمان ثابت نمی‌شود، ولی اگر انسان از گفته آنان یقین پیدا کند، باید به آن عمل نماید.<sup>۲</sup>
- ۲- بزرگ بودن ماه یا دیر غروب کردن آن، دلیل نمی‌شود که شب پیش، شب اول ماه بوده است.<sup>۳</sup>
- ۳- اگر در جایی، مثلاً در کشوری یا شهری، اول ماه ثابت شود، برای جای دیگر فایده ندارد؛ مگر آن دو جا به هم نزدیک باشند یا انسان بداند که افق آن‌ها یکی است.<sup>۴</sup>



- ۴- روزی را که انسان نمی‌داند آخر ماه رمضان است یا اول شوال، باید روزه بگیرد، ولی اگر پیش از مغرب بفهمد که اول شوال است باید افطار کند.<sup>۵</sup>

۱- توضیح المسائل، م ۱۷۳۰. به فتوای برخی از فقها، حکم حاکم شرع یکی از راه‌های ثابت شدن اول ماه نیست ولی چنانچه حکم کند که اول ماه است تبعیت از حکم وی واجب است.

۲- توضیح المسائل، م ۱۷۳۲. به فتوای برخی از فقها، اگر ماه پیش از ظهر دیده شود دلیل بر آن است که آن روز اول ماه است.

۳- همان، م ۱۷۳۳.

۴- همان، م ۱۷۳۵. به فتوای برخی از فقها، اگر در جایی ماه دیده شود برای سایر شهرها و کشورهایی که با آنجا در شب مشترک باشند هرچند اول شب یکی آخر شب دیگری باشد، کافی است.

۵- همان، م ۱۷۳۷.



۵- اگر حاکم شرع حکم کند که اول ماه است، کسی هم که از او تقلید نمی‌کند باید به حکم او عمل کند ولی کسی که می‌داند حاکم شرع اشتباه کرده است، نمی‌تواند به حکم او عمل کند.<sup>۱</sup>



## اعتکاف

۱- یکی از کارهای مستحب «اعتکاف» است و اعتکاف عبارت است از ماندن در مسجد برای عبادت خدا، با شرایطی که خواهد آمد.<sup>۲</sup>

۲- اعتکاف، با شرایط زیر صحیح است و با نبود یکی از آن‌ها اعتکاف باطل است:

- قصد قربت و اخلاص؛
- ماندن در مسجد؛
- ماندن حداقل سه روز در آن؛
- خارج نشدن از مسجد؛
- روزه دار بودن در ایام اعتکاف.<sup>۳</sup>



## نیت اعتکاف

۱- اعتکاف همانند سایر عبادت‌ها باید با نیت و قصد قربت باشد و هرگونه ریا و خودنمایی و قصد غیر الهی، آن را باطل می‌کند.<sup>۴</sup>

۲- انسان می‌تواند اعتکاف را برای خود یا دیگری بجا آورد؛ که به قِسْم دوم، اعتکاف نیابتی گفته می‌شود.<sup>۵</sup>

۱- توضیح المسائل، م ۱۷۳۱.

۲- تحریر الوسیله، ج ۱، کتاب الصوم، خاتمه فی الاعتکاف، ص ۳۰۴.

۳- همان، القول فی شروطه. ص ۳۰۴۳.

۴- همان، کتاب الصوم، خاتمه فی الاعتکاف، الثانی.

۵- العروه الوثقی، ج ۲، ص ۲۴۶، کتاب الاعتکاف.

۳- اعتکاف به نیابت از دو یا چند نفر صحیح نیست، ولی می‌تواند اعتکاف را به نیت خود به جا آورد و ثواب آن را به دیگران اهدا کند.<sup>۱</sup>



### مدت اعتکاف

۱- مدت اعتکاف حداقل سه روز است و کمتر از آن صحیح نیست؛ ولی در زیاده حدی ندارد، اگر پنج روز معتکف شود، روز ششم نیز واجب است بماند، بلکه بنابر احتیاط واجب هر گاه دو روز اضافه کرد، روز سوم هم باید بماند، پس اگر هشت روز معتکف شد، ماندن روز نهم نیز بنابر احتیاط واجب لازم است.<sup>۲</sup>

۲- این سه روز از طلوع فجر روز اول تا مغرب روز سوم است، بنابراین اگر بعد از طلوع فجر هر چند دقیقه‌ای با تأخیر به مسجد برسد، آن روز جزو اعتکاف به حساب نمی‌آید.<sup>۳</sup>



۳- سه روز اعتکاف با شب‌های آن است که حداقل سه روز و دو شب در وسط است، بنابراین نمی‌تواند شب‌ها را از مسجد خارج شود.<sup>۴</sup>

۴- رها کردن اعتکاف مستحب و نذر غیر معین در روزهای اول و دوم اشکال ندارد، ولی اگر تا مغرب روز دوم ماند، واجب است روز سوم را نیز بماند.<sup>۵</sup>

۱- العروه الوثقی، ج ۲، ص ۲۴۶، کتاب الاعتکاف.

۲- تحریر الوسیله، ج ۱، خاتمه فی الاعتکاف، القول فی شروطه، الرابع، ص ۳۰۵.

۳- همان، ص ۳۰۵.

۴- همان، ص ۳۰۶، م ۴.

۵- همان، ص ۳۰۶، م ۳.



## زمان و مکان اعتکاف

۱- در طول سال، هر زمانی که انسان بتواند حداقل سه روز در مسجد بماند و روزه بگیرد، اعتکاف صحیح است، اما بهترین زمان برای اعتکاف، ماه مبارک رمضان به ویژه، دهه آخر آن است.<sup>۱</sup>

[در روزهای ۱۳، ۱۴ و ۱۵ ماه رجب (ایام البیض) به جهت آن که اعمال و آداب خاصی دارد و روزه گرفتن هم مستحب است، بسیاری از مؤمنین معتکف می‌شوند.]

۲- اعتکاف در مساجد زیر صحیح است:

- مسجد الحرام؛
- مسجد النبی؛
- مسجد کوفه؛
- مسجد بصره؛
- مسجد جامع هر شهر، به قصد رجاء.

۳- در غیر این پنج مسجد، اعتکاف جایز نیست.<sup>۲</sup>



۴- اگر در یک شهر، دو یا چند مسجد جامع وجود داشته باشد، در هر کدام که بخواهد می‌تواند به قصد رجاء معتکف شود.<sup>۳</sup>

۵- اگر کسی در خانه خود، تکیه، حسینیه یا حرم و حتی مسجد غیر جامع معتکف شود، صحیح نیست.<sup>۴</sup>

۱ - العروه الوثقی، ج ۲، ص ۲۴۶، کتاب الاعتکاف.

۲ - تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۳۰۵، العقول فی شروط الاعتکاف، الخامس. به فتوای برخی از فقها، اعتکاف در مسجد جامع هم صحیح است و برخی اعتکاف در مسجد غیر جامع را نیز رجاء صحیح می‌دانند.

۳ - العروه الوثقی، ج ۲، کتاب الاعتکاف، فی شرایط الاعتکاف، السادس.

۴ - همان.

۶- اعتکاف باید در یک مسجد باشد، پس اعتکاف در دو مسجد که بخشی از وقت را در یکی و بخشی از آن را در دیگری بماند، صحیح نیست.<sup>۱</sup>

۷- اگر در مسجدی معتکف شود ولی مانعی از ادامه ماندن در آن مسجد پیش آید، اعتکاف باطل است.<sup>۲</sup>



### موارد جواز خروج مُعتکِف از مسجد

مُعتکف نباید از مسجد خارج شود، مگر در موارد ذیل:

- برای گواهی دادن؛
- برای تشییع جنازه، در صورتی که میت، طوری وابستگی به مُعتکف داشته باشد که شرکت در تشییع جنازه او، از ضرورت‌های عُرفی وی به حساب می‌آید؛
- برای سایر کارهای ضروری عرفی یا شرعی، خواه واجب باشد یا مستحب، خواه مربوط به امور دنیوی باشد یا اخروی، ولی مصلحتی در آن نهفته باشد.<sup>۳</sup>



### وظیفه معتکف هنگام خروج از مسجد

- ۱- اگر مُعتکف از مسجد خارج شد، این امور را باید مراعات کند:
  - بیش از مقدار ضرورت و نیاز، بیرون مسجد نماند؛
  - در صورت امکان زیر سایه ننشیند، بلکه مطلقاً ننشیند، مگر در حال ضرورت؛

۱- تحریرالوسیله، ج ۱، القول فی شروط الاعتکاف، ص ۳۰۷، م ۶.

۲- همان، السابغ، ص ۳۰۶.

۳- همان، ص ۳۰۶، السابغ و ص ۳۰۷، م ۹. به فتوای برخی از فقها، در بعضی موارد آورده شده معتکف نمی‌تواند از مسجد خارج شود.

- بنابراین احتیاط واجب نزدیکترین راه را انتخاب کند.<sup>۱</sup>
- ۲- اگر مُعْتَكِف به جهت ضرورت از مسجد بیرون رود و به قدری طول بکشد که صورت اعتکاف به هم بخورد، اعتکاف باطل است.<sup>۲</sup>
- ۳- اگر به سبب فراموشی از مسجد خارج شود، اعتکافش باطل نیست ولی باید فوراً به مسجد برگردد.<sup>۳</sup>



### روزهٔ اعتکاف

انسان در ایام اعتکاف باید روزه بگیرد، بنابراین اعتکاف کسی که نمی‌تواند روزه بگیرد مانند مسافر، مریض و زن حائض یا نساء و کسی که عمدتاً روزه نگیرد، صحیح نیست.<sup>۴</sup>

اعتکاف در روز عید فطر و قربان یا دو روز قبل از عید به طوری که روز سوم آن عید باشد صحیح نیست.<sup>۵</sup>

لازم نیست که روزه، به نیت اعتکاف باشد؛ بلکه هر روزه‌ای باشد، صحیح است، مثلاً در ایام اعتکاف می‌تواند روزهٔ قضا، نذری یا استیجاری بجا آورد.<sup>۶</sup>

اگر انسان نذر کند در سفر روزه بگیرد، می‌تواند بدون قصد ماندن ده روز معتکف شود.<sup>۷</sup> (نذر روزهٔ ماه رمضان و قضای آن در سفر، صحیح نیست)

۱- تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۳۰۷، م ۹.

۲- همان، ص ۳۰۸، م ۲.

۳- همان، السایع.

۴- همان، ص ۳۰۵، الثالث.

۵- العروه الوثقی، ج ۲، کتاب الاعتکاف، فی شرایط الاعتکاف، الرابع.

۶- تحریرالوسیله، ج ۱، القول فی شروط الاعتکاف، الثالث، ص ۳۰۵.

۷- همان.



### محرمات اعتکاف

- انسان در حال اعتکاف باید از این کارها پرهیز کند:
- بوییدن چیزهای خوشبو و عطریات، حتی گیاهان خوشبو همراه با لذت؛
  - خرید و فروش؛
  - سایر انواع تجارت؛ مثل صلح و اجاره و غیر اینها (بنابر احتیاط واجب)
  - جدال در امور دینی و دنیوی برای غلبه بردیگری و اظهار فضل و برتری بر او؛
  - امور جنسی و شهوت آمیز؛ مانند بوسه، لمس و آمیزش.



### مبطلات اعتکاف

- ۱- اگر معتکف، روزه خود را باطل کند، اعتکافش باطل می شود.<sup>۱</sup>
  - ۲- آمیزش جنسی هر چند سهواً باشد اعتکاف را باطل می کند.<sup>۲</sup>
  - ۳- اگر معتکف از روی شهوت، کسی را ببوسد یا لمس کند یا محرمات دیگر اعتکاف را عمداً یا سهواً مرتکب شود:<sup>۳</sup>
- الف:** چنانچه اعتکاف واجب معین یا واجب غیر معین بعد از اتمام روز دوم باشد، بنابر احتیاط واجب، اعتکاف را به پایان برساند و مجدداً آن را به جا آورد؛
- ب:** چنانچه اعتکافی وجوبی غیر معین، قبل از اتمام روز دوم باشد، تنها وجوب استیناف دارد.

۱ - تحریر الوسیله، ج ۱، القول فی احکام الاعتکاف، م ۲.

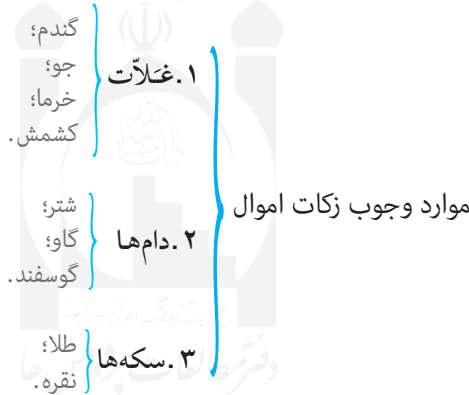
۲ - همان.

۳ - همان.



## زکات

زکات موارد معینی دارد، یک قسم از آن، زکات بدن و حیات است که هر سال یک مرتبه در روز عید فطر پرداخت می‌شود و فقط بر کسانی که قدرت مالی پرداخت آن را دارند واجب است. قسم دیگر، زکات اموال است که به چیزهای معینی تعلق می‌گیرد و می‌توان آن‌ها را به سه دسته تقسیم کرد:



## زکات اموال

### حدّ نصاب

۱- زکات اموال در صورتی واجب می‌شود که به مقدار مشخصی برسد، که به آن مقدار «حدّ نصاب» می‌گویند؛ یعنی اگر محصول به دست آمده یا تعداد دام یا طلا و نقره موجود، از حدّ نصاب کمتر باشد، زکات ندارد.

۲- تمام غلات چهارگانه، یک نصاب دارد که حدود ۸۵۰ کیلوگرم



است<sup>۱</sup>، بنابراین اگر محصول به دست آمده از این مقدار، کمتر باشد، زکات ندارد.<sup>۲</sup>

۳- چنانچه یکی از این محصولات به حد نصاب برسد، باید مقداری از آن به عنوان زکات پرداخت شود؛ ولی مقدار زکات غلات بستگی به چگونگی آبیاری آن‌ها دارد و از این نظر می‌توان آن‌ها را به سه دسته تقسیم کرد:

- مقدار زکات محصولی که با آب باران و رودخانه آبیاری می‌شود، یا دیمی باشد،  $\frac{۱}{۱۰}$  است؛
- مقدار زکات محصولی که با دَلو یا موتور پمپ آبیاری می‌شود،  $\frac{۱}{۳}$  است؛
- محصولی که به هر دو طریق -هم با آب باران یا رودخانه و هم با آب دستی- آبیاری شده، زکاتِ نصف آن  $\frac{۱}{۱۰}$  و نصف دیگر  $\frac{۱}{۳}$  است.<sup>۳</sup>



#### نصاب و مقدار زکات دام، طلا و نقره

- ۱- اولین نصاب گوسفند، چهل رأس و زکات آن یک گوسفند است و تعداد گوسفندان، تا به چهل نرسد، زکات ندارد.<sup>۴</sup>
- ۲- اولین نصاب گاو، سی رأس است و زکات آن یک گوساله است که یک سال آن تمام شده و وارد سال دوم شده باشد.<sup>۵</sup>
- ۳- اولین نصاب شتر ۵ نَفَر است و زکات آن یک گوسفند می‌باشد.<sup>۶</sup>
- ۴- نصاب طلا ۱۵ مثقال و نصاب نقره ۱۰۵ مثقال است و زکات هر دو  $\frac{۱}{۴}$  می‌باشد.<sup>۷</sup>

۱- نصاب غلات به طور دقیق ۸۴۷/۲۰۷ کیلوگرم است. برخی از فقها، گندم و جو را کمی بیشتر از این مقدار دانسته‌اند؛ یعنی ۸۸۵ کیلوگرم.

۲- توضیح المسائل، م ۱۸۶۴.

۳- همان، م ۱۸۷۵ تا ۱۸۷۹.

۴- همان، م ۱۹۱۳.

۵- همان، م ۱۹۱۲.

۶- همان، م ۱۹۱۰.

۷- همان، م ۱۸۹۶-۱۸۹۷.





### احکام زکات اموال

- ۱- آنچه برای گندم، جو، خرما و انگور خرج کرده است، مانند قیمت بذر، مزد کارگر، و مزد تراکتور یا استهلاک آن را می‌تواند از حاصل، کسر کند، ولی مقدار نصاب، قبل از کم کردن این مخارج محاسبه می‌شود و اگر قبل از کسر مخارج به حد نصاب برسد، پرداخت زکات واجب شده است ولی زکات باقیمانده را می‌پردازد.<sup>۱</sup>
- ۲- زکات طلا و نقره در صورتی واجب است که به صورت سکه‌ای باشد که معامله با آن رواج دارد؛ بنابراین طلا یا نقره‌ای که بانوان به‌عنوان زیور استفاده می‌کنند، زکات ندارد.<sup>۲</sup>



### زکات فطره

- ۱- فردی که در شب عید فطر دارای این شرایط باشد، زکات فطره بر او واجب است:
  - بالغ باشد؛
  - عاقل باشد؛
  - بنده کسی نباشد؛
  - فقیر نباشد.<sup>۳</sup>

- ۲- چنین شخصی، باید زکات خود و کسانی را که در مغرب شب عید فطر، نان خور او هستند، بپردازد؛ کوچک باشند یا بزرگ، مسلمان باشند یا غیرمسلمان، خرج آنان بر او واجب باشد یا نباشد، در شهر خود

۱ - توضیح المسائل، م ۱۸۸۰. برخی کسر مخارج را قبول ندارند و برخی دیگر به نحو دیگری قبول دارند.

۲ - همان، م ۱۸۹۹ و ۱۹۰۰. به فتوای برخی از فقها، حتی حیوان‌هایی که علف دستی می‌خورند بنا بر احتیاط زکات دارد.

۳ - همان، م ۱۹۹۱.

او باشند یا در شهر دیگر؛ (یعنی حتی اگر فرزند او که نان خور اوست به مسافرت رفته باشد باید زکات او را بدهد)<sup>۱</sup>



- ۳- مقدار زکات فطره: هر نفر «یک صاع» که تقریباً ۳ کیلو است.<sup>۲</sup>
- ۴- جنس زکات فطره: گندم، جو، خرما، کشمش، برنج یا ذرت و مانند این‌ها یا پول این‌ها.<sup>۳</sup>
- ۵- وقت وجوب زکات فطره: شب عید فطر.<sup>۴</sup>
- ۶- وقت پرداخت زکات فطره: از شب عید تا ظهر روز عید فطر و بهتر است در روز عید پرداخت کند و اگر نماز عید می‌خواند، بنا بر احتیاط واجب قبل از نماز عید پردازد.<sup>۵</sup>



### زکات فطره مهمان

- ۱- فطره مهمانی که پیش از غروب شب عید فطر، بدون رضایت صاحب خانه وارد می‌شود در صورتی که نان خور او حساب شود، واجب است و همچنین فطره کسی که انسان را مجبور کرده‌اند که خرجی او را بدهد.<sup>۷</sup>
- ۲- فطره مهمانی که بعد از غروب شب عید فطر وارد می‌شود، بر

۱- توضیح المسائل.

۲- همان، م ۱۹۹۱.

۳- همان.

۴- تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۳۴۸.

۵- تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۳۴۸؛ توضیح المسائل، م ۲۰۲۹.

۶- مهمانی که تنها برای یک شب وارد شده، نان خور میزبان به حساب نمی‌آید، مگر آنکه بخواهد چند شب دیگر نیز بماند.

۷- توضیح المسائل، م ۱۹۹۵ و ۱۹۹۶. به فتوای برخی از فقها، اگر بدون دعوت و رضایت صاحبخانه آمده است زکات فطره بر او واجب نیست.

صاحبخانه واجب نیست، اگر چه پیش از غروب او را دعوت کرده باشد و در خانه او هم افطار کند.<sup>۱</sup>



### احکام زکات فطره

۱- کسی که مخارج سال خود و اهل و عیالش را ندارد و کسبی هم ندارد که بتواند مخارج سال خود و اهل و عیالش را تأمین کند، فقیر است و پرداخت زکات فطره بر او واجب نیست.<sup>۲</sup>

۲- کسی که دیگری باید فطره او را بدهد، واجب نیست فطره خود را بدهد.<sup>۳</sup>

۳- اگر فطره انسان بر کسی واجب باشد و او فطره را ندهد بر خودش واجب نمی‌شود.<sup>۴</sup>

۴- غیر سید نمی‌تواند به سید فطره بدهد، حتی اگر سیدی نان خور او باشد، نمی‌تواند فطره او را به سید دیگر بدهد؛ مثلاً کسی که همسرش سید است، ولی خودش سید نیست، زکات فطره همسرش را نیز نمی‌تواند به سید پردازد.<sup>۵</sup>



۵- فقیری که فطره به او می‌دهند، لازم نیست عادل باشد؛ ولی احتیاط واجب آن است که به شرابخوار و کسی که آشکارا معصیت کبیره می‌کند فطره ندهند.<sup>۶</sup>

۱ - توضیح المسائل، م ۱۹۹۷. به پاورقی قبلی مراجعه شود.

۲ - همان، م ۱۹۹۲.

۳ - همان، م ۲۰۰۵.

۴ - همان، م ۲۰۰۶.

۵ - همان، م ۲۰۰۹.

۶ - همان، م ۲۰۱۶.

۶- به کسی که فطره را در معصیت مصرف می‌کند، نباید فطره بدهند.<sup>۱</sup>

۷- احتیاط واجب آن است که به یک فقیر، بیش از مخارج سالش و کمتر از یک صاع، فطره ندهند.<sup>۲</sup>

۸- اگر فطره را از مال خود جدا کند، نمی‌تواند آن را برای خودش بردارد و مالی دیگر را برای فطره بگذارد.<sup>۳</sup>



### مصارف زکات

مصرف زکات در هشت جا است که می‌توان آن را در تمام یا برخی از این موارد، مصرف کرد. مصارف هشت‌گانه زکات در آیه ۶۰ سوره توبه آمده است:

« إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسْكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمَوْلَّاتِ فُلُوبُهُمْ وَفِي الرِّقَابِ وَالْغَارِمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةً مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ »

آن مصارف عبارت است از: فقیران، مسکینان، ماموران جمع آوری و توزیع زکات، غیرمسلمانانی که اگر زکات داده شود به اسلام می‌گروند یا در مواقع حساس به مسلمانان کمک می‌کنند، آزاد کردن بردگان، بدهکاران، در راه ماندگان و کارهای خیر و عام‌المنفعه‌ای که مورد رضایت خداوند باشد.

۱- توضیح المسائل، م ۲۰۱۷.

۲- همان، م ۲۰۱۸.

۳- همان، م ۲۰۳۲.



### احکام مصرف زکات

- ۱- فقیری که زکات دریافت می‌کند باید دارای این شرایط باشد:<sup>۱</sup>
  - شیعه دوازده امامی باشد؛
  - واجب‌النفقه زکات دهنده نباشد؛ مانند همسر و فرزند؛
  - اگر زکات دهنده سید نیست، زکات گیرنده نیز سید نباشد؛
  - زکات را در معصیت مصرف نکند؛
  - بنا بر احتیاط واجب، آشکارا معصیت کبیره نکند.
- ۲- به کسی که بدهکار است و نمی‌تواند بدهی خود را بدهد، اگر چه مخارج او بر زکات دهنده واجب باشد، می‌توان زکات داد.<sup>۲</sup>
- ۳- پرداخت زکات از عبادات است و باید به قصد قربت، یعنی برای اطاعت دستور خداوند پردازد و در نیت معین کند که زکات مال است یا زکات فطره.<sup>۳</sup>



### خمس

یکی دیگر از تکالیف اقتصادی مسلمانان، پرداخت خمس است؛ بدین معنا که در برخی موارد، باید مال خود را برای مصارف مشخصی به حاکم اسلامی پردازند.

#### خمس منفعت کسب

یکی از موارد هفت‌گانه خمس، که بر بیشتر افراد جامعه واجب می‌شود، خمس چیزی است که از خرج سال انسان و خانواده‌اش زیاد بیاید.

۱- توضیح المسائل، م ۱۹۴۲، ۱۹۴۶ تا ۱۹۴۸ و ۱۹۵۶.

۲- همان، م ۱۹۴۷.

۳- همان، م ۱۹۵۷.



مراد از مخارج، تمام چیزهایی است که در زندگی خود و خانواده‌اش بدان نیاز دارد که به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌کنیم:

- خوراک و پوشاک؛
- اثاثیه منزل مانند ظرف، فرش و...؛
- وسیله نقلیه‌ای که برای کسب و کار نیست؛



- مخارج مهمانی؛
  - مخارج ازدواج؛
  - کتاب‌های مورد نیاز؛
  - آنچه در راه زیارت مصرف می‌کند؛
  - جوایز و هدایایی که به کسی می‌دهد؛
  - صدقه، نذر و یا کفاره‌ای که پرداخت می‌کند.<sup>۱</sup>
- بنابراین کسی که حساسی خمسی دارد، آنچه در موارد فوق خرج می‌کند، خمس ندارد.



### سال خمسی

۱- انسان باید پس از گذشت یک سال از اولین درآمدی که به دست آورده است، خمس اضافه بر مخارج سال گذشته را بپردازد؛ بنابراین مبنای محاسبه خمس، اولین درآمدی است که به دست می‌آورد و پایان آن، یک سال بعد در همان تاریخ است.

۱ - العروه الوثقی، ج ۲، کتاب الخمس، فصل ۱، ص ۳۹۴.



مثلاً ابتدای سال برای:

- کشاورز ← اولین محصولی است که برداشت می‌کند.
- کارمند ← اولین حقوقی است که دریافت می‌کند.
- کارگر ← اولین مزدی که می‌گیرد.
- مغازه‌دار ← اولین معامله‌ای که انجام می‌دهد.<sup>۱</sup>

۲- کسی که سالیانی از بلوغ او گذشته و در این مدت درآمدهایی داشته ولی خمس نپرداخته، باید با مراجعه به مرجع تقلید خود یا نماینده وی، خمس مالش را محاسبه و بدهی خود را پردازد و همان روزی که حساب اموال خود را می‌پردازد، اول سال خمسی او خواهد بود.

۲۳۹

### احکام خمس

- ۱- اگر مال به دست آمده از درآمد کسب نبوده و در مقابل کار نیست، خمس ندارد؛ مانند: ارث، هدیه، جایزه، مهریه و مالی که به‌عنوان خمس یا زکات یا صدقه دریافت کرده است.<sup>۲</sup>
- ۲- اگر انسان، با قناعت چیزی از مخارج سال زیاد بیاورد، باید خمس آن را پردازد.<sup>۳</sup>

۳- آذوقه‌ای که از درآمد سال برای مصرف سالش خریده؛ مانند برنج، روغن و چای، اگر در آخر سال زیاد بیاید، باید خمس آن را بدهد.<sup>۴</sup>



۱ - العروه الوثقی، ج ۲، کتاب الخمس، فصل ۱، ص ۳۹۴، م ۶۰.

۲ - همان، ص ۳۸۹، السابع، ص ۳۹۰، م ۵۱؛ توضیح المسائل، م ۱۷۵۳ و ۱۷۵۴. در شرایط عدم وجوب خمس هریک از موارد مذکور، علما نظرات متفاوتی دارند.

۳ - توضیح المسائل، م ۱۷۵۶.

۴ - همان، م ۱۷۸۰.

۲۴۰

۴- جهیزیه‌ای که به طور متناوب تهیه می‌شود با دو شرط خمس

ندارد:

- نتواند یکجا جهیزیه را تهیه کند؛
- مجبور باشد که هر سال مقداری از آن را تهیه کند، یا در آن محل، معمولاً هر سال مقداری از جهیزیه دختر را تهیه می‌کنند، به طوری که تهیه نکردن آن عیب است.<sup>۱</sup>

۲۴۱

### پیامدهای خمس ندادن<sup>۲</sup>

- ۱- انسان، تا خمس مالش را ندهد نمی‌تواند در آن تصرف کند؛ یعنی غذایی که در آن خمس باشد نمی‌تواند بخورد و با پولی که خمس آن را نداده، نمی‌تواند چیزی بخرد.<sup>۳</sup>
- ۲- اگر با پول خمس نداده، خرید و فروش کند (بدون اجازه حاکم شرع) یک پنجم آن معامله باطل است.<sup>۴</sup>
- ۳- اگر با پول خمس نداده، آب بخرد و با آن وضو بگیرد یا غسل کند، باطل است.<sup>۵</sup>
- ۴- اگر با پول خمس نداده، خانه بخرد، نماز خواندن در آن باطل است.<sup>۶</sup>

۱ - توضیح المسائل، م ۱۷۷۷. به فتوای برخی از فقها، اگر سال بر آن بگذرد خمس دارد.

۲ - برخی از فقها معتقدند که خمس به ذمه تعلق می‌گیرد لذا مشکلات گفته شده در متن پیش نخواهد آمد.

۳ - توضیح المسائل، م ۱۷۹۰.

۴ - همان، م ۱۷۶۰. به فتوای برخی از فقها، معامله صحیح است ولی خمس آن را باید بپردازد.

۵ - همان، م ۲۸۳.

۶ - همان، م ۸۷۳. به فتوای برخی از فقها هر چند وضو و غسل و نماز او صحیح است ولی خمس بدهکار است و باید بپردازد.



۵- اگر چیزی را که خمس آن داده نشده، به کسی ببخشد، یک پنجم آن چیز را مالک نمی‌شود.<sup>۱</sup>



### مصارف خمس

۱- خمس مال را باید به دو قسمت مساوی به نام سهم امام و سهم سادات تقسیم کرد؛ سهم امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را باید به مجتهد جامع شرایطی که از او تقلید می‌کند، یا نماینده او پردازد و نصف دیگر را باید یا به مجتهد جامع شرایط بدهد، یا با اجازه او به سادات دارای شرایط پردازد؛<sup>۲</sup>

۲- شرایط سیدی که می‌توان به او خمس داد:

- فقیر باشد یا در سفر مانده باشد، هرچند در شهر خود فقیر نباشد؛
- شیعه دوازده امامی باشد؛
- آشکارا معصیت نکند (بنابر احتیاط واجب) و دادن خمس، کمک برگناه او نباشد؛
- از افرادی که مخارج آنان برعهده اوست، مانند همسر و فرزند نباشد. (بنابر احتیاط واجب)<sup>۳</sup>



### حج

حج، یکی از وظایف مهم مسلمانان و از مهم‌ترین مراسم عبادی - سیاسی اسلام است.

۱ - توضیح المسائل، م ۱۷۶۳.

۲ - همان، م ۱۸۳۴.

۳ - همان، م ۱۸۳۵ تا ۱۸۴۱.

حج، در طول عمر افراد دارای شرایط، یک بار واجب می‌شود.

### شرایط وجوب حج

۱- شرایط وجوب حج عبارت است از: <sup>۱</sup>

- بالغ و عاقل باشد؛
- برای حج مجبور نشود کار واجبی را که اهمیّتش از حج بیشتر است ترک کند، یا کار حرامی را که ترک آن مهم‌تر از حج است مرتکب شود؛
- مستطیع باشد.

۲- استطاعت اقسامی به این شرح دارد: <sup>۲</sup>

- بدنی؛ (صحت و توانایی)
- طریقی؛ (باز بودن و امنیت راه)
- زمانی؛ (داشتن زمان کافی)
- مالی.

### استطاعت مالی

اگر برای کسی موارد ذیل فراهم بود، از نظر مالی مستطیع است:

- داشتن مخارج رفت و برگشت به حج؛
- داشتن ضروریات زندگی، مثل مسکن، لوازم منزل، وسیله نقلیه؛
- داشتن شغل یا مال یا راه کسب دیگری که پس از بازگشت به سختی زندگی نکند. <sup>۳</sup>

بنابراین کسی که توانایی مالی به این مقدار را دارد و مشکل بدنی برای رفتن به حج ندارد، باید برای رفتن به مکه و انجام دادن مناسک حج اقدام کند و اگر برای رفتن، نیاز به ثبت نام باشد، باید ثبت نام کند.

۱ - مناسک حج، شرایط وجوب حجه الاسلام، ص ۳.

۲ - توضیح المسائل، م ۲۰۳۶ و تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۳۷۲.

۳ - تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۳۷۲ و ۳۷۳.

## امر به معروف و نهی از منکر

هر انسانی نسبت به کارهای ناپسند افراد جامعه و کارهای نیک و پسندیده آنان، مسئولیت دارد. بنابراین اگر کار واجبی ترک شود یا حرامی اتفاق بیفتد، سکوت و بی‌تفاوتی در مقابل آن جایز نیست و تمام افراد جامعه، باید برای برپایی واجب و جلوگیری از حرام اقدام کنند؛ که این عمل، امر به معروف و نهی از منکر نام دارد.

### اهمیت امر به معروف و نهی از منکر

در برخی از سخنان امامان معصوم علیهم‌السلام آمده است:

- امر به معروف و نهی از منکر، از مهم‌ترین واجبات و شریف‌ترین آن‌هاست؛<sup>۱</sup>
- واجبات دینی به سبب امر به معروف و نهی از منکر استوار می‌گردد؛<sup>۲</sup>
- اگر مردم امر به معروف و نهی از منکر را ترک کنند، افراد پست و غیر لایق بر آن‌ها مسلط می‌شوند و دعاها مستجاب نمی‌شود.<sup>۳</sup>

### تعریف معروف و منکر

۱- یکی از واجبات، امر به معروف و نهی از منکر است. در احکام دین، به تمام واجبات و مستحبات «معروف» و به تمام محرمات و مکروهات «منکر» گفته می‌شود. بنابراین، واداشتن افراد جامعه به انجام دادن کارهای واجب و مستحب «امر به معروف» و بازداشتن آن‌ها از کارهای حرام و مکروه «نهی از منکر» است.

۲- امر به معروف و نهی از منکر، واجب کفایی است لذا اگر افرادی

۱- کافی، ج ۴، ص ۵۵.

۲- وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۳۹۴.

۳- نهج البلاغه، نامه ۴۷.

- به قدر کفایت - به آن اقدام کنند، از دیگران ساقط می‌شود و اگر با فراهم بودن شرایط، همه افراد، آن را ترک کرده باشند، همه آنها ترک واجب کرده‌اند.<sup>۱</sup>



### شرایط امر به معروف و نهی از منکر

امر به معروف و نهی از منکر با وجود برخی شرایط، واجب می‌باشد و در صورت نبود آن شرایط، تکلیف ساقط است. آن‌ها عبارتند از:

۱- کسی که امر یا نهی می‌کند، بداند آنچه را که دیگری انجام می‌دهد حرام است و آنچه را ترک کرده، واجب است. پس بر کسی که نمی‌داند کاری که دیگری انجام می‌دهد حرام است یا نه، جلوگیری واجب نیست.

۲- احتمال بدهد امر یا نهی او تأثیر دارد؛ بنابراین اگر می‌داند تأثیر ندارد، امر و نهی واجب نیست.



۳- شخص گناهکار، اصرار بر ادامه داشته باشد. پس اگر معلوم شود یا گمان کند یا احتمال صحیح بدهد که گناهکار، بنای ترک عمل را دارد و دوباره تکرار نمی‌کند، یا موفق به تکرار نمی‌شود، امر و نهی واجب نیست.

۴- امر و نهی، سبب ضرر جانی یا آبرویی یا ضرر مالی قابل توجه، به خودش یا نزدیکان و یاران و همراهانش، یا سایر مؤمنان نشود.<sup>۲</sup>

۱- تحریر الوسیله، ج ۱، کتاب الامر بالمعروف والنهی عن المنکر، القول فی اقسامهما و کیفیت وجوبهما، ۲م.

۲- همان، ج ۱، القول فی شرائط وجوبهما.



### مراتب امر به معروف و نهی از منکر

برای امر به معروف و نهی از منکر، مراتبی است که اگر با عمل به مرتبه پایین‌تر، مقصود حاصل می‌شود، عمل به مرتبه بعدی جایز نیست؛ و آن مراتب چنین است:

اول: با معصیت‌کار طوری عمل شود که بفهمد به سبب انجام آن گناه، با او این‌گونه عمل می‌شود؛ مثل اینکه از او رو برگرداند، یا با چهره عبوس با او برخورد کند، یا با او رفت و آمد نکند؛  
دوم: امر و نهی با زبان؛ یعنی به کسی که واجبی را ترک کرده است بگوید که واجب را بجا آورد و به گناهکار بگوید که گناه را ترک کند؛  
سوم: استفاده از زور<sup>۱</sup> برای جلوگیری از منکر و برپایی واجب؛ یعنی زدن گناهکار.<sup>۲</sup>

### احکام امر به معروف و نهی از منکر

۱- فراگیری شرایط امر به معروف و نهی از منکر و موارد آن واجب

است، تا انسان، در امر و نهی مرتکب خلاف نشود.<sup>۳</sup>

۱ - نظر رهبر معظم انقلاب اسلامی، حضرت آیت الله خامنه‌ای - دام ظلّه العالی - نسبت به مرتبه سوم این است: با توجه به اینکه در زمان قدرت حکومت اسلامی امکان ارجاع مرتبه سوم از امر به معروف و نهی از منکر، به قوه قضائیه و نیروی انتظامی وجود دارد به ویژه در مواردی که جلوگیری از منکر متوقف بر تصرف در اموال مرتکب شونده می‌باشد یا لازم است تعزیر شود یا او را زندانی کنند، بنابراین بر مکلف واجب است در امر به معروف و نهی از منکر به دو مرتبه اول اکتفا کنند و در صورتی که اثر نکرد و نیاز به توسل به زور وجود داشت، مسأله را به نیروی انتظامی و قضایی ارجاع دهند. (اجوبه الاستفتائات، ج ۱، ص ۳۳۷، س ۱۹۰).

۲ - تحریر الوسیله، ج ۱، القول فی مراتب امر بالمعروف و النهی عن المنکر؛ توضیح المسائل، م ۲۸۱۸ و ۲۸۲۳.

۳ - تحریر الوسیله، ج ۱، القول فی شرائط وجوبها، م ۸.



- ۲- اگر بداند امر و نهی، بدون خواهش و نصیحت و موعظه اثر نمی‌کند، واجب است که امر و نهی را با نصیحت و موعظه و خواهش همراه کند و اگر بداند که درخواست و موعظه به تنهایی (بدون امر و نهی) مؤثر است، باید همین‌گونه عمل کند.<sup>۱</sup>
- ۳- اگر بداند یا احتمال دهد که امر و نهی‌اش با تکرار مؤثر است، واجب است تکرار کند.<sup>۲</sup>



- ۴- مراد از اصرار بر گناه، مداومت بر انجام دادن نیست، بلکه ارتکاب آن عمل هرچند یکبار دیگر است، پس اگر یک بار نماز را ترک کرد و بار دیگر هم بنای ترک دارد، امر به معروف واجب است.<sup>۳</sup>
- ۵- در وجوب نهی از منکر فرقی بین گناه بزرگ (معصیت کبیره) و گناه کوچک (معصیت صغیره) نیست، پس اگر کسی مرتکب گناه صغیره هم بشود، نهی او واجب است.<sup>۴</sup>
- ۶- اگر بداند که امر شخص دیگری به گناهکار مؤثر است، واجب است به آن شخص امر کند تا او را بدان کار وادارد.<sup>۵</sup>



#### آداب امر به معروف و نهی از منکر

- سزاوار است، امرکننده به معروف و نهی‌کننده از منکر:
- مانند طبیعی دلسوز و پدری مهربان باشد؛
  - قصد خود را خالص کند و تنها برای رضای خداوند اقدام کند و

۱ - تحریرالوسیله، الشرط الثانی، م ۳.

۲ - همان، م ۵.

۳ - همان، الشرط الثالث، م ۴.

۴ - همان، ج ۱، القول فی اقسامها و شرایط وجوبها، م ۱۴.

۵ - تحریرالوسیله، ج ۱، القول فی شرائط وجوبها، الشرط الثانی، م ۱۰.

- عمل خود را از هرگونه برتری جویی پاک گردانند؛
- خود را پاک و منزّه ندانند، چه بسا همان شخصی که اکنون خطایی از او سرزده است، دارای صفات پسندیده‌ای باشد که مورد محبت الهی است، هرچند این عمل او، هم اکنون ناپسند و مورد غضب الهی باشد.<sup>۱</sup>



## دفاع

- ۱- جان و مال مسلمانان، محترم است و چنانچه کسی برانسان یا به خویشان وی، مانند پسر، دختر، پدر، مادر و برادر، هجوم آورد، دفاع و جلوگیری از او واجب است، هرچند منجر به قتل مهاجم شود.<sup>۲</sup>
- ۲- اگر دزدی برای دزدیدن اموال انسان هجوم آورد، دفاع و جلوگیری از او واجب است.<sup>۳</sup>
- ۳- اگر کسی برای دیدن نامحرم به خانه دیگران نگاه کند، جلوگیری از آن کار واجب است، هرچند با زدن او باشد.<sup>۴</sup>
- ۴- دفاع از اسلام یا جان، مشروط به حضور امام معصوم علیه السلام و اجازه آن حضرت یا نایب خاص یا عام او (فقیه جامع‌الشرایط) نیست؛ یعنی در همه وقت و همه جا دفاع واجب است.<sup>۵</sup>

۱- تحریرالوسیله، ج ۱، فی مراتب امر بالمعروف والنهی عن المنکر، المرتبة الثالثة، م ۱۴.

۲- همان، فصل فی الدفاع، القول فی القسم الثانی، م ۳.

۳- همان، م ۵.

۴- همان، م ۳۰.

۵- همان، القول فی القسم الاول، م ۲.



## خرید و فروش

۱- تلاش برای تحصیل مخارج زندگی، واجب است و کسانی که به جواز راه خرید و فروش نتوانند مخارج خود را تأمین کنند، واجب است با خرید و فروش، خرج زندگی خود را به دست آورند و محتاج دیگران نشوند.<sup>۱</sup>

۲- خرید و فروش برای توسعه در مخارج زندگی خود و خانواده و نفع رساندن به مسلمانان مستحب است؛ مثلاً کشاورزی که با کاشتن محصول خرج خود را به دست می‌آورد، چنانچه در اوقات فراغت به خرید و فروش پردازد تا از این راه بتواند به مستمندان کمک کند، ثواب دارد.<sup>۲</sup>



## خرید و فروش حرام<sup>۳</sup>

۱- خرید و فروش نجاسات، مگر آنکه فایده حلالی داشته باشد؛ مثل فروش خون برای درمان بیمار.

- خرید و فروش سگ نگهبان و سگ گله و سگ شکاری اشکال ندارد ولی در غیر این موارد جایز نیست.<sup>۴</sup>

۲- خرید و فروش چیزهایی که منافع معمولی آنها حرام است؛ مانند ابزار قمار.

۳- خرید و فروش چیزی که از راه قمار یا دزدی به دست آمده باشد.

۱ - توضیح المسائل، م ۲۰۵۳.

۲ - همان، م ۲۰۵۳.

۳ - تحریر الوسیله، کتاب المکاسب و المتاجر، ص ۴۹۳، م ۹، ۱۱ و ۱۵؛ توضیح المسائل، م ۲۰۵۵ و ۲۰۷۰.

۴ - تحریر الوسیله، ج ۱ ص ۴۹۳، م ۱.





- ۴- معامله‌ای که در آن ربا باشد. (معامله ربوی)
- ۵- خرید و فروش، نگهداری، نوشتن، خواندن و درس دادن کتاب‌های گمراه‌کننده حرام است، مگر زمانی که برای هدفی صحیح باشد؛ مثلاً برای پاسخ دادن به اشکال‌های آن.<sup>۱</sup>
- ۶- فروش سلاح یا چیز دیگر به دشمنان اسلام که موجب تقویت آنان بر ضد مسلمانان باشد.



- ۷- جنس وقف شده را نمی‌توان فروخت، مگر در صورتی که خراب شده باشد و قابل استفاده نباشد؛ مانند فرش مسجد که قابل استفاده برای آن مسجد یا مسجد دیگر نباشد.<sup>۲</sup>
- ۸- فروختن و اجاره دادن خانه یا چیز دیگر برای استفاده حرام، کار حرامی است و معامله هم باطل است.<sup>۳</sup>
- ۹- مخلوط کردن جنسی که می‌فروشد با چیزی که ارزش ندارد یا ارزش آن کمتر است، حرام است؛ و به آن «غش» گویند مثل آنکه برنج اعلا را با غیر اعلا مخلوط کند و به‌عنوان برنج خوب بفروشد یا شیر را با آب مخلوط کند و بفروشد.<sup>۴</sup>
- خرید و فروش حرام، موارد دیگری هم دارد که اکنون مورد ابتلا نیست.



۱ - تحریر الوسیله، کتاب المکاسب و المتاجر، م ۱۵.

۲ - توضیح المسائل، م ۲۰۹۴.

۳ - تحریر الوسیله، کتاب المکاسب و المتاجر، م ۱۰.

۴ - توضیح المسائل، م ۲۰۵۵.



### شرایط خریدار و فروشنده

برخی از این شرایط عبارت است از:<sup>۱</sup>

- ۱- خریدار و فروشنده، قصد معامله داشته باشند؛ پس اگر کسی به شوخی بگوید: «این کالا را فروختم»، معامله باطل است.
- ۲- فروشنده و خریدار با اختیار معامله کنند و کسی آن‌ها را مجبور نکند.

- ۳- فروشنده، کالا را و خریدار، قیمت آن را مالک باشد، یا اختیار معامله آن را داشته باشد.



### شرایط عوض و معوض

برخی از این شرایط به شرح زیر است:<sup>۲</sup>

- ۱- شیء مورد معامله معلوم باشد؛ یعنی اگر کالاست، با وزن یا پیمانه یا شماره مقدار آن معلوم شود و اگر ملک است، قطعه آن مشخص گردد.
- ۲- اگر کالای مورد معامله خصوصیاتی دارد که به سبب آن خصوصیات، رغبت مردم نسبت به معامله فرق می‌کند، یعنی ممکن است نخرند یا گران‌تر یا ارزان‌تر بخرند، معین نمایند.

۱- توضیح المسائل، م ۲۰۸۱.

۲- همان، م ۲۰۹۰.



- ۳- فروشنده و خریدار قدرت تحویل کالا و قیمت را داشته باشند.  
پس فروش مال به سرقت رفته، توسط مالکش صحیح نیست.
- ۴- دیگری در آن جنس یا عوض آن، حقی نداشته باشد. پس چیزی را که فروخته شده، بدون اجازه فروشنده نمی‌تواند بفروشد.



### معامله نسیه

- ۱- در معامله نسیه، باید مدت کاملاً معلوم باشد. پس اگر جنسی را بفروشد که قیمت آن را هر وقت از سفر برگشت بگیرد، چون مدت آن کاملاً مشخص نشده معامله باطل است.<sup>۱</sup>
- ۲- اگر جنسی را نسیه بفروشد، بعد از تمام شدن مدتی که قرار گذاشته‌اند، می‌تواند پول آن را مطالبه نماید؛ ولی اگر خریدار نتواند بپردازد، باید به او مهلت دهد.<sup>۲</sup>



- ۳- اگر به کسی که قیمت جنسی را نمی‌داند، مقداری نسیه دهد و قیمت آن را به او نگوید، معامله باطل است؛ ولی اگر به کسی که قیمت نقدی جنس را می‌داند نسیه بدهد و گران‌تر حساب کند؛ مثلاً بگوید: جنسی را که به تو نسیه می‌دهم تومانی یک ریال از قیمتی که نقد می‌فروشم گران‌تر حساب می‌کنم و او قبول کند، اشکال ندارد.<sup>۳</sup>
- ۴- اگر در معامله نسیه، فروشنده در ضمن معامله شرط کند که اگر مشتری زودتر از وقت معین قیمت را پرداخت کرد، مقداری از آن را کم کند، اشکال ندارد.<sup>۴</sup>

۱- توضیح المسائل، م ۲۱۰۵.

۲- همان، م ۲۱۰۷.

۳- توضیح المسائل، م ۲۱۰۸.

۴- استفتانات، ج ۲، ص ۹۰، س ۵۲.



### معامله سلف

معامله سلف یا پیش خرید، آن است که قیمت را پردازد و کالا را بعداً تحویل بگیرد.

در معامله سلف باید شرایط زیر رعایت شود:

- خصوصیتی را که در قیمت جنس تأثیر دارد مشخص نمایند؛
- قبل از آنکه خریدار و فروشنده از هم جدا شوند، خریدار تمام قیمت را به فروشنده بدهد؛ (یا به مقدار آن از فروشنده طلبکار باشد)
- مدت را مشخص کنند؛
- وقتی را که برای تحویل جنس قرار می‌دهند، زمانی نباشد که جنس در آن وقت نایاب باشد؛ مثلاً اگر بگویید: در اسفند ماه ده کیلو گیلان تازه به شما می‌دهم، صحیح نیست؛ چون در اسفند ماه گیلان تازه نایاب است؛



بنابر احتیاط واجب جای تحویل جنس را معین کنند ولی اگر از حرف‌های آنان جای تحویل جنس معلوم باشد، لازم نیست اسم آنجا را بگویند؛

- در صورتی که جنس، وزنی یا پیمانه‌ای است، وزن یا پیمانه را مشخص کنند.<sup>۱</sup>



### معامله ربوی

۱- اگر مقداری از جنسی را که با وزن یا پیمانه می‌فروشند، به زیاده‌تر از همان جنس بفروشد، مثلاً یک تن برنج را به یک تن و دوپست کیلو

۱ - توضیح المسائل، م ۲۱۱۲؛ تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۵۴۳، کتاب البیع، القول فی السلف.

بفروشد، ربا و حرام است. حتی اگر یکی از دو جنس، سالم و دیگری معیوب، یا جنس یکی خوب و جنس دیگر بد باشد، یا با یکدیگر تفاوت قیمت داشته باشند، چنانچه بیشتر از مقداری که می‌دهد بگیرد باز هم ربا و حرام است؛<sup>۱</sup>

}

 خرید و فروش  
 در ب و پنجره آلومینیومی با ← آلومینیوم نساخته  
 برنج درجه یک با ← برنج درجه دو  
 طلای ساخته با ← طلای نساخته
 

 در صورتی که اضافه بگیرد، ربا و حرام است.<sup>۲</sup>

۲- اگر جنسی را که می‌فروشند و عوض می‌گیرند، از یک چیز به عمل آمده باشد، باید در معامله زیادی نگیرند. پس اگر ده کیلو روغن حیوانی بفروشد و در عوض، بیست کیلو پنیر بگیرد ربا و حرام است و بنابر احتیاط واجب اگر میوه رسیده را با میوه نارس معامله کند، زیادی نگیرد.<sup>۳</sup>

۲۶۶

### خيارات

در برخی موارد، فروشنده یا خریدار یا هر دو، حق فسخ معامله را دارند که به این حق، **خيار** می‌گویند؛ و برخی موارد آن عبارت است از:<sup>۴</sup>

۱- **خيار مجلس**: تا زمانی که دو طرف معامله از مجلس داد و ستد متفرق نشده باشند، و جلسه معامله به هم نخورده باشد، می‌توانند معامله را فسخ کنند.

۲- **خيار عین**: در صورتی که خریدار یا فروشنده گول خورده باشد، می‌تواند معامله را فسخ کند.

• اگر خریدار قیمت جنس را نداند، یا در وقت معامله غفلت کند و جنس

۱- توضیح المسائل، م ۲۰۷۲.

۲- همان، م ۲۰۷۲.

۳- همان، م ۲۰۷۸.

۴- همان، م ۲۱۲۴.



را گران‌تر از قیمت معمولی آن بخرد، چنانچه به قدری گران خریده که مردم او را مغبون بدانند و به کمی و زیادی آن اهمیت بدهند، اختیار فسخ معامله را دارد و نسبت به فروشنده نیز چنین است.<sup>۱</sup>



۳- **خيار شرط:** در صورتی که در معامله، قرار بگذارند که تا مدت معینی هر دو یا یکی حق فسخ داده باشد، طبق قرارداد می‌توانند معامله را فسخ کنند.

۴- **خيار تدليس:** زمانی که خریدار یا فروشنده، مال خود را بهتر از آنچه هست نشان دهد و در نظر مردم ارزشمندتر جلوه کند، طرف مقابل می‌تواند معامله را به هم بزند؛ مثلاً با رنگ‌کاری و آراستن آن، مشتری به اشتباه بیفتد. ولی اگر در آن کاری انجام دهد که ارزشمندتر شود، مثلاً تعمیراتی در ساختمان انجام دهد یا یک طبقه دیگر روی آن بسازد، تدلیس نیست.



۵- **خيار تخلف شرط:** اگر فروشنده یا خریدار شرط کند که کاری انجام دهد یا شرط کند مالی را که می‌دهد، طور مخصوصی باشد و به آن شرط عمل نکند، طرف دیگر می‌تواند معامله را فسخ کند.

۶- **خيار تأخير:** در صورتی که مشتری پول جنسی را که نقد خریده تا سه روز ندهد و فروشنده هم جنس را تحویل ندهد، در صورتی که تأخیر آن شرط نشده باشد، فروشنده می‌تواند معامله را به هم بزند؛ ولی در اجناسی که اگر یک روز بماند فاسد می‌شود، مثل برخی میوه‌ها، تأخیر تا شب است.



۷- **خيار عيب:** اگر پيش از معامله، در جنس يا عوض آن عيبي باشد و آن را نمی دانسته است، و پس از معامله متوجه شود، می تواند معامله را بهم بزند يا تفاوت قيمت معيوب با سالم را بگيرد. هرچند فروشنده حاضر نباشد.<sup>۱</sup>

### احکام خيار عيب

۱- در موارد زیر اگر خريدار بفهمد مال معيوب است، حق فسخ و گرفتن تفاوت قيمت ندارد:

- موقع خريدن، عيب مال را بداند؛
- به عيب مال راضی شود؛
- وقت معامله بگويد: اگر مال عيبي داشت پس نمی دهم و تفاوت قيمت هم نمی گيرم؛
- فروشنده در وقت معامله بگويد: اين مال را با هر عيبي که دارد می فروشم.<sup>۲</sup>



۲- اگر فروشنده هنگام معامله عيب کالا را معين کند و بگويد: آن را با اين عيب می فروشم، ولی پس از معامله معلوم شود عيب ديگری هم دارد، خريدار می تواند به خاطر عيبي که فروشنده معين نکرده کالا را پس دهد يا تفاوت قيمت را بگيرد.<sup>۳</sup>

۳- در اين موارد، اگر خريدار بفهمد مال معيوب بوده، فقط می تواند تفاوت قيمت بگيرد، ولی حق فسخ معامله را ندارد:

- بعد از معامله تبديري در کالا روی بدهد که مردم بگويند: کالا مانند زمانی که خريداري و تحويل داده شده، باقی نمانده است؛

۱- توضیح المسائل، م ۲۱۳۳.

۲- همان، م ۲۱۳۴. به فتوای برخی از فقها، تنها در مورد اول و چهارم این حکم جاری است.

۳- همان، م ۲۱۳۴.

- پس از معامله بفهمد کالا معیوب است و تنها حق برگرداندن آن را ساقط کرده باشد؛
- بعد از تحویل گرفتن کالا، عیب دیگری در آن پیدا شود، به جز در خرید حیوان که تا سه روز می‌تواند برگرداند.<sup>۱</sup>



### بیع شرط

- ۱- بیع شرط آن است که فروشنده، کالایی را بفروشد و شرط کند که اگر تا فلان مدت، خودش قیمت کالا را به خریدار بدهد، بتواند معامله را فسخ کند.<sup>۲</sup>
- ۲- بیع شرط در صورتی صحیح است که خریدار و فروشنده قصد خرید و فروش داشته باشند، هر چند کالای خود را به کمتر از قیمت معمولی آن بفروشد؛ مثلاً شخصی که به پول نیاز دارد، خانه خود را به قیمت کمتر (با قصد) می‌فروشد، ولی شرط می‌کند که اگر تا سه ماه دیگر توانستم پول خانه را برگردانم، خانه برای خودم باشد.<sup>۳</sup>



### آداب خرید و فروش

#### مستحبات خرید و فروش

- بین مشتری‌ها در قیمت فرق نگذارد؛
- در قیمت جنس، سخت‌گیری نکند؛
- در صورتی که طرف مقابل، از معامله پشیمان شد و تقاضای فسخ معامله را کرد، از او بپذیرد و این در اصطلاح «إقالة» نام دارد.<sup>۴</sup>

۱ - توضیح المسائل، م ۲۱۳۵.

۲ - همان، م ۲۱۲۶.

۳ - همان، م ۲۱۲۶.

۴ - تحریر الوسیله، کتاب المکاسب و المتاجر، م ۲۲.





### مکروهات خرید و فروش

- تعریف کردن از کالا؛
- بدگویی کردن مشتری از کالای فروشنده؛
- قسم راست خوردن در داد و ستد؛ (قسم دروغ حرام است)
- قبل از همه برای خرید و فروش وارد بازار شدن و دیرتر از همه خارج شدن؛
- وزن کردن یا مترکردن کالا، در مواردی که وزن کردن و مترکردن را خوب نمی‌دانند؛
- تقاضای کم کردن قیمت پس از معامله.<sup>۱</sup>



### اجاره

#### شرایط مال مورد اجاره

- چیزی که اجاره داده می‌شود باید دارای شرایطی باشد، از جمله:
- معین باشد؛ پس اگر بگوید: یکی از اتاق‌های این خانه را به تو اجاره می‌دهم، صحیح نیست؛
- مستأجر، باید آن را ببیند یا طوری خصوصیات آن گفته شود که کاملاً معلوم باشد؛
- از چیزهایی نباشد که با استفاده از آن، اصل مال از بین می‌رود، پس اجاره دادن نان و میوه و سایر خوراکی‌ها صحیح نیست.<sup>۲</sup>

۱ - تحریرالوسیله، کتاب المکاسب و المتاجر، م ۲۲.

۲ - توضیح المسائل، م ۲۱۸۴.



### احکام اجاره

- ۱- در اجاره باید مدت استفاده از مال، معین شده باشد؛ مثلاً بگویند: یک سال یا یک ماه.<sup>۱</sup>
- ۲- اگر کسی کارگری بگیرد که در روز معینی کاری را انجام دهد؛ مثلاً آجرها را داخل ساختمان ببرد و آن کارگر سرکار حاضر شود، اما کاری به او محوّل نکند؛ مثلاً آجر نباشد که داخل ساختمان ببرد، باید مزد او را بدهد.<sup>۲</sup>
- ۳- اگر صاحب مال چیزی را که اجاره داده تحویل دهد، اگر چه مستأجر تحویل نگیرد یا تحویل بگیرد ولی تا آخر مدت اجاره از آن استفاده نکند، باید اجاره بها را بپردازد.<sup>۳</sup>



- ۴- هرگاه صنعتگر، چیزی را که گرفته، ضایع کند، باید خسارت آن را بپردازد، مثل آنکه تعمیرکار خسارتی بر ماشین وارد کند.<sup>۴</sup>
- ۵- اگر مثلاً خانه یا دکانی را اجاره کند و صاحب آن شرط کند که فقط خودش از آن استفاده کند، مستأجر نمی‌تواند آن را به دیگری اجاره بدهد.<sup>۵</sup>
- ۶- خرید و فروش خانه یا چیز دیگری که به کسی اجاره داده، اشکال ندارد؛ ولی استفاده آن در مدت اجاره برای اجاره‌کننده است.<sup>۶</sup>

۱- توضیح المسائل، م ۲۱۸۷.

۲- همان، م ۲۱۹۷.

۳- همان، م ۲۱۹۶.

۴- همان، م ۲۲۰۰.

۵- همان، م ۲۱۸۰.

۶- همان، م ۲۰۹۶.



### رهن و اجاره

۱- آنچه، امروزه به عنوان رهن منزل یا مغازه به مالک پرداخت می‌شود، هرچند رهن نیست ولی اگر اجاره به مبلغ کمتر از قیمت متداول باشد و در ضمن اجاره، شرط شود که پولی به صاحب منزل یا مغازه به عنوان ودیعه یا قرض داده شود اشکال ندارد.<sup>۱</sup>

۲- اگر مالک، ضمن اجاره شرط کند چنانچه مبلغی به عنوان قرض یا ودیعه به او داده شود، مقداری از اجاره بها را کم می‌کند، ربا و حرام است.<sup>۲</sup>

**سوال** شخصی مبلغ پنج میلیون تومان به صاحب خانه‌ای داده که دو اتاق را رهن کند و دیگر اجاره نپردازد، چه صورت دارد؟  
**پاسخ** محکوم به ریاست و اگر در اتاق تصرف کند، اجرت‌المثل را ضامن است.<sup>۳</sup>



### حقوق و دستمزد

**سوال** کارمند دولت جمهوری اسلامی گاهی از محل خدمت، بدون اجازه آن سازمان، برای تشییع جنازه یا مجلس ختم خارج می‌شود؛ حقوقش چه حکمی دارد؟

**پاسخ** اگر از وظیفه کوتاهی نموده به مقداری که کوتاهی کرده مدیون است.<sup>۴</sup>

**سوال** کارهای غیرمستقلی را که فرزند در خانه و برای امرار معاش انجام

۱- استفتائات، ج ۲، ص ۲۰۹، ۳۴ و ۳۵. برخی از فقها بنا بر احتیاط واجب این نحوه را صحیح نمی‌دانند و تنها راه صحیح آن را بیع شرط می‌دانند.

۲- همان.

۳- همان، ج ۲، ص ۲۹۳، ۲۲.

۴- همان، ص ۵۰، ۱۳۷، ۹.

می دهد (چه در زمان بلوغ، یا غیر بلوغ) حق ادعای اجرت از پدر دارد یا نه؟  
 اگر به دستور پدر نیست یا مجانی انجام می دهند، استحقاق اجرت ندارد.<sup>۱</sup>



## قرض

قرض، آن است که انسان، مالی را، مثلاً یک میلیون تومان، به دیگری بدهد تا در آینده همان را یا قیمت یا مثل آن را به او برگرداند.<sup>۲</sup>  
 ۱- قرض دادن به دیگران مستحب است و در قرآن و روایات، نسبت به آن سفارش فراوان شده است و قرض دهنده در روز قیامت پاداش بسیاری خواهد داشت.

۲- قرض گرفتن - بدون نیاز - مکروه است و در صورت نیاز کراهت آن کمتر است و هرچه نیاز بیشتر باشد، کراهت کمتر می شود و اگر نیاز شدید باشد، کراهت برطرف می شود و اگر اضطرار باشد، مثل آنکه برای حفظ جان یا آبرو ناچار شود قرض بگیرد، نه تنها مکروه نیست بلکه واجب است.<sup>۳</sup>



## اقسام قرض

- مدت دار: قرضی است که هنگام قرض دادن، زمان پرداخت بدهی مشخص شده باشد؛
- بدون مدت: قرضی است که زمان پرداخت، در آن مشخص نشده باشد.

۱ - استفتانات، ج ۲، ص ۲۱۳، س ۴۶.

۲ - تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۶۵۱، القول فی القرض.

۳ - همان، م ۱.

- ۱- اگر قرض مدت دار باشد، طلبکار نمی‌تواند پیش از تمام شدن آن مدت، طلب خود را درخواست کند؛ و اگر قرض مدت دار نباشد، طلبکار هر وقت بخواهد می‌تواند طلب خود را درخواست کند.<sup>۱</sup>
- ۲- اگر طلبکار طلب خود را درخواست کند، چنانچه بدهکار بتواند بدهی خود را بدهد، باید فوراً بپردازد و اگر تأخیر بیندازد، گناهکار است مگر آنکه قرض مدت دار باشد و مدت به پایان نرسیده باشد.<sup>۲</sup>
- ۳- اگر بدهکار، غیر از خانه‌ای که در آن نشسته و اثاثیه منزل و چیزهای دیگری که به آن‌ها احتیاج دارد، چیزی نداشته باشد، طلبکار نمی‌تواند طلب خود را از او مطالبه کند، بلکه باید صبر کند تا بتواند بدهی خود را بدهد.<sup>۳</sup>

### قرض ربوی

- ۱- اگر مقداری پول به کسی بدهد و شرط کند که پس از مدتی؛ مثلاً یک سال دیگر، زیادتر بگیرد، ربا و حرام است؛ مثلاً یک صد هزار تومان بدهد و شرط کند که پس از یک سال صد و بیست هزار تومان بگیرد.<sup>۴</sup>
- ۲- ربا دادن، مثل ربا گرفتن حرام است.<sup>۵</sup>
- ۳- کسی که قرض ربایی گرفته، اگرچه کار حرامی کرده ولی اصل قرض صحیح است و می‌تواند در آن تصرف کند.<sup>۶</sup>

۱- توضیح المسائل، م ۲۳۰۶.

۲- همان، م ۲۲۷۶.

۳- همان، م ۲۲۷۷.

۴- همان، م ۲۲۸۸.

۵- همان، م ۲۲۸۴.

۶- همان، م ۲۲۸۴. برخی از فقها، تصرف در آن را جایز نمی‌دانند و برخی دیگر آن را مشروط به رضایت قرض دهنده در صورت عدم شرط می‌دانند.

۴- اگر بدهکار، بدون شرط قبلی چیزی اضافه به طلبکار بدهد، اشکال ندارد، بلکه مستحب است.<sup>۱</sup>



## رهن

«رهن» آن است که بدهکار، مقداری از مال خود را، نزد طلبکار بگذارد تا اگر طلب او را نداد، از آن مال طلب خود را به دست آورد.<sup>۲</sup>

۱- استفاده چیزی که گرو (رهن) می‌گذارند، متعلق به گرو دهنده است. بنابراین گرو گیرنده، بدون اجازه صاحب مال، نمی‌تواند از آن استفاده کند.<sup>۳</sup>

۲- طلبکار (گرو گیرنده) و بدهکار (گرو دهنده)، نمی‌توانند مالی را که در رهن است، بدون اجازه یکدیگر ملک کسی کنند؛ مثلاً بفروشند یا ببخشند. ولی اگر یکی از آنان، آن را بفروشد یا ببخشد و بعد دیگری بگوید: راضی هستم، اشکال ندارد.<sup>۴</sup>

۳- اگر مالی را که بدهکار گرو گذاشته است، خانه و اثاثیه منزل هم باشد، طلبکار می‌تواند بفروشد و طلب خود را بردارد.<sup>۵</sup>



## امانت

۱- کسی که چیزی را امانت می‌گذارد، هر وقت بخواهد می‌تواند آن را پس بگیرد و کسی که امانت را قبول می‌کند، هر وقت بخواهد



۱- تحریرالوسیله، ج ۱، کتاب الدین و القرض، ص ۶۵۴، س ۱۱.

۲- توضیح المسائل، م ۲۳۰۰.

۳- همان، م ۲۳۰۵.

۴- همان، م ۲۳۰۶.

۵- همان، م ۲۳۰۹.

می‌تواند آن را به صاحبش برگرداند.<sup>۱</sup>

۲- کسی که نمی‌تواند از امانت نگهداری کند، بنابر احتیاط واجب نباید قبول کند.<sup>۲</sup>

۳- اگر امانت‌دار برای امانت، جای مناسبی ندارد، باید جای مناسبی تهیه کند؛ مثلاً اگر پول است و در خانه نمی‌تواند نگهداری کند، باید به بانک بسپارد.<sup>۳</sup>



۱- امانت‌دار باید طوری از امانت نگهداری کند که مردم نگویند: «در امانت خیانت یا در نگهداری آن کوتاهی کرده است».<sup>۴</sup>

۲- در صورتی که امانت از بین برود:

- اگر امین در نگهداری آن کوتاهی کرده باشد: باید عوض آن را به صاحبش بدهد؛
- اگر در نگهداری آن کوتاهی نکرده و به طور اتفاقی آن مال از بین رفته باشد، مثلاً سیل برده است، امانت‌دار ضامن نمی‌باشد و لازم نیست عوض آن را بدهد.<sup>۵</sup>



## عاریه

عاریه آن است که انسان مال خود را به دیگری بدهد تا از آن استفاده کند و در عوض، چیزی از او نگیرد؛ مثلاً کتاب خود را به کسی



۱- توضیح المسائل، م ۲۳۳۲.

۲- همان، م ۲۳۳۰.

۳- همان، م ۲۳۳۴.

۴- همان، م ۲۳۳۴.

۵- همان، م ۲۳۳۵.

می‌دهد تا مطالعه کند و برگرداند.<sup>۱</sup>

۱- کسی که چیزی را عاریه داده هر وقت بخواهد می‌تواند آن را پس بگیرد و کسی هم که عاریه گرفته هر وقت بخواهد می‌تواند آن را پس دهد.<sup>۲</sup>

۲- چیزی را که عاریه گرفته، بدون اجازه صاحبش نمی‌تواند به دیگری عاریه یا اجاره دهد.<sup>۳</sup>



۳- چنانچه مالی را که انسان عاریه کرده، از بین برود یا معیوب شود:

- اگر در نگهداری آن کوتاهی یا در استفاده از آن زیاده‌روی نکرده، ضامن نیست؛ مگر آنکه شرط کند که اگر تلف شود ضامن باشد یا مورد عاریه، طلا یا نقره باشد؛
- اگر کوتاهی یا زیاده‌روی کرده باشد، باید خسارت آن را بپردازد.<sup>۴</sup>

۴- اگر از پیش، شرط کرده باشند که اگر خسارتی بر آن وارد شود، عاریه‌کننده ضامن است، باید آن خسارت را بپردازد.<sup>۵</sup>



## شرکت

۱- اگر دو نفر شریک در قرارداد شرکت، شرط کنند که هر دو با هم با مال مورد شراکت خرید و فروش کنند، یا هر کدام به تنهایی معامله

۱- توضیح المسائل، م ۲۳۴۴.

۲- همان، م ۲۳۵۳.

۳- همان، م ۲۳۵۸.

۴- همان، م ۲۳۴۹.

۵- همان.



کند، یا فقط یکی از آن‌ها معامله کند، باید به قرارداد عمل نمایند.<sup>۱</sup>  
 ۲- اگر معین نکنند کدامیک از آن‌ها با سرمایه خرید و فروش کند، هیچ‌یک از آنان بدون اجازه دیگری نمی‌تواند با آن سرمایه معامله کند.<sup>۲</sup>



۳- هر وقت یکی از شرکا تقاضا کند که سرمایه شرکت را قسمت کنند، اگرچه شرکت مدت داشته باشد، باید دیگران قبول کنند. مگر آن که قسمت مشتمل بر رد یا مستلزم ضرر بر شریک دیگر باشد در این صورت نمی‌تواند او را وادار به قبول قسمت کند.<sup>۳</sup>  
 ۴- اگر یکی از شرکا بمیرد یا دیوانه یا بیهوش یا سفیه شود یا حاکم شرع او را از تصرف در اموالش منع کند، سایر شرکا نمی‌توانند در مال شرکت تصرف کنند.<sup>۴</sup>



## مضاربه<sup>۵</sup>

قرارداد مضاربه آن است که دو نفر با هم قرارداد ببندند که یکی از آن‌ها پولی را به دیگری بدهد تا با آن پول خرید و فروش کند و اگر سودی به دست آمد با هم تقسیم کنند.  
 ۱- مال مورد مضاربه حتماً باید پول باشد، پس مضاربه دادن کالا و ملک صحیح نیست.

۱- توضیح المسائل، م ۲۱۴۹.

۲- همان، م ۲۱۵۰.

۳- همان، م ۲۱۵۶. برخی از فقها شرکت را از عقود لازم می‌دانند لذا قبل از پایان مدت کسی حق تقاضای قسمت را ندارد و برخی دیگر قسمت را مشروط به عدم توجه ضرر معتناهی به شرکاء دانسته‌اند و برخی دیگر قسمت را مطلقاً می‌پذیرند.

۴- همان، م ۲۱۵۷.

۵- تحریر الوسیله، ج ۱، کتاب المضاربه، م ۱ و م ۲.

- ۲ - مقدار پول و مدت مضاربه باید مشخص باشد.  
 ۳ - پول حتماً باید در خرید و فروش صرف شود.



### شرایط مضاربه

قرارداد مضاربه شرایطی دارد که برخی از آن‌ها گفته شد و برخی دیگر عبارت است از:

۱ - مقدار سهم طرفین از سود حاصله به صورت مشاع کسری معلوم باشد؛ مثلاً  $\frac{1}{4}$ ،  $\frac{1}{3}$ ،  $\frac{1}{6}$  پس اگر مثلاً بگویید: یکصد هزار تومان برای تو، صحیح نیست.

۲ - سود، فقط بین طرفین مضاربه تقسیم شود. پس اگر مقداری از سود را برای شخص دیگری که جزو قرارداد مضاربه نیست قرار دهند، مضاربه باطل است مگر اینکه برای تجارت کاری انجام داده باشد.

۳ - اگر تا قبل از پایان مدت مضاربه، مثلاً ماهیانه مبلغی به صورت علی‌الحساب به صاحب پول پردازد تا در پایان محاسبه کنند، اشکال ندارد و اگر در پایان به طور دقیق محاسبه نکرده بلکه مصالحه کردند، اشکال ندارد.



### ضمان عامل

اگر اموالی که در اختیار عامل است تلف شود، یا خسارتی بر آن وارد شود، یا مضاربه سودی نیاورد، یا ضرر کند، در برخی موارد، عامل ضامن است و در برخی موارد ضامن نیست؛ که حکم صورت‌های مختلف آن بدین شرح است:

- بدون تقصیر عامل، تمام مال یا مقداری از آن تلف شود ← عامل ضامن نیست؛

- با تقصیر عامل، مال تلف شود ← عامل ضامن است؛
- تجارت سود نیاورد ← عامل ضامن سود صاحب مال نیست؛
- تجارت ضرر بیاورد ← عامل ضامن ضرر صاحب مال نیست؛
- شرط کرده باشند که خسارت برعهده مالک باشد ← عامل، خسارت را ضامن نیست؛
- شرط کرده باشند که اگر ضرری به سرمایه وارد شد، عامل هم مثلاً  $\frac{1}{3}$  یا  $\frac{1}{4}$  از آن را بدهد ← در صورت ضرر، او هم ضامن است.<sup>۱</sup>

۲۹۲

## نذر

نذر آن است که انسان، ملتزم شود کار خیری را برای خدا بجا آورد؛ یا کاری که انجام ندادنش بهتر است برای خدا ترک کند.<sup>۲</sup>

نذر کننده باید مکلف و عاقل باشد و با قصد و اختیار خود نذر کند، بنابراین نذر کسی که او را مجبور کرده اند یا در حال عصبانیت بی اختیار نذر کند، صحیح نیست.<sup>۳</sup>

در نذر باید صیغه خوانده شود و لازم نیست انسان آن را به عربی بخواند؛ پس اگر بگوید: «چنانچه مریض من خوب شود، برای خدا بر من است که هزار تومان به فقیر بدهم» نذر او صحیح است.<sup>۴</sup>

۲۹۳

انسان کاری را می تواند نذر کند که انجام دادن آن برایش ممکن باشد، بنابراین کسی که مثلاً نمی تواند پیاده به حج برود، اگر نذر کند که پیاده برود، نذر او صحیح نیست.<sup>۵</sup>

۱ - تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۶۱۱، م ۱۴، کتاب المضاربه.

۲ - توضیح المسائل، م ۲۶۴۰.

۳ - همان، م ۲۶۴۲.

۴ - همان، م ۲۶۴۱.

۵ - همان، م ۲۶۴۷.

انسان می‌تواند انجام دادن کارهای واجب یا مستحب و ترک کارهای حرام یا مکروه را نذر کند؛ اما نذر کار مباح مثل غذا خوردن یا نخوردن را چنانچه با آن، قصد امر مطلوبی داشته باشد، مثل اینکه نذر می‌کند غذا بخورد تا برای عبادت خداوند نیرو پیدا کند یا کم بخورد تا شهوت خود را کنترل کند، اشکال ندارد.

نذر کار خلاف یا کار مباحی که هیچ‌گونه رُجحانی ندارد صحیح

نیست.<sup>۱</sup>



اگر انسان نذر کند کاری را انجام دهد، باید همان‌طور که نذر کرده عمل کند؛ پس اگر نذر کند روز اول ماه روزه بگیرد، چنانچه روز قبل یا بعد از آن بجا آورد، کفایت نمی‌کند.<sup>۲</sup>



اگر نذر کند که به فقیر معینی صدقه بدهد، نمی‌تواند آن را به فقیر دیگری بدهد و اگر آن فقیر بمیرد، بنابر احتیاط باید به ورثه او صدقه بدهد.<sup>۳</sup>

کَفَّارَةٌ تَخَلَّفَ نَذْرٌ

اگر انسان بدون عذر به نذر خود عمل نکند کفاره بر او واجب

می‌شود، یعنی باید:

- یک برده آزاد کند؛
- یا به شصت فقیر طعام دهد؛
- یا دو ماه روزه بگیرد، که حداقل ۳۱ روز آن باید پی‌درپی باشد.<sup>۴</sup>

۱ - تحریر الوسیله، ج ۲، کتاب الایمان و النذور، ص ۱۱۸، م ۵.

۲ - توضیح المسائل، م ۲۶۵۱.

۳ - همان، م ۲۶۵۹. به نظر برخی از فقها، دادن آن به ورثه لازم نیست.

۴ - همان، م ۲۶۵۴. به فتوای برخی از فقها، کفاره تَخَلَّفَ نَذْرٌ همان کفاره تخلف قسم است.

## ۲۹۵

## قسم

۱- اگر کسی به یکی از اسامی خداوند متعال که به غیر از ذات مقدس او گفته نمی‌شود؛ مانند «خدا» و «الله» قسم بخورد که کاری را که حرام یا مکروه نباشد انجام دهد، یا کاری را که واجب یا مستحب نیست ترک کند؛ مثلاً سوگند بخورد که روزه بگیرد یا سیگار نکشد، واجب است به آن عمل کند.<sup>۱</sup>

۲- کسی که قسم می‌خورد باید این شرایط را داشته باشد:

- بالغ و عاقل باشد؛
- از روی قصد و اختیار قسم بخورد؛
- اگر می‌خواهد نسبت به مال قسم بخورد، حاکم شرع او را از تصرف در اموالش ممنوع نکرده باشد.<sup>۲</sup>

## ۲۹۶

## کفاره شکستن قسم

۱- اگر عمداً به سوگند خود عمل نکند، باید کفاره بدهد و کفاره آن یکی از این سه چیز است:

- آزاد کردن یک برده؛
  - طعام دادن به ده فقیر؛
  - پوشاندن ده فقیر؛ یعنی به هر کدام یک دست لباس دادن.
- اگر هیچکدام از اینها را نتواند انجام دهد، باید سه روز روزه بگیرد.<sup>۳</sup>

۲- کسی که قسم می‌خورد - چه از گذشته خبر دهد یا برای آینده باشد - اگر حرف او راست باشد، قسم خوردن او مکروه است و اگر دروغ باشد، حرام و از گناهان بزرگ است.<sup>۴</sup>

۱- توضیح المسائل، م ۲۶۷۰ و ۲۶۷۱.

۲- تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۱۱۲، م ۸.

۳- همان.

۴- همان، ج ۲، ص ۱۱۶، م ۱۷؛ توضیح المسائل، م ۲۶۷۵.



## صدقه

در آیات قرآن و روایات معصومین علیهم السلام بر صدقه تأکید بسیاری شده و ثواب بی شماری برای این عمل مستحبی بیان گشته است؛ تا آنجا که فرموده‌اند:

«صدقه، در دنیا مانع پیش‌آمدهای ناگوار و مرگ‌های ناگهانی است و در آخرت گناهان بزرگ را می‌زداید و حسابرسی قیامت را آسان می‌کند.»<sup>۱</sup>

۱- انسان باید در پرداخت صدقه، قصد قُربت داشته باشد؛ یعنی تنها برای رضای خدا پردازد و از هرگونه ریا و خودنمایی دور باشد.<sup>۲</sup>  
 ۲- پس گرفتن صدقه جایز نیست.<sup>۳</sup>



## احکام صدقه

۱- دادن صدقه مستحب، به سید هم حلال است، گرچه زکات غیر سید بر سید حرام است.<sup>۴</sup>  
 ۲- صدقه دادن به غیر مسلمانی که در حال جنگ با مسلمانان نبوده و یا ناصبی نباشد، اشکال ندارد.<sup>۵</sup>  
 ۳- صدقه را بهتر است پنهانی بدهد، مگر آنکه بخواهد دیگران هم تشویق شوند، ولی زکات، بهتر است آشکارا داده شود.<sup>۶</sup>

۱- بحارالانوار، ج ۹۶، ص ۱۲۴، وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۲۵۸.

۲- تحریرالوسیله، ج ۲، کتاب الوقف و اخواته القول فی الصدقه ص ۹۰، م ۱.

۳- همان، مسأله ۲.

۴- توضیح المسائل، ج ۲، ص ۹۱، م ۳.

۵- همان، م ۵.

۶- تحریرالوسیله، ج ۲، ص ۹۱، م ۶.

## هَبِه (بخشش)

۱ - هبه‌کننده و هبه‌گیرنده، باید بالغ و عاقل و دارای قصد و اختیار باشند. آری، اگر چیزی را به کودک یا دیوانه‌ای ببخشند، ولی طفل یا دیوانه می‌تواند از طرف آن‌ها قبول کند.<sup>۱</sup>

۲ - مواردی که نمی‌توان هبه را پس گرفت:<sup>۲</sup>

- هبه‌کننده به قصد قربت، هدیه داده باشد؛
- هبه به ارحام؛ مانند پدر، مادر، فرزند، در صورتی که تحویل آنان داده باشد؛
- هبه به غیر ارحام؛ در صورتی که آن مال باقی نباشد و مصرف کرده یا تلف شده باشد، اما اگر هنوز آن مال عرفاً باقی است هرچند مقداری از آن مصرف یا تلف شده باشد، پس گرفتن آن اشکال ندارد؛

- هبه مَعْوَضَه؛ بخششی است که مشروط به پرداخت چیزی یا انجام کاری در مقابل آن باشد؛
  - پس از تحویل دادن چیزی که بخشیده است، یکی از طرفین از دنیا برود، بخشنده یا ورثه او نمی‌توانند آن را پس بگیرند.
- ۳ - زن و شوهر حکم ارحام را ندارند ولی احتیاط آن است که اگر یکی از آن‌ها چیزی به دیگری بخشید پس نگیرد.<sup>۲</sup>

۱ - تحریرالوسیله، ج ۲، ص ۵۶، م ۱.

۲ - همان، ص ۵۸، م ۸.

۳ - همان؛ برخی پس گرفتن هبه را از همسر جایز می‌دانند.



## اشیاء پیدا شده

۱- برداشتن چیزی که پیدا شده، مکروه است؛

۲- اگر انسان چیزی پیدا کند و بردارد؛

**الف:** اگر صاحبش معلوم است، باید به صاحبش بدهد؛

**ب:** اگر صاحبش معلوم نیست؛

۱- نشانه‌ای ندارد تا از روی آن بتواند صاحبش را پیدا کند ← بنابراین احتیاط واجب از طرف صاحبش صدقه بدهد.<sup>۱</sup>

**الف:** اگر صاحبش پیدا شد، باید به او بدهد؛

**ب:** اگر صاحبش پیدا نشد، میتواند برای خود بردارد، به قصد اینکه هر وقت صاحبش پیدا شد عوض آن را به او بدهد یا برای صاحبش نگهداری کند.

۲- نشانه‌ای دارد

۱- اگر قیمت چیزی که پیدا شده از یک درهم بیشتر است؛

۲- اگر قیمت چیزی که پیدا کرده از یک درهم کمتر است می‌تواند به قصد آنکه برای خودش باشد از آن استفاده کند یا اعلام کند تا صاحبش پیدا شود.

۳- اگر از روزی که آن را پیدا کرده تا یک هفته، روزی یک مرتبه و بعد از آن تا یک سال، هفته‌ای یک مرتبه در محل اجتماع مردم اعلام کند، کافی است.<sup>۲</sup>

۱ - توضیح المسائل، م ۲۵۶۴ تا ۲۵۶۸. برخی تملک اشیاء پیدا شده بدون نشانه را جایز می‌دانند حتی اگر قیمت آن بیش از یک درهم باشد.

۲ - تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۲۲۵، م ۶؛ توضیح المسائل، م ۲۵۶۶.



## ۳۰۲

۴- کسی که مالی را پیدا کرده، اگر عمداً به دستوری که گفته شد، اعلام نکند، گذشته از اینکه معصیت کرده، باز هم اعلام واجب است.<sup>۱</sup>  
 ۵- اگر قیمت چیزی که پیدا کرده به ۱۲/۶ نخود نقره سکه‌دار برسد، چنانچه اعلام نکند و در مسجد یا جای دیگری که محل اجتماع مردم است بگذارد و آن چیز از بین برود، یا دیگری آن را بردارد، پیدا کننده ضامن است.<sup>۲</sup>

۶- اگر کودک نابالغ چیزی پیدا کند، ولی او باید اعلام کند.<sup>۳</sup>  
 ۷- هرگاه چیزی پیدا کند که اگر بماند فاسد می‌شود، باید تا مقداری که ممکن است آن را نگه دارد بعد قیمت کند و خودش بردارد یا بفروشد و پولش را نگه دارد و اعلان کند.<sup>۴</sup>

## ۳۰۳

## جابه‌جا شدن کفش

اگر کفش کسی را ببرند و کفش دیگری به جای آن بگذارند، با چند شرط می‌تواند آن را برای خود بردارد:<sup>۵</sup>

- بداند کفشی که مانده، مال کسی است که کفش او را برده؛
- از پیدا کردن صاحبش مأیوس شود یا برایش مشقت داشته باشد؛
- ارزش آن مساوی با کفش خودش یا کمتر از آن باشد، ولی اگر قیمت آن از کفش خودش بیشتر باشد، باید هر وقت صاحب آن پیدا شد، زیادی قیمت را به او بدهد و چنانچه از پیدا شدن او ناامید شود، باید با اجازه حاکم شرع زیادی قیمت را از طرف صاحبش صدقه

۱ - توضیح المسائل، م ۲۵۷۰.

۲ - همان، م ۲۵۷۸.

۳ - همان، م ۲۵۷۱.

۴ - همان، م ۲۵۷۹.

۵ - توضیح المسائل، م ۲۵۸۱. به فتوای برخی از فقها، علاوه بر شرایطی که گفته شد باید بداند راضی است کفشش را عوض کفشی که برده است بردارد و برخی دیگر علاوه بر آن، قید «بداند که کفش او را عمداً برده است» را اضافه کرده اند.



بدهد.



## خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها

- ۱ - تمام میوه‌ها و سبزیجات و حبوبات حلال است، مگر آنچه برای بدن ضرر<sup>۱</sup> داشته باشد.<sup>۲</sup>
- ۲ - تمام حیوان‌های درنده حرام‌گوشت هستند، هرچند از نظر قدرت درندگی ضعیف باشند؛ مانند روباه.<sup>۳</sup>
- ۳ - خوردن گوشت خرگوش حرام است.<sup>۴</sup>
- ۴ - خوردن تمام انواع حشرات به جز ملخ<sup>۵</sup>، حرام می‌باشند.<sup>۶</sup>



- ۵ - خوردن گل حرام است.<sup>۷</sup>
- ۶ - خوردن خاک اشکالی ندارد مگر آن که ضرر داشته باشد.<sup>۸</sup>
- ۷ - خوردن کمی از تربت سیدالشهدا علیه السلام و گل آن برای شفا یافتن از بیماری اشکال ندارد. خواه مستقیماً بخورد و خواه آن را در آب یا هر مایع دیگری حل کرده و بیاشامد.<sup>۹</sup>

۱ - مقصود از ضرر، ضررهای جزئی غیر قابل اعتنا نیست.

۲ - تحریر الوسیله، ج ۲ کتاب الاطعمه و الاشربه، ص ۱۶۳، م ۲.

۳ - همان، ص ۱۵۶، م ۵.

۴ - همان.

۵ - در اصطلاح فقه، تمامی خزندگان، مثل مار و مارمولک و حتی لاک‌پشت جزو حشرات به حساب می‌آید.

۶ - همان؛ و توضیح المسائل، م ۲۶۲۲.

۷ - تحریر الوسیله، ج ۲، کتاب الاطعمه و الاشربه، ص ۱۶۴، م ۷.

۸ - تحریر الوسیله، ج ۲، کتاب الاطعمه و الاشربه، ص ۱۶۴، م ۷. برخی خوردن خاک را حرام می‌دانند.

۹ - تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۱۶۵، م ۱۲ و توضیح المسائل، م ۲۶۲۸. برخی روش صحیح خوردن تربت امام حسین علیه السلام را حل کردن اندکی از آن (مثلاً به اندازه یک عدس) در مقداری آب می‌دانند.

## ۳۰۶

۸- خوردن و آشامیدن چیز نجس حرام است و خوردن عین نجس به اطفال حرام است؛ ولی خوردن غذای متنجس به اطفال حرام نیست.<sup>۱</sup>

۹- خوردن چیزی که برای انسان ضرر دارد حرام است، مثلاً خوردن غذای چرب برای مریضی که غذای چرب برایش ضرر دارد حرام است.<sup>۲</sup>

## ۳۰۷

## پرنندگان

حلال و حرام گوشت بودن پرندگان را می‌توان به وسیله یکی از راه‌های زیر شناخت:<sup>۳</sup>

**الف:** تصریح به حلیت یا حرمت برخی از پرندگان در روایات

- حلال؛ مانند مرغ، خروس، مرغابی، اردک، شترمرغ، کبوتر، فاخته، بلبل و گنجشک؛
- حرام؛ مانند کلاغ، زاغ، خفاش، طاووس و هر پرنده‌ای که چنگال دارد؛
- مکروه؛ مانند پرستو و هدهد.

## ۳۰۸

**ب:** در روایات، وجود یکی از موارد زیر نشانه حلال گوشت بودن پرنده دانسته شده است:

۱- توضیح المسائل، م ۱۴۱. به فتوای برخی از فقها، خوردن غذای متنجس به کودکان نیز حرام است.

۲- همان، م ۲۶۳۰. به فتوای برخی از فقها، اگر ضرر معتنا به داشته باشد حرام است و ضررهای جزئی حرام نیست.

۳- تحریر الوسیله، ج ۲، کتاب الاطعمة و الاشربه، ص ۱۵۶ و ۱۵۷، م ۶ و ۷ و ۸.

- زیاد بال زدن در هنگام پرواز (دیف)؛
  - داشتن چینه دان، سنگدان، چنگک عقب پا.
- ج: در روایات وجود یکی از موارد زیر نشانه حرام گوشت بودن پرنده دانسته شده است:
- کم بال زدن در هنگام پرواز (صیف)؛
  - نداشتن چینه دان، سنگدان، چنگک عقب پا.



## آبزیان

- ۱- از حیوان‌های دریایی، تنها ماهی‌های پولک‌دار حلال‌گوشت هستند.<sup>۱</sup>
- ۲- میگو، از جنس ماهیان پولک‌دار و حلال گوشت است.<sup>۲</sup>
- ۳- خرچنگ، قورباغه و لاک‌پشت حرام گوشت هستند.



## احکام خوردن و آشامیدن تا طاعت خوزی

- ۱- بر هر مسلمانی واجب است مسلمان دیگری را که نزدیک است از گرسنگی یا تشنگی بمیرد، نان یا آب داده و از مرگ نجات دهد.<sup>۳</sup>
- ۲- غذاهای غیرگوشتی، که در کشورهای غیر اسلامی تولید شده است؛ اعم از سبزیجات، حبوبات، میوه‌ها و فرآورده‌های لبنی، مانند: پنیر، ماست، کره، خامه، که از حیوان حلال گوشت گرفته می‌شود، تخم‌پرندهگان حلال گوشت، نان، بیسکویت، شکلات، آدامس، شیرینی

۱- تحریرالوسیله، ج ۲، کتاب الاطعمه و الاشربه، ص ۱۵۵، م ۲.

۲- همان، م ۳.

۳- توضیح المسائل، م ۲۶۳۵.

و سایر خوردنی‌هایی که از گوشت حیوان نیست، پاک و خوردن آن‌ها حلال است؛ مگر آنکه انسان یقین کند نجس شده است.



بنابراین، مسأله چند صورت دارد:

- می‌داند که با بدن کافر تماس نداشته و به نحو دیگری نیز نجس نشده است ← پاک و حلال است؛
- شک دارد نجس شده است یا نه ← پاک و حلال است؛
- احتمال می‌دهد نجس شده باشد ولی یقین ندارد ← پاک و حلال است؛
- می‌داند بر اثر تماس با بدن کافر یا به گونه‌ای دیگر نجس شده است ← نجس و حرام است.<sup>۱</sup>



### غذا خوردن بدون اجازه صاحب خانه

۱- خوردن غذای دیگران بدون رضایت صاحبش حرام است، هر چند کافری باشد که اموالش محترم است؛ مانند اهل ذمه.<sup>۲</sup>

۲- خوردن غذا در خانه این افراد بدون اجازه جایز است:

- پدر و مادر؛
- پدر بزرگ و مادر بزرگ؛
- فرزندان و نوه‌ها؛
- برادران و خواهران؛
- عموها و عمه‌ها؛
- دایی‌ها و خاله‌ها؛

۱ - استفتائات، ج ۲، ص ۵۰۷ و ۵۰۸ و ۵۰۹.

۲ - تحریر الوسیله، ج ۲، کتاب الاطعمه و الاشربة، القول فی غیر الحیوان، ص ۱۶۹، م ۲۸.

- شوهر؛
  - دوستان؛
  - وکیل در خانه موکل خود، در صورتی که حفظ اموال و کارهای خود را به او واگذار کرده باشد.<sup>۱</sup>
- ۳- اگر بداند صاحبخانه (که در مسأله قبل نام برده شد) راضی نیست، نمی‌تواند از غذای خانه او استفاده کند، ولی در صورت شک اشکال ندارد.<sup>۲</sup>
- ۴- احتیاط آن است که این افراد تنها به خوردن غذاهایی مانند نان، خرما و نان خورش<sup>۳</sup> و میوه‌ها و نوشیدنی‌های متعارف اکتفا کنند و از خوردن غذاها و میوه‌های گران‌قیمت که معمولاً برای میهمان و مواقع نیاز ذخیره می‌شود، پرهیز کنند.<sup>۴</sup>

۳۱۳

## محرم و نامحرم

- ۱- شوهر خواهر و برادر شوهر، جزو نامحرمان هستند و جزو هیچ یک از اقسام محارم نیستند.<sup>۵</sup>
- ۲- ازدواج با شوهر خواهر حرام است؛ مگر خواهر فوت کرده باشد یا از شوهرش طلاق گرفته باشد.<sup>۶</sup>

۱ - توضیح المسائل، م ۲۹.

۲ - همان. به فتوای برخی از فقها، باید بداند صاحبخانه راضی است.

۳ - در عبارت فقهی إدام آمده است: إدام: نان خورش، آنچه با نان خورده شود؛ به معنای روغن و ادویه هم گفته شده. فرهنگ عمید و فرهنگ نوین.

۴ - تحریر الوسیله، ج ۲، کتاب الاطعمه و الاشربة، القول فی غیر الحيوان، ص ۱۶۹، م ۲۹.

۵ - تحریر الوسیله، ص ۲۸۰، م ۱۵.

۶ - همان، ج ۲، ص ۲۸۰، م ۱۵.

## محارم نسبی

هفت دسته از زن‌ها و مردها به سبب خویشاوندی نسبی با یکدیگر مَحْرَمند و نمی‌توانند با هم ازدواج کنند.

## محارم مردان

- ۱- مادر و مادربزرگ، هرچه بالا رود؛
- ۲- دختر و دختر فرزند، هرچه پایین رود؛ (نوه، نتیجه، نبیره و...)
- ۳- خواهر؛
- ۴- خواهرزاده؛ (دختر خواهر)
- ۵- برادرزاده؛ (دختر برادر)
- ۶- عمّه؛ (عمه خود و عمه پدر و مادر)
- ۷- خاله؛ (خاله خود و خاله پدر و مادر).<sup>۱</sup>

۳۱۴

## محارم زنان

- ۱- پدر و پدربزرگ، هرچه بالا رود؛
- ۲- پسر و پسر فرزند، هرچه پایین رود؛ (نوه، نتیجه، نبیره و...)
- ۳- برادر؛
- ۴- خواهرزاده؛ (پسرخواهر)
- ۵- برادرزاده؛ (پسر برادر)
- ۶- عمو؛ (عموی خود و عموی پدر و مادر)
- ۷- دایی. (دایی خود و دایی پدر و مادر)<sup>۲</sup>

۱ - تحریر الوسیله، ج ۲، کتاب النکاح، ص ۲۶۳-۲۶۴.

۲ - همان.



### محارم سببی

پنج دسته از زنان و مردان به سبب ازدواج بر انسان محرم می‌شوند  
**محارم مردان**  
 افرادی که به سبب ازدواج، بر پسرها و مردها محرم می‌شوند، عبارتند از:

- ۱ - همسر؛
- ۲ - مادر همسر و مادر بزرگ او، هرچه بالا رود؛
- ۳ - دختر همسر، هرچند دختر خودش نباشد و نوه او؛<sup>۱</sup>
- ۴ - زن پدر؛ (نامادری)
- ۵ - زن پسر. (عروس)<sup>۲</sup>



### محارم زنان

افرادی که با ازدواج بر دخترها و زن‌ها محرم می‌شوند، عبارتند از:

- ۱ - شوهر؛
- ۲ - پدر شوهر و پدر بزرگ او، هرچه بالا رود؛
- ۳ - پسر شوهر، هرچند فرزند خودش نباشد و نوه او؛
- ۴ - شوهر مادر؛<sup>۳</sup>
- ۵ - شوهر دختر. (داماد)<sup>۴</sup>

۱ - دختر همسر در صورتی محرم می‌شود که با آن زن آمیزش کرده باشد و عقد به تنهایی سبب محرمیت نمی‌شود.

۲ - تحریرالوسیله، ج ۲، ص ۲۷۷، م ۱.

۳ - به شرط آنکه آن زن و شوهر با هم آمیزش کرده باشند.

۴ - تحریرالوسیله، ج ۲، ص ۲۷۷، م ۱.





## محارم رضاعی

شیر خوردن کودکی با شرایط خاص، موجب محرمیت در برخی افراد می‌شود.

### شرایط محرمیت رضاعی

مهمترین شرایط شیر دادنی که سبب محرمیت می‌شود، عبارت است از:

- شیر آن زن از حرام نباشد؛ (شیر مادری که از زنا حاصل شده سبب محرمیت نمی‌شود)
- کودک، شیر را از پستان بمکد؛ (اگر بدوشند و به او بدهند سبب محرمیت نمی‌شود)
- دو سال بچه تمام نشده باشد؛ (یعنی ۲۴ ماه قمری)
- کودک، به سبب بیماری شیر را قی نکند؛
- حداقل یک شبانه‌روز، شیر سیر بخورد و در بین آن، غذا یا شیر زن دیگری را نخورد یا پانزده مرتبه شیر بخورد و در بین پانزده مرتبه، شیر زن دیگری را نخورد. یا مقداری شیر بخورد که باعث رویش گوشت و محکم شدن استخوان کودک شود.<sup>۱</sup>



## محارم رضاعی پسران

اگر کودکی که شیر خورده، پسر باشد با این افراد مَحْرَم می‌شود:

۱- زنی که به او شیر داده است؛ (مادر رضاعی)

۲- مادر و مادر بزرگ آن زن، هرچه بالا رود؛

۱- تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۲۶۵ و توضیح المسائل، م ۲۴۷۴. به فتوای برخی از فقها، علاوه بر شرایط ذکر شده، شیر آن زن از ولادت باشد، بنابراین اگر بدون تولد فرزندی شیردار بشود و کودک از آن شیر بخورد، سبب محرمیت نمی‌شود. و همچنین اگر شیر را در گلوئی بچه بریزند احتیاط آن است که با آن زن و محارم او ازدواج نکند.

- ۳ - خواهران آن زن؛
- ۴ - دختران و نوه‌های او؛
- ۵ - عمه و خاله او.



### محارم رضاعی دختران

اگر کودکی که شیر خورده، دختر باشد، با این افراد محرم می‌شود:

- ۱ - شوهر زنی که کودک را شیر داده و شیر از اوست؛ (پدر رضاعی)
- ۲ - پدر آن شوهر؛
- ۳ - پسرها و نوه‌های او؛
- ۴ - برادران او؛
- ۵ - عمو و دایی او؛
- ۶ - برادران زن شیرده؛
- ۷ - فرزندان و نوه‌های آن زن؛
- ۸ - پدر و پدر بزرگ‌های او، هرچه بالا رود؛
- ۹ - عمو و دایی او.

افرادی که گفته شد، فقط به کودکی که شیر خورده است محرم می‌شوند، نه با خویشاوندان او، حتی به پدر و مادر و برادران و خواهران وی هم محرم نمی‌شوند.<sup>۱</sup>



### احکام لمس و نظر

- ۱ - به جز زن و شوهر، نگاه کردن با لذت به دیگران، حتی به غیر انسان مثل فیلم و عکس حرام است، خواه همجنس باشد مانند نگاه

۱ - تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۲۶۸، م ۷.

مرد به مرد دیگر و یا غیر همجنس مانند نگاه مرد به زن، و خواه از محارم باشد یا غیرمحارم و به هر جای بدن باشد همین حکم را دارد.<sup>۱</sup>

۲- مرد برای معالجه زن نامحرم و زن برای معالجه مرد نامحرم، در صورتی که پزشک همجنس نبوده و ناچار باشد او را نگاه کند و دست به بدن او بزند اشکال ندارد، ولی اگر با نگاه کردن بتواند معالجه کند نباید دست به بدن او بزند و اگر با دست زدن بتواند معالجه کند نباید او را نگاه کند.<sup>۲</sup>

۳- لمس بدن نامحرم حرام است حتی لمس دست و صورت، بدون قصد لذت باشد.<sup>۳</sup>

۳۲۱

## پوشش

۱- بر زن واجب است تمام بدن خود را از نامحرم بپوشاند؛ ولی پوشاندن صورت به مقداری که در وضو شسته می شود و دست ها تا مچ اگر آرایش و زیور نداشته باشد، واجب نیست.<sup>۴</sup>

۲- انسان باید عورتین خود را از تمام افراد به جز همسر بپوشاند.<sup>۵</sup>

۳- احکامی که در باب نگاه کردن و پوشش بیان شد، شامل بچه

غیر ممیز نمی شود.<sup>۶</sup>

بنابر احتیاط واجب زن باید بدن و موی خود را از پسری که بالغ نشده ولی خوب و بد را می فهمد و به حدی رسیده که مورد نظر

۱- تحریرالوسیله، ص ۲۴۳، م ۱۵ تا ۱۹۳.

۲- همان، م ۲۲؛ توضیح المسائل، م ۲۴۴۱.

۳- تحریرالوسیله، ج ۲، ص ۲۴۳، م ۲۰.

۴- تحریرالوسیله، ج ۲، ص ۲۴۴، م ۲۳ و استفتائات، ج ۳، ص ۲۵۶، س ۳۲ و ۳۳. به فتوای برخی از فقها، صورت و دست ها نیز بنابر احتیاط واجب باید از نگاه نامحرم پوشانده شود. و برخی دیگر وجوب پوشاندن دست و صورت را بنابر احتیاط واجب مختص دختران جوان می دانند.

۵- همان، م ۲۵.

۶- همان، م ۲۶.

شهوانی است پوشاند.<sup>۱</sup>



## غیبت



اگر صفتی ناروا در شخصی باشد یا کاری انجام داده باشد که خلاف است و دیگران از آن بی‌اطلاعت و دوست ندارد کسی آن را برای دیگران بازگو کند، بازگو کردن آن پشت سر او نزد دیگران «غیبت» است.<sup>۲</sup>

۱- غیبت، برای گوینده و شنونده حرام است.<sup>۳</sup>

۲- کسی که غیبت کرده، باید از آن گناه توبه کند و لازم نیست به

غیبت‌شونده بگوید.<sup>۴</sup>

۳- اگر شخصی نماز نمی‌خواند ولی این گناه خود را آشکار نمی‌کند،

غیبت او جایز نیست.<sup>۵</sup> [گرچه باید او را امر به معروف کرد].



## رشوه

۱- گرفتن و دادن رشوه برای صدور حکم باطل، حرام است ولی

چنانچه کسی برای رسیدن به حقیق چاره‌ای جز پرداخت رشوه نداشته

باشد، برای رشوه دهنده جایز است ولی برای گیرنده حرام است.<sup>۶</sup>

۲- تغییر عنوان رشوه سبب حلال شدن آن نمی‌شود؛ مثلاً به‌عنوان

۱- توضیح المسائل، م ۲۶.

۲- استفتانات، ج ۲، ص ۶۱۸، س ۹.

۳- همان.

۴- همان، ص ۶۲۰، س ۱۵ و ۱۶. به فتوای برخی از فقها، در صورتی که مفسده‌ای نداشته باشد باید از غیبت‌شونده رضایت بطلد.

۵- تحریرالوسیله، ج ۲، ص ۲۴۴، س ۱۸.

۶- همان، کتاب القضاء، ص ۳۶۵، م ۶.

هدیه، بخشش، شیرینی یا هر عنوانی دیگر.<sup>۱</sup>

۳- کسی که رشوه گرفته، واجب است به صاحبش برگرداند.<sup>۲</sup>



## قمار

۱- هر نوع بازی که شرط کنند برنده از بازنده پول یا چیز دیگری بگیرد، قمار و حرام است، به جز در مسابقات اسب‌دوانی (سَبَق) و تیراندازی (رِمایه).<sup>۳</sup>

۲- اگر مسابقه ورزشی یا غیر آن، همراه با حرام نباشد، از نظر اسلام بی‌اشکال و گاهی پسندیده است. آنچه موجب حرمت مسابقات می‌شود، معمولاً دو امر است:

**الف:** به کار گرفتن ابزار قمار در مسابقات؛

**ب:** شرط برد و باخت و گرفتن چیزی از طرف مقابل.<sup>۴</sup>



## ضمان

۱- گرفتن خسارت یا تاوان در موارد زیر جایز است:

- کسی که چیزی را از بین ببرد یا ظرفی را بشکند؛<sup>۵</sup>
- هرگاه مالی را از فروشنده بگیرد که آن را ببیند یا مدتی نزد خود نگه دارد تا اگر پسندید بخرد، در صورتی که آن مال تلف شود، باید

۱- تحریر الوسیله، ج ۲، کتاب القضاء، ص ۳۶۵، م ۶.

۲- همان.

۳- استفتانات، ج ۲، ص ۹ و ۱۰.

۴- همان، ج ۲، ص ۹ و ۱۰ و ۱۱. مقصود از برد و باخت آن است که برنده از بازنده چیزی یا خدمتی بگیرد، بنابراین اگر فقط برنده و بازنده اعلام می‌شود و گرفتن چیزی و خدمتی در بین نیست، یا مؤسسه و سازمانی به برنده جایزه‌ای می‌دهد، اشکال ندارد.

۵- تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۱۹۰.



عوض آن را به صاحبش بدهد؛<sup>۱</sup>

• گاهی ضرر زدن به دیگران به صورت غیرمستقیم انجام می‌شود مثل ریختن پوست موز، خیار و... در خیابان که به واسطه آن شخصی بلغزد و به زمین بخورد.<sup>۲</sup> و یا چاله‌ای در معابر عمومی بکند و انسانی در آن بیفتد و در چنین شرایطی ضامن است و باید خسارت احتمالی را بپردازد؛

• اگر آب به زمین و باغچه خود رها کند و در اثر بی‌توجهی موجب ضرر به همسایه شود، ضامن است.<sup>۳</sup>

۲- نمی‌توان از کسی مالی را به‌عنوان امانت گرفته و نهایت سعی خود را در مراقبت از آن به کار برده و در عین حال در اثر حوادث غیرمترقبه از بین رفته است، خسارت گرفت.<sup>۴</sup>



### پارک = پنجری

شاید با عباراتی چون «پارک = چهار چرخ پنجر» یا «از شما پارک کردن، از ما پنجر کردن» زیاد برخورد کرده باشید. آیا می‌دانید در همین عبارات، چهار مسأله فقهی وجود دارد؟

پارک آیا این جملات صحیح است و افراد حق دارند بنویسند؟

پنجر با این عبارت، نه؛ ولی می‌تواند در جایی که حق شخصی او محسوب می‌شود، مثلاً جلوی درب بنویسد: لطفاً پارک نفرمایید.

پارک اگر راننده‌ای با چنین جمله‌ای برخورد کرد، آیا حق پارک کردن دارد؟

پنجر در جایی که حق شخصی افراد حساب می‌شود نمی‌تواند پارک کند.

۱ - توضیح المسائل مراجع، ج ۲، ص ۴۸۴.

۲ - تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۱۹۰.

۳ - همان، ج ۲، ص ۱۹۰.

۴ - توضیح المسائل، م ۲۳۳۵.

🔹 اگر کسی پارک کند، آیا صاحب منزل یا پارکینگ می‌تواند ماشین را پنچر کند؟

🔸 حق پنچر کردن و خسارت زدن ندارد؛ ولی می‌تواند ماشین را جابجا کند یا به پلیس اطلاع بدهد.

🔹 اگر پنچر کرد، ضامن است؟ و باید جبران کند؟  
🔸 بله ضامن است.

### ۳۲۷

## غصب

۱- غصب آن است که انسان به ناحق و از روی ظلم بر اموال یا حقوق دیگران مسلط شود.<sup>۱</sup>

۲- غصب، گاهی غصب اموال است و گاهی غصب حقوق؛ که در هر دو صورت کاری خلاف و گناهی بزرگ است.<sup>۲</sup>

۳- اگر انسان اموال شخصی دیگران را غصب کند، باید به صاحبش برگرداند یا رضایت او را جلب کند و اگر از افراد متعددی باشد، نسبت به همه آن‌ها وظیفه دارد.<sup>۳</sup>

### ۳۲۸

۴- اگر انسان اموال عمومی، مثل لوازم اداره را غصب و تصاحب کند، باید آن را به بیت‌المال برگرداند و اگر تلف شده مثل آن یا قیمتش را به همان اداره یا سازمان مسترد کند.<sup>۴</sup>

۵- غصب حقوق دیگران، چه شخصی باشد، مثل جایی که در

۱- تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۱۷۲، م ۱.

۲- همان، ص ۱۷۳، م ۲.

۳- توضیح المسائل، م ۲۵۴۸.

۴- تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۱۷۳، م ۴.

مسجد برای نماز خواندن برای خود گرفته است، یا حق اولویتی که در استخدام یا گرفتن چیزی دارد، یا حقوق عمومی انسان‌ها، مثل سدّ معبر، حرام است و باید رفع غضب کند تا مردم بتوانند از حق خود استفاده کنند و رضایت آنان را جلب کند.



### فحش، لعن و ناسزا

- ۱- فحش و ناسزاگویی به مؤمن حرام است.
- ۲- شوخی و طنزهایی که گاهی در آن‌ها، الفاظ توهین‌آمیز به فرد یا گروهی بکار برده می‌شود حرام است.
- ۳- اگر انسان به دیگری فحش یا ناسزا گفته باشد، علاوه بر توبه و تصمیم بر ترک آن، باید کسی را که به او فحش داده یا توهین کرده، راضی کند.
- ۴- اگر به فرد یا افراد توهین شده دسترسی نیست، یا اگر بخواهد رضایت آن‌ها را جلب کند مفسده‌ای دارد، باید با تعریف کردن از آن‌ها در میان مردم، جبران کند و برایشان دعا و استغفار کند.
- ۵- لعن مومن زنده یا مرده حرام است.



### عبادات تمرینی کودکان

- ۱- پدر و جدّ پدری شرعاً موظف به تربیت فرزندان و تمرین آن‌ها به عبادت می‌باشند.
- ۲- بر ولی کودک لازم است او را از آنچه موجب فساد اخلاقش می‌شود حفظ کند.



- ۳- تمرین دادن کودکان به نمازهای واجب و مستحب و نیز قضای نمازها و عبادات دیگر مستحب است.<sup>۱</sup>
- ۴- تمرین دادن کودکان ممیز به گرفتن روزه و سایر عبادات مستحب است.<sup>۲</sup>
- ۵- عبادات کودک ممیز در صورتی که درست انجام شود مورد قبول شرع بوده و صحیح است.<sup>۳</sup>
- ۶- در تمرین دادن کودک به عبادت، فرقی میان پسر و دختر نیست.<sup>۴</sup>

۳۳۱

## حقوق

«حق الناس» از امور مهمی است که شارع مقدس نیز به آن اهمیت بسیار داده است. یعنی حقوق دیگران را محترم بشمارید و به آن تعدی نکنید که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

## حقوق والدین

- ۱- رعایت حقوق والدین، حفظ احترام و رعایت ادب در صحبت با آنان لازم است اگرچه آن‌ها در حق اولاد کوتاهی کرده باشند.<sup>۵</sup>
- ۲- هدیه دادن و بخشیدن چیزی به پدر و مادر مستحب است.<sup>۶</sup>

۱ - عروة الوثقی، ج ۱، ص ۷۴۱، م ۳۵.

۲ - همان، ج ۱، ص ۷۴۱، م ۳۵.

۳ - همان، ج ۱، ص ۷۴۱، م ۳۴۵.

۴ - همان، ج ۲، ص ۲۱۷، م ۲.

۵ - استفتانات امام خمینی (ره)، ج ۱، ص ۴۸۸، س ۲۰.

۶ - تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۶۰، م ۲۱.



### عدم ایذاء پدر و مادر

سوال ❖ اختیارات پدر و مادر تا چه اندازه است؟ آیا می‌توانند حتی مانع

افعال مستحب (مثل غسل مستحب) شوند یا نه؟

❖ احترام والدین لازم است و کاری که موجب اذیت آن‌ها می‌شود

باید ترک شود، ولی در انجام تکالیف شرعی اطاعت والدین لازم

نیست.<sup>۱</sup>

سوال ❖ اطاعت از پدر و مادر تا چه حدّ بر فرزند لازم است و آیا اجداد و

جدّات هم حکم پدر و مادر را دارند؟

❖ در اموری که انجام آن از حیث شفقت پدر و مادری، موجب ناراحتی

آن‌ها است اطاعت شود و فرقی بین پدر و مادر و اجداد نیست.<sup>۲</sup>



### صلهٔ ارحام

۱- اقوام و خویشان نسبی انسان مانند پدر، مادر، اجداد، فرزندان،

نوه‌ها، برادر، خواهر، عمه، خاله، عمو، دایی و ... از ارحام هستند.

۲- صلهٔ ارحام به معنای رفت و آمد با آنان نیست؛ هر چند اگر

بتوانند با مراعات موازین شرعی، رفت و آمد کنند، بهتر است ولی

احوال‌پرسی و کمک به آن‌ها، اگرچه اندک، مانند ارتباط تلفنی هم

نوعی ارتباط با ارحام حساب می‌شود.

سوال ❖ آیا انسان می‌تواند از نظر شرعی با خویشاوندانی که بی‌تقوا، بی‌نماز

و ضد انقلابند؛ از قبیل پدر، مادر، خواهر و غیره قطع رحم نماید؟

❖ قطع رحم جایز نیست، ولی باید آن‌ها را با مراعات موازین، امر به

معروف و نهی از منکر نماید.<sup>۳</sup>

۱ - استفتانات، ج ۳، ص ۵۹۷، س ۸۷.

۲ - توضیح المسائل، ص ۴۳۲، س ۸۵.

۳ - استفتانات، ج ۱، ص ۴۸۸، س ۱۸.



### حقوق همسایه

**پرسش** مالک زمینی می‌خواهد در محله مسکونی مغازه‌آهنگری بسازد، همسایه‌ها اعتراض کرده‌اند، ولی مالک توجه نمی‌کند، هرچند آنان حاضر هستند در مسافتی دورتر برای این کار زمینی به او بدهند اما او نمی‌پذیرد. لطفاً تکلیف شرعی را بیان فرمایید؟

**پاسخ** حق ندارند از ساختمان سازی مالک در ملک خویش جلوگیری کنند، ولی مالک باید از کاری که موجب اذیت یا ضرر همسایه باشد احتراز کند.<sup>۱</sup>

**پرسش** در شهر ما رانندگانی هستند که اغلب دارای ماشین‌های سنگین بوده، و غالباً ماشین‌های خود را در جلوی خانه‌های خویش پارک می‌کنند، و هر موقع از شب دلشان بخواهد ماشین را روشن کرده و یا احیاناً مشغول شستشوی آن شده و خیابان و کوچه را آلوده می‌کنند، آیا شرعاً عمل آن‌ها مجاز است یا خیر؟

**پاسخ** ایجاد مزاحمت برای عابریین و همسایگان جائز نیست.<sup>۲</sup>



**پرسش** اگر درخت شخصی فضای ملک دیگری را اشغال نماید آیا صاحب ملک مجاز است همان مقدار از درخت همسایه را که به فضای ملک او وارد شده، قطع نماید؟

**پاسخ** می‌تواند از صاحب درخت مطالبه رفع مزاحمت کند و اگر نکرد با مراجعه به محاکم صالحه مقدار مزاحم را که داخل ملک او شده قطع نماید.<sup>۳</sup>

۱ - استفتائات، ج ۳، ص ۵۹۹، س ۹۴.

۲ - همان، ص ۶۰۰، س ۹۶.

۳ - همان، ج ۳، ص ۶۰۱، س ۹۸.

**سوال** همسایه ما بر روی منزل خود دو طبقه دیگر ساخته است، اما به بهانه اینکه یک متر حیاط خلوت به طرف حیاط ما دارد، در هر دو طبقه پنجره گرفته است و شیشه‌های پنجره را ساده انداخته که کاملاً بر حیاط ما اشراف دارد و آرامش ما را سلب کرده، آیا این همسایه چنین حقی را دارد یا نه؟

**جواب** ساختمان‌سازی در ملک خودش اشکال ندارد ولی چنانچه ساده بودن شیشه‌ها موجب مزاحمت همسایه است، باید طوری عمل کند که مزاحمت مرتفع شود.<sup>۱</sup>

۳۳۶

## سدّ معبر

راه‌بندان حق عمومی مردم را ضایع می‌نماید و جایز نیست به هر نحوی که باشد؛ مثل پارک خودرو، توقف بی‌جا، تخلیه بار و مصالح ساختمانی، راه اندازی کاروان شادی و حتی ایستگاه‌های صلواتی که موجب راه‌بندان شود.

**سوال** پارک کردن وسائط نقلیه و نیز کاه‌گیل درست کردن در کوچه و خیابان یا ریختن مصالح بتایی در آن‌ها چه حکمی دارد؟

**جواب** اگر موجب سدّ معبر یا مزاحمت عابرین نباشد اشکال ندارد و گرنه جایز نیست.<sup>۲</sup>

۳۳۷

## حق المازه

**سوال** آیا چیدن میوه از باغ کشاورزی، برای خوردن در همان محل، بدون اجازه از صاحب باغ، حلال است یا خیر؟ این‌که می‌گویند به اندازه



۱ - استفتانات، ج ۲، ص ۵۸۲، س ۳۲.

۲ - همان، ج ۳، ص ۶۱۷، س ۱۵۱.

خوردن حلال است و برای بردن حلال نیست چگونه است؟  
 اگر درخت میوه در سر راه رهگذر قرار داشته باشد، می‌تواند در حال عبور از خیابان، از میوه آن درخت، برای خوردن در همان جا استفاده کند، به شرط آن‌که از حدّ سیری و احتیاج تجاوز نکند.<sup>۱</sup>



### حق اولویت

- ۱- یکی از حقوق شرعی دیگران، حق اولویت یا حق السبق است؛ مثل کسی که در صف نماز جماعت برای خود، جا گرفته است؛ تا زمانی که این حق را قائلند مثلاً تا زمانی که امام جماعت به رکوع برود، نباید جای او را گرفت. چون نسبت به آن مکان حقی پیدا کرده است.
- ۲- کسی که زودتر وارد صف شده، یا نوبت گرفته، یا ثبت نام کرده، حق السبقی پیدا کرده است؛ یعنی به جهت سبقت او و زودتر آمدن یا ثبت نام کردن، حق او بر دیگرانی که از او متأخرند، مقدم است و اگر کسی جای او را گرفته و یا بی‌نوبتی کرد، حق او را ضایع کرده است.



### راه ادای حق الناس مالی

اگر حق الناس مالی بر عهده ما باشد چه باید کرد؟  
 اگر امانت است، باید به صاحبش برگردانیم، اگر کارمزد است، باید بپردازیم، اگر تأخیر شده است، باید حلالیت بطلبیم و در هر حال اگر مقصر بودیم، باید از خدا طلب مغفرت کنیم و همچنین اگر مال

سرقتی است باید برگردانده شده و استغفار کند و چنانچه مفسده ندارد، حلالیت بطلبد. اگر صاحبش مرده است، باید به ورثه وی پرداخت شود و اگر صاحبش نامعلوم است، به عنوان مظالم عباد پرداخت شود.

**سوال** اگر شخصی در کودکی از کسی پول یا چیزی برداشته باشد و حالا می خواهد از این گناه بزرگ بری‌الذمه شود، آیا می تواند آن را از طرف صاحبش به فقیر بدهد؟ اگر جواب منفی است چگونه باید آن را جبران کند؟

**جواب** اگر صاحب آن را می شناسد باید رضای او را تحصیل کند و اگر او را نمی شناسد از طرف او به فقیر صدقه دهد.<sup>۱</sup>

**سوال** آیا پول هایی که به جبهه، مستمندان و دارالایتام داده می شود، می توانیم ردّ مظالم حساب کنیم؟  
**جواب** مظالم باید به فقرا داده شود.<sup>۲</sup>

۳۴۰

دفتر مطالعات پژوهش ها  
وابتانات خوزوی

## نظام اسلامی

### حفظ نظام اسلامی

امام راحل رحمته الله علیه می فرماید: «حفظ اسلام یک فریضه الهی است، بالاتر از تمام فرائض؛ یعنی هیچ فریضه ای در اسلام بالاتر از خود اسلام نیست؛ اگر جزء فریضه های بزرگ است و بزرگترین فریضه است، بر همه ما، شما و همه ملت و روحانیون، حفظ این جمهوری اسلامی، از اعظم فرائض است.»<sup>۲</sup> پس همان گونه که نماز و روزه و حج باید

۱ - استفتائات، ج ۳، ص ۵۷۶، س ۲۱، به فتوای اکثر فقها، مظالم عباد باید با اجازه حاکم شرع به فقیر پرداخت شود.

۲ - استفتائات، ج ۳، ص ۵۷۷، س ۲۷.

۳ - صحیفه امام خمینی (ره)، ج ۱۵، ص ۳۲۹.

و نبایدهایی دارد، حفظ جمهوری اسلامی به عنوان اعظم فرائض هم بایدها و نبایدهایی دارد؛ یعنی باید به اموری که سبب حفظ نظام است عمل شود، از جمله:

- حفظ و تقویت باورهای دینی مردم؛
  - حفظ وحدت امت اسلامی و حضور در صحنه‌های مختلف انقلاب مثل انتخابات؛
  - اطاعت از رهبری.
- و اما نبایدها و اموری که موجب تضعیف نظام اسلامی خواهد بود:
- تضعیف باورهای دینی مردم و ایجاد شبهه و تردید نسبت به عقاید و احکام دینی؛
  - ایجاد اختلاف و تفرقه بین آحاد ملت؛
  - سرپیچی از اوامر ولی فقیه و رهبر امت اسلامی.

### رعایت مقررات نظام اسلامی

- ۱- رعایت مقررات دولت اسلامی لازم و تخلف از آن جایز نیست.
- ۲- به‌طور کلی قوانین و مقرراتی که جهت حفظ نظم، جلوگیری از اختلال نظام و ناامنی تصویب و اعلام شده، باید رعایت شود و تخلف از آن‌ها جایز نیست.
- ۳- خرید و فروش اجناسی که از سوی دولت اسلامی قاچاق اعلام شده، باید مطابق مقررات اعلام شده باشد.
- ۴- استفاده از بیت‌المال، خرید و فروش، جابجایی و حتی هزینه کردن آن باید مطابق با قوانین و مقررات، یا با اجازه مسئول قانونی آن باشد و تخلف از آن جایز نیست.



## محیط زیست

ارکان اصلی محیط زیست عبارتند از:

الف: آب و محیط زیست؛

ب: هوا و محیط زیست؛

ج: درخت و محیط زیست؛

د: حیوانات و محیط زیست؛

ه: زمین و محیط زیست.

الف: آب و محیط زیست

۱- آب، مایه حیات و نیاز زندگی همه موجودات است.

۲- مالکیت انسان‌ها نسبت به آب } شخصی است  
عمومی است ← مشترک (مشاع)

۳- آب‌های آزاد جهان، مثل رودخانه‌ها، دریاها و اقیانوس‌ها، جزء

انفال و اموال عمومی است.

۴- اختیار چنین آب‌هایی با حکومت است.

۵- استفاده و بهره‌برداری از آب‌های انفال و عمومی بدون مجوز

قانونی جایز نیست؛ مثل جدا کردن نهری از آن، آب کشیدن با موتور

پمپ و امثال این‌ها.



۶- استفاده جزئی معمول بین مؤمنان، مثل وضو گرفتن، پر کردن

ظرف آب و امثال این‌ها اشکال ندارد و نیاز به مجوز نیست.

۷- آلوده کردن آب‌های عمومی و آزاد، گاهی مکروه و گاهی حرام

است؛ زیرا گاهی آزار موجودات زنده داخل آن (آبزیان) را به همراه دارد



- و گاهی آلودگی محیط زندگی مردم و آسیب به آنان را در پی دارد.
- ۸- ادرار کردن در آب مکروه است.
- ۹- اسراف و استفاده نادرست از آب، جایز نیست.
- ۱۰- در مواردی که آب‌ها شریک دارد، مثل لوله‌کشی مشترک ساختمان‌ها و مجتمع‌های مسکونی؛ آلوده کردن، هدر دادن و استفاده غیر مجاز آب جایز نبوده و در برخی موارد موجب ضمان است.



### ب: هوا و محیط زیست

- ۱- یکی از ارکان محیط زیست، هوا و اکسیژن مورد نیاز موجودات زنده است؛ شاید اهمیت هوا، از آب بیشتر باشد، چرا که ممکن است انسان و سایر موجودات زنده، یک یا چند روز و حتی بیشتر از آن، بدون آب زنده بمانند، ولی حتی چند لحظه بدون هوا و تنفس زنده نمی‌مانند.
- ۲- آلوده کردن آب شرب مردم که موجب بیماری یا هلاکت آنان شود، حرام است. بدون شک، آلوده کردن هوای تنفسی مردم، که موجب ضرر به آنان شود، حرام است.
- ۳- در مسأله قبل فرقی نیست که ضرر عمومی باشد یا خصوصی، ضرر به فرد یا افراد کمی بزند، یا جمعیت زیادی؛ لذا استعمال دخانیات در جایی که موجب آزار و اذیت همراهان یا همکاران باشد یا احداث کارخانه‌ای که موجب آلودگی هوای شهر یا روستایی شود در حدی که به ساکنان آنجا یا به حیوان‌ها یا محصولات کشاورزی آنان ضرر بزند، جایز نیست و چنانچه خسارتی وارد شود، موجب ضمان است و باید جبران شود.





### ج: درخت و محیط زیست

- ۱- یکی از پایه‌های اصلی محیط زیست، درخت و گیاه است؛ از نظر احکام اسلام، کاشتن درخت مستحب است و اگر درختی را قطع کردند و یا از ریشه درآوردند، مستحب است درخت دیگری بکارند.
- ۲- جنگل‌ها و مراتع، جزو اموال عمومی و انفال است و اختیار آن، با حاکم اسلامی است؛ تصرف در آن‌ها چنانچه منع قانونی داشته باشد جایز نیست.
- ۳- قطع درختان جنگل‌ها و تصاحب آن‌ها برخلاف مقررات و بدون إذن قانونی، حرام است و موجب ضمان می‌گردد.



### د: حیوانات و محیط زیست

- ۱- حیوان‌ها در زندگی انسان نقش مهمی دارند، بخش عمده‌ای از غذای انسان‌ها را حیوان‌ها تأمین می‌کنند و در نقل و انتقال‌ها و برخی امور دیگر در خدمت انسان هستند و بسیاری از آثار و برکات حیوان‌ها در نظام خلقت و زندگی انسان‌ها بر ما پوشیده است.
- ۲- نگهداری برخی از حیوان‌ها و پرندگان، به ویژه آن‌ها که در تأمین معاش انسان مفید هستند، مستحب است.
- ۳- حیوان‌هایی که برای انسان ضرری ندارند و آزاری نمی‌رسانند، آزار و کشتن آن‌ها جایز نیست.
- ۴- حیوان‌هایی که در اختیار انسان است و از آن‌ها استفاده می‌کند، تأمین آب، علوفه و نگهداری آن‌ها از خطر، مثل سرما و گرما واجب است.

۵- شکار حیوان‌هایی که از نظر قانون و مقررات نظام اسلامی ممنوع اعلام شده، حرام است و شکارکننده، آن را مالک نشده و حق استفاده و فروش آن را ندارد.



### کشاورزی و درخت‌کاری در اسلام

۱- خداوند تبارک و تعالی تمام ارکان و اجزاء محیط زیست را مسخر انسان قرار داده است. استفاده از آن‌ها جایز و حفظ آن‌ها واجب است؛ ولی حفظ و حمایت از جان، مال و آبروی انسان‌ها مهمتر است؛ لذا توجه به برخی از مسائل جزئی محیط زیست، مراقبت از آن‌ها و غفلت از انسان‌های تحت ستم در جهان، شایسته نیست.

۲- در اسلام، شغل کشاورزی بسیار توصیه شده و از بهترین مشاغل شمرده شده است. شاید بدین جهت است که کشاورز بهترین محیط‌بان است چون:

- کشاورز آب را آلوده نکرده و هدر نمی‌دهد، بلکه به درستی برای آبادانی محیط زیست از آن استفاده می‌کند؛
- کشاورز درخت می‌کارد، زمین را آباد می‌کند، از درختان و گیاهان مراقبت می‌کند و بی‌جهت آن را قلع و قمع نمی‌کند؛
- کشاورز با کاشت درخت و گیاه سبب تصفیه هوا می‌شود؛
- کشاورز بخش عمده‌ای از غذای انسان‌ها و حیوانات را تأمین می‌کند.



### توبه

- ۱- توبه از گناه، واجب فوری است.
- ۲- توبه از گناه، به معنای پشیمانی از گناه، همراه با تصمیم بر

ترک آن است و چنانچه وظیفه‌ای به دنبال داشته باشد، آن وظیفه را نیز عمل کند، یعنی:

**الف:** در حقوق الهی مانند ترک نماز، روزه، حج و مانند آن، قضای آن را بجا آورد؛

**ب:** در حقوق مردم (حق الناس)، صاحب حق را راضی کند و چنانچه دسترسی به وی ندارد و حق، مالی است، به عنوان مظالم عباد، به افراد فقیر پردازد و احتیاط، آن است که از حاکم شرع اجازه بگیرد.



## وصیت

وصیت آن است که انسان سفارش کند بعد از مرگش برای او کاری انجام دهند یا بگویند بعد از مرگش چیزی از اموال او برای کسی باشد یا برای فرزندان خود سرپرست تعیین کند.<sup>۱</sup>

آنچه باید در مورد آن‌ها وصیت کرد، بدین شرح است:

- نماز و روزه‌های قضا شده؛ (در صورتی که در زمان حیات نتواند آن‌ها را بجا آورد) چنانچه پسر بزرگی دارد، به او واجب می‌شود، که باید در وصیت به او اطلاع دهد؛
- خمس، زکات و سایر بدهی‌ها؛ (در صورتی که نتواند پردازد) چنانچه از خودش مالی دارد یا احتمال می‌دهد که کسی آن‌ها را پرداخت می‌کند؛
- اگر حج بر او واجب شده و نتواند آن را بجا آورد؛
- اگر اموال فرزندانش با نداشتن سرپرست از بین می‌رود، یا خودشان ضایع می‌شوند، باید برای آن‌ها قیمی امین قرار دهد.<sup>۲</sup>

۱ - توضیح المسائل، م ۲۶۹۴.

۲ - همان، م ۲۷۰۰ تا ۲۷۰۳.



### وصیت مالی

اگر انسان نسبت به اموال خود وصیت کند، یعنی مصرفی را برای آن تعیین کند، چنانچه بیش از یک سوم کل اموالش نباشد، وراثت باید مطابق وصیت عمل کنند. اگر بیش از یک سوم اموال وی باشد، وصیت او در بیش از ثلث، در صورتی صحیح است که ورثه او حرفی بزنند یا کاری کنند که معلوم شود عملی شدن وصیت را اجازه داده‌اند و تنها راضی بودن آن‌ها کافی نیست؛ اگر بعد از مردن او هم اجازه بدهند، صحیح است.<sup>۱</sup>



### احکام وصیت

- ۱- اگر انسان از وصیت خود برگردد؛ مثلاً بگوید ثلث مالش را به کسی بدهند، بعد بگوید به او ندهند؛ وصیت باطل می‌شود.<sup>۲</sup>
- ۲- اگر انسان وصیت خود را تغییر دهد، باید به وصیت دوم عمل شود.<sup>۳</sup>
- ۳- اگر انسان کاری کند که معلوم شود از وصیت خود برگشته؛ مثلاً خانه‌ای که وصیت کرده به کسی بدهند، بفروشد یا دیگری را برای فروش آن وکیل کند، وصیت باطل می‌شود.<sup>۴</sup>
- ۴- اگر وصیت کند که ثلث مال او را بفروشند و عایدی آن را به مصرفی برسانند، باید مطابق آن عمل کنند.<sup>۵</sup>

۱ - توضیح المسائل، م ۲۷۲۱.

۲ - همان، م ۲۷۰۶.

۳ - همان.

۴ - همان، م ۲۷۰۷.

۵ - همان، م ۲۷۱۰.



## آداب<sup>۱</sup>

### آداب لباس

مستحب است لباس انسان همیشه پاک و تمیز باشد؛  
 مستحب است لباس از جنس پنبه باشد؛  
 مستحب است که لباس به رنگ سفید باشد؛  
 مستحب است که هنگام پوشیدن لباس، ابتدا سمت راست آن را  
 بپوشد؛  
 بر سر گذاشتن عمامه با تحت الخنک به ویژه در نماز، مستحب  
 است؛  
 پوشیدن لباس سیاه مکروه است؛ مگر عمامه، عبا و چادر؛  
 پوشیدن لباس بلند، که از برآمدگی روی پا بگذرد، مکروه است؛  
 باز بودن دکمه‌های لباس مکروه است.

### آداب انگشتی

- ۱- انگشتر به دست راست کردن مستحب و به دست چپ کردن  
 مکروه است.
- ۲- مستحب است انگشتر را به انگشت کوچک، دست کُند و اگر  
 در انگشت دیگر انگشتی دارد، این انگشت را نیز از انگشتی خالی  
 نگذارد.

۱ - از آن جا که آداب زندگی، بیشتر در کتب اخلاقی آمده است و در کتاب‌های فقهی متداول کمتر به آن پرداخته‌اند، آنچه در این قسمت آمده از کتاب‌های "سراج الشیعة فی آداب الشریعة" تألیف علامه بزرگوار شیخ عبدالله مامقانی و "حلیة المتقین" تألیف علامه پر تلاش محمد باقر مجلسی و چند کتاب دیگر نقل شده است.

- ۳- بهتر است انگشتری را به انگشت میانه و سبابه نکنند.
- ۴- به دست کردن انگشتر عقیق مستحب است و نماز با آن ثواب بیشتر دارد و فرقی بین عقیق سرخ، زرد و سفید نیست.
- [در خصوص گردانیدن انگشتر در قنوت نماز، سفارشی وجود ندارد. البته نگاه کردن و به دست کردن عقیق به صورت کلی سفارش شده است.]

### ۳۵۴

#### آداب مسکن

- در ساخت و خرید منزل مسکونی، امور زیر مستحب است:
- زود به زود خانه را عوض نکنند؛ مگر آنکه در منزل اول راحت نباشند؛
  - وسیع باشد، نه تنگ؛
  - به قدر نیاز باشد، نه زیاد تر از آن؛
  - پشت بام آن حفاظی داشته باشد؛
  - آن را به تصویر انسان یا حیوان نقاشی نکنند؛
  - وقتی خانه‌ای ساختند یا خریدند، گوسفند چاقی ذبح کنند، غذا بپزند و یا گوشت آن را به فقرا بدهند.

### ۳۵۵

#### آداب خانه‌داری

- برخی از مستحبات خانه‌داری بدین شرح است:
- داخل منزل و جلوی درب آن را جارو و نظافت کنند؛
  - خاکروبه و زباله را در خانه و پشت در انباشته نکنند؛
  - خاکروبه و زباله را پیش از فرا رسیدن شب بیرون ببرند؛

- اتاق‌ها را از تار عنكبوت پاک کنند؛
- بیشتر از نیاز چراغ روشن نکنند؛
- چراغ خانه را پیش از غروب و تاریک شدن هوا روشن کنند؛
- هنگام وارد شدن به اتاق، اگر کسی داخل اتاق است، بگویند: «السَّلَامُ عَلَيْنَا» و اگر کسی داخل اتاق نیست، بگویند: «السَّلَامُ عَلَيْنَا مِنْ رَبِّنَا» یا بگویند: «السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ، السَّلَامُ عَلَى الْأَيْمَةِ الْهَادِيَةِ الْمَهْدِيَّةِ، السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ»؛
- برای وارد شدن به منزل و بیرون رفتن از آن و روشن کردن چراغ منزل، دعاهایی نیز وارد شده است.

۳۵۶

### آداب خواب

- برخی از مستحبات خوابیدن بدین شرح است:
- وضو گرفتن پیش از خواب؛
  - مسواک کردن دندان‌ها پیش از خواب؛
  - پیش از خواب اعمال خود را محاسبه کند و خواب را مرگ انگارد؛
  - خواندن دعاهایی که از معصومان علیهم‌السلام رسیده است و نیز خواندن تسبیحات حضرت زهرا علیها‌السلام، آیه‌الکرسی، سوره‌های توحید، فلق و کافرون.

۳۵۷

### آداب نظافت

دین اسلام برای نظافت انسان و محیط زندگی او اهمیت بسیار زیادی قائل است؛ به طوری که پاکیزگی را جزء ایمان می‌داند و برای آن، احکام و آداب خاصی دارد. در اینجا به برخی از مستحبات آن اشاره می‌کنیم:



- عطر زدن و خوشبو بودن؛
- مسواک کردن دندان‌ها که در اسلام تأکید زیادی بر آن شده است؛
- شانه زدن موهای سر و صورت؛
- کوتاه کردن ناخن‌ها؛
- زدودن موهای زائد بدن؛
- نگاه کردن به آینه و مرتب کردن سر و صورت خود؛
- یک روز در میان حمام رفتن؛ ولی هر روز حمام رفتن مکروه است.

### ۳۵۸

#### آداب دعا

برخی از آداب دعا و حاجت خواستن از خداوند عبارت است از:

- ۱- هنگام دعا با طهارت باشد.
- ۲- پیش از دعا، حمد و ثنای الهی را بجا آورد و نعمت‌های خداوندی را یاد کند و شکر آن را بجا آورد.
- ۳- دعا را با نام خدا شروع کند.
- ۴- در ابتدا و انتهای دعا صلوات بفرستد.
- ۵- ابتدا برای دیگران دعا کند، سپس برای خودش.

### ۳۵۹

- ۶- با حضور قلب، خضوع، خشوع و اطمینان به استجابات، دعا کند.
- ۷- برای دعا، مؤمنان جمع شوند که اگر چهل نفر، گرد هم آیند و چیزی از خداوند بخواهند، زودتر مستجاب می‌شود.
- ۸- در اوقات و اماکنی که دعا زودتر مستجاب می‌شود دعا کند؛ مانند وقت اذان، پس از نماز، در سجده، هنگام ظاهر شدن یکی از

نشانه‌های قدرت الهی مثل خورشیدگرفتگی یا ماه‌گرفتگی، هنگام بارش باران، هنگام درگیر شدن لشکر حق و باطل، در حال بیماری و درد، در وقت سحر و طلوع و غروب آفتاب، در مسجد، به‌ویژه مسجدالحرام، در عرفات و در کنار قبر اولیای الهی.



### آداب معاشرت

۱- خوش اخلاقی و خوش رفتاری با دیگران، به‌ویژه با خانواده و اقوام و خویشان؛  
۲- گرمای داشتن مؤمنان، به‌ویژه سالمندان و صاحبان علم، فضیلت و شرف؛

۳- دوستی، مراوده و رفت و آمد با دیگران؛

۴- معانقه و مصافحه با مؤمن و بوسیدن پیشانی وی؛<sup>۱</sup>

۵- سلام کردن به مؤمن هنگام وارد شدن بر وی؛

۶- خداحافظی هنگام جدا شدن از مؤمن؛



۷- تبسم و خوشرویی با مؤمن؛

۸- دعا و استغفار برای مؤمن؛

۹- کمک به مؤمن با دست، زبان و مال؛

۱۰- راهنمایی مؤمن در مواقع نیاز او؛

۱۱- عیادت کردن از بیماران؛

۱۲- شرکت در تشییع جنازه مؤمن و تسلیت‌گویی به بازماندگان؛

۱۳- هرچه برای خود دوست دارد، برای دیگران نیز دوست داشته

باشد.

۱ - مصافحه به معنای دست یکدیگر را گرفتن و دست دادن است و معانقه یعنی گردن به گردن نهادن و یکدیگر را در آغوش گرفتن. واضح است که مصافحه و معانقه با محرمان و همجنس مستحب است نه با نامحرمان.



در معاشرت با دیگران سزاوار است از این امور پرهیز شود:

- ۱- برای احترام، دست بسته در مقابل دیگری ایستادن یا ایستادن در مقابل کسی که نشسته است.
- ۲- بوسیدن زمین در مقابل دیگری برای احترام وی.
- ۳- زیاد و بیش از حد سخن گفتن.
- ۴- خنده بی جهت و قهقهه.
- ۵- نجوا و در گوشی صحبت کردن با کسی در حضور دیگران.



### سلام کردن

- ۱- سلام کردن به دیگران مستحب است ولی پاسخ به آن واجب است.
- ۲- پاسخ سلام واجب فوری است، یعنی انسان بدون تأخیر باید جواب سلام را بدهد؛ حتی اگر در حال نماز باشد.
- ۳- جواب سلام باید طوری باشد که اگر مانعی در کار نیست، سلام کننده بشنود.
- ۴- اگر دو نفر همزمان به یکدیگر سلام کنند، بر هر یک واجب است جواب سلام دیگری را بدهد.
- ۵- جواب سلام کسی که از روی شوخی یا مسخره کردن، سلام داده، واجب نیست.
- ۶- جواب سلام گویندگان رادیو و تلویزیون، هرچند پخش مستقیم و زنده باشد واجب نیست.



### آداب مُجالست

- برخی از آداب همنشینی و مجالست با دیگران بدین شرح است:
- ۱- سزاوار است بیشتر با فقرا مجالست و همنشینی داشته باشد نه با اغنیا.
  - ۲- با کسانی که برایش نفع دینی دارند همنشینی داشته باشد.
  - ۳- وقتی وارد مجلسی می‌شود، هر جای مجلس که جا برای نشستن هست، بنشیند؛ یا در جایی که برای او آماده کرده‌اند، یا هر جایی که با تواضع تناسب دارد، بنشیند.
  - ۴- اگر به خانه کسی وارد می‌شود، هر جا که صاحب‌خانه می‌گوید، بنشیند.



- ۵- هنگام ورود سادات و دَژیه پیامبر خدا ﷺ، به احترام از جای خود برخیزد.
- ۶- سزاوار است با افراد فاسق، دروغگو، بخیل، احمق و کسی که با اقوام و خویشان خود قطع رابطه کرده است، (قاطع رحم) همنشینی نکند.
- ۷- از نشستن بر سر کوچه و سر راه مردم پرهیز کند.
- ۸- از رفتن به مجلس گناه و مجلسی که مورد اتهام قرار می‌گیرد، پرهیز کند.



### آداب ولادت فرزند

- ۱- مستحب است مولود (نوزاد) را غسل دهند، ولی اگر غسل دادن برای نوزاد ضرر داشته باشد مستحب نیست.
- ۲- لباس یا جامه سفید بر تن نوزاد بپوشانند.
- ۳- مستحب است در روز اول تولد نوزاد، یا پیش از افتادن بند ناف او، در گوش راستش اذان و در گوش چپش اقامه بگویند.<sup>۱</sup>



### نامگذاری

- ۱- پس از تولد نوزاد، مستحب است نام نیکویی برایش برگزینند.
- ۲- برگزیدن نام نیکو یکی از حقوق فرزند بر پدر است.
- ۳- بهترین نام‌ها برای فرزند، نام‌هایی است که بندگی خداوند را در برداشته باشد؛ مانند عبدالله، عبدالرحمن، عبدالرحیم و در مرتبه دوم نام‌های پیامبران و امامان علیهم‌السلام.
- ۴- از میان نام‌های پیامبران و امامان علیهم‌السلام، نام «محمد» بهترین نام‌ها است.
- ۵- کسی که چهار فرزند دارد مکروه است نام یکی از آنان را محمد نگذارد.

۱- عروة الوثقی، ج ۱، ص ۶۰۱، س ۷.





## ولیمه

- ۱- ولیمه دادن در تولد فرزند مستحب است.
- ۲- لازم نیست ولیمه تولد فرزند در روز تولد وی باشد بلکه اگر چند روزی هم بگذرد مانعی ندارد.
- ۳- ولیمه دادن برای ختنه فرزند نیز مستحب است.



## عقیقه

- ۱- عقیقه، گوسفند یا حیوان دیگری است که برای هر شخصی ذبح می شود.
- ۲- گوسفند، گاو یا شتر در عقیقه کافی است ولی قوچ از همه اینها بهتر است.
- ۳- مستحب است عقیقه، سالم و چاق باشد.
- ۴- مستحب است عقیقه پسر، حیوان نرو عقیقه دختر، حیوان ماده باشد.



- ۵- مستحب است عقیقه را روز هفتم تولد کودک بدهند و اگر از روز هفتم تأخیر افتاد، همچنان مستحب است، حتی اگر فرزند بالغ شد و برایش عقیقه نداده باشند، مستحب است خودش عقیقه را انجام دهد.
- ۶- صدقه دادن قیمت عقیقه به جای عقیقه کافی نیست.
- ۷- در مورد آنچه در بعضی از روستاها رسم است که استخوان عقیقه را در پارچه سفیدی پیچیده و دفن میکنند مدرکی نیافتیم.



### مصرف عقیقه

۱- مکروه است والدین کودک و نیز کسانی که نان خور آن‌ها حساب می‌شوند، از عقیقه مصرف کنند و این کراهت در مورد مادر شدیدتر است.<sup>۱</sup>

۲- گوشت عقیقه را می‌توان بین مؤمنین تقسیم کرد؛ می‌توان پخت و تقسیم کرد و همچنین می‌توان پخت و مؤمنین را دعوت کرد تا مصرف کنند.<sup>۲</sup>

۳- مناسب است حداقل دعوت شدگان ده نفر باشند و اگر خواستند گوشت را پخته یا خام تقسیم کنند، باز هم حداقل بین ده نفر تقسیم کنند. البته اگر بیش از ده نفر باشند، افضل است.

۴- مستحب است کسانی که گوشت عقیقه را مصرف می‌کنند، پس از آن برای کودک دعا کنند.

۵- شرط نیست که حتماً پدر کودک برای او عقیقه کند، بلکه اگر دیگران نیز مثل مادر طفل یا پدربزرگ یا عموی او برای او عقیقه کنند، مطلوب است.



### آداب سفر

به طور مختصر برخی از آداب سفر عبارتند از:

- ۱- بستگان و دوستان خود را از سفر باخبر و با آنان خداحافظی کند؛
- ۲- وصیت کند؛ به ویژه در مورد کارهای واجب و امور مالی خود؛

۱ - جواهر الکلام، ج ۳۱، ص ۲۷۰.

۲ - فرهنگ فقه، ج ۵، ص ۴۴۹.

- ۳- هنگام سفر صدقه بدهد و دعاهایی را که وارد شده، بخواند؛
- ۴- آنچه در سفر به آن نیاز دارد، همراه بردارد؛
- ۵- با یاد خدا، توکل بر او و با حمد و شکر الهی سفر را آغاز کند؛
- ۶- خواندن سوره‌های حمد، توحید، قدر و آیه الکرسی مستحب است.



### آداب مجالس شادی

اسلام، شاد بودن و شاد زیستن را مورد تأیید و تأکید قرار داده است؛ بلکه شاد کردن دیگران با کارهای مستحب مثل دستگیری از مستمندان یا فعل مباح، امری است پسندیده و گاهی موجب اجر و ثواب می‌باشد. اما انسان برای شاد بودن و شاد کردن دیگران مجاز به ارتکاب حرام نمی‌باشد.

برخی از کارهای حرام که در مجالس شادی صورت می‌گیرد عبارتند از:

- مسخره کردن دیگران؛
- لقب بد دادن به دیگران؛
- آزار و اذیت دیگران از جمله همسایه‌ها؛
- سدّ معبر؛
- دروغ‌گویی؛
- غیبت؛
- طعنه زدن به مؤمنان؛
- غنا و موسیقی.



## ۳۷۴

## پذیرایی از خانواده داغ‌دیده

- ۱- از سنت‌های غلط بین مردم این است که باید خانواده‌ای که عزیزی را از دست داده‌اند از دیگران پذیرایی کنند، در حالی که سنت پیامبر ﷺ این بوده است که برای خانواده داغ‌دیده غذا ببرند.
- ۲- مستحب است پس از دفن میت تا سه روز برای اهل خانه میت غذا بفرستند و غذا خوردن نزد آنان و در منزلشان مکروه است.<sup>۱</sup>

## ۳۷۵

## آداب خوردن و آشامیدن

- مستحبات غذا خوردن<sup>۲</sup>
- ۱- دست‌ها را پیش از غذا و پس از آن بشوید.
- ۲- در اول غذا «بسم الله» و در پایان «الْحَمْدُ لِلَّهِ» بگوید.
- ۳- با دست راست غذا بخورد.
- ۴- لقمه را کوچک بردارد.
- ۵- غذا را خوب بجود.
- ۶- میوه را پیش از خوردن، با آب بشوید.
- ۷- اگر چند نفر سر سفره نشسته‌اند، هر کسی از غذای جلو خودش بخورد.
- ۸- میزبان پیش از همه شروع به غذا خوردن کند و پس از همه دست بکشد.<sup>۳</sup>

۱- توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۶۳۲.

۲- همان، م ۲۶۳۶.

۳- همان، م ۲۶۳۶.

۳۷۶

مکروهات غذا خوردن<sup>۱</sup>

- ۱- در حال سیری غذا خوردن؛
- ۲- پُرخوری؛
- ۳- نگاه کردن به صورت دیگران هنگام غذا خوردن؛
- ۴- خوردن غذای داغ؛
- ۵- فوت کردن به غذایی که می‌خورد؛
- ۶- پاره کردن نان با چاقو؛
- ۷- گذاشتن نان زیر ظرف غذا؛
- ۸- دور انداختن میوه، پیش از خوردن کامل.<sup>۲</sup>



۳۷۷

مستحبات آب نوشیدن:<sup>۳</sup>

- ۱- در روز، ایستاده آب بخورد؛
- ۲- پیش از آشامیدن آب «بِسْمِ اللَّهِ» و بعد از آن «الْحَمْدُ لِلَّهِ» بگوید؛
- ۳- به سه نفس آب بیاشامد؛
- ۴- پس از آشامیدن آب، حضرت امام حسین علیه السلام، خاندان و یاران او را یاد کرده و قاتلان ایشان را لعن کند.<sup>۴</sup>

۳۷۸

مکروهات آب نوشیدن:<sup>۵</sup>

۱- زیاد آشامیدن:

- ۱- توضیح المسائل، م ۲۶۳۷.
- ۲- همان، م ۲۶۳۷.
- ۳- همان، م ۲۶۳۸.
- ۴- همان، م ۲۶۳۸.
- ۵- توضیح المسائل، م ۲۶۳۹.

- ۲- آشامیدن آب بعد از غذای چرب؛  
 ۳- با دست چپ آب نوشیدن؛  
 ۴- در شب، ایستاده آب نوشیدن.



## احکام حسینی - ویژه ماه محرم

### احترام به نام امام حسین علیه السلام

- نام مبارک امام حسین علیه السلام دارای احترام و احکام خاصی است.
- ۱- حفظ احترام این نام، لازم و بی‌احترامی به آن حرام است.
  - ۲- هرگونه عملی که به نوعی بی‌احترامی به نام امام حسین علیه السلام محسوب شود، حرام است؛ مانند:
    - سوزاندن ورقه‌ای که نام ایشان بر آن نوشته شده است؛
    - انداختن در جایی که بی‌احترامی به آن باشد؛ مثل محل زباله؛
    - نوشتن آن با چیزی و بر چیزی که بی‌احترامی باشد؛
    - گذاشتن چیزی بر آن که بی‌احترامی به حساب آید.



- ۳- رساندن جایی از بدن به نام امام حسین علیه السلام بدون طهارت، بنا بر احتیاط، جایز نیست. بنابراین لمس نام امام حسین علیه السلام یا آویختن زیور یا پوشیدن لباسی که نام امام حسین علیه السلام بر آن نوشته شده، در صورتی که تماس با بدن داشته باشد، بنا بر احتیاط، حرام است.
- ۴- اگر کسی را به نام حسین نامگذاری کنند، نام آن شخص، احکام مربوط به امام حسین علیه السلام را ندارد.<sup>۱</sup>

۱ - العروة الوثقی، ج ۱، ص ۲۰۳؛ استفتانات، ج ۱، ص ۴۷ و ۴۸، اجوبه الاستفتانات، ترجمه فارسی، س ۱۶۴.



### احترام به تصاویر منتسب به امام حسین علیه السلام

در سال‌های اخیر تصاویر زیادی از معصومین علیهم السلام به ویژه حضرت ابا عبد الله الحسین علیه السلام نقاشی و منتشر می‌شود. بی شک هیچ یک از این تصاویر واقعیت ندارد و مطابق جمال آن انوار حق نمی‌باشد؛ هر چند ممکن است برخی از محاسن آن‌ها را در بر داشته باشد، اما اسناد دادن آن‌ها به معصومین علیهم السلام (به این معنا که بگوییم این عکس، تصویر امام است)، جایز نیست و از آن جهت که بی‌احترامی به این تصاویر، به نوعی بی‌احترامی به صاحب عکس محسوب می‌شود، لذا باید از بی‌احترامی به این تصاویر پرهیز شود و امحاء آن‌ها، از طریق سوزاندن جایز نیست.

**نکته** نظر اسلام در رابطه با عکس‌هایی که می‌گویند حضرت علی علیه السلام و حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم است چیست؟ منظور، همان عکس‌هایی است که به صورت روحانی کشیده‌اند و در خیابان‌ها به فروش می‌رسانند؛ برخورد مسلمان‌ها با این عکس‌ها باید چگونه باشد؟ **جواب** اسناد به آن حضرات ندهند، لکن احترام لازم است.<sup>۱</sup>



### حرم امام حسین علیه السلام

#### نماز در حرم امام حسین علیه السلام

۱- نماز خواندن در آن جا ثواب بسیار دارد و در برخی روایات، وارد شده که ثواب نماز در حرم امامان علیهم السلام از ثواب نماز در مسجد بیشتر است.<sup>۲</sup>

۱ - استفتائات امام خمینی (ره)، ج ۱، ص ۱۱۶، س ۳۱۳.

۲ - العروة الوثقی، ج ۱، ص ۴۵۲؛ تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۱۵۱، و ص ۵۹۶.

۲- امام صادق علیه السلام فرمودند: «در چهار مکان نماز تمام است: در مسجد الحرام، مسجد النبی، مسجد کوفه و حرم امام حسین علیه السلام» این‌ها را «اماکن تخییر» می‌نامند. یعنی مکان‌هایی که مسافر می‌تواند، نماز را تمام، یا شکسته بخواند.

۳- محل دفن امام حسین علیه السلام و اطراف قبر ایشان تا جایی که حرم نامیده می‌شود، دارای احکام خاصی است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

- یکی از چهار مکانی که مسافر می‌تواند نمازش را تمام بخواند، حرم اباعبدالله الحسین علیه السلام است؛<sup>۱</sup>
- تمام روضه شریفه حرم مطهر امام حسین علیه السلام، رواق‌ها و مسجد متصل به آن، این حکم را دارد و مسافر می‌تواند در آن جا نیز نماز را تمام بخواند.<sup>۲</sup> ولی در غیر روضه شریفه، احتیاط مستحب است که مسافر نمازش را شکسته بخواند؛<sup>۳</sup>

### ۳۸۳

- حکم «تخییر» مخصوص نماز است؛ بنابراین، شخص مسافر حتی اگر تمام روز را در حرم امام حسین علیه السلام یا در کربلا بماند، نمی‌تواند روزه بگیرد؛ مگر روزه مستحب که به واسطه نذر واجب شده، که حکم جداگانه‌ای دارد؛
- انسان باید رعایت ادب را بکند و جلوتر از قبر پیغمبر صلی الله علیه و آله و امام، از جمله امام حسین علیه السلام نماز نخواند ولی نماز باطل نیست؛<sup>۴</sup>
- نماز خواندن پشت به قبله و روبه قبر امام نه تنها باطل است، بلکه کار حرامی است.

۱ - تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۲۶۴، القول فی احکام المسافر، م ۸؛ توضیح المسائل، م ۱۳۵۶.

۲ - به فتوای برخی از مراجع معظم تقلید، نماز مسافر، تنها در اطراف ضریح مقدس و زیر گنبد کامل و در جاهای دیگر شکسته است.

۳ - تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۲۶۴، القول فی احکام المسافر، م ۸.

۴ - توضیح المسائل، م ۸۸۴. به فتوای برخی از مراجع معظم تقلید، نماز باطل است.

۳۸۴

احکام حرم امام حسین علیه السلام



۱- حفظ احترام حرم، واجب است و هر کاری که بی‌احترامی به آن باشد، حرام است. مانند آب دهان انداختن یا با کفش وارد شدن.<sup>۱</sup>  
 ۲- توقف جنب، حائض و نساء در حرم امامان علیهم السلام بنا بر احتیاط، جایز نیست؛ ولی عبور از آن به طوری که از یک در وارد و از در دیگر خارج شود، اشکال ندارد و احتیاط مستحب است که در آن حال، از داخل حرم عبور نکند. این حکم اختصاص به اطراف ضریح (روضه شریفه) و رواق‌ها دارد؛ ولی صحن‌ها و حرم امامزاده‌ها علیهم السلام این حکم را ندارد.<sup>۲</sup>

۳۸۵

۳- زن مستحاضه حتی مستحاضه متوسطه و کثیره می‌تواند به مسجد یا حرم امامان معصوم علیهم السلام برود و در آنجا توقف کند. ولی اگر غسل‌هایی که برای نماز گفته شده انجام نداده، بنا بر احتیاط مستحب در آنجا توقف نکند.<sup>۳</sup>  
 ۴- چون حرم امام حسین علیه السلام مکان مقدسی است، اگر انسان کار خیری انجام دهد، مثلاً قرآن تلاوت کند، یا به فقیری صدقه دهد، ثواب بیشتری دارد و اگر گناهی مرتکب شود، مثلاً دروغ بگوید، یا غیبت کند و یا به نامحرم نگاه کند، عذاب افزون‌تری خواهد داشت و اگر آن گناه، موجب حد یا تعزیر باشد، به جهت حرمت‌شکنی آن مکان، مجازات بیشتری خواهد شد.

۱ - استفتانات امام خمینی (ره)، ج ۱، ص ۴۷.

۲ - العروة الوثقی، ج ۱، ص ۲۰۳ و ۲۳۸؛ تحریرالوسیله، ج ۱، فصل فی الاستحاضه، ص ۵۹، م ۸.

۳ - تحریرالوسیله، ج ۱، فصل فی الاستحاضه، ص ۵۹، م ۸.



## زیارت

### آداب زیارت

برای تشریف به حرم مطهر هر یک از معصومین علیهم السلام و زیارت قبر مطهر ایشان، از جمله حرم امام حسین علیه السلام کارهای زیر مستحب است:

۱- غسل زیارت، کیفیت آن با سایر غسل‌ها فرقی ندارد ولی به نیت غسل زیارت انجام داده می‌شود.

۲- لباس‌های پاک و تمیز، مخصوصاً لباس سفید.

۳- خود را خوشبو کند؛ مثلاً عطر بزند. البته برای رفتن به حرم امام حسین علیه السلام خوشبو کردن خود مستحب نیست.

۴- با طهارت و وضو به حرم برود.

۵- با آرامش و وقار حرکت کند و گام‌ها را کوتاه بردارد.

۶- مشغول بودن به ذکر، به خصوص ذکر «**اللَّهُ أَكْبَرُ**» و «**الْحَمْدُ لِلَّهِ**»

در حال رفتن به حرم.



۷- تکبیر گفتن پیش از زیارت، وقتی قبر مطهر را می‌بیند.

۸- خواندن إذن دخول؛ اجازه گرفتن برای ورود به حرم.

۹- بوسیدن آستانه و درگاه حرم؛ ولی سجده کردن جایز نیست، مگر آنکه سجده شکر به جهت توفیق این زیارت باشد.

۱۰- هنگام ورود به حرم، ابتدا پای راست را داخل بگذارد.

۱۱- اگر مزاحمت برای دیگران نبوده و سبب اختلاط با نامحرم

نباشد، به ضریح نزدیک شود و ابتدا گونه راست و پس از آن گونه چپ را بر ضریح بگذارد و دعا بخواند.

## ۳۸۸

- ۱۲- زیارت‌های مأثور را بخواند؛ مثل زیارت جامعه و امین الله.  
 ۱۳- آهسته زیارت خواندن و پرهیز از صدای بلند.  
 ۱۴- پشت به قبله و رو به قبر، زیارت خواندن.  
 ۱۵- پس از زیارت، دو رکعت نماز زیارت بخواند.  
 ۱۶- پس از نماز زیارت، برای خود و دیگران دعا کند؛ به‌ویژه برای ستمدیدگان و بر ضد ستمکاران.

## ۳۸۹

- ۱۷- از گناهان خود توبه و استغفار کند؛ زیرا حرم امام حسین علیه السلام و نیز حرم معصومین علیهم السلام محل پذیرش توبه است.  
 ۱۸- قرآن خواندن، به‌ویژه سوره «قدر» را بخواند و آن را به صاحب مزار هدیه کند.  
 ۱۹- پرهیز از سخنان ناشایست، لغو، بیهوده و امور دنیایی در حرم.  
 ۲۰- بیرون رفتن از حرم پس از زیارت؛ تا هم جا برای دیگران باشد، هم از زیارت ملول نشود و هم شوق زیارت همچنان در دلش زنده بماند.<sup>۱</sup>  
 • نکته: سفر حج و زیارت بیت الله الحرام، آداب دیگر و بیشتری دارد که در کتب ادعیه و مناسک آمده است.

## ۳۹۰

ایام مخصوص زیارتی امام حسین علیه السلام

- ۱- شب و روز جمعه؛  
 ۲- روزهای اول، وسط و آخر ماه‌های قمری؛  
 ۳- روز عاشورا؛

۱ - العروة الوثقی، ج ۱، فی الوضوئات المستحیة، ص ۱۹۴؛ الخامس فی الاغسال المکانیة والفعلیة، ص ۴۶۲؛ سراج الشیعة فی آداب الشریعة، ص ۴۱، مفاتیح الجنان، آداب زیارت.



۴- اول و نیمه ماه رجب؛

۵- سوم شعبان؛ (سالروز ولادت آن حضرت)

۶- شب نیمه شعبان؛



۷- در تمام روزهای ماه رمضان به ویژه در دهه آخر آن ماه؛

۸- شب‌های قدر؛

۹- عید فطر؛

۱۰- روز عرفه؛

۱۱- عید قربان؛

۱۲- روز مباهله؛ (۲۴ ذی حجه)

۱۳- روز دوشنبه هر هفته که روز مخصوص زیارتی امام حسن و امام

حسین علیهما السلام است.<sup>۱</sup>



### احکام عزاداری امام حسین علیه السلام

گریستن، گریاندن دیگران و برپایی مجالس سوگواری سالار شهیدان از جمله کارهای مستحب مؤکد و از افضل قُرَبات و دارای ثواب بسیاری است؛

#### سفارش‌ها

از آنجا که برخی از افراد، گاهی در عزاداری دچار افراط یا تفریط می‌شوند، به چند شرط از شرایط عزاداری توصیه می‌شود:

**الف:** آنچه خوانده می‌شود مشتمل بر مطالب دروغ و باطل نباشد؛

**ب:** همراه با کار حرام، مثلاً موسیقی لهوی نباشد؛

۱- کامل الزیارات، باب ۷۰ تا ۷۴، ص ۱۸۶ تا ۲۰۱؛ بحارالانوار، ج ۹۸، باب ۱۲ تا ۱۴، ص ۸۵ تا ۱۰۴.

ج: همراه با مطالبی که وهن مذهب یا تنقیص و تحقیر آن حضرت است، نباشد؛

د: موجب اضرار به نفس (ضرر قابل توجه) نباشد؛

ه: سبب ترک واجب نباشد که گاهی سبب ترک نماز یا قضا شدن آن می‌شود.<sup>۱</sup>



**سوال** نظر مبارک خود را در مورد خواندن دعاهای کمیل، ندبه، سمات، زیارت عاشورا و جامعه و عزاداری حضرت امام حسین علیه السلام از قبیل روضه خوانی، سینه‌زنی و غیره مرقوم فرمایید تا رفع ابهام و شبهه از دسائس مغرضین شود و نیز شیعیان راستین اغفال نشوند.

**جواب** خواندن ادعیه مأثوره و عزاداری برای حضرت سیدالشهدا علیه السلام از افضل قربات و آدم‌ساز است.<sup>۲</sup>

استفاده از ابزار موسیقی در عزاداری

از آنجا که در برخی از هیئت‌های عزاداری از شیپور، طبل، سنج و دیگر وسایل موسیقی استفاده می‌شود، توجه به چند استفتاء لازم است:

**سوال** آیا زدن طبل و شیپور در تعزیه حضرت سیدالشهدا علیه السلام جایز است یا نه؟

**جواب** اگر از آلات لهو و لعب نباشد و وهن بر مذهب هم نشود، مانعی ندارد.<sup>۳</sup>



**سوال** استفاده از طبل، سنج، شیپور و همچنین زنجیرهایی که دارای تیغ هستند، در مجالس و دسته‌های عزاداری چه حکمی دارد؟

**جواب** اگر استفاده از زنجیرهای مزبور موجب وهن مذهب در برابر مردم

۱ - استفتائات امام خمینی (ره)، ج ۳، ص ۵۷۹؛ ترجمه اجوبة الاستفتائات، ص ۲۲۲ و ۲۲۳.

۲ - همان، ص ۵۸۹، س ۳۹.

۳ - همان، ص ۵۸۳، س ۴۵.

شود و یا باعث ضرر بدنی قابل توجهی گردد، جایز نیست؛ ولی استفاده از شیپور، طبل و سنج به نحو متعارف، اشکال ندارد.<sup>۱</sup>

استفاده از آلات موسیقی مانند ارگ (از آلات موسیقی و شبیه پیانو است)، سنج و غیر آن‌ها در مراسم عزاداری، چه حکمی دارد؟

استفاده از آلات موسیقی، مناسب با عزاداری سالار شهیدان نیست و شایسته است مراسم عزاداری به همان صورت متعارفی که از قدیم متداول بوده برگزار شود.<sup>۲</sup>

### ۳۹۵

#### قمه زنی

از جمله اعمالی که در عصر حاضر سبب توهین دیگران به مذهب تشیع شده و سابقه تاریخی و توجیه عقلانی ندارد، قمه زنی یا تیغ زنی است. این عمل در فتاوی بسیاری از فقها، حرام شمرده شده است؛ برخی از آن فتاوا به شرح ذیل است:

قمه زنی و سینه زنی با بدن برهنه در انظار عمومی چه حکمی دارد؟<sup>۱</sup>

در شرایط و اوضاع کنونی، از قه زدن خودداری شود و عزاداری و سینه زدن مانعی ندارد.<sup>۲</sup>

آیا قمه زنی به طور مخفی حلال است یا اینکه فتوای شریف جنابعالی عمومیت دارد؟

قمه زنی علاوه بر اینکه از نظر عرفی، از مظاهر حزن و اندوه حساب نمی شود و سابقه ای در عصر ائمه علیهم السلام و زمان های بعد از آن ندارد و تأییدی هم به شکل خاص یا عام از معصوم علیه السلام در مورد آن نرسیده است، در زمان حاضر، موجب وهن و بدنام شدن مذهب می شود؛ بنابراین در هیچ حالتی جایز نیست.<sup>۳</sup>

۱- اجوبة الاستفتائات، ترجمه فارسی، ص ۳۲۲، س ۱۴۴۱.

۲- همان، ص ۳۲۴، س ۱۴۴۹.

۳- استفتائات امام خمینی (ره)، ج ۳، ص ۵۸۳، س ۴۲.

۴- اجوبة الاستفتائات، ترجمه فارسی، ص ۳۲۶، س ۱۴۴۱.



آیا قمه زنی جایز است؟ چنانچه در این مورد نذری وجود داشته باشد، وظیفه چیست؟

با توجه به گرایش که نسبت به اسلام و تشیع بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران در اکثر نقاط جهان پیدا شده و ایران اسلامی به عنوان امّ القریّی جهان اسلام شناخته می شود و اعمال و رفتار ملت ایران، به عنوان الگو و بیانگر اسلام، مطرح است، لازم است در رابطه با مسائل سوگواری و عزاداری سالار شهیدان حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام به گونه ای عمل شود که موجب گرایش بیشتر و علاقه مندی شدیدتر به آن حضرت و هدف مقدس وی گردد؛ پیداست در این شرایط، مسأله قه زدن، نه تنها چنین نقشی ندارد، بلکه به علت عدم قابلیت پذیرش و نداشتن هیچ گونه توجیه قابل فهم مخالفین، نتیجه سوء بر آن مترتب خواهد شد. به همین جهت لازم است شیعیان علاقه مند به مکتب امام حسین علیه السلام از آن خودداری کنند و چنانچه در این مورد نذری وجود داشته باشد، واجد شرایط صحت و انعقاد نیست.<sup>۱</sup>



### روزه در ایام ماه محرم

- ۱- روزه گرفتن در روز اول، سوم و هفتم ماه محرم مستحب است.<sup>۲</sup>
- ۲- روزه گرفتن در روز عاشورا مکروه است.<sup>۳</sup>

### نذر برای امام حسین علیه السلام

۱- اگر نذر کند که به زیارت امام حسین علیه السلام برود، چنانچه به

۱- جامع المسائل فاضل لنگرانی (ره)، ج ۱، ص ۶۲۲، س ۲۱۷۲.

۲- العروة الوثقی، ج ۱، ص ۲۴۳.

۳- همان.

زیارت امام دیگر برود، کافی نیست و چنانچه به واسطه عذری مانند بیماری یا تنگدستی، نتواند امام حسین علیه السلام را زیارت کند، چیزی براو واجب نیست.<sup>۱</sup>



- ۲- کسی که نذر کرده به زیارت برود ولی غسل زیارت و نماز آن را نذر نکرده، لازم نیست غسل و نماز را انجام دهد.<sup>۲</sup>
- ۳- اگر چیزی را نذر خود امام حسین علیه السلام کند، چنانچه مصرف معینی را قصد کرده، باید به همان مصرف برساند و اگر مصرف معینی را قصد نکرده، باید به فقیران و زائران بدهد یا مسجد و مانند آن بسازد و ثواب آن را به امام هدیه کند<sup>۳</sup> و اگر خودش نتواند به این مصارف برساند، می‌تواند به افراد مسئول در دفاتر نذورات حرم مراجعه کند تا به مصارف شرعی آن برسد.
- ۴- اگر برای حرم امام حسین علیه السلام چیزی نذر کند، باید آن را به مصارف حرم برساند؛ از قبیل فرش، پرده و روشنایی؛<sup>۴</sup> بنابراین می‌تواند به مسئولین دفاتر نذورات تحویل دهد تا به مصارف معین برسد.



### وقف برای امام حسین علیه السلام

- ۱- وقف آن است که انسان مالکیت خود را از مالی سلب کند و منفعت آن را در راه خدا و خیر قرار دهد.<sup>۵</sup>

۱- توضیح المسائل، م ۲۶۶۰.

۲- همان، م ۲۶۶۱.

۳- همان، م ۲۶۶۳.

۴- همان، م ۲۶۶۲.

۵- تحریر الوسیله، ج ۲، کتاب الوقف و اخواته، ص ۶۲.

۲- صیغه وقف را لازم نیست به عربی بخوانند، بلکه اگر مثلاً بگوید: خانه خود را وقف کردم<sup>۱</sup>، وقف صحیح است.<sup>۲</sup>

۳- واقف باید مال وقف شده را به متولی تحویل دهد،<sup>۳</sup> بنابراین اگر انسان چیزی را وقف حرم امام حسین علیه السلام کرده باشد، باید به مسئولان دفتر موقوفات حرم تحویل دهد.



۴- پس از آنکه مالی را وقف کرد و تحویل داد، واقف نمی‌تواند عنوان آن را تغییر دهد؛ مثلاً اگر چیزی را وقف حرم امام حسین علیه السلام کرده باشد، نمی‌تواند به وقف برای حرم امامی دیگر یا مسجد یا حسینیه تغییر دهد.<sup>۴</sup>

۵- اگر چیزی را برای حرم امام حسین علیه السلام وقف کرده باشد، منافع آن باید صرف در تعمیر، تأمین نور، اجرت خدمتگزاران و نگهداران و سایر هزینه‌های حرم شود.<sup>۵</sup> از آنجا که امروزه خود افراد نمی‌توانند منافع موقوفات را به این مصارف برسانند، لازم است به مسئولان دفتر موقوفات حرم تحویل دهند تا به مصارف شرعی آن برسند.

۶- اگر چیزی را برای سیدالشهدا علیه السلام وقف کرده باشد، می‌تواند آن را صرف در عزاداری آن حضرت نماید؛ مانند مزد قاری و آنچه در مجلس عزای امام حسین علیه السلام متعارف است.<sup>۶</sup>

۱- به فتوای برخی از فقها، وقف به عمل هم بدون خواندن صیغه وقف صحیح است؛ مثلاً اگر فرشی را به قصد وقف بودن در مسجد یا حرم پهن کند، صحیح است.

۲- توضیح المسائل، م ۲۶۷۷.

۳- تحریرالوسیله، ج ۲، کتاب الوقف و اخواته، ص ۶۴، ۸۴ و ۱۴.

۴- همان، ص ۷۴، ۶۹۴.

۵- توضیح المسائل، ۵۷.

۶- همان.

بخش دوم

استفتائات

حضرت آیت الله العظمی حاج  
سید علی حسینی خامنه ای دامت برکاته



منبع: بخش استفتائات پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری (مدظله العالی)



[leader.ir](http://leader.ir)







## طهارت و نجاست

### تطهیر موکت

**سوال** کیفیت تطهیر موکت چسبیده به زمین چگونه است؟

**جواب** بعد از زوال عین نجاست، آب لوله متصل به کُرا وصل کند به جای نجس، به گونه‌ای که همه آن محل را فرا بگیرد و بنا بر احتیاط واجب با جابجا شدن آب در حین اتصال به کر، هر چند با فشار آب و یا دست کشیدن، پاک می‌شود.

### فضله پرنندگان

**سوال** فضله پرنندگان زینتی حرام گوشت که خون جهنده دارند، پاک

است یا نجس؟

**جواب** پاک است.

### فضله موش در برنج

**سوال** اگر در برنج پخته شده فضله موش پیدا شود، حکمش چیست؟ و

کسانی که از برنج خورده‌اند تکلیفشان چیست؟

**جواب** برنج مذکور نجس و خوردن آن حرام است، در صورت سرایت

نجاست، باید ظاهریدن مثل دست و لبها و وسایل و ظروف را آب

بکشد، ولی تطهیر داخل دهان لازم نیست.





### سرکه حرارت دیده

**سوال** اگر سرکه حرارت دیده و بجوشد، نجس می شود؟  
**جواب** نجس نیست.

### الکل

**سوال** امروزه از الکل که در واقع مسکراست برای ساخت بسیاری از داروها به خصوص داروهای نوشیدنی، عطرها، به ویژه انواع ادکلن هایی که از خارج وارد می شوند، استفاده می کنند. آیا به افراد آگاه یا جاهل به مسأله، اجازه خرید و فروش و استفاده و بهره گیری های دیگر از آن ها را می دهید؟



**جواب** الکل هایی که معلوم نیست در اصل از اقسام مایعات مست کننده باشند، محکوم به طهارت هستند، و خرید و فروش و استعمال مایعاتی که با آن ها مخلوط شده اند اشکال ندارد.

**سوال** دارویی بنا به دستور پزشک به صورتی می زنم که دارای الکل است ولی با دارویی دیگر مخلوط شده که قابل خوردن نیست آیا این دارو نجس است؟

**جواب** اگر می دانید الکی که در آن دارو به کار رفته از نوع خوراکی بوده و در اصل مایع و مسکر بوده، بنابراین احتیاط آن دارو نجس است و اگر نمی دانید، پاک است.<sup>۱</sup>

### الکل صنعتی

**سوال** الکل هایی که به عنوان الکل صنعتی به رنگ های مختلف (بی رنگ و قرمز) در کشور و در مراکز مجاز تولید می شود از نظر پاک بودن چه حکمی دارد؟ آیا تفاوتی بین آن ها است؟

**جواب** اگر معلوم نیست که از الکل های مست کننده ای باشند که در اصل مایع هستند، پاک می باشند.

### ۴۰۳

#### الکل طبی

**سوال** آیا الکل‌هایی که در داروسازی و پزشکی برای ضد عفونی یا تزریقات مورد استفاده قرار می‌گیرند نجس هستند؟  
**جواب** اگر الکل موجود در آن، الکل مست کننده‌ای باشد که در اصل مایع بوده است، بنابراین احتیاط واجب نجس است و نمی‌توان با بدن یا لباسی که به آن آغشته شده است، نماز خواند و در صورت شک محکوم به طهارت است.

#### ماء الشعیر

**سوال** حکم ماء الشعیر بدون الکل که در خارج تهیه می‌شود و در اغلب موارد با مقدار بسیار ناچیزی از الکل مثل ۱۰٪ الکل تهیه شده و مسکرنبودن آن محرز می‌باشد چیست؟ اگر مقدار الکل از این هم کمتر باشد، چه؟ لازم به ذکر است که الکل موجود در این نوع آبجو از بیرون به آن تزریق نشده بلکه طی فرایند تخمیر خودبه‌خود تولید می‌شود و پس از آن تحت فشار از آن خارج شده و درصد ناچیزی که گفته شد در آن باقی می‌ماند.

**جواب** ماء الشعیر مذکور پاک و حلال است.<sup>۱</sup>

### ۴۰۴

#### وضو

**سوال** وضو در مساجد و مراکز و ادارات دولتی که دولت در سایر کشورهای اسلامی بنا می‌کند، چه حکمی دارد؟  
**جواب** جایز است و مانع شرعی ندارد.

#### استفاده از آب و برق بدون کنتور

**سوال** زندگی کردن در خانه کسی که بطور غیر قانونی از آب و برق شهری

استفاده می‌کند چه حکمی دارد؟

استفاده از آب و برق سازمان آب و شرکت برق بدون اجازه و نصب کنتور انشعاب از طرف سازمان‌های مربوطه حکم غصب را دارد که حرام و انجام اعمال عبادی با چنین آبی باطل است، مگر آنکه در گذشته خودش غاصب نبوده، و موضوعاً اطلاع از غصب نداشته است که در این صورت اعمال گذشته محکوم به صحت است ولی ضامن هزینه آب و برق مصرفی است.<sup>۱</sup>

### وضو و غسل با لاک

حکم لاک زدن انگشتان پا و دست قبل از وضو و غسل چیست؟ وجود لاک در ناخن دست یا پا - که مانع رسیدن آب به ناخن باشد - موجب بطلان غسل است، همچنین در وضو اگر ناخن دست لاک داشته باشد، وضو باطل است، اما اگر یکی از انگشتان پا لاک نداشته باشد و مسح را روی آن انجام دهد، وضو صحیح است.

۴۰۵

### وضو و غسل با ناخن مصنوعی

اگر کسی ناخن مصنوعی بکارد، برای وضو و غسلش چه باید بکند؟

ناخن مصنوعی و مواد استفاده شده در فرایند کاشت، مانع رسیدن آب به اعضای وضو و غسل است و باید قبل از وضو یا غسل، هرچند مستلزم هزینه یا زحمت باشد - برطرف شود؛ مگر آنکه برطرف کردن آن در وقت نماز حرج و مشقت غیرقابل تحمل داشته باشد، که در این صورت باید وضو و غسل به صورت جبیره‌ای انجام شود، ولی پس از رفع عذر باید برای وضو و غسل بعدی مانع را برطرف کند. در هر حال با توجه به زینت بودن آن باید از نامحرم پوشانده شود.



## کاشت ناخن مصنوعی

### جبیره

آیا می‌توان عمدآگاری کرد که وظیفه وضو و غسل تبدیل به جبیره شود؟ مانند کاشت ناخن یا جراحی بینی که صرفاً به خاطر زیبایی انجام می‌گیرد و ضرورتی ندارد؟ اگر جایز نیست، افرادی که دارای شغل‌هایی هستند که سبب ایجاد مانع می‌شود و برطرف کردن آن برایشان مشقت دارد، آیا در صورت امکان تغییر شغل، وظیفه دارند که آن را تغییر دهند؟ (مانند نقاش‌ها که گاهی پشت بدنشان هم رنگی می‌شود و باید کسی این مانع را برایشان برطرف کند و یا رنگ به‌گونه‌ای است که به راحتی برطرف نمی‌شود).

ایجاد مانعی که موجب تبدل وظیفه وضو و غسل به وضو و غسل جبیره‌ای می‌شود، چنانچه در غیر وقت نماز باشد، مانع ندارد ولی در وقت نماز باید وضو یا غسل را انجام دهد سپس مبادرت به ایجاد مانع نماید، و افراد مشغول به کارهایی که موجب ایجاد مانع می‌شود (مانند نقاشی، یا گچ‌کاری و امثال آن) چنانچه نتوانند در وقت وضو یا غسل آن مانع را برطرف کنند شستن روی همان مانع کفایت می‌کند.



## احکام مسجد

### پرهیز از کارهای خلاف شأن و حرمت مسجد

مراعات شأن و منزلت و جایگاه مسجد واجب است، و از کارهایی که با شأن و منزلت مسجد منافات دارد باید پرهیز شود، بنابراین:

۱. مسجد جای ورزش و تمرین ورزشی نیست.

۲. اگر پخش موسیقی در مسجد منافی با حرمت آن باشد حرام است، حتی اگر موسیقی غیر مطرب باشد.

### خراب کردن مسجد

خراب کردن مسجد، آن را از مسجد بودن خارج نمی‌کند، و از این رو آثار شرعی مسجد را خواهد داشت، اما اگر مسجدی که خراب و متروک شده و به جای آن بنای دیگر ساخته شده یا به خاطر متروک ماندن، آثار مسجدی از آن محو گردیده و امیدی هم به دوباره سازی آن نیست، دیگر حکم مسجد را ندارد؛ بنابراین زمینی که جزء قسمت سرپوشیده مسجد بوده و بر اثر واقع شدن مسجد در مسیر طرح عمرانی شهرداری در خیابان افتاده و قسمتی از آن به علت اضطرار تخریب شده است اگر احتمال برگشت آن به حالت اولیه ضعیف باشد آثار شرعی مسجد را ندارد.

۴۰۷

### پرهیز از عمل نکردن به کیفیت وقف مسجد

مخالفت با کیفیت وقف مسجد یا تغییر و تبدیل آن جایز نیست؛

بنابراین:



۱. استفاده از صحن یا ایوان مسجد برای رشد فکری، فرهنگی، نظامی (با آموزش‌های نظامی) جوانان، تابع کیفیت وقف صحن مسجد و ایوان آن است، و باید از امام جماعت و هیأت امنای مسجد در این باره نظرخواهی شود. البته حضور جوانان در مساجد و برپایی درس‌های دینی زیر نظر امام جماعت و هیأت امنای آن کار خوب و مطلوبی است.

۲. تبدیل مسجد به مکانی برای نمایش فیلم‌های سینمایی جایز نیست، ولی نمایش فیلم‌های مذهبی و انقلابی دارای محتوای مفید و

آموزنده به مناسبت خاص و برحسب نیاز و تحت نظارت امام جماعت مسجد اشکال ندارد.

۳. جواز استفاده از امکانات مسجد، مثل برق و سیستم تهویه در اقامه مجلس فاتحه برای اموات و امثال آن، منوط به کیفیت وقف و نذر آن امکانات برای مسجد است.

۴. حفر زمین مسجد برای تأسیس کارگاه و مانند آن جایز نیست، هرچند برای اداره امور و تأمین مخارج خود مسجد باشد.

۵. ایجاد موزه یا کتابخانه در گوشه صحن مسجد، اگر مخالف کیفیت وقف تالار و شبستان و صحن مسجد باشد و یا موجب تغییر ساختمان مسجد گردد جایز نیست. بهتر این است که مکانی در کنار مسجد برای این منظور تهیه شود.



### احکام وقف مسجد

۱. استفاده شخصی از آب مساجد، مثل نوشیدن، درست کردن چای و مانند آن، در صورتی که ندانیم آب آن برای خصوص وضوگرفتن نمازگزاران وقف شده است و عرف رایج در محله مسجد، این باشد که همسایه‌ها و عبورکنندگان هم از آب آن استفاده می‌کنند اشکال ندارد؛ هرچند احتیاط در این مورد مطلوب است. همچنین اگر مسجد در مجاورت قبرستان باشد، استفاده از آب مسجد برای پوشیدن روی قبرهایی که خارج از آن قرار دارد، در صورتی که امر رایجی باشد و کسی به آن اعتراض نکند و دلیلی هم بر وقف آن آب برای خصوص وضو و تطهیر نباشد اشکال ندارد.

۲. هرگاه در قسمت سرپوشیده مسجد به خاطر عدم آگاهی از احکام شرعی مسجد، اتاق‌هایی ساخته شود، واجب است با خراب



کردن اتاق‌ها، قسمت سرپوشیده را به حالت قبل برگردانند. همچنین اگر در محلی که قبلاً مسجد بوده بر اثر جهل به مسأله، اتاقی برای تهیه چای و مانند آن ساخته شود، واجب است آن مکان به حالت مسجد بودن خود برگردد.

۳. کندن چند درخت از صحن مسجد، اگر تغییر و تبدیل وقف شمرده نشود اشکال ندارد.

#### ۴۰۹

۴. دفن میت در مسجد جایز نیست، و وصیت میت مبنی بر اینکه من را در فلان مسجد دفن کنید اعتباری ندارد؛ مگر هنگام اجرای صیغه وقف، دفن میت استثنا شده باشد.

۵. ایجاد مزاحمت برای نمازگزاران در مسجد جایز نیست، بنابراین تعلیم قرآن و احکام و آموزش اخلاق اسلامی و تمرین سرودهای انقلابی در مسجد در صورتی اشکال ندارد که مزاحمت برای نمازگزاران نداشته باشد.

۶. زیر زمین مسجد را با سه شرط می‌توان اجاره داد:

الف: عنوان مسجد نداشته باشد.

ب: جزو تأسیسات مورد نیاز مسجد نباشد.

ج: وقف آن به صورت وقف انتفاع نباشد. (وقف منفعت باشد)

#### ۴۱۰

### اموال مسجد

من در مسجدی نماز خواندم و مهر مسجد را با خودم آوردم، حالا با

مهر مسجد چه کنم؟

باید به همان مسجد برگردانید.





## متعلقات مسجد

**سوال** آیا چایخانه و کفشداری و کتابخانه و سرویس بهداشتی مسجد، از مکان‌هایی هستند که جُئِب نمی‌تواند بدون غسل وارد آنجا شود؟  
**جواب** متعلقات مسجد که صیغهُ مسجد بودن بر آن خوانده نشده، جزو مسجد محسوب نمی‌شود و احکام مسجد را ندارد، لذا توقف جنب در آن اشکال ندارد.

## خرافه کوبیدن درب مسجد

**سوال** چند سالی است در شب اول ماه ربیع‌الأول حرکتی در بعضی مساجد باب شده است که شائبه بدعت و یا ترویج نوعی خرافه در آن می‌رود، ماجرا از این قرار است که در شب اول ماه ربیع‌الأول از حدود نیمه‌شب تا اذان صبح، افرادی که غالباً خانم‌ها هستند با در دست داشتن شمع به پشت درب مساجد مراجعه کرده و با کوبیدن درب مساجد و خواندن اذکاری، توسل جسته و حاجات خود را طلب می‌نمایند، البته این عمل را تا هفت مسجد ادامه می‌دهند و این حال توسل تا اذان صبح به اوج خود می‌رسد و معتقد هستند بدین وسیله اتمام ماه صفر و آمدن ماه ربیع‌الأول را خبر می‌دهند، نظر حضرت‌عالی در این باره چیست؟

**جواب** عمل مذکور مستند روایی ندارد و شیوه‌ای قابل تأیید نیست. اگر چه اصل اذکار و ادعیه و طلب حاجات از خداوند متعال عمل پسندیده‌ای است، لکن اشکال در شیوه عمل به نحو یاد شده است، آقایان علمای اعلام (دامت افاضاتهم) و مؤمنین (بیدهام الله تعالی) با پند و اندرز و موعظه و نصیحت از رواج چنین رفتارهایی که چه بسا ممکن است منتهی به وهن مذهب گردد، جلوگیری نمایند.<sup>۱</sup>



## نماز

### اعراض از وطن



﴿نماز﴾ مراد از اعراض از وطن چیست؟ آیا مجرد ازدواج زن و رفتن وی همراه شوهر به هر جایی که او می‌خواهد، اعراض محسوب می‌شود یا خیر؟

﴿نماز﴾ اعراض با خروج از وطن با تصمیم بر عدم بازگشت به آنجا و همچنین با علم یا اطمینان به عدم امکان بازگشت محقق می‌شود؛ و مجرد رفتن زن به خانه شوهر در شهر دیگر، مستلزم اعراض از وطن اصلی اش نیست.

### تیره شدن مهر

﴿نماز﴾ وظیفه ما در مورد مهرهایی که سطح آن‌ها تیره است، چیست؟ صرف تیره شدن، مانع سجده نیست، اما اگر چرک روی مهر، ضخامت و جرم داشته باشد، به گونه‌ای که مانع رسیدن پیشانی - به مقدار لازم - به مهر گردد، سجده بر آن صحیح نیست.



### نماز خواندن معذور

﴿نماز﴾ اگر کسی می‌تواند نماز را ایستاده بخواند، ولی هنگام برخاستن فشار زیادی به زانوهایش وارد می‌شود، آیا می‌تواند نمازش را روی صندلی بخواند؟

﴿نماز﴾ اگر با تکیه بر چیزی یا کمک گرفتن هنگام برخاستن، ترس ضرر رفع می‌شود باید بایستند، در غیراین صورت نماز را ایستاده شروع کند و در بین نماز هرگاه برخاستن برای ایشان ضرر یا خوف ضرر داشت، ادامه نماز را نشسته بخواند.



## نماز بر روی صندلی



**سوال** به خاطر زانو درد نماز را روی صندلی می‌خوانم - البته حمد و سوره را ایستاده می‌خوانم - اگر در آینده ایستادن هم ضرر داشته باشد، می‌توانم تمام نماز را نشسته بخوانم؟

**جواب** به طور کلی انسان تا می‌تواند باید ایستاده نماز بخواند، هر چند با تکیه کردن بر چیزی باشد و اگر نمی‌تواند تمام نماز را ایستاده بخواند، هر قدر توان دارد ایستاده و بقیه را نشسته بخواند و اگر اصلاً قدرت ایستادن ندارد، یا مشقت زیاد دارد، یا خوف ضرر دارد، می‌تواند نشسته نماز بخواند.

## سجده در نماز بر روی صندلی

**سوال** کسی که طبق وظیفه، روی صندلی نماز می‌خواند، آیا برای سجده می‌تواند مهر را با دست برپیشانی بگذارد؟

**جواب** اگر می‌تواند خم شود، باید در حد امکان شرایط سجده را رعایت کند، یعنی مهر و کف دست‌ها را روی میز و مانند آن و سرد و انگشت بزرگ پا را روی زمین، قرار دهد، ولی قرار دادن زانوها بر چیزی لازم نیست.

۴۱۳

## قضای نماز در مدت بیهوشی

**سوال** اگر دکتر، مریض را به دستور خود مریض بیهوش کند، آیا مریض نمازهای قضا شده را باید اعاده کند؟

**جواب** اگر بیهوشی مستند به خودش باشد یعنی خود او خواسته باشد که برای عمل بیهوش شود، قضای نمازهایش بنا بر احتیاط، واجب است. لذا بنا بر احتیاط واجب باید نمازهای واجب ایام بیهوشی را قضا کند.

## ازدواج با بی نماز

**سوال** آیا ازدواج با کسی که التزام به اصول عقاید دینی دارد، ولی نماز نمی‌خواند، جایز است؟

**جواب** اگرچه ازدواج فی نفسه اشکال ندارد، ولی نماز از مهمترین واجبات است و سزاوار است همسری انتخاب کنید که سست مذهب نباشد.

## نماز با دستکش

**سوال** آیا خواندن نماز با پوشیدن دستکش هرچند ضخیم باشد اشکال دارد؟

**جواب** اشکال ندارد.

۴۱۴

## خمس

## خمس ندادن

**سوال** آیا استفاده از اموال و غذای کسی که خمس نمی‌دهد، جایز است؟

**جواب** اشکال ندارد، اما با وجود شرایط امریه معروف، باید او را به پرداخت خمس امر کنند.

**سوال** اگر شرکای من حساب سال خمسی نداشته باشند، تکلیف من چیست؟

**جواب** برهبریک از شرکاء واجب است که حقوق شرعی سهام خود را بپردازند و اگر بقیه شریک‌ها آن را پرداخت نمی‌کنند شما باید به وظیفه خود عمل نموده و خمس خود را پرداخت کنید.

## خمس قرض الحسنه مستأجر

**سوال** آیا به مبلغی که صاحب خانه (موجر) از مستأجر به عنوان قرض الحسنه (رهن) می‌گیرد، خمس تعلق می‌گیرد؟

**جواب** مبلغ مذکور خمس ندارد.



### خمس وام

**سوال** چند سال پیش از بانک وام گرفته و آن را به مدت یک سال به حساب بانکی ام واریز کردم، و بدون آن که موفق به استفاده از آن وام شوم، همراه قسط آن را می‌پردازم، آیا به این وام، خمس تعلق می‌گیرد؟

**پاسخ** خمس آن مقدار از وام مزبور که اقساط آن را تا سرسال خمسی از منفعت کسب خود پرداخت کرده‌اید، واجب است.

۴۱۵

### خمس پاداش پایان خدمت

**سوال** به کارمندانی که بازنشسته می‌شوند مبلغی به عنوان پاداش پایان خدمت اعطا می‌شود، آیا این پاداش خمس دارد؟

**پاسخ** خمس ندارد.

### خمس سهام عدالت

**سوال** سهام عدالت خمس دارد یا خیر؟

**پاسخ** اگرهدیۀ دولت است خمس ندارد؛ ولی اگر به صورت اقساط واگذار شده، به مقدار اقساطی که تا سرسال خمسی از درآمد پرداخت شده، مشمول خمس است!

### خمس ودیعه حج

**سوال** آیا مبلغی که ودیعه‌گذار حج چند سال قبل گذاشته خمس دارد؟

**پاسخ** اصل سپرده اگر از درآمد کسب بوده و خمس آن داده نشده، خمس دارد اما سود حاصله اگر پیش از سال عزیمت به سفر حج قابل وصول نبوده، جزو درآمد سال وصول محسوب می‌شود که اگر در همان سال هزینه سفر حج شود، خمس ندارد.

### خمس بیمه بیکاری

سوال آیا به پولی که سازمان تأمین اجتماعی تحت عنوان بیمه بیکاری یا توسط شرکت های بیمه بابت جبران خسارت پرداخت می شود، خمس تعلق می گیرد؟

جواب به طور کلی پول دریافتی از بیمه که ناشی از پرداخت حق بیمه توسط بیمه گذار نباشد، مانند بیمه بیکاری، برای دریافت کننده، هدیه است و خمس ندارد؛ اما اگر ناشی از پرداخت حق بیمه توسط بیمه گذار باشد مانند بیمه جبران خسارت، درآمد است و خمس دارد.

۴۱۶

### احکام آرایش

#### کاشت ناخن مصنوعی

سوال کاشت ناخن مصنوعی برای بانوان چه حکمی دارد؟  
جواب کاشت ناخن فی نفسه اشکال ندارد و با فرض صدق زینت، باید از ناخمرم پوشانده شود.



#### برداشتن ابرو

سوال زن اگر ابروی خود را بردارد، آیا پوشیدن کل ابرو لازم است یا اینکه مقداری از آن را بگیرد، کفایت می کند؟  
جواب در صورتی که زینت محسوب شود باید آن را به طوری که زینت معلوم نباشد، بپوشاند.<sup>۱</sup>

#### استفاده بانوان از عطر

سوال آیا استفاده از عطر برای بانوان هنگام بیرون رفتن از خانه، حرام است؟

جواب اگر به گونه ای باشد که موجب جلب توجه ناخمرم می شود، باید از آن اجتناب شود.



## پوشش و عفاف

- سوال ۱:** زدن کرم‌های ضدآفتاب در فصل تابستان باتوجه به بوی آن‌ها برای بانوان چه حکمی دارد؟
- ۲:** زدن عطر در این فصل برای جلوگیری از بوی عرق بدن برای آنان چه حکمی دارد؟
- تذکره:** فی‌نفسه مانعی ندارد ولی اگر جلب توجه نامحرم می‌کند باید از کنار نامحرم عبور نکنند.<sup>۱</sup>

۴۱۷

## پوشش در مقابل نامحرم

- پوشش زن در مقابل نامحرم باید به گونه‌ای باشد که:
- به جزگردی صورت و میچ دست به پایین (بدون آرایش و زیورآلات) آشکار نباشد؛
  - برجستگی‌ها و زیبایی‌های بدن زن، با وجود پوشیدن آن، آشکار نباشد؛
  - رنگ و خصوصیات آن به گونه‌ای نباشد که جلب توجه کند و موجب تحریک اطرافیان شود.

## پوشیدن لباس ضد فرهنگ اسلامی

**الف:** پوشیدن هر نوع لباسی که ترویج فرهنگ ضد اسلامی است، حرام است.

**ب:** پوشیدن لباس‌هایی که روی آن حروف و تصاویر خارجی چاپ شده، به خودی خود ایراد ندارد. اما اگر ترویج فرهنگ ضد اسلامی باشد، حرام بوده و تشخیص آن به عهدهٔ عُرف است.

۱ - استفتائات جدید، لباس شهرت و احکام پوشش.

### تحریک شهوت

- ۱- خواندن کتاب‌ها و اشعار مبتذل که باعث تحریک شهوت می‌شوند، حرام است.
- ۲- خرید و فروش فیلم‌هایی که محرک شهوت است و موجب انحراف (ولو جزئی) می‌گردد، یا شامل موسیقی حرام است و همچنین تولید یا اجاره این فیلم‌ها یا اجاره دستگاه برای پخش چنین فیلم‌هایی و به این قصد، حرام است.
- ۳- دیدن فیلم‌هایی که کارهای جنسی را به نمایش می‌گذارد، چون همراه با تحریک شهوت است، حرام است.

### لمس و نظر

- ۱- در احکام نظر کردن، افراد متأهل نیز حکم شخص مجرد را دارند.
- ۲- دست دادن و تماس بدنی مرد با زن نامحرم حرام است؛ اگرچه غیر مسلمان باشد.
- ۳- زنان پیر نیز باید حجاب را رعایت کنند و مردان نیز در نگاه کردن باید رعایت کنند.
- ۴- نگاه کردن به مجسمه‌های عریان (که مربوط به فرد خاصی نیست) اگر تحریک‌آمیز نباشد و به علاوه خوف ارتکاب گناه هم وجود نداشته باشد، جایز است.
- ۵- ظهور و چاپ عکس‌های خانوادگی یا عروسی که خانم‌ها بدون حجاب کامل می‌باشند، توسط عکاس‌هایی که آن‌ها را نمی‌شناسند، بدون لذت جنسی و خوف وقوع در گناه، اشکال ندارد.



## وام و امور بانکی

### مصرف وام بانکی در غیر جهت تعیین شده

در صورتی که گیرنده وام قصد مصرف آن در مورد قرارداد را - که تعمیر خانه است - نداشته باشد، حکم وضعی و تکلیفی آن را بیان فرمایید؟

اگر بانک وامی را برای کسی که می‌خواهد خانه‌اش را تعمیر کند اختصاص داده، شخص دریافت کننده اگر قصد تعمیر منزل را ندارد از همان ابتداء حق گرفتن چنین مبلغی را نداشته و مالک آن نمی‌شود. و از تسهیلات بانکی باید در همان جهتی که تعیین شده استفاده کنند و در غیر آن جایز نیست.<sup>۱</sup>

اگر از بانک وام تعمیر خانه یا وام خرید کالا دریافت کنیم و آن را صرف مورد دیگری کنیم، اشکال دارد؟

پول‌هایی که بانک‌ها می‌پردازند غالباً وام (قرض) نیست، بلکه تحت عنوان یکی از عقود اسلامی از قبیل جعاله، مشارکت، مضاربه و امثال آن می‌باشد. بنابراین، گیرنده پول فقط طبق همان قراردادی که منعقد کرده حق تصرف دارد و گرنه تصرف غاصبانه و موجب ضمان است.

### فروش وام مسکن

آیا فروش وام مسکن شرعاً اشکال دارد؟

اگر از طریق شرعی، حق وام پیدا شده باشد و از نظر قانونی منعی نداشته باشد، مصالحه امتیاز آن مانع ندارد.<sup>۲</sup>

۱ - استفتائات جدید، وام و معاملات بانکی.

۲ - همان.

### اعطای وام به شرط افتتاح حساب

اینجانب برای خرید خودرو از صندوق قرض الحسنه مبلغی را به عنوان وام درخواست نموده‌ام، صندوق پرداخت مبلغ مذکور را مشروط به باز نمودن حساب با موجودی مبلغ یک میلیون تومان اعلام داشته، ضمن اینکه این مبلغ تا پایان پرداخت اقساط وام (۴۸ ماه) قابل برداشت نبوده و هیچ سودی هم در قبال این مبلغ به دریافت کننده وام پرداخت نخواهد شد.

اگر پرداخت وام در قرارداد وام مشروط به سپردن مبلغی به صندوق باشد، چنین قراردادی ربوی و حرام است، ولی اصل قرض صحیح و پول قرضی حلال است، و چنانچه از باب تخصیص اعطای وام به کسانی باشد که در صندوق سپرده دارند، اشکال ندارد.

۴۲۱

### صندوق‌های قرض الحسنه خانگی

در بین مردم رایج شده که تعدادی از افراد، مثلاً بیست نفر، ماهانه هر کدام ده هزار تومان طبق قراردادی که همه آن را قبول کرده‌اند، روی هم می‌گذارند و هر ماه آن را به قید قرعه برای رفع گرفتاری‌های مالی به یکی از افراد می‌دهند و فردی که پول را می‌گیرد هر ماه همان ده هزار تومان را تا تمام شدن قسط می‌پردازد و بقیه نیز به قید قرعه و نوبت پول را می‌گیرند و هیچ‌گونه سود یا کارمزد به هیچ‌کس تعلق نمی‌گیرد، لطفاً حکم شرعی این مسأله را بفرمایید.

مشارکت در قرض دادن به اعضای صندوق به شرح مذکور اشکال ندارد.<sup>۱</sup>

### حق عضویت و کارمزد صندوق قرض الحسنه

صندوق قرض الحسنه خانگی تشکیل داده‌ام و مقدار مشخصی پول به عنوان سپرده و حق عضویت از متقاضیان وام دریافت



می‌کنم و با تجمیع سپرده‌ها به نوبت به آنان وام می‌دهم.  
**اولاً:** دریافت حق عضویت (که معین و مشخص است و همه باید برای دریافت وام آن را بپردازند) جایز است؟  
 اشکال ندارد.

**ثانیاً:** توجه به اینکه صندوق خانگی است و برخی هزینه‌ها مثل اجاره‌بها، حقوق پرسنل و... ندارد، آیا کارمزد (حق الزحمه) جایز است؟ مقدار کارمزد به چه شکل تعیین می‌شود؟  
 با توجه به اینکه مبالغ قرض ملک شما نیست و از پول خودتان قرض نمی‌دهید، دریافت کارمزد شرط خاصی ندارد و تابع توافق اعضا است.

۴۲۲

### سود سپرده بانکی

**پول:** پولی در بانک سپرده گذاری کرده ام، و هر ماه سود به آن تعلق می‌گیرد آیا این سود حکم ربا را دارد و حرام است؟  
 اگر آن مبلغ اضافی و سودی که بانک می‌دهد از درآمد حاصل از به کارگیری سپرده به وکالت از سپرده گذار در ضمن یکی از عقود شرعی صحیح باشد، ربا نیست، بلکه سود معامله شرعی است و اشکال ندارد.

**پول:** دریافت سود از بانک با توجه به اینکه نمی‌دانیم بانک، سپرده ما را در چه نوع فعالیت‌هایی به کار می‌برد، چه حکمی دارد؟  
 اگر سپرده گذاری در بانک به این صورت باشد که سپرده گذار برای انجام معاملات شرعی و به‌عنوان وکالت، همه اختیارات حتی انتخاب نوع فعالیت و تعیین سهم سپرده گذار از سود را به بانک داده باشد، این سپرده گذاری و دریافت سود حاصل از به کارگیری پول، اشکال ندارد.



### فروش چک



[چک به منزله سند است و معامله از قبیل معامله دین به حال (نقد) است و اشکالی ندارد. بنابراین خرید و فروش چک اگر واقعاً در مقابل طلب باشد مانعی ندارد و اگر چک دوستانه و برای اعتبار از کسی گرفته جایز نیست.]

**سوال** معامله چک و سفته مدت دار به صورت نقد به قیمتی کمتر از مبلغ آن که امروزه رایج است، چه حکمی دارد؟

**جواب** فروش چک مدت دار به دیگری به کمتری یا بیشتر از مبلغ مندرج در چک جایز است و اشکال ندارد. آنچه اشکال دارد و جایز نیست، این است که مبلغی از کسی قرض بگیرد و در برابر آن، چک مدت دار به مبلغ بیشتر از مبلغ قرض به او بدهد؛ این عمل قرض ربوی است و حرام است، اگرچه بعید نیست اصل قرض صحیح باشد.

### تورم و کاهش ارزش در قرض

**سوال** اگر پولی قرض داده شود و شرط شود که قرض گیرنده تورم را هم موقع اداء بدهد چه حکمی دارد؟

**جواب** جایز است و صدق زیاده نمی‌کند.



### جبران افت ارزش پول

**سوال** حکم اداء دین پس از مدت طولانی با فرض تحقق تفاوت قدرت خرید و مطالبه مابه‌التفاوت از طرف مقرض چیست؟

**جواب** اگر دین پول باشد، در مقدار تفاوت فاحش قدرت خرید احوط اتصال است.

### پرداخت تورم توسط بدهکار

**سوال** اگر پولی قرض داده شود و شرط شود که قرض گیرنده تورم را هم موقع ادا بدهد چه حکمی دارد؟  
**جواب** جایز است و صدق زیاده نمی کند.

**سوال** اگر چنین شرطی نشود و قرض گیرنده در موعد مقرر دینش را پرداخت کند آیا بدهکار، مکلف به پرداخت تورم است؟  
**جواب** در صورت درخواست طلبکار، باید جبران کند مگر در مواردی که شرط شده باشد ولو به نحو اتکازی که همان مبلغ عودت داده شود همانند قرضی که مستأجر به موجرمی دهد یا قرض الحسنه‌ای که بانک‌ها می‌پردازند.

۴۲۵

### تصرفات

#### استفاده از پمپ آب

**سوال** استفاده از پمپ آبی که در ورودی لوله آب منزل نصب می‌شود، چه حکمی دارد؟  
**جواب** اگر طبق مقررات و دستورالعمل سازمان مربوطه نصب شده باشد، اشکال ندارد وگرنه جایز نیست.

#### استفاده از اینترنت دیگران بدون اجازه

**سوال** آیا استفاده از اینترنتی که دارای رمز نیست و دائماً روشن است و امکان دارد که آن فرد آگاه از استفاده باشد، آیا حق الناس محسوب می‌شود؟ اگر محسوب شود باید چه کرد؟

**جواب** اگر نسبت به رضایت مالک اطمینان نداشته باشد، استفاده از آن جایز نیست و هزینه مقداری را که استفاده کرده‌اید، ضامن هستید.  
**سوال** با استفاده از تلفن همراه، اینترنت دیگران را هک می‌کردم و از





اینترنت آن‌ها بدون اجازه استفاده می‌نمودم، اکنون چه وظیفه‌ای دارم؟ متأسفانه برخی از آن‌ها را نمی‌شناسم.

**سوال** باید توبه کنید و به تعدادی از صاحبان اینترنت که می‌شناسید و دسترسی دارید، هزینه اینترنت مصرفی را برسانید یا رضایت ایشان را کسب کنید و مقداری که صاحبانشان را نمی‌شناسید یا دسترسی ندارید، از طرف صاحبانشان به فقیر صدقه بدهید.



### عدم تخلیه ملک پس از پایان اجاره

**سوال** اگر کسی ملکی را اجاره کرد و پس از مدت تعیین شده تخلیه نکرد، چه حکمی دارد؟

**سوال** بدون اجازه مالک، بعد از مدت اجاره، حکم غضب را دارد.

### اموال اعراض شده

**سوال** اگر وسیله‌ای پیدا کنیم که مشخص باشد آن را دور انداخته‌اند، اما آن وسیله برای ما کارایی دارد، آیا می‌توانیم آن را برداریم یا نه؟

**سوال** با احراز آنکه از آن وسیله اعراض شده، تصرف در آن مانع ندارد.

**سوال** استفاده از سبزی خوردکن‌های عمومی بازار یا آبغوره و آبمیوه‌گیری که مقداری از مال شخص قبلی در آن، بجا مانده است و با مال ما مخلوط می‌شوند اشکال دارد یا نه؟

**سوال** با توجه به اینکه در فرض مذکور، استفاده کننده قبلی از باقی مانده مواد در دستگاه اعراض می‌کند یا علم به رضایت او داریم، اشکال ندارد.

### تصرفات جزئی

**سوال** آیا تصرفات جزئی مثل رد شدن از روی مصالح ساختمانی کنار خیابان، یا بعضی چیزهای کم ارزش دیگران که به دست ما

می‌رسد، اشکال دارد یا نه؟  
 در فرض مرقوم استفاده اشکالی ندارد.

۴۲۷

### استفاده از دفترچه بیمه دیگران

استفاده از دفترچه بیمه دیگران از نظر قانون و شرع جایز نیست.

#### حق چاپ و تألیف

**سوال** نظر حضرتعالی راجع به شکستن قفل سی دی یا کپی رایت که الان بعضی‌ها دست به چنین کاری می‌زنند چیست و حکم خرید چنین سی دی‌هایی برای مردم چیست؟  
**جواب** لازم است که در نسخه برداری و تکثیر سی دی حقوق صاحبانش از طریق کسب اجازه از آنان رعایت شود و خرید آن خالی از اشکال نیست و رعایت مقررات و قوانین مربوط به آن لازم می‌باشد.  
**سوال** آیا ترک مطالبه حق یا تأخیر در مطالبه آن مثلاً به مدّت دو سال شرعاً موجب سقوط حق می‌شود؟  
**جواب** مجرد عدم مطالبه حق، یا تأخیر در آن برای مدّتی، موجب سقوط حق نمی‌شود مگر در صورتی که حق فی نفسه محدود به زمان معینی باشد.

#### ضمان اُفت قیمت ماشین در صورت تصادف

**سوال** اینجانب تصادف کرده‌ام و مقصر بوده‌ام و بیمه پاسخگوی شخص مقابل بوده ولی ایشان از من بابت اُفت قیمت ماشین شکایت نموده. آیا بنده ضامن اُفت قیمت ماشین طرف مقابل هم هستم یا همان مبلغی که بیمه به عنوان خسارت می‌دهد کفایت می‌کند؟  
**جواب** ضامن تفاوت قیمت هستید.



## احکام خانواده

### هزینه نگهداری والدین



سوال هزینه‌های نگهداری والدین به عهده چه کسی است؟ پسران یا دختران؟ اگر والدین خود درآمد داشته باشند، نگهداری‌شان به عهده چه کسی است؟

جواب اگر پدر یا مادر درآمد کافی داشته باشد، مخارج زندگی او بر عهده کسی نیست، در غیر این صورت بر عهده فرزندان - دختر و پسر - است و ترجیحی بین فرزندان وجود ندارد و باید به گونه‌ای رفتار نمود که موجب ایذاء یا هتک حرمت آن‌ها نشود.

### نفقه تحصیل فرزندان

سوال آیا نفقه تحصیل فرزندان، مثلاً تحصیل در مقطع ابتدایی و... جزء نفقه واجب بر عهده پدر می‌باشد؟

جواب اگر فرزند توانایی مالی ندارد، در حدی که عرفاً محتاج به تحصیل است، از قبیل مقطع دوره ابتدایی، هزینه‌های تحصیل به عهده پدر می‌باشد.

### إذن پدر در ازدواج دختر

دختری که شاغل و مستقل است و یا سنی از او گذشته و هنوز دوشیزه مانده، برای ازدواج نیاز به اجازه پدر دارد و بالا بودن سن و استقلال مالی دختر، إذن پدر را ساقط نمی‌کند.

سوال آیا ازدواج (موقت یا دائم) با دختر باکره‌ای که صلاح و مصلحت زندگی خود را می‌داند و به بلوغ فکری هم رسیده است، نیاز به إذن





پدر دارد؟

❖ بنابر احتیاط واجب اجازه پدر یا جد پدری او لازم است و بدون آن بنابر احتیاط واجب عقد صحیح نیست.



### برگزاری مجالس عزاداری در منزل

❖ برپا کردن مجالس عزاداری در منزل، بدون اجازه و رضایت شوهر

چه حکمی دارد؟

❖ به طور کلی استفاده از منزل و آنچه در آن است اگر ملک شوهر باشد، باید با اجازه و رضایت او باشد، و در غیراین صورت اگر منافاتی با وظیفه زن در قبال شوهر نداشته باشد اشکال ندارد.

### مصرف یارانه

❖ آیا پدر و مادر می‌توانند یارانه فرزندان را در امور جاری زندگی

مصرف کنند؟

❖ یارانه، مساعده دولت به سرپرست خانواده است و ملک اوست و نحوه مصرف آن در اختیار اوست.



### پزشکی

#### وجوب کفایی درمان بیماران مسری

❖ آیا درمان بیماران مبتلا به ویروس کرونا بر کادر درمانی و پزشکان

واجب است؟

❖ حفظ جان مسلمان، واجب کفایی است و خدمت رسانی به

بیماران از بهترین اعمال صالح است.

❖ اگر کسی از کادر درمانی بیمارستان‌ها، در راه خدمت رسانی به



بیماران مبتلا به کرونا از دنیا بروند، آیا شهید محسوب می‌شود؟  
 ﴿جواب﴾ ان شاء الله پاداش عظیم شهدا را خواهد داشت ولی حکم شهید در جنگ را ندارد.

### تشریح میّت مسلمان و دفن اجزاء

﴿سؤال﴾ بررسی بیماری‌های قلب و عروق و برگزاری سلسله مباحث راجع به آن، برای کشف مسائل جدید، مستلزم دستیابی به قلب و عروق افرادی است که از دنیا رفته‌اند، تا معاینه و آزمایش بر روی آن‌ها انجام شود، با توجه به اینکه آنان بعد از آزمایشات و بررسی‌ها بعد از یک روز یا بیشتر اقدام به دفن آن‌ها می‌کنند، سؤال این است:

- ۱- آیا انجام این بررسی‌ها بر روی جسد فرد مسلمان جایز است؟
- ۲- آیا دفن قلب و عروقی که از جسد میّت برداشته شده‌اند، جدا از آن جسد، جایز است؟
- ۳- با توجه به مشکلات دفن قلب و عروق به طور جداگانه، آیا دفن آن‌ها همراه با جسد دیگر، جایز است؟

﴿جواب﴾ اگر نجات نفس محترمی یا کشف مطالب جدید علم پزشکی که مورد نیاز جامعه است و یا دستیابی به اطلاعاتی راجع به بیماری که زندگی مردم را تهدید می‌کند، منوط به آن باشد، تشریح جسد میّت اشکال ندارد، ولی واجب است تا حد امکان از جسد مسلمان جدا مسلمان استفاده نشود و اجزایی هم که از جسد فرد مسلمان جدا شده‌اند، در صورتی که دفن آن‌ها با جسد، حرج یا محذوری نداشته باشد، واجب است با خود جسد دفن شود و الاّ دفن آن‌ها به طور جداگانه و یا با جسد میّت دیگر جایز است.



### تشریح جسد برای تشخیص جرم

﴿سؤال﴾ آیا می‌توان برای تشخیص جرم در مرگ‌های مشکوک، کالبد شکافی

کرد یا نه؟ آیا قاضی شرع، بدون رضایت ولی می‌تواند اقدام کند؟  
 اگر کشف حقیقت متوقف بر آن باشد، اشکال ندارد و اجازه‌ی ولی شرط است؛ مگر اینکه کشف حقیقت متوقف بر آن بوده و قاضی نیز آن را لازم بداند.

### اهداء اعضای بیمار مرگ مغزی

**پرسش** بعضی از افراد دچار ضایعات مغزی غیر قابل درمان و برگشت می‌شوند که بر اثر آن، همه‌ی فعالیت‌های مغزی آنان از بین رفته و به حالت اغمای کامل فرو می‌روند و همچنین فاقد تنفس و پاسخ به محرکات نوری و فیزیکی می‌شوند، در این‌گونه موارد احتمال بازگشت فعالیت‌های مذکور به وضع طبیعی کاملاً از بین می‌رود و ضربان خودکار قلب مریض باقی می‌ماند که موقت است و به کمک دستگاه تنفس مصنوعی انجام می‌گیرد و این حالت به مدت چند ساعت و یا حداکثر چند روز ادامه پیدا می‌کند، وضعیت مزبور در علم پزشکی مرگ مغزی نامیده می‌شود که باعث فقدان و از دست رفتن هر نوع شعور و احساس و حرکت‌های ارادی می‌گردد و از طرفی بیمارانی وجود دارند که نجات جان آنان منوط به استفاده از اعضای میتلایان به مرگ مغزی است، بنابراین آیا استفاده از اعضای مبتلا به مرگ برای نجات جان بیماران دیگر جایز است؟

**پاسخ** اگر استفاده از اعضای بدن بیمارانی که در سؤال توصیف شده‌اند، برای معالجه بیماران دیگر، باعث تسریع در مرگ و قطع حیات آنان شود، جایز نیست، در غیر این صورت اگر عمل مزبور با اذن قبلی وی صورت بگیرد و یا نجات نفس محترمی متوقف بر آن عضو مورد نیاز باشد، اشکال ندارد.



### اهداء اعضا بعد از مرگ و وصیت به آن

**سوال** علاقمند هستم اعضای خود را هدیه کرده و از بدن من بعد از مردن استفاده شود و تمایل خود را هم به اطلاع مسئولین رسانده ام. آنان نیز از من خواسته اند که آن را در وصیتنامه ی خود نوشته و ورثه را هم از خواست خود آگاه کنم، آیا چنین حقی را دارم؟

**جواب** استفاده از اعضای میت برای پیوند به بدن شخص دیگر برای نجات جان او یا درمان بیماری وی اشکال ندارد و وصیت به این مطالب هم مانعی ندارد، مگر در اعضای که برداشتن آن‌ها از بدن میت، موجب صدق عنوان مثله باشد و یا عرفاً هتک حرمت میت محسوب شود.

### تسریع در مرگ بیمار (اتانازی یا قتل از روی ترحم)

«اتانازی»<sup>۱</sup> بر سه قسم است:

- ۱- نوع فعال که با تجویز داروی کشنده از طرف پزشک به زندگی بیمار خاتمه داده می‌شود.
- ۲- نوع انفعالی، به صورت خودداری از ادامه ی مداوا و زنده نگاه داشتن بیمار محض.
- ۳- نوع غیر مستقیم، با قرار دادن داروهای به مقدار زیاد در دسترس بیمار تا بیمار شخصاً به زندگی پرنج خویش پایان دهد.

**سوال** استفاده از کدام یک از اقسام فوق بلاشکال است؟

**جواب** حفظ محض و تأخیر مرگ او واجب نیست، بنابراین قسم دوم مانع ندارد. ولی هر کاری که موجب مردن او باشد، مثل دو قسم دیگر جایز نیست. (و در فرض اول در صورتی که موجب قتل شود، قصاص یا دیه ی آن واجب می‌گردد.)

۱ - از «اتانازی» در فارسی به «قتل از روی ترحم» و «بیمارکشی با ترحم» تعبیر می‌شود و به منظور کوتاه کردن مدت درد و رنج بیمار لاعلاجی است که بر اساس دانش پزشکی امروز، هیچ امیدی به شفا و یا بهبود او وجود ندارد.

## سقط جنین (کورتاز)

**سوال** پزشکان متخصص می‌توانند از طریق استفاده از روش‌ها و دستگاه‌های جدید، نواقص جنین در دوران بارداری را تشخیص دهند و با توجه به مشکلاتی که افراد ناقص الخلقه بعد از تولد در دوران زندگی با آن مواجه می‌شوند، آیا سقط جنینی که پزشک متخصص و مورد اطمینان آن را ناقص الخلقه تشخیص داده، جایز است؟

**جواب** سقط جنین در هرستی به مجرد ناقص الخلقه بودن آن و یا مشکلاتی که در زندگی با آن مواجه می‌شود، جایز نمی‌شود.

## سقط جنین

**سوال** شخصی به علت عدم تمایل به بچه‌دار شدن، اقدام به سقط جنین کرده است؛ برای جبران گناه چه کاری باید انجام دهد؟

**جواب** سقط جنین حرام است و توبهٔ جدی از آن لازم است و کسی که مباشر در سقط بوده است باید دیه پرداخت کند و دیه به وارث جنین با رعایت طبقات ارث پرداخت می‌شود، ولی وارثی که مباشر در سقط جنین بوده است، از دیه سهمی ندارد.

## چند مساله

## اعتکاف در منزل

**سوال** با توجه به تعطیل شدن مراسم اعتکاف (به جهت ویروس کرونا)، آیا برگزاری آن در خانه صحیح است؟

**جواب** اعتکاف در خانه، صحیح نیست.

### خواندن زیارت اربعین خارج از حرم

**سوال** در ایام اربعین به علت ازدحام شدید، ورود به حرم حسینی و گاهی بین الحرمین بسیار دشوار و برای برخی ناممکن است و گاهی موجب اذیت دیگران می‌شود. در این شرایط آیا خواندن زیارت از محدوده اطراف حرم کافی است؟ در فرض مذکور کفایت می‌کند.

۴۳۶

### غسل و کفن میت بیمار مسری

**سوال** اگر شخصی بر اثر بیماری واگیردار کرونا و ویروس که طبق نظر متخصصان، سرایت سریعی دارد، فوت کند در خصوص غسل، کفن و نماز چنین میتی وظیفه چیست؟

**جواب** مجرد ابتلای به این بیماری، موجب سقوط احکام واجب مربوط به میت نمی‌شود؛ بنابراین با مراعات کامل نکات بهداشتی و استفاده از تجهیزات ایمنی-هرچند با صرف هزینه - باید حداقل واجب در مورد غسل، حنوط، کفن، نماز میت و دفن انجام گیرد و در صورت عدم امکان غسل ترتیبی، باید به صورت ارتقاسی، غسل داده شود و در صورت عدم امکان غسل، با دست میت، میت را به ترتیب، بدل از غسل با آب و سدر، غسل با آب و کافور و غسل با آب خالص، تیمم داده و حنوط کنند و - هرچند از روی لباس - کفن کرده و دفن نمایند.

۴۳۷

### پودر ژلاتین

**سوال** استفاده از پودر ژلاتین که عموماً از خارج کشور وارد می‌شود چه حکمی دارد؟

حلیت و حرمت ثلاثین بستگی به موادی دارد که از آن تهیه می‌شود؛ اگر از گیاهان یا حیوان حلال گوشتی که ذبح شرعی شده یا از استخوان حیوان حلال گوشتی که ذبح شرعی نشده ولی معلوم است که تطهیر شده تهیه شده است، حلال است، اما اگر از پوست یا گوشت حیوان حلال گوشتی که ذبح شرعی نشده یا از اجزاء حیوان حرام گوشت تهیه شده باشد، حرام است، البته در صورتی که معلوم نباشد ثلاثینی که می‌خواهد بخورد از قسم حلال است یا حرام، خوردن آن حرام نیست.

۴۳۸

### دف زدن در جشن‌ها

استفاده از دف، در مجالس شادی زنانه (مولودی‌ها و جشن عروسی و...) چه حکمی دارد؟

اگر به گونه‌ای استفاده شود که انسان را از خداوند متعال و معنویات و فضایل اخلاقی دور کند و به سمت بی بندوباری، بی‌په‌ودگی و گناه سوق دهد، حرام است، در هر صورت استفاده از آلات موسیقی در مناسبت‌های مذهبی شایسته مجالس اهل بیت علیهم‌السلام نیست، هر چند از نوع حلال باشد، باید قداست و مقام اهل بیت علیهم‌السلام مراعات شود.

۴۳۹

### خرید کالای ایرانی

آیا خرید کالای ایرانی ثواب هم دارد؟

اگر به نیت تقویت مسلمانان و اقتصاد نظام اسلامی انجام شود قطعاً ثواب دارد.

## جایزه مسابقه پیامکی

**سوال** حکم دریافت جوایزی که به ازای مسابقات پیامکی داده می‌شود چیست؟

**جواب** اگر در قبال شرکت در قرعه‌کشی چیزی دریافت نشود و کسر نمودن پول، در قبال هزینه پیامک باشد فی نفسه اشکال ندارد ولی اگر مبلغی به جهت شرکت در قرعه‌کشی کسر می‌شود به نحوی که با پول شرکت کنندگان جایزه تهیه و به برنده می‌دهند، صورت شرعی ندارد و همان شرط بندی حرام می‌باشد.

## خرید کالای اسرائیلی

**سوال** آیا خرید کالایی که تولید رژیم صهیونیستی است، اشکال دارد؟

**جواب** به طور کلی خرید و فروش هرگونه محصول رژیم غاصب صهیونیستی یا تولیدات شرکت‌های صهیونیستی یا شرکت‌هایی که رژیم صهیونیستی از سود آنها بهره می‌برد، حرام است. در صورتی که ندانید منافع آن عاید صهیونیست‌ها می‌شود و یا در راه دشمنی با اسلام و مسلمانان به کار می‌رود یا نه، خرید و استفاده، اشکال ندارد.

۴۴۰

## تهمت زدن به دیگران

**سوال** افترا و تهمت زدن به دیگران در صورت عدم اثبات، چه حکمی دارد و وظیفه کسی که تهمت زده چیست؟

**جواب** تهمت از گناهان بزرگ است و توبه جدی و واقعی از آن لازم است و باید گفته‌های خود را نزد هر کس که رسانده است، تکذیب کند و رضایت کسی را که به او تهمت زده است، به دست آورد.





### الزام آور بودن قرعه

**سوال** در جایی که ورثه در ملکی از ترکه شریک باشند و با شرایط، بر اساس قرعه آن را تقسیم کنند، آیا می‌توانند با قرعه مخالفت کنند یا قرعه الزام آور است؟

**جواب** اگر قرعه به نحو شرعی انجام گرفته، الزام آور است و حق ابطال و فسخ و حتی اقاله آن را ندارند.



### شبکه‌های اجتماعی

**سوال** حکم استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی را بیان فرمایید.

**جواب** به‌طور کلی اگر استفاده از شبکه‌های اجتماعی و مانند آن، مستلزم مفسده (مانند ترویج فساد، نشر اکاذیب و مطالب باطل، ضرر به اسلام و مسلمین) بوده یا خوف ارتکاب گناه باشد یا بر خلاف قوانین و مقررات نظام جمهوری اسلامی باشد، جایز نیست و تشخیص موضوع بر عهده مکلف می‌باشد.



### چهارشنبه سوری

**سوال** چهارشنبه سوری و شرکت در آن چه حکمی دارد؟

**جواب** چهارشنبه سوری هیچ مبنای شرعی ندارد و اگر مستلزم ضرر و فساد یا موجب ترویج اعتقادات باطل باشد، جایز نیست.



### استخاره

استخاره در لغت به معنای طلب خیر است که در هر شرایطی مناسب است انسان از خداوند طلب خیر نماید. اما استخاره مفهوم دیگری دارد که بین مردم مرسوم است که به وسیله قرآن یا تسبیح برای رفع حیرت و تردید (به طوری که قادر بر اتخاذ تصمیم نباشد) در انجام کارهای مباح است، اعم از اینکه تردید در اصل عمل باشد یا در

چگونگی انجام آن. البته بعد از استمداد از نیروی عقل و فکر و مشورت با افراد پر تجربه و مطمئن برای انجام کار خیر صورت می‌گیرد، بنابراین در کارهای خیر که در آن‌ها حیرت وجود ندارد، استخاره لازم نیست و همچنین استخاره برای آگاهی از آینده شخص یا عمل نمی‌باشد. ولی برخی از مردم برای هر چیزی حتی برای انجام کارهای منفی خود استخاره می‌کنند، همچون سقط جنین، طرد پدر بیمار، طلاق گرفتن و...<sup>۱</sup>

سؤال آیا عمل به استخاره واجب است؟

جواب الزام شرعی در عمل به استخاره وجود ندارد ولی بهتر است برخلاف آن عمل نشود.

سؤال آیا چند بار استخاره برای یک کار صحیح است؟

جواب چون استخاره برای رفع حیرت است، بنابراین بعد از برطرف شدن حیرت با استخاره اول، تکرار آن معنی ندارد مگر آن که موضوع تغییر کند.

۴۴۳

## احتکار

سؤال احتکار چه چیزهایی از نظر شرعی حرام است؟ آیا تعزیر مالی

محتکران به نظر جناب عالی جایز است؟

جواب حرمت احتکار براساس آن چه در روایات آمده و نظر مشهور هم همان است، فقط در غلات چهارگانه و در روغن حیوانی و روغن نباتی است که طبقات مختلف جامعه به آن نیاز دارند، ولی حکومت اسلامی هنگامی که مصلحت عمومی اقتضا کند، حق دارد از احتکار سایر احتیاجات مردم هم جلوگیری کند و اجرای تعزیر مالی بر محتکر در صورتی که حاکم صلاح بداند، اشکال ندارد.

۱ - استفتائات رهبری، س ۱۴۳۴ تا س ۱۴۳۸. برخی فکر می‌کنند حکم شرعی را با استخاره تشخیص دهند، یا انتظار غیب‌گویی دارند و با قرآن تفال می‌زنند، در حالی که امام صادق علیه السلام از تفال زدن به قرآن نهی فرموده‌اند.

۴۴۴

## برد و باخت در بازی

## شطرنج

**سوال** نظر شریف حضرتعالی در رابطه با شطرنج چه می باشد؟  
**پاسخ** برای مکلفی که ابراز کرده مهره‌های شطرنج از آلات قمار بودن خارج شده است و کسی دیگر با آن قمار نمی کند بازی با آن بدون قصد برد و باخت اشکال ندارد.

## بیلیارد

**سوال** اخیراً ورزش بیلیارد در سطح وسیعی رایج شده است نظر حضرتعالی درباره این چیست؟  
**پاسخ** اگر باخت و یا موجب ترتب مفاسد اخلاقی یا اجتماعی و یا مستلزم همراه بودن با محرمی از محرمات الهی باشد جایز نیست.  
**سوال** بازی با آلات قمار مانند پاسور و غیر آن از طریق کامپیوتر چه حکمی دارد؟  
**پاسخ** اگر بازی بین دو نفر باشد حکم بازی با آلات قمار دارد و اگر به تنهایی بازی می کند در صورتی که مفسده‌ای بر آن مترتب نباشد اشکال ندارد.

۴۴۵

## ساخت و خرید و فروش طلا برای مردان

**سوال** ساختن و خرید و فروش حلقه طلای مردانه چه حکمی دارد؟  
**پاسخ** ساخت، خرید و فروش حلقه طلا جهت استفاده مرد حرام است.

## انگشتر طلا برای مردان

**سوال** به دست کردن انگشتر طلا توسط مردان به خصوص در نماز چه حکمی دارد؟

به دست کردن انگشتر طلا برای مردان در هیچ حالی جایز نیست و نماز با آن هم بنا بر احتیاط واجب، باطل است.



### بازاریابی شبکه‌ای (هرمی)

یک شرکت داخلی فروش کتاب، برای عضویت مبلغی دریافت می‌کند و در ازای آن کتاب‌های درخواستی را با پست مجانی ارسال می‌کند. همچنین اگر هر عضو، افراد دیگری را به عضویت شرکت ترغیب کند، به ازای هر دو نفر و با شرایط خاص، مبلغ دو هزار تومان به شخص معرفی کننده به عنوان حق بازار یابی پرداخت می‌کند. عضویت افراد به صورت شبکه‌ای ثبت می‌شود و هر شخص، دارای دو نفر زیر مجموعه می‌گردد. در صورت تشکیل یک زوج به عنوان زیر مجموعه یک شخص، دو هزار تومان به او و همه افرادی که بالاتر از او می‌باشند پرداخت می‌گردد فرایند فوق چه حکمی دارد؟ اینگونه معامله وجه شرعی ندارد.



### مشارکت کارگران در تولید جنس تقلبی

بعضی از شرکت‌های زعفران، ساقه زعفران را که نسبت به سرگل یا ممتاز، ۱۰ برابر کم‌تر ارزش دارد، رنگ کرده و با خود زعفران بسته بندی می‌کنند و به قیمت بالا می‌فروشند، آیا این عمل حرام است؟ کارگرانی که مجبورند این عمل را انجام دهند، در گناه این عمل شریکند؟

این کار حرام است و هر کس که در این کار دخالت داشته باشد، در گناه آن شریک است.

۴۴۸

## پرداخت مالیات

**سوال** آیا پرداخت مالیات بردرآمد و سایر مالیات‌ها، واجب است؟ آیا مالیات به عنوان خمس یا زکات محسوب می‌شود؟

**پاسخ** پرداخت مالیات مطابق قانون رسمی نظام جمهوری اسلامی واجب است و جایگزین خمس یا زکات نمی‌شود.

۴۴۹

## ثبث نام حج در صورت نگرانی از بیماری

**سوال** در صورت نگرانی از کرونا و نامشخص بودن زمان مهار آن، آیا ثبث نام حج برای افرادی که دارای استطاعت مالی و توان بدنی هستند، وجوب شرعی دارد؟

**پاسخ** تا وقتی از طرف نهادهای مسئول، منعی اعلام نشده است در صورت استطاعت، باید برای انجام فریضه الهی و مهم حج اقدام گردد.

۴۵۰

## روزه ماه رمضان در هنگام شیوع بیماری

**سوال** در شرایط کنونی که بیماری کرونا شیوع پیدا کرده است، روزه گرفتن در ماه رمضان چه حکمی دارد؟

**پاسخ** روزه به عنوان یک تکلیف الهی در حقیقت نعمت خاص خداوند بر بندگان است و از پایه‌های تکامل و اعتلاء روحی انسان به شمار می‌رود و برامت‌های پیشین نیز واجب بوده است.

از آثار روزه پدید آمدن حالت معنوی و صفای باطن، تقوای فردی و اجتماعی، تقویت اراده و روحیه مقاومت در برابر سختی‌هاست

و نقش آن در سلامت جسم انسان نیز روشن است و خداوند اجر عظیمی برای روزه داران قرار داده است. روزه از ضروریات دین و ارکان شریعت اسلام است و ترک روزه ماه مبارک رمضان جایز نیست مگر آنکه فرد، گمان عقلایی پیدا کند که روزه گرفتن موجب:

- ایجاد بیماری؛
  - و یا تشدید بیماری؛
  - و یا افزایش طول بیماری و تأخیر در سلامتی می شود.
- در این موارد روزه ساقط ولی قضای آن لازم است. بدیهی است در صورتی که این اطمینان از گفته پزشک متخصص و متدین نیز به دست آید، کفایت می کند. بنابراین اگر فردی نسبت به امور یاد شده خوف و نگرانی داشته و این خوف منشأ عقلایی داشته باشد، روزه ساقط ولی قضای آن لازم است.

والحمد لله اولاً و آخراً

دفتر مطالعات پژوهش‌ها  
و ارتباطات خوزوی

## ضمیمه

روش بیان احکام



کتاب درسنامه روش بیان احکام







## شیوه ها و مهارت های بیان احکام

### مقدمه

رهبر معظم انقلاب به این جانب فرمودند: "احکام روزه را هر سال بگویید حتی اگر مخاطبان شما همان مخاطبان سال قبل باشد، چرا که خیلی از مسائل آن در طول سال فراموش می شود" این فرمایش مقام معظم رهبری بدان معناست که تکرار در احکام نه تنها مغل نیست بلکه لازم و ضروریست، لذا امامان محترم جماعت بدون هیچ نگرانی مقداری از وقت بین الصلواتین را به بیان احکام اختصاص دهند.

احکام همان عصاره احادیث و روایات است که از طریق فقهای بزرگوار به دست ما رسیده است و روحانیت مسئولیت سنگینی بر عهده دارد و باید معارف دینی را به صورتی قابل قبول و جذاب به مردم آموزش دهد و این نوع آموزش، خود هنر است.

چون درستی اعمال مکلفین به تطابق آن اعمال با احکام شرعی بر می‌گردد و یاد گرفتن احکام شرعی به مقداری که غالباً مورد نیاز است، واجب می‌باشد، پس یاد دادن همان مقدار از احکام به دیگران نیز بر ما واجب است؛ یعنی اگر بر مردم تعلّم احکام واجب است، بر عالمان دین نیز تعلیم آن‌ها واجب است.

بنابراین، به عنوان یک تکلیف شرعی در کنار سایر وظایف دینی و نشر سایر علوم اسلامی، باید اهتمام بیشتری به آموزش احکام داشته باشیم و در هر جا که هستیم، به مقدار وسعمان وقت مناسبی را برای این امر اختصاص دهیم و مردم را با وظایف دینی شان آشنا سازیم. کسی که می‌خواهد احکام شرعی بگوید، قطعاً باید خود، آشنایی به احکام شرعی داشته باشد یا به تعبیر دیگر، مسئله‌گو باید مسئله‌دان باشد.

- انتخاب بحث؛
  - مطالعه دقیق و کامل بحث انتخابی؛
  - انتخاب مسائل در بحث انتخاب شده؛
  - تنظیم و دسته بندی مسائل؛
  - خلاصه نویسی و یادداشت برداری.
- الف: مقدمات بیان احکام**

#### • انتخاب بحث (ملاک‌ها)

۱. توجه به نیاز مخاطبین: عوامل مهم در تعیین نیاز مخاطبین کدام

است؟

- ✓ **ملاحظه سن افراد؛** اعم از کودکان، نوجوانان و بزرگسالان.
- ✓ **ملاحظه جنسیت افراد؛** چرا که مسائل مورد نیاز خانم‌ها و آقایان، دخترها و پسرها متفاوت است.
- ✓ **ملاحظه موقعیت مکانی افراد؛** کجا زندگی می‌کنند؟ مثلاً

نوجوانانی که در شهر تهران زندگی می‌کنند، احتیاج به بعضی از احکامی که مورد نیاز نوجوانان روستایی است، ندارند و همچنین بالعکس.

✓ **ملاحظه موقعیت زمانی:** مثلاً زمانی مسائل شطرنج مثل حالا مطرح نبود و همه معتقد بودند که بازی با آن حرام است؛ اما زمان، آن را تغییر داده است. به نظر برخی این وسیله، دیگر وسیله قمار نیست و به نظر برخی از مراجع تقلید، بازی با آن بدون برد و باخت اشکال ندارد.

یا برای مثال قبل از انقلاب اسلامی، افراد خیلی اهل اعتکاف نبودند و تعداد معدودی در برخی شهرها معتکف می‌شدند؛ ولی الآن هزاران نفر در مساجد معتکف می‌شوند و باید مسائل اعتکاف را بدانند. همچنین است مسئله پیوند اعضاء و شبیه سازی و امثال اینها.

✓ **ملاحظه موقعیت شغلی افراد:** به عنوان مثال اگر بخواهید روز معلّم برای عده ای از معلّمان صحبت کنید و احکام و مسائل شرعی را برای آن‌ها بگویید، قطعاً شغل آن‌ها در تعیین نیازشان مؤثر است و به ذهنتان می‌آید از مسائلی بگویید که متناسب شغل آنها باشد و یا در روز پرستار باید احکامی را برای پرستاران بیان کنید که متناسب شغل آنان باشد.

۲. توجه به سطح مخاطبین: آیا بحثی را که می‌خواهد مطرح کند، برای مخاطب قابل فهم است یا خیر؟

حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «**لَا تَقُلْ مَا لَا تَعْلَمُ بَلْ لَا تَقُلْ كَلِمًا مَا تَعْلَمُ**؛ آنچه را نمی‌دانی، مگو، بلکه هر آنچه را می‌دانی نیز مگو!» بنابراین، مطالعه برای کسب آگاهی لازم است تا انسان عالمانه حرف بزند؛ اما نه به این معنی که هر آنچه را می‌داند برای همه و در همه جا بگوید.

۳. مدیریت زمان: به نحوی بحث خود را با زمانی که در اختیارش قرار داده اند تنظیم کند تا بتواند حق مطلب را ادا کند.

#### • تنظیم و دسته بندی مسائل

امیرمؤمنان علی علیه السلام می فرماید: «أَحْسَنُ الْكَلَامِ مَا زَانَهُ حُسْنُ النَّظَامِ وَفَهْمُهُ الْخَاصُّ وَالْعَامُّ؛ بهترین سخن آن است که حسن نظام، آن را زینت داده باشد و عام و خاص آن را بفهمند.»

مطالبی را که ما می خواهیم برای مخاطبین بیان کنیم، اگر منظم و دسته بندی شده باشد، قطعاً بهتر می فهمند. غرض از بیان احکام نیز در مرحله اول، فهم احکام است و در مرحله بعد، عمل به آنهاست و در صورت منظم بودن، هم خودمان بهتر می توانیم مطالب را تبیین کنیم و هم مخاطبان بهتر می فهمند.

برای دسته بندی احکام از این شیوه ها می توان، استفاده کرد:

✓ خوشه ای یا نموداری.

✓ پرسشی.

✓ عنوانی.

✓ تلفیقی یا ترکیبی.

#### ۱- شیوه خوشه ای (نموداری):

همان شیوه متعارف و متداول است که یک بحثی را از کل به جزء می برند و این شیوه از بقیه شیوه ها راحت تر است: یک نمونه از احکام به شیوه نموداری، بحث نمودار واجبات نماز در صفحه ۸۲ همین کتاب می باشد.

#### ۲- شیوه پرسشی:

بدین ترتیب که پس از انتخاب مسائل در قالب چند سؤال دقیق و با ترتیب منطقی و منظم، سؤال ها را مطرح می کنیم و به جواب آنها

می‌پردازیم.

برای نمونه، بحث موسیقی را به شیوه پرسشی مطرح می‌کنیم:

الف. موسیقی و غنا چیست؟

ب. آیا موسیقی و غنا مطلقاً حرام است؟

ج. ملاک تشخیص موسیقی حلال و حرام چیست؟

د. نواختن و گوش دادن به موسیقی مشکوک چه حکمی دارد؟

هـ. آیا موسیقی‌هایی که از رادیو و تلویزیون جمهوری اسلامی ایران

پخش می‌شود یا مجوز ارشاد دارد، حلال است؟

و. سؤالات دیگری که در همین زمینه می‌توان طرح کرد و جواب آن‌ها

را طبق فتاوی‌ای مراجع داد.

### ۳- شیوه عنوانی:

تعدادی عناوین مورد نیاز و جذاب را انتخاب می‌کنیم بعد در بین

احکام و مسائل شرعی، مسائلی که مربوط به عنوان مورد نظر است،

جمع آوری می‌کنیم. بعد همان عنوان را به عناوین دیگر تقسیم بندی

می‌کنیم. به عنوان نمونه، احکام لباس را بدین شیوه تقسیم بندی

می‌کنیم:

الف. لباس نماز؛

ب. لباس پوشش (لباس حجاب)؛

ج. لباس احرام؛

د. لباس آخرت، یعنی لباس میت.

سپس وارد شرایط لباس‌ها می‌شویم که مثلاً لباس نماز چه شرایطی

باید داشته باشد؟ اینکه مباح و پاک باشد، از اجزاء حیوان حرام گوشت

نباشد و شرایط دیگر.

### ۴- شیوه ترکیبی (تلفیقی):

در این شیوه ممکن است از شیوه عنوانی و پرسشی شروع کنیم و

خوشه‌ای و نموداری پیش برویم؛ یعنی تلفیقی از آن سه شیوه را استفاده

کنیم.

- ساده گویی؛
- تبشیر؛
- تمثیل؛
- نوشتار؛
- جاذبه‌های هنری؛
- آموزش عملی؛
- پرسش؛
- پاسخ به سؤالات؛
- رفع اشتباه.

## ب: اصول و نکات مهم در بیان احکام

### ۱. ساده گویی:

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به معاذ بن جبل هنگامی که او را به یمن فرستادند، در ضمن بیانی فرمودند: «يَسِّرْ وَلَا تُعَسِّرْ؛ آسان بگیر و سخت نگیر!» معاذ به عنوان رئیس حکومت و والی و حاکم به یمن فرستاده نشد، بلکه به عنوان یک مبلّغ دین به یمن رفت و مراد حضرت ظاهرا این بود که در امر تبلیغ به گونه و به شیوه ای عمل کن که بر مردم سخت نباشد؛ یعنی تصوّر نکنند که این دین، دین مشکلی است.

پس در بیان احکام باید مسائل را به گونه ای بیان کنیم که برای مردم قابل فهم باشد. مقصودمان ساده کردن احکام برای عمل نیست که مثلا اگر احتیاط واجب بود، بگوییم: احتیاط مستحب است و اگر واجب بود، بگوییم واجب نیست؛ بلکه باید احکام را به گونه ای توضیح دهیم که مخاطبان متوجه شوند. مقصود از ساده گویی هم این است که اولاً، در بیان احکام از اصطلاحات و لغات نامأنوس غیر ضروری پرهیزیم و ثانياً، از جملات کوتاه و روان استفاده کنیم.

یک جمله فقهی پر از اصطلاحات را مثال می زنیم و بعد به صورت روان بیان می کنیم: «اگر حیوانی فری اوداج اربعه بشود مستقبلاً الی القبله با آلت حدیدیه به ید مسلمان با ذکر اسم جلاله، حلال است

و گرنه حرام است.» این جمله برای اهل فن هیچ اشکالی ندارد؛ ولی آیا کسانی که با این اصطلاحات سرکار ندارند، متوجه می‌شوند؟ همین مسئله را می‌توان این گونه مطرح کرد:

«اگر حیوانی با این شرایط سر بریده شود، حلال است و گرنه حرام خواهد بود:

۱. چهار رگ معروف بریده شود؛
۲. حیوان هنگام ذبح رو به قبله باشد؛
۳. با ابزار آهنی سر بریده شود؛
۴. مسلمان، حیوان را سر ببرد؛
۵. هنگام سر بریدن، نام خدا را ببرد؛ یعنی بسم الله بگوید.»

## ۲. تیشیر:

از جمله سفارشات پیامبر ﷺ به معاذ، این بود که: «یا معاذُ بَشِّرْ وَلَا تَنْفِرْ؛ ای معاذ! بشارت بده و نفرت ایجاد مکن!» باید توجه داشته باشیم، مطلبی را که می‌گوییم آیا در دل مخاطب نسبت به دین و نسبت به آن مطلب، ایجاد علاقه می‌کند یا اینکه ایجاد تنفر می‌کند؟ ما باید این احکام زیبا و متقن را صحیح و به گونه ای بیان کنیم که افراد به احکام علاقه مند شوند.

### شیوه های پرهیز از ایجاد تنفر در بیان احکام:

**الف.** مسائل را به گونه ای بیان نکنیم که مخاطب به ویژه جوان و نوجوان تصور کند اسلام از او سلب آزادی کرده است؛ چرا که انسان به آزادی علاقه مند است. اگر مخاطب تصور کند که اسلام و احکام دینی او را به بند می‌کشد و بر سر همه راه ها علامت ورود ممنوع می‌گذارد، بعید است علاقه چندانى به دین نشان دهد. بنای دین این نیست که در اسلام محرمات بیش از مباحات باشد.

توجه به این نکته لازم است که در اسلام چهار اصل مهم داریم که باید بر آنها تاکید شود:

۱. اصل طهارت، یعنی اصل بر این است که همه چیز پاک است؛
۲. اصل اباحه، یعنی اصل بر این است که اعمال و کارها جایز است «الْأَمَّا خَرَجَ بِالذَّلِيلِ»؛
۳. اصل حلیت که خداوند برای شما پاک و پاکیزه و طیب را حلال کرده است؛

۴. اصل صحت که یعنی اصل بر صحت عمل مؤمن است.

ب. بنای ما در بیان احکام، گره گشایی باشد؛ یعنی مشکلات و مسائل شرعی مبهم را که مخاطبان تصور باطل از آن‌ها دارند، به صورت روشن بیان کنیم؛ مثلاً خیلی از مردم خیال می‌کنند موش، سوسک و استفراغ نجس است؛ در حالی که اینها نجس نیستند. یک سری سؤالات هم ممکن است برای خود ما پیش بیاید که برای مردم هم پیش می‌آید، مثل: آب کشیدن موکت چسبیده که برای خیلی‌ها مشکل است و اینکه آیا ماشین‌های لباس شویی مُظَهَّر و پاک کننده هستند یا نه؟ پس باید در بیان احکام اصل را برگره گشایی بگذاریم.

ج. بیان برخی احکام کلی که مخاطب فکر کند احکام زیادی فرا گرفته است؛ مثلاً اینکه تمام نمازها باید با طهارت باشد، به جز نماز میت. این یک مسئله کلی است که چندین مسئله را از آن یاد می‌گیرند.

### ۳. تمثیل:

استفاده از مثال و مصداق در بیان احکام شرایطی دارد:

- الف. مطابق با حکم باشد؛
- ب. در سطح فهم افراد باشد؛
- ج. مطابق با نیاز افراد باشد؛ یعنی مثال قدیمی نباشد و مبتلی به باشد؛
- د. مختصر و گویا باشد؛
- ه. به قدر نیاز آن مسئله باشد.



یک مسئله ممکن است مصادیق زیادی داشته باشد و پیچیده به نظر بیاید، در این مورد باید چند مثال بزنیم تا واضح شود. در جایی که مطابقت با نیاز مخاطب را بیان می‌کنیم چنین مثال می‌آوریم:

در بحث ضمان در کتاب لمعه به شتر مثال زده شده که اگر فرد اجاره کننده در نحوه استفاده یا نگهداری آن افراط و تفریط کرده باشد، ضامن است و الا ضامن نیست. امروزه این مثال کاربرد ندارد؛ چون غالب افراد شتر اجاره نمی‌کنند و مثال قدیمی است. اگر بخواهیم در باب ضمان مثال بزنیم و برای نوجوانان مسئله بگوییم، می‌توانیم از مثال‌های دوچرخه، کتاب و توپ استفاده کنیم. همچنین برای خانم‌های خانه دار می‌توانیم مثال بزنیم به اینکه اگر خانمی برای برگزاری مراسمی از همسایه اش فرش و ظرف گرفته است، باید در حفظ آن‌ها کوشا باشد و اگر کوتاهی کند، ضامن است.

#### ۴. نوشتار:

یکی از اصول کلاس داری این است که بعضی از پرسش‌ها و نمودارها را روی تخته می‌نویسند. امروزه هم ثابت شده است که اگر قوه بینایی به کمک قوه شنوایی بیاید، در فراگیری و شناخت بسیار مؤثر است.

#### ۵. جاذبه‌های هنری:

یکی از راه‌هایی که می‌توانیم از خستگی و یک نواختی کلاس بکاهیم، استفاده از جاذبه‌های هنری است، همچون: نقاشی، خطاطی، معما، شعر، داستان، جدول، فیلم و نمایش.

#### ۶. آموزش عملی:

بسیاری از مسائل فقهی، قابلیت آموزش عملی دارند، مثل: وضوی جبیره، نماز جماعت، نماز آیات و حج؛ تبلیغ دین فقط گفتاری نیست،

بلکه آموزش عملی هم باید داشته باشیم و این سیره پیامبر اکرم ﷺ است که فرمود: «صَلُّوا كَمَا رَأَيْتُمُونِي أُصَلِّي»؛ نماز بخوانید همانطور که من نماز می‌خوانم!.

حماد بن عیسی می‌گوید: روزی امام صادق ع به من فرمودند: «چقدر خوب است بلند بشوی و یک نماز بخوانی.» گفتم: ای آقای من! من کتاب حریر را حفظ هستم و مطابق آن نماز می‌خوانم. حضرت فرمودند: «اشکال ندارد، بلند شو یک نماز بخوان ببینم!»

می‌گوید: بلند شدم و یک نماز خواندم. حضرت فرمودند: «برای شما که از اصحاب ما هستید، زشت است این طوری نماز بخوانید.» بعد حضرت نماز خواندند و گفتند: «این گونه نماز بخوانید!» از این حدیث بر می‌آید که این نماز، نماز آموزشی بوده است و این، آموزش عملی احکام است.

#### ۷. پرسش:

یکی از عوامل خسته کننده بودن بیان احکام، این است که ما همیشه متکلم وحده باشیم؛ بنابراین، با سؤال از حاضران می‌توان از این حالت بیرون آمد. سؤال از حاضران بر دو نوع است: یا سؤال آموزشی است که از ناگفته هاست و یا سؤال آزمایشی است که از گفته‌های قبل است.

#### ۸. پاسخ به سؤالات:

برای پاسخ گویی به سؤالات حاضران چند نکته را باید به مخاطبین تذکر دهیم تا ایرادگیری‌ها کم شود و سؤال‌ها سامان پیدا کند و ما بهتر بتوانیم جواب دهیم:

الف. شیوه خودمان در پاسخ گویی به سؤالات را در همان جلسه اول بگوییم.

ب. تذکر دهیم که سؤالات باید نفع عمومی داشته باشد.

ج. تذکر دهیم که سؤالات باید مربوط به بحث باشد و سؤالاتی که

مربوط به بحث نیست، برای پایان جلسه گذاشته شود. البته در پاسخ گویی، از شیوه های شفاهی یا کتبی می توان استفاده کرد؛ ولی برخی سؤال های مکتوب را حتما باید به صورت کتبی جواب داد.

### ۹. رفع اشتباه:

اگر مسئله ای اشتباه گفته شود، در صورت امکان باید با توضیح صحیح، رفع اشتباه کرد.

- ج: موارد ممنوع در بیان احکام**
- پرهیز از بیان مسائل، به گونه ای که موجب زیادی شک و وسوسه شود؛
  - پرهیز از استدلال فقهی در بیان احکام؛
  - پرهیز از بیان فلسفه احکام؛
  - پرهیز از بیان اختلاف فتاوا.

### ۱. پرهیز از بیان مسائل، به گونه ای که موجب زیادی شک و وسوسه شود:

اصل احتیاط مطلوب است، اما گاهی احتیاط در ترک احتیاط است. وسوسه هم که اصلاً خوب نیست. برخی از مسائل، شک، وسوسه و احتیاط را زیاد می کند، مانند این مسئله: «اگر در غسل به اندازه سر مویی از بدن نشسته بماند، غسل باطل است.» وقتی اصل مسئله که «در غسل باید تمام بدن شسته شود.» گفته شد، دیگر گفتن آن قسمت ضرورت ندارد؛ هر چند آن قسمت را برای دقت در احکام گفته اند تا افراد در طهارت و نجاست بی قید نباشند؛ ولی بیانش ممکن است موجب ایجاد وسواس در مخاطب شود. بسیاری از افراد که دچار وسواس می شوند، به جهت نوع مسئله گفتن مبلغان است.

## ۲. پرهیز از استدلال فقهی در بیان احکام:

استدلال فقهی برای اهل فن مانعی ندارد؛ ولی برای غیر اهل فن ضرورت ندارد؛ البته می‌توانیم از آیات و روایاتی که حکم قطعی یا فضیلت و آثار حکم را بیان می‌کند، استفاده کنیم؛ مثل آیه «كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» که وجوب روزه را بیان می‌کند، و آیه «وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَ لِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسْكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ» که مصارف خمس را بیان می‌کند و همه فقها اتفاق دارند که مصارف خمس همین هاست. و آیات و روایاتی که فضیلت حکمی را بیان می‌کند؛ مثل: «الْوُضُوءُ عَلَى الْوُضُوءِ نُورٌ عَلَى نُورٍ» و «إِنْ تُقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يَضْعَفْهُ لَكُمْ» اینها اشکالی ندارد.

## ۳. پرهیز از بیان فلسفه احکام:

گاهی می‌پرسند که چرا باید این کار را انجام دهیم؟ چرا نماز صبح دو رکعت است؟ چرا خانم‌ها نمی‌توانند مرجع تقلید بشوند؟ این چراها، سؤال از حکمت و فلسفه احکام است، که اشکالی هم ندارد؛ چون از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هم پرسیده‌اند و برخی از فلسفه احکام را معصومین علیهم السلام بیان کرده‌اند. کتاب «علل الشرائع» تألیف شیخ صدوق روایاتی که فلسفه احکام را بیان کرده، یک جا جمع کرده است. البته برگزار کردن جلساتی جداگانه برای بیان فلسفه احکام اشکالی ندارد؛ ولی نباید در کلاس احکام به فلسفه احکام پردازیم، مگر مواردی که فلسفه حکم به طور قطعی شناخته شده و موجب تقویت اعتماد شنوندگان می‌شود؛ اما فلسفه بسیاری از احکام شرعی برای ما معلوم نیست.

به عنوان مثال، از حضرت امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام نقل کرده‌اند، عَلَتْ

اینکه در هر رکعت از نماز دو سجده باید به جا آوریم، این است که در سجده اول سر به سجده می‌گذاریم، یعنی ما از خاکیم. سر از سجده برمی‌داریم، یعنی از خاک پدید آمده ایم. مجدداً سر به سجده می‌گذاریم، یعنی ما می‌میریم و ما را در خاک می‌گذارند. سر از سجده برمی‌داریم، یعنی مجدداً روزی برای حسابرسی مبعوث می‌شویم. این حکمت منصوص و قطعی است و بیان شده و می‌تواند میزان تعبد فرد را زیاد کند و می‌توان آن را در کلاس احکام بیان کرد؛ اما اگر بخواهیم فلسفه یک سری از احکام را بگوییم، ممکن است به یک جایی برسیم که توانایی اش را نداشته باشیم و از اصل هدف باز بمانیم. بنابراین، پیشنهاد می‌کنیم در کلاس احکام سراغ فلسفه احکام نرویم، مگر مواردی که حکمت مُصَرَّح و قطعی داشته باشد و موجب تقویت اعتماد مخاطبین شود و البته بیان فلسفه کلی احکام نیز اشکال ندارد.

#### ۴. پرهیز از بیان اختلاف فتاوا:

بیان تفاوت فتواها برای بسیاری از مخاطبان سنگین است و در یادگیری احکام برای آنان ایجاد مشکل می‌کند؛ در صورت لزوم به ورود در بیان اختلاف فتاوا، در تطبیق احکام شرعی طبق فتوای یک مجتهد باید به نکات ذیل توجه کنیم:

جلسات احکام دو دسته هستند:

✓ کوتاه مدّت یا مقطعی که حداکثر سه جلسه بیشتر نیست؛

✓ بلند مدّت که تعداد آن از سه جلسه بیشتر است.

در جلسات کوتاه مدّت دو کار می‌توان انجام داد: یکی اینکه مسائل اتفافی را بگوییم و سعی کنیم مسائل اختلافی را نگوییم و دیگر اینکه مطابق نظر مرجع تقلید خودمان بگوییم؛ یعنی فتوای کسی که به

نظرمان جامع الشرائط است و در جلسات بلند مدت بهتر است نظر مرجعی که بیشترین مقلد را در بین مخاطبان دارد، بگوییم. در مورد تفاوت فتوا باید توجه داشت که بسیاری از تفاوت های فتوایی اثر عملی ندارند؛ مثلاً یک مرجع فرموده: «واجب است.» و یک مرجع فرموده: «وجوب آن خالی از قوت نیست.» این دو تعبیر هر دو فتواست و تفاوت آن‌ها در مقام عمل تأثیری ندارد و فقط تعبیر علمی است و برای اهل فن در حوزه های علمیه خوب است؛ ولی در مرحله عمل، مقلد باید عمل کند.

«بعید نیست»، «مشهور است»، «أشهر چنین است»، «ظاهر چنین است»، «خالی از قوت نیست»، «خالی از وجه نیست» و «محل اشکال است» تمام اینها تفاوت هایی است که اثر عملی ندارند و به جز چند مورد، بقیه در مقام عمل مشترک هستند و در جایی که تفاوت عملی هم دارند، ممکن است برخی از آن‌ها قابل جمع باشند. در این صورت، شما می‌توانید یک فتوا بگویید و بقیه هم به آن عمل کنند و مشکلی پیش نیاید.

به عنوان مثال، بگویید: «برای تطهیر چیز نجس آن را با کُر، دو بار بشوید!» حالا اگر مرجع تقلیدی گفته است که یک بار هم کافی است، با آنکه اثر عملی دارد، اما مشکلی ندارد و قابل جمع می‌باشد.

توصیه می‌شود برای استفاده بیشتر

متن کامل «درسنامه روش بیان احکام»

را از اینجا دریافت نمایید.



## چند نمونه اینفوگرافی جهت نمایش در مسجد

احکام مسافر ۲



احکام مسافر ۱



جواز افطار روزه



اعمال ماه رمضان



شکایات صحیح نماز



اعتکاف



خمس ۲



خمس ۱



... ارشاد الجاهل واجب است، لکن نه در موضوعات، یا لاقلاً نه در همه موضوعات. قدر متیقن از وجوب ارشاد جاهل در احکام است که: «إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَأَهْدَىٰ مِنْ بَعْدِ مَا بَيَّنَّاهُ لِلنَّاسِ فِي الْكِتَابِ أُولَٰئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَيَلْعَنُهُمُ اللَّعُنُونَ».

کنمان احکام الهی، جایز نیست، واجب است که احکام الهی بیان بشود. اگر احکام الهی واجب بیان نبود، بلاشک در طول تاریخ به فراموشی سپرده می شد. پس ارشاد الجاهل نسبت به احکام، مسلم است.

در سرفراخ قفہ ۱۳/۷/۱۳۹۴



مرکز رسیدگی به امور مساجد

دفتر مطالعات، پژوهش ها و ارتباطات حوزوی

تلفن: ۰۲۵ - ۳۲۹۲۳۸۳۵

سایت: [www.masjed.ir](http://www.masjed.ir) - [www.masjedpajoh.ir](http://www.masjedpajoh.ir)

آدرس: قم، ۴۵ متری آیت الله صدوقی رحمته الله علیه، ۲۰ متری حضرت ابوالفضل رضی الله عنه، پلاک ۱۰۳

